



سونامی صاحب

سفر به سوی معنویت
ترجمه فارسی

مطلوب فهرست

1.	صاحب سوخمانی	-----	1
2.	آرد اس.	-----	289
3.	سفر برای فلسفه	-----	293
4.	زنان نقش	-----	295
5.	عمامه اهمیت	-----	298
6.	شماست سفر در کلیدی جوهر فروتنی	-----	300



We are distributing Free Gutkas, Divine message of the Guru globally in all the major languages, To Continue this Monumental task, please donate at <https://sggsonline.com/donation>

This Sewa has been done by Sewadars & SikhBookClub.

This text is only a translation and only gives the essence of the Guru's Divine word. For a more complete understanding, please read the Gurumukhi Sri Guru Granth Sahib Ji. If any errors are noticed, please notify us immediately via email at walnut@gmail.com.

Publisher: SikhBookClub.com

گوئیگری سُکھمانی مः ۴ ॥

به معنی تاچی از سعادت است SUKHMANI: برآگ گواری، معلم مذهبی پنجم

سَلَوْكٌ ॥

: شالوک

۱۶۰ سَاتِيْغُورَ پُعْسَادِ ॥

یک خدای ابدی به لطف معلم مذهبی شناسایی شده است

آَدِيْغُورَ إِنْمَارِ ॥

. من به معلم مذهبی اول تعظیم می کنم

جُرَاجَادِيْغُورَ إِنْمَارِ ॥

. من بع معلم مذهبی تعظیم می کنم که قبل از شروع عصرها بوده است

سَاتِيْغُورَ إِنْمَارِ ॥

. من به معلم مذهبی ابدی واقعی تعظیم می کنم

سُرِيْغُورَ دَهَوَإِنْمَارِ ॥۹ ॥

. من به معلم مذهبی مقدس بزرگ تعظیم می کنم

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپਾਦੀ

ਸਿਮਰਉ ਸਿਮਰਿ ਸਿਮਰਿ ਸੁਖੁ ਪਾਵਉ ॥

من خدارا با عبادت عاشقانہ بے خاطر می آورم و بے خاطر آوردن او در هر زمانی باعث می شود من سعادت
ا بدی را تجربہ کنم

ਕਲਿਕਲੇਸਤਨਮਾਹਿ ਮਿਟਾਵਉ ॥

و همه می نگرانی ها و غم هارا از دهن من دور می کند

ਸਿਮਰਉ ਜਾਸੁ ਬਿਸੁੰਭਰ ਏਕੈ ॥

من بے خدایی می اندیشم کہ کل جهان را حفظ می کند

ਨਾਮੁਜਪਤਾਗਨਤਾਲੇਕੈ ॥

مردم بیشماری اور ادرا ریاد دارند

ਬੇਦਪੁਰਾਨ ਸਿੰਮ੍ਰਿਤਿ ਸੁਧਾਖਜਜਰ ॥

ودا، پوراناس و اسمیریت، ناب ترین سخنان،

ਕੀਨੇਰਾਮਨਾਮ ਇਕਾਖਜਜਰ ॥

کسی رشناختہ اند کہ نام خداوند را مقدس ترین می داند

ਕਿਨਕਾਏਕ ਜਿਸੁਜੀਅਬਸਾਵੈ ॥ ਤਾਕੀਮਹਿਮਾਗਨੀਨਆਵੈ ॥

شکوه و عظمت کسی را که خداوند در قلب او بے صورت حتی ذره ای از نعم نفوذ کرده است نمی توان وصف کرد.

ਕਾਂਖੀਏਕੈਦਰਸਤੁਹਾਰੇ ॥ ਨਾਨਕ ਉਨਸੰਗਿਮੋਹਿਉਧਾਰੇ ॥੧॥

نانک می گوید، ای خدا، مرا همراه کسانی نگه دار که حضور مقدس تو را تجربه کرده اند.

ਸੁਖਮਨੀਸੁਖਅੰਮ੍ਰਿਤਪ੍ਰਭਨਾਮੁ ॥

نام مطبوع خداوند جواهر با شکوهی از آرامش و سعادت است

ਭਗਤਜਨਾਕੈਮਨਿਬਿਸ੍ਰਾਮ ॥ ਰਹਾਉ ॥

و این شهد نام خداوند در قلب پیروان واقعی او قرار دارد. لکث

ਪ੍ਰਭਕੈਸਿਮਰਨਿਗਰਭਿਨਬਸੈ ॥

بایاد آوری خداوند، فرد از چرخی تولد و مرگ آزاد می شود.

ਪ੍ਰਭਕੈਸਿਮਰਨਿਦੂਖੁਜਮੁਨਸੈ ॥

بایاد آوری خداوند، ترس از شیطان از بین می رود

ਪ੍ਰਭਕੈਸਿਮਰਨਿਕਾਲੁਪਰਹਰੈ ॥

بایاد آوری خداوند، ترس از مرگ از بین می رود

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਦੁਸਮਨੁ ਟਰੈ ॥

بایادآوری خداوند گناهان فرد از بین می روند

ਪ੍ਰਭ ਸਿਮਰਤ ਕਛੁ ਬਿਘਨੁ ਨ ਲਾਗੈ ॥

بایادآوری خداوند باعث می شود فرمانی در زندگی اش نداشته باشد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਅਨਦਿਨੁ ਜਾਗੈ ॥

بایادآوری خداوند، فرد همواره هشدار گناهان و وسوسه های دنیوی را دریافت می کند

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਭਉ ਨ ਬਿਆਪੈ ॥

بایادآوری خداوند ترس بر فرد غلبہ نمی کند

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਦੁਖੁ ਨ ਸੰਤਾਪੈ ॥

بایادآوری خداوند، فرد از هیچ غمی رنج نمی برد

ਪ੍ਰਭ ਕਾ ਸਿਮਰਨੁ ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ॥

بایادآوری امید بخش خداوند رکروه مقدس شایع می شود

ਸਰਬ ਨਿਧਾਨ ਨਾ ਨ ਕਹਰਿ ਰੰਗਿ ॥੨॥

ای نانک، تمام لمحہای دنیا در عشق خداوند هستند

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਰਿਧਿ ਸਿਧਿ ਨਉ ਨਿਧਿ ॥

دریادآوری خداوند قدرت‌های سری و هم‌بی نگنج جهان نهفته است

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਗਿਆਨੁ ਧਿਆਨੁ ਤਤੁ ਬੁਧਿ ॥

دریادآوری خداوند دانش، عبادت و ضرورت خرد وجود دارد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਜਪਤਪੂਜਾ ॥

دریادآوری خداوند مناجات، عبادت شدید و بندگی مخلصانه قرار دارد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਬਿਨਸੈਦੂਜਾ ॥

دریادآوری خداوند، دوگانگی از بین می‌رود

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਤੀਰਥ ਇਸਨਾਨੀ ॥

دریادآوری خداوند شستشو‌های خالص کننده در اماکن مقدس زیارتی وجود دارد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਦਰਗਹ ਮਾਨੀ ॥

دریادآوری خداوند، فرد به عزت در دادگاه عدل الہی دست می‌یابد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਹੋਇ ਸੁਭਲਾ ॥

دریادآوری خداوند، فرد می‌پنیرد که برای همه خوب باشد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਸੁਫਲ ਫਲਾ ॥

بایاد آوری خداوند، فرد در دستیابی به هدف ماورائی زندگی موفق می شود.

ਸੇ ਸਿਮਰਹਿ ਜਿਨ ਆਪਿ ਸਿਮਰਾਏ ॥

آنها همکنی اور ا العبادتی به یاد می اورند که خودش الہام کرده است.

ਨਾਨਕ ਤਾਕੈ ਲਾਗਉ ਪਾਏ ॥ ੩ ॥

ای نانک من با تواضع در برابر کسانی که خدا را به یاد می اورند تعظیم می کنم.

ਪ੍ਰਭ ਕਾ ਸਿਮਰਨੁ ਸਭ ਤੇ ਉਚਾ ॥

یاد آوری خداوند برترین اعمال است.

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਉਧਰੇ ਮੂਚਾ ॥

بایاد آوری خداوند همه از گناهان نجات می یابند.

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਤ੍ਰਿਸਨਾ ਬੁਝੈ ॥

بایاد آوری خداوند، اشتیاق به مایا از بین می رود.

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਸਭੁ ਕਿਛੁ ਸੁਝੈ ॥

در بایاد آوری خداوند، فرد همه چیز را در مورد مایا یاد می گیرد.

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਨਾਹੀ ਜਮ ਤ੍ਰਾਸਾ ॥

دریادا اوری خداوند ترس از مرگ وجود ندارد.

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਪੂਰਨ ਆਸਾ ॥

دریاد آوری خداوند همه می آرزوها برآورده می شود.

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਮਨ ਕੀ ਮਲੁਜਾਇ ॥

دریاد آوری خداوند فکر به گناه از ذهن پاک می شود.

ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਨਾਮੁ ਰਿਦ ਮਾਹਿ ਸਮਾਇ ॥

نعمت های مطبوع در قلب فانی رخنہ می کنند.

ਪ੍ਰਭ ਜੀ ਬਸਹਿ ਸਾਧ ਕੀ ਰਸਨਾ ॥

پیروان همواره نام خداوند را از بر می خوانند.

ਨਾਨਕ ਜਨ ਕਾਦਾ ਸਨਿ ਦਸਨਾ ॥੪॥

ای نانک، من خادم خدمتکار پیروان تو هستم

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸੇ ਧਨਵੰਤੇ ॥

کسانی که خدا را با عشق و بندگی به خاطر اور ندادار ای ثروت معنوی هستند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸੇ ਪਤਿਵੰਤੇ ॥

کسانی کہ خدا را با عشق و بندگی بے خاطر اور ندی باعث افتخار ہستند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸੇ ਜਨ ਪਰਵਾਨ ॥

کسانی کہ خدا را با عشق و بندگی بے خاطر آور ند در دادگاہ عدل الہی پنیرفتہ می شوند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸੇ ਪੁਰਖ ਪ੍ਰਧਾਨ ॥

کسانی کہ خدا را با عشق بے خاطر اور ند متمایز ترین اشخاص ہستند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸਿ ਬੇਮੁਹਤਾਜੇ ॥

کسانی کہ با عشق و بندگی خدا را بے خاطر اور ند بے بقیہ وابستہ نہی شوند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸਿ ਸਰਬ ਕੇ ਰਾਜੇ ॥

کسانی کہ خدا را با عشق و بندگی بے یاد اور ند از نظر معنوی برتری دارند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸੇ ਸੁਖਵਾਸੀ ॥

کسانی کہ خدا را با عشق و بندگی بے خاطر اور ند آرامش غوطہ ورمی شوند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸਦਾ ਅਵਿਨਾਸੀ ॥

کسانی کہ خدا را با عشق و بندگی بے یاد آور ند از چرخی مرگ و تولد آزاد می شوند

ਸਿਮਰਨਤੇ ਲਾਗੇ ਜਿਨਆਪਿ ਦਇਆਲਾ ॥

بنہا کسانی کہ مورد لطف مر بانی خداوند قرار گیرندر مسیر یاد آوری او ہستند

ਨਾਨਕ ਜਨ ਕੀ ਮੰਗੈ ਰਵਾਲਾ ॥ ੫ ॥

ای نانک، تنہا فرد خوششانس ہمراہی چنین افرادی را با خوددارو

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸੇ ਪਰਉਪਕਾਰੀ ॥

کسانی کہ خداوند را با عشق و بندگی بہ خاطر اور ندی نعمت بقیہ می شوند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਤਿਨ ਸਦ ਬਲਿਹਾਰੀ ॥

من کل زندگی خود را فدای کسانی می کنم کہ خداوند را با عشق و بندگی بہ یاد آور ند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਸੇ ਮੁਖ ਸੁਹਾਵੇ ॥

نیبارو یاں چھرہ ہی کسانی ہستند کہ خداوند را با عشق و بندگی بہ خاطر آور ند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਤਿਨ ਸੂਖਿ ਬਿਹਾਵੈ ॥

کسانی کہ خدا را با عشق و بندگی بہ یاد آور ند در زندگی خود ارا مش دارند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਤਿਨ ਆਤਮੁਜੀਤਾ ॥

کسانی کہ خداوند را با عشق و بندگی بہ یاد آور ند بر ذہن خود غالب ہستند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਤਿਨ ਨਿਰਮਲ ਰੀਤਾ ॥

کسانی کہ خداوند را با عشق و بندگی بے یاد آورند در مسیر درست زندگی ہستند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਤਿਨ ਅਨਦ ਘਨੇਰੇ ॥

کسانی کہ خداوند را با عشق و بندگی بے یاد آورند لذت بی پایانی را تجربہ بے می کنند

ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਿਮਰਹਿ ਬਸਹਿ ਹਰਿਨੇਰੇ ॥

کسانی کہ خداوند را با عشق و بندگی بے یاد آورند در حضور خدا زندگی می کنند

ਸੰਤ ਕ੍ਰਿਪਾ ਤੇ ਅਨਦਿਨੁ ਜਾਗਿ ॥

بے لطف معلم مذهبی آنها همواره از یاد آوری خداوند هو شیار می مانند

ਨਾਨਕ ਸਿਮਰਨੁ ਪੂਰੈ ਭਾਗਿ ॥੯॥

ای نانک، هدیہ می عبادت تنہا تو سط بندگی کامل بے دست می آید

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਕਾਰਜ ਪੂਰੇ ॥

با یاد آوری خداوند کارهای فرد کامل می شود

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਕਬਹੁ ਨ ਛੂਰੇ ॥

با یاد آوری عاشقانہ می خداوند فرد ہر گز شکایت نمی کند

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਹਰਿ ਗੁਨ ਬਾਨੀ ॥

بایاد آوری عاشقانہ خداوند، فرد ویژگی های خدا را بربازان جاری می سازد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਸਹਜਿ ਸਮਾਨੀ ॥

بایاد آوری خداوند فرود در حالت ثبات ذاتی می ماند

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਨਿਹਰਲ ਆਸਨੁ ॥

بایاد آوری خداوند با عشق و بندگی ذهن فرد باطل نمی شود

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਕਮਲ ਬਿਗਾਸਨੁ ॥

بایاد آوری عاشقانہ خداوند فرد احساس لذت می کند

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਅਨਹਦ ਝੁਨਕਾਰ ॥

بایاد آوری خداوند به عنوان یک ملودی مقدس مدام در ذهن فرد نواخته می شود

ਸੁਖੁ ਪ੍ਰਭ ਸਿਮਰਨ ਕਾ ਅੰਤੁ ਨ ਪਾਰ ॥

آرامش بی پایانی وجود دارد که بایاد آوری خداوند می رسد

ਸਿਮਰਹਿ ਸੇਜਨ ਜਿਨ ਕਉ ਪ੍ਰਭ ਮਇਆ ॥

تنها کسانی او را بی پایانی اورند که خداوند لطف خود را شامل حالشان کند

ਨਾਨਕਤਿਨਜਨਸਰਨੀਪਚਿਆ ॥੭ ॥

ای نانک، تنہا فرد خوششانس در جستجوی هر امی چنین بندگانی است

ਹਰਿਸਿਮਰਨੁਕਰਿਭਗਤ ਪ੍ਰਗਟਾਏ ॥

بایاد آوری خداوند، بندگان در جهان شناخته می شوند

ਹਰਿਸਿਮਰਨਿਲਗਿਬੇਦ ਉਪਾਏ ॥

بایاد آوری خداوند، و دانوشتہ شد

ਹਰਿਸਿਮਰਨਿਭਏਸਿਧਜਤੀਦਾਤੇ ॥

بایاد آوری خداوند انسان های فانی ماهر، و مهر باشند

ਹਰਿਸਿਮਰਨਿਨੀਚਚਹੁਕੁੰਟਜਾਤੇ ॥

بایاد آوری خداوند فروتن در هر چمار جست شناخته شد

ਹਰਿਸਿਮਰਨਿਧਾਰੀਸਭਧਰਨਾ ॥

این عبادت خداوند است که از کل زمین حمایت می کند

ਸਿਮਰਿਸਿਮਰਿਹਰਿਕਾਰਨਕਰਨਾ ॥

بنابراین انسان فانی همواره خالق جهان را به خاطرمی اورد

ਹਰਿਸਿਮਰਨਿਕੀਓ ਸਗਲ ਅਕਾਰਾ ॥

خداوند برای عبادت کل جهان را خلق کرد.

ਹਰਿਸਿਮਰਨ ਮਹਿਆਪਿ ਨਿਰੰਕਾਰਾ ॥

خدای بدون شکل در جایی است که او را به یاد آورند.

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਜਿਸੁ ਆਪਿ ਬੁਝਾਇਆ ॥

کسی که مورد لطف او قرار گیرد اهمیت یاد اوری خدارامی فهمد.

ਨਾਨਕ ਗੁਰਮੁਖਿ ਹਰਿਸਿਮਰਨੁ ਤਿਨਿ ਪਾਇਆ ॥੯॥੧॥

ای نانک، فرمان عبادت خداوند را از معلم مذهبی دریافت کن

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਦੀਨ ਦਰਦ ਦੁਖ ਭੰਜਨਾ ਘਟਿ ਘਟਿ ਨਾਥ ਅਨਾਥ ॥

ای ویران کننده‌ی درد و غم ضعسفان، در همه قلب هارخنہ کن و پناه بی پناهان باش

ਸਰਣਿ ਤੁਮ੍ਹਾਰੀ ਆਇਓ ਨਾਨਕ ਕੇ ਪ੍ਰਭ ਸਾਥ ॥੧॥

ای خدا من جذب تو شده ام بعد از اینکه از معلم مذهبی راهنمایی گرفتم

ਅਸਟਪਦੀ ॥

ਆਖਿਆਵਾਂ
ਅਸਟਪਦੀ ॥

ਜਹ ਮਾਤ ਪਿਤਾ ਸੁਤ ਮੀਤ ਨ ਭਾਈ ॥

جایی کہ ہیچ پدر، مادر، فرزند یا دوستی برائی لکھ بے تو نیست

ਮਨ ਉਹਾਨਾ ਮੁਤਰੈ ਸੰਗਿ ਸਹਾਈ ॥

ای ذہن من، در آنجا تنہا نعمت ہای خداوند باید با تو باشندتا بے تو لکھ کلند

ਜਹ ਮਹਾ ਭਇਆਨ ਦੂਤ ਜਮਦਲੈ ॥

وقتی بازو ان اہرین و حشتناک تلاش می کند تو را شکست دهد،

ਤਹ ਕੇਵਲ ਨਾ ਮੁ ਸੰਗਿ ਤਰੈ ਚਲੈ ॥

در آنجا تنہا نعم باید ہمراہ تو باشد

ਜਹ ਮੁ ਸਕਲ ਹੋ ਵੈ ਅਤਿ ਭਾਰੀ ॥

وقتی در موقعیت واقعہ سختی ہستی،

ਹਰਿ ਕੇ ਨਾ ਮੁ ਖਿਨ ਮਾਹਿ ਉਧਾਰੀ ॥

در ان لمحہ نام خداوند باید تو را ایمن کند

ਅਨਿਕ ਪੁਨਹ ਚਰਨ ਕਰਤ ਨਹੀਂ ਤਰੈ ॥

ب� انجام آئین مذہبی بیشمار، فروزگناهان نجات نمی یابد

ਹਰਿ ਕੇ ਨਾਮੁ ਕੋਟਿ ਪਾਪ ਪਰਹਰੈ ॥

نام خداوند میلیون ها گناه را از بین می برد

ਗੁਰਮੁਖਿਨਾਮੁ ਜਪਹੁ ਮਨਮੇਰੇ ॥

بے لطف معلم مذہبی عبادت کن بنابراین ای ذہن من، نام خداوند را

ਨਾਨਕ ਪਾਵਹੁ ਸ੍ਰਖਘਨਰੇ ॥੧॥

و ای نانک، تو باید به لذت های بیشماری دست یابی

ਸਗਲ ਸ੍ਰਿਸਟਿ ਕੇ ਰਾਜਾ ਦੁਖੀਆ ॥

فردی مانند پادشاه کل جهان نیز در بلا یا می ماند

ਹਰਿ ਕਾ ਨਾਮੁ ਜਪਤ ਹੋਇ ਸੁਖੀਆ ॥

اما با عبادت نام خداوند فرد به صلح و ارامش می رسد

ਲਾਖ ਕਰੋਰੀ ਬੰਧੁ ਨ ਪਰੈ ॥

جتنی مقادیر زیاد ثروت ہم تملالت را پایان نمی دهد

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁਜਪਤਨਿਸਤਰੈ ॥

باعبادت نام خداوند فرد از تمايل شدید به مایا فرار می کند

ਅਨਿਕ ਮਾਇਆ ਰੰਗ ਤਿਖ ਨ ਬੁਝਾਵੈ ॥

با غرق ماندن در لذت های بیشمار دنیوی، تمايل فرد به موقعیت های دنیوی فروکش نمی کند

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁਜਪਤਅਾਘਾਵੈ ॥

بیایاد آوری خداوند با عشق و پرستش، فرد از مایا اشباع می شود

ਜਿਹ ਮਾਰਗਿ ਇਹੁ ਜਾਤ ਇਕੇਲਾ ॥

در طول سفری که روح باید تنها بماند

ਤਹਰਿਨਾਮੁਸੰਗਿ ਹੇਤ ਸੁਹੇਲਾ ॥

در آنجاتنها نام خداوند باید به عنوان ارجمند بخشش باروح بماند

ਐਸਾ ਨਾਮੁਮਨ ਸਦਾ ਧਿਆਈਐ ॥

ای ذهن من، همواره چنین نامی راستایش کن

ਨਾਨਕ ਗੁਰਮੁਖਿ ਪਰਮਗਤਿ ਪਾਈਐ ॥੨॥

ای نانک، حالت معنوی برتر از طریق لطف معلم مذهبی به دست می آید

ਛੂਟਤ ਨਹੀਂ ਕੋਟਿ ਲਖ ਬਾਹੀ ॥

حتی با حمایت میلیون ها برادر نیز فرد نبی تو اندر خود را از گناهان نجات دهد.

ਨਾਮੁਜਪਤਤਰਪਾਰਿਪਰਾਹੀ ॥

با عبادت نعم؛ فرد از اقیانوس گناهان دنیوی شنا می کند.

ਅਨਿਕ ਬਿਘਨ ਜਹ ਆਇ ਸੰਘਾਰੈ ॥

وقتی بدشانسی های بیشمار شمار اتمدید به ویرانی می کند،

ਹਰਿ ਕਾ ਨਾਮੁਤਤਕਾਲ ਉਧਾਰੈ ॥

در آنجا نام خداوند باید تو را در لحظه نجات دهد.

ਅਨਿਕ ਜੋਨਿ ਜਨਮੈ ਮਰਿ ਜਾਮ ॥

از طریق تجسم های بیشمار، مردم به دنیا می آیندو می میرند.

ਨਾਮੁਜਪਤਪਾਵੈ ਬਿਸ੍ਰਾਮ ॥

با تکرار نام خداوند، روح در آرامش می ماند و با خدا یکی می شود.

ਹਉ ਮੈਲਾ ਮਲੁਕ ਬਹੁਨ ਧੋਵੈ ॥

کسی که آلو ده به کشیغی نفس شود هرگز از این آلو دگی تمیز نبی شود.

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁ ਕੋਟਿਪਾਪ ਖੇਵੈ ॥

نام خداوند میلیون ها گناه را از بین می برد.

ਐਸਾਨਾਮੁ ਜਪਹੁ ਮਨ ਰੰਗਿ ॥

ای ذهن من، چنین نامی را با عشق تکرار کن.

ਨਾਨਕ ਪਾਈਐ ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ॥੩॥

ای نانک، نام خداوند با همراهی خداوند شناخته می شود.

ਜਿਹ ਮਾਰਗ ਕੇ ਗਨੇ ਜਾਹਿ ਨ ਕੋਸਾ ॥

در ان مسیر سفر زندگی که در آن مایل هارانمی توان حساب کرد،

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁ ਉਹਾ ਸੰਗਿ ਤੋਸਾ ॥

نام خداوند نگهدار تو سست.

ਜਿਹ ਪੈਡੈ ਮਹਾ ਅੰਧ ਗੁਬਾਰਾ ॥

در سفر زندگی که در آن تاریکی کامل غفلت وجود دارد

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁ ਸੰਗਿ ਉਜੀਆਰਾ ॥

نام خداوند پراغ تو سست.

ਜਹਾ ਪੰਥਿ ਤੇਰਾ ਕੋ ਨ ਸਿਵਾਨੂ ||

در این سفر زندگی که کسی تورانی شناسد،

ਹਰਿ ਕਾ ਨਾਮੁ ਤ ਹਨਾਲਿ ਪਛਾਨੂ ||

نام خداوند دوست واقعی توست

ਜਹ ਮਹਾ ਭਇਆਨ ਤਪਤਿ ਬਹੁਘਾਮ ||

در سفر زندگی که در ان گرمای سوزان و حشتناک گناهان وجود دارد،

ਤਹ ਹਰਿ ਕੇ ਨਾਮ ਕੀ ਤੁਮ ਉਪਰਿ ਛਾਮ ||

نام خداوند از تو حمایت خواهد کرد

ਜਹਾ ਤ੍ਰਿਖਾ ਮਨ ਤੁਝੁ ਆਕਰਖੈ ||

ای ذهن من، جایی که اشتیاق به موقعیت های دنیوی تورا و سوسه می کند،

ਤਹ ਨਾਨਕ ਹਰਿ ਹਰਿ ਅੰਮ੍ਰਿਤੁ ਬਰਖੈ || ੪ ||

ای نانک، در آنجا نام خداوند به عنوان شمدی برای لکنتر آرزو های تو عمل می کند

ਭਗਤ ਜਨਾ ਕੀ ਬਰਤਨਿ ਨਾਮੁ ||

برای پیروان، نام خداوند موضوع کاربرد روزانه است

ਸੰਤਜਨਾ ਕੈਮਨਿਬਿਸ਼੍ਟਾਮੁ ॥

نام خداوند در ذهن پیروان رخنے می کند

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁਦਾਸ ਕੀਓਇ ॥

نام خداوند حامی پیروان فروتن خداوند است

ਹਰਿਕੈਨਾਮਿਉਧਰੇਜਨਕੋਇ ॥

میلیون ها نفر بایاد آوری نام خداوند از گناهان دور می مانند

ਹਰਿਜਸੁਕਰਤ ਸੰਤ ਦਿਨੁਰਾਤਿ ॥

پیروان خداوند ستایش اور اشبانہ روز تکرار می کنند

ਹਰਿਹਰਿਅਉਖਧੁ ਸਾਧ ਕਮਾਤਿ ॥

و دوای نعم را به دست می آورند که مرض تحصین خود را درمان می کند

ਹਰਿਜਨਕੈਹਰਿਨਾਮੁਨਿਧਾਨੁ ॥

نام خداوند گنج واقعی پیروان خدا است

ਪਾਰਬੁਹਿਜਨਕੀਨੇਦਾਨ ॥

خداوند قادر با هدیه می نعم به پیروان خود لطف می کند

ਮਨਤਨਰੰਗਿਰਤੇਰੰਗਏਕੈ ॥

ذهن و جسم در عشق خداوند غوطه ورمی شوند.

ਨਾਨਕਜਨਕੈਬਿਰਤਿਬਿਬੈਕੈ ॥੫॥

ای نانک، پیروان او به هوش مقدس برای تمایز بین درست و غلط می رساند

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁਜਨਕਉਮੁਕਤਿਜੁਗਤਿ ॥

برای پیروان خداوند، نام او تنہاراہ آزادی از مرزهای مایا است

ਹਰਿਕੈਨਾਮਿਜਨਕਉਤ੍ਰਿਪਤਿਭੁਗਤਿ ॥

برای پیروان خداوند، نام او رهایی از مایا را فراهم می کند

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁਜਨਕਾਰੂਪਰੰਗੁ ॥

نام خدا نیبایی و لذت دل سوزان اوست

ਹਰਿਨਾਮੁਜਪਤਕਬਪਰੈਨਭੰਗੁ ॥

بایاد آوری نام خداوند، فرد هرگز با مانعی در زندگی مواجه نمی شود

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁਜਨਕੀਵਡਿਆਈ ॥

نام خداوند عزت واقعی برای پیروان اوست

ਹਰਿਕੈਨਾਮਿਜਨਸੋਭਾਪਾਈ ॥

از طریق نام خداوند، پیروان او به عزت و افتخار می رسند.

ਹਰਿਕਾਨਮੁਜਨਕਉ ਭੋਗ ਜੋਗ ॥

لذت مایا و یوگا برای پیروانش در نام خداوند قرار دارد.

ਹਰਿਨਾਮੁਜਪਤਕਛੁ ਨਾਹਿ ਬਿਓਗੁ ॥

با عبادت نام خداوند، پیروان هرگز احساس درد یا جدالی نمی کنند.

ਜਨੁ ਰਾਤਾਹਰਿਨਾਮਕੀ ਸੇਵਾ ॥

پیروان او همواره در یاد آوری او غرق هستند.

ਨਾਨਕ ਪੂਜੈ ਹਰਿ ਹਰਿ ਦੇਵਾ ॥੬॥

ای نانک، پیروان همواره عبادت خداوند حاضر در همه جا رامی کنند.

ਹਰਿ ਹਰਿ ਜਨ ਕੈ ਮਾਲੁ ਖਜੀਨਾ ॥

برای پیروان، نام خداوند ^{گنج} ثروت است.

ਹਰਿ ਧਨੁ ਜਨ ਕਉ ਆਪਿ ਪ੍ਰਭਿ ਦੀਨਾ ॥

خدا خودش این ^{گنج} نام را به پیروانش بخشیده است.

ਹਰਿਹਰਿਜਨਕੈਓਟਸਤਾਈ ॥

نام خداوند حامی قدر تمندی برای پیروان اوست

ਹਰਿਪ੍ਰਤਾਪਿਜਨਅਵਰਨਜਾਈ ॥

با عظمت خداوند، پیروان در جستجوی حامی دیگری نیستند

ਓਤਿਪੇਤਿਜਨਹਰਿਰਸਿਰਾਤੇ ॥

بہ این ترتیب پیروان او در عشق خداوند غرق شده می‌مانند

ਸੁਨਸਮਾਧਿਨਾਮਰਸਮਾਤੇ ॥

آنها با غرق شدن کامل در عشق خداوند، کاملاً از عبادت لذت می‌برند

ਆਠਪਹਰਜਨੁਹਰਿਹਰਿਜਪੈ ॥

همواره پیروان نام خداوند را تکرار می‌کنند

ਹਰਿਕਾਭਗਤੁਪ੍ਰਗਟਨਹੀਛਪੈ ॥

پیروان خداوند شناخته شده و مورد احترام می‌شوند؛ او پنهان نمی‌ماند

ਹਰਿਕੀਭਗਤਿਮੁਕਤਿਬਹੁਕਰੇ ॥

ستایش فد اکارانه‌ی خداوند بسیاری از گناهان را از بین می‌برد

ਨਾਨਕ ਜਨ ਸੰਗਿ ਕੇਤੇ ਤਰੇ ॥੭॥

ای نانک، بسیاری از بقیه افرادی که پیرو او باقی می‌مانند از دریای گناہان دنیوی می‌گذرند.

ਪਾਰਜਾਤੁ ਇਹੁ ਹਰਿ ਕੇਨਾਮ ॥

نام خداوند مانند پریجات است (درخت مرموزی با قدرت‌های ماوراء)

ਕਾਮਯੇਨ ਹਰਿ ਹਰਿ ਗੁਣ ਗਾਮ ॥

خواندن ستایش خداوند مانند کامدهن (گاو اسرار آمیز) است که می‌تواند همه آرزوها را تضمین کند.

ਸਭ ਤੇ ਉਤਮ ਹਰਿ ਕੀ ਕਬਾ ॥

صحبت در مورد ویژگی‌های خداوند اهمیتی فراتر از صحبت‌های دیگر دارد.

ਨਾਮੁ ਸੁਨਤ ਦਰਦ ਦੁਖ ਲਘਾ ॥

با گوش دادن به نعمت‌ها، درد و غم‌ها از بین می‌رود

ਨਾਮ ਕੀ ਮਹਿਮਾ ਸੰਤ ਰਿਦ ਵਸੈ ॥

عزت نعم در قلب پرهیز کاران رخنه می‌کند

ਸੰਤ ਪ੍ਰਤਾਪਿ ਦੁਰਤੁ ਸਭੁ ਨਸੈ ॥

بے لطف پرهیز کاران او همه گناہان از بین می‌رود

ਸੰਤ ਕਾ ਸੰਗੁ ਵਡਭਾਗੀ ਪਾਈਐ ॥

ہمراہی با پرہیز کاران با شانس خوب بدست می آید.

ਸੰਤ ਕੀ ਸੇਵਾ ਨਾਮੁ ਧਿਆਈਐ ॥

با پیروی از معلم مذهبی، فرنعم را عبادت می کند

ਨਾਮ ਤੁਲਿ ਕਛੁ ਅਵਰੁ ਨ ਹੋਇ ॥

. ہیچ چیزی برابر بانعم وجود ندارد

ਨਾਨਕ ਗੁਰਮੁਖਿਨਾਮੁ ਪਾਵੈ ਜਨੁ ਕੋਇ ॥੮॥੨॥

ای نانک، بہ ندرت کسی هست کہ نعم را از معلم مذهبی دریافت کند

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਬਹੁ ਸਾਸਤ੍ਰੂ ਬਹੁ ਸਿਮ੍ਰਿਤੀ ਪੇਖੇ ਸਰਬ ਢਢੇਲਿ ॥

من شاسترا و سیمیریزہای زیادی را دیده ام و جستجو گرده ام (کتاب های مقدس در مورد تعالیم، تشریفات و رمزهای اجرایی)

ਪੂਜਸਿ ਨਾਹੀ ਹਰਿ ਹਰੇ ਨਾਨਕ ਨਾਮ ਆਮੇਲ ॥੧॥

ای نانک، تعالیم در این کتب مقدس به جایی در نزدیکی معیار عبادت نام خداوند نمی رسد

ਅਸਟਪਦੀ ॥

ਆਖਿਆਨ ਸਭਿ ਧਿਆਨ ॥

اگر فردی از بخوانی های معنوی را اجرا کند، دستخوش توبه می شود و به داشت معنوی می رسد و در همه نوع عبادت متبرکز می گردد.

ਖਟ ਸਾਸਤ੍ਰ ਸਿਮ੍ਰਿਤਿ ਵਖਿਆਨ ॥

در مورد شش شاسترا و سمیری تر خطا می دهد

ਜੋਗ ਅਭਿਆਸ ਕਰਮ ਧੂਮ ਕਿਰਿਆ ॥

یوگا و اجرای درست را تمرین می کند؛

ਸਗਲ ਤਿਆਗ ਬਨ ਮਧੇ ਫਿਰਿਆ ॥

هر چیزی را ترک می کند و در صحر اسر گردان می شود.

ਅਨਿਕ ਪ੍ਰਕਾਰ ਕੀਏ ਬਹੁ ਜਤਨਾ ॥

همه نوع تلاش برای رضایت خداوند انجام می دهد،

ਪੁੰਨ ਦਾਨ ਹੋਮੇ ਬਹੁ ਰਤਨਾ ॥

صدقہ می دهد و با سوزاندن نفت فراوان، آتش مقدس هاون را اجرا می کند

ਸਰੀਰੁ ਕਟਾਇ ਹੋਮੈ ਕਰਿ ਰਾਤੀ ॥

بدن را به تکه های کوچک تقسیم می کند و آنها را در آتش نما دین می سوزاند

ਵਰਤਨੇ ਮਕਰੈ ਬਹੁ ਭਾਤੀ ॥

روزه و انواع دیگر تشریفات مذهبی را با برنامہ سخت گیرانہ انجام می دهد،

ਨਹੀਂ ਤੁਲਿ ਰਾਮ ਨਾਮ ਬੀਚਾਰ ॥

همه اینها هنوز برابر با معیار تعمق در موردنام خداوند نیستند،

ਨਾਨਕ ਗੁਰ ਮੁਖਿ ਨਾਮੁ ਜਪੀਐ ਇਕ ਬਾਰ ॥੧॥

حتی اگر نام خداوند از طریق معلم مذهبی هم دریافت شود با عشق و وفاداری تکرار می شود

ਨਉ ਖੰਡ ਪ੍ਰਿਥਮੀ ਫਿਰੈ ਚਿਰੁ ਜੀਵੈ ॥

اگر فرد عمر طولانی داشته باشد و کل دنیا را بگردد،

ਮਹਾ ਉਦਾਸੁ ਤਪੀ ਸਰੁ ਘੀਵੈ ॥

کلا از دنیا قطع رابطہ کند،

ਅਗਨਿ ਮਾਹਿ ਹੋਮਤ ਪਰਾਨ ॥

زندگی خود را فدای آتش معنوی کند

ਕਨਿਕ ਅਸੂ ਹੈ ਵਰ ਭੂਮਿ ਦਾਨ ॥

طلا، اسپ ها، فیل ها و زین هایش را به خیریه بدھد؛

ਨਿਉਲੀ ਕਰਮ ਕਰੈ ਬਹੁਆਸਨ ॥

فنون پاکی درونی و انواع موقعیت های یوگا را تمرین کند،

ਜੈਨ ਮਾਰਗ ਸੰਜਮ ਅਤਿ ਸਾਧਨ ॥

روش های خود رنج دھی بودایی و قوانین معنوی بزرگ را پندرد؛

ਨਿਮਖ ਨਿਮਖ ਕਰਿ ਸਰੀਰੁ ਕਟਾਵੈ ॥

بدن خود را تکہ تکہ کند،

ਤਉ ਭੀ ਹਉ ਮੈ ਮੈਲੁ ਨ ਜਾਵੈ ॥

حتی آن وقت هم بدی نفس از بین نمی روود.

ਹਰਿ ਕੇ ਨਾਮ ਸਮਸਰਿ ਕਛੁ ਨਾਹਿ ॥

. ہیچ چیزی نیست کہ برابر بانام خداوند باشد

ਨਾਨਕ ਗੁਰ ਮੁਖਿ ਨਾਮੁ ਜਪਤ ਗਤਿ ਪਾਹਿ ॥੨॥

ای نانک، پیروان معلم مذهبی با عبادت نام خداوند به موقعیت معنوی بالائی دست می یابند

ਮਨ ਕਾਮਨਾ ਤੀਰਬ ਦੇਹ ਛੁਟੈ ॥

برخی مردم ممکن است بخواهند در مکان مقدس بسیرند،

ਗਰਬੁ ਗੁਮਾਨੁ ਨ ਮਨ ਤੇ ਰੁਟੈ ॥

.اما آن زمان هم خود پسندی از ذهن دور نخواهد شد

ਸੋਚ ਕਰੈ ਦਿਨ ਸੁਅਰੁ ਰਾਤਿ ॥

فرد ممکن است شب و روز خود را در حمام های اماکن مقدس تظاهیر کند،

ਮਨ ਕੀ ਮੈਲੁ ਨ ਤਨ ਤੇ ਜਾਤਿ ॥

.اما چرک ذهن از بدن دور نخواهد شد

ਇਸੁ ਦੇਹੀ ਕਉ ਬਹੁ ਸਾਧਨਾ ਕਰੈ ॥

فرد ممکن است بدن را مورد هدف انواع قوانین قرار دهد

ਮਨ ਤੇ ਕਬਹੂ ਨ ਬਿਖਿਆ ਟਰੈ ॥

.وسوسه های اهریمن از ذهن دور نخواهد شد

ਜਲਿ ਧੋਵੈ ਬਹੁ ਦੇਹ ਅਨੀਤਿ ॥

فرد ممکن است جسم خود را با فشارهای آب بشوید،

ਸੁਧ ਕਹਾ ਰੋਇ ਕਾਚੀ ਭੀਤਿ ॥

اما دیوار لجن چਲ੍ਹونੇ ਸ਼ਸਤੇ ਖواهد شد؟

ਮਨ ਹਰਿ ਕੇ ਨਾਮ ਕੀ ਮਹਿਮਾ ਉੱਚ ॥

ای ذهن من، بزرگ ترین اینسانام خداوند است

ਨਾਨਕ ਨਾਮਿ ਉਧਰੇ ਪਤਿਤ ਬਹੁਮੂਚ ॥੩॥

ای نانک، گناهکاران زیادی با عبادت نعم از گناهان نجات یافته اند

ਬਹੁਤੁ ਸਿਆਉਪ ਜਮਕਾਤ ਉ ਬਿਆਪੈ ॥

با هوشیاری زیاد فرد از ترس مرگ رہا می شود

ਅਨਿਕ ਜਤਨ ਕਰਿ ਤ੍ਰਿਸਨ ਨਾਧ੍ਯ ਪੈ ॥

تمامی انواع تلاش زیر کانه برای برآورده کردن تمایلات دنیوی بی فایده است

ਭੇਖ ਅਨੇਕ ਅਗਨਿ ਨਹੀਂ ਬੁਝੈ ॥

پوشیدن رداهای مذهبی آتش تمایلات دنیوی را خاموش نمی کند

ਕੇਟਿ ਉਪਾਵ ਦਰਗਹ ਨਹੀਂ ਸਿੜੈ ॥

انجام میلیونها تلاش از این نوع کمکی به مقبولیت در دادگاه عدل الہی نمی کند

ਛੂਟਸਿਨਾਹੀ ਉਭ ਪਇਆਲਿ ॥

با همه این تلاش‌ها، فرد از تعلقات دنیوی آزاد نمی‌شود حتی اگر به آسمان فرار کند یا در مناطق زیر زمین پنهان شود.

ਮੋਹਿਬਿਆਪਹਿਮਾਇਆਜਾਲਿ ॥

در عوض، فرد در شبکه ای ازوابستگی‌ها و تمایلات عاطفی گرفتار می‌شود.

ਅਵਰਕਰਤੂਤਿ ਸਗਲੀ ਜਮੁਡਾਨੈ ॥

همه‌ی تلاش‌های دیگر توسط پیامبر مرگ مجازات می‌شوند.

ਗੋਵਿੰਦ ਭਜਨ ਬਿਨੁ ਤਿਲੁ ਨਹੀ ਮਾਨੈ ॥

که هیچ چیز دیگری را به جز عبادت خداوند نمی‌پنیرد

ਹਰਿਕਾਨਾਮੁਜਪਤ ਦੁਖੁਜਾਇ ॥

با تعمق بر روی نام خدا با عبادت عاشقانه، تمام غم و اندوه از بین می‌رود

ਨਾਨਕ ਬੋਲੈ ਸਹਜਿ ਸੁਭਾਇ ॥੪॥

نانک این را مستقیم می‌گوید

ਚਾਰਿਪਦਾਰਥ ਜੋ ਕੋ ਮਾਰੈ ॥

اگر فردی چهار سعادت اصلی را بخواهد، (درستی، ثروت دنیوی، رستگاری و فراوری)

ਸਾਧ ਜਨਾ ਕੀ ਸੇਵਾ ਲਾਗੈ ॥

باید از تعالیم معلم نذهبی پیروی کند.

ਜੇ ਕੋ ਆਪੁਨਾ ਦੂਖੁ ਮਿਟਾਵੈ ॥

اگر فردی بخواهد به غم هایش پایان دهد

ਹਰਿ ਹਰਿ ਨਾਮੁ ਰਿਦੈ ਸਦ ਗਾਵੈ ॥

باید همواره نام خدارادر قلبش به خاطر اورد

ਜੇ ਕੋ ਆਪੁਣੀ ਸੇਭਾ ਲੇਰੈ ॥

اگر فردی خواهان عزت در دادگاه الہی باشد

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਇਹ ਹਉਮੈ ਛੋਰੈ ॥

باید در جستجوی مکان مقدس برو و نفس خود را رها کند

ਜੇ ਕੋ ਜਨਮ ਮਰਣ ਤੇ ਡਰੈ ॥

اگر فرد از چرخه تولد و مرگ می ترسد

ਸਾਧ ਜਨਾ ਕੀ ਸਰਨੀ ਪਰੈ ॥

باید در جستجوی پناہی مقدس برو

ਜਿਸੁਜਨਕਉ ਪ੍ਰਭਦਰਸਪਿਆਸਾ ॥

کسی کہ اشتیاق مکی شدن با خداوند را دارد

ਨਾਨਕਤਾ ਕੈਬਲਿਬਲਿਜਾਸਾ ॥੫॥

ای نانک، من زندگی خود را فدای این فردی کنم

ਸਗਲ ਪੁਰਖ ਮਹਿ ਪੁਰਖੁ ਪ੍ਰਧਾਨੁ ॥

بین همهی افراد، برترین فرد کسی است که،

ਸਾਧਸੰਗਿ ਜਾਕਾ ਮਿਟੈ ਅਭਿਮਾਨੁ ॥

غوری خود پسندانهی او در هر ایشانی با خدا از بین برود

ਆਪਸ ਕਉ ਜੋ ਜਾਣੈ ਨੀਚਾ ॥

کسی کہ خود را فروتن و پست در نظر بگیرد

ਸੇਉ ਗਨੀਐ ਸਭ ਤੇ ਉਚਾ ॥

باید بالاتراز همه در نظر گرفته شود

ਜਾਕਾ ਮਨੁ ਹੋਇ ਸਗਲ ਕੀ ਰੀਨਾ ॥

کسی کہ در ذهن خودش خیلی متواضع است،

ਹਰਿਹਰਿ ਨਾਮੁ ਤਿਨਿ ਘਟਿ ਘਟਿ ਚੀਨਾ ॥

واقعه نعمت هارا، و ضرورت خداوند در هر قلبی را شناخته است

ਮਨ ਅਪੁਨੇ ਤੇ ਬੁਰਾ ਮਿਟਾਨਾ ॥

کسی کہ تمام بدی هارا از ذهن خود پر اکنہ می کند

ਪੇਖੈ ਸਗਲ ਸ੍ਰਿਸਟਿ ਸਾਜਨਾ ॥

تمام دنیا را دوست خود در نظر می گیرد

ਸੂਖ ਦੂਖ ਜਨ ਸਮਵਿਸਟੇਤਾ ॥

کسی کہ درد و لذت را کیکی و مانند هم در نظر می گیرد،

ਨਾਨਕ ਪਾਪ ਪੁੰਨ ਨਹੀਂ ਲੇਪਾ ॥੯॥

ای نانک، او فراتر از اندیشه ی گناه یا تقوا است

ਨਿਰਧਨ ਕਉ ਧਨੁ ਤੇਰੋ ਨਾਉ ॥

برای بندہ می ضعیف، نام تو یک ثروت است

ਨਿਖਾਵੈ ਕਉ ਨਾਉ ਤੇਰਾ ਬਾਉ ॥

برای بندہ می بدون پشتیبان، نام تو پشتیبان است

ਨਿਮਾਨੇ ਕਉ ਪ੍ਰਭ ਤੇਰੋ ਮਾਨੁ ॥

ای خدا، تو عزت بدون احترام‌ها هستی

ਸਗਲ ਘਟਾ ਕਉ ਦੇਵਹੁ ਦਾਨੁ ॥

برای همه انسان‌ها، تو دهنده‌ی نعمت هستی

ਕਰਨ ਕਰਾਵਨ ਹਾਰ ਸੁਆਮੀ ॥

ای قادر من، تو انجام دهنده و علت انجام هر چیزی هستی

ਸਗਲ ਘਟਾ ਕੇ ਅੰਤਰਜਾਮੀ ॥

ای دنای همه‌ی قلب‌ها

ਅਪਨੀ ਗਤਿ ਮਿਤਿ ਜਾਨਹੁ ਆਪੇ ॥

تو تنہا وسعت و حالت خودت را می‌دانی

ਆਪਨ ਸੰਗਿ ਆਪਿ ਪ੍ਰਭ ਰਾਤੇ ॥

ای خدا، تو در خودت غرق شده‌ای

ਤੁਮੁਹਰੀ ਉਸਤਤਿ ਤੁਮ ਤੇ ਹੋਇ ॥

ای خدا، فقط تو عظمت خود را می‌دانی

ਨਾਨਕ ਅਵਰੁਨ ਜਾਨਸਿ ਕੋਇ ॥੧॥

ای نانک، ہیچ کس دیگری عظمت تو را نمی داند

ਸਰਬ ਧਰਮ ਮਹਿ ਸ੍ਰੇਸਟ ਧਰਮੁ ॥

از همه می عقاید، بہترین ایمان،

ਹਰਿ ਕੋ ਨਾਮੁ ਜਪਿ ਨਿਰਮਲ ਕਰਮੁ ॥

عبادت نام خداوند و انجام کارهای معصوم است

ਸਗਲ ਕ੍ਰਿਆ ਮਹਿ ਉਤਮ ਕਿਰਿਆ ॥

از همه تشریفات مذهبی، برترین آئین مذهبی

ਸਾਧਸੰਗਿ ਦੁਰਮਤਿ ਮਲੁ ਹਿਰਿਆ ॥

پاک کردن رد تکرات اهریمنی در همراهی خداوند است

ਸਗਲ ਉਦਮ ਮਹਿ ਉਦਮੁ ਭਲਾ ॥

از همه تلاش ها، بہترین تلاش

ਹਰਿ ਕਾ ਨਾਮੁ ਜਪਹੁ ਜੀਅ ਸਦਾ ॥

بتکرار همیشگی نام خداوند با عشق و شکلیبایی است

ਸਗਲ ਬਾਨੀ ਮਹਿ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਬਾਨੀ ॥

از همه می کلمات گفته شده، مطبوع ترین کلمه

ਹਰਿ ਕੇ ਜਸੁ ਸੁਨਿ ਰਸਨ ਬਖਾਨੀ ॥

گوش دادن و خواندن ستایش خداوند است

ਸਗਲ ਬਾਨ ਤੇ ਓਹੁ ਉਤਮ ਬਾਨੁ ॥

از همه مکان ها، مطبوع ترین مکان

ਨਾਨਕ ਜਿਹ ਘਟਿ ਵਸੈ ਹਰਿ ਨਾਮੁ ॥੮॥੩॥

ای نانک، قلبي است که در آن نام خدا نفوذ کرده باشد

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਨਿਰਗੁਨੀਆਰ ਇਆਨਿਆ ਸੋ ਪ੍ਰਭੁ ਸਦਾ ਸਮਾਲਿ ॥

ای انسان غافل و بدون تقو، همواره خدارا بہ یادداشتہ باش

ਜਿਨਿ ਕੀਆ ਤਿਸੁ ਚੀਤਿ ਰਖੁ ਨਾਨਕ ਨਿਬਹੀ ਨਾਲਿ ॥੧॥

ای نانک، در ذهن خود کسی را عزیز بدار که تو را خلق کرد. او به تنهایی باید وقتی از این جهان بریدی با تو باشد

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشنا پادی

ਰਮਈਆ ਕੇ ਗੁਨ ਚੇਤਿ ਪਰਾਨੀ ॥

ای انسان فانی، ویژگی های خداوند حاضر در همه جارا به خاطرداشته باش

ਕਵਨ ਮੂਲ ਤੇ ਕਵਨ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟਾਨੀ ॥

اوین جسم نیبارا از چه ماده پایه ای (تحمک و اسپرم) خلق کرده است

ਜਿਨਿ ਤੂੰ ਸਾਜਿ ਸਵਾਰਿ ਸੀਗਾਰਿਆ ॥

او که تورا ساخته، آراسته و تزئین کرده است.

ਗਰਭ ਅਗਨਿ ਮਹਿ ਜਿਨਹਿ ਉਬਾਰਿਆ ॥

در آتش رحم از تو مرا بقیت کرد

ਬਾਰ ਬਿਵਸਥਾ ਤੁਝਹਿ ਪਿਆਰੈ ਦੂਧ ॥

.او در نوزادی برای تغذیه تو شیر را ساخت.

ਭਰਿਜੇਬਨਭੇਜਨਸੁਖਸੂਧ ॥

در سن جوانی، حس غذا و راحتی های دیگر را به تواند

ਬਿਰਧਿਭਇਆ ਉਪਰਿ ਸਾਕ ਸੈਨ ॥

وقتی کہ بزرگتر شد، خانوادہ و دوستانی را برای مراقبت از توفراهم کرد

ਮੁਖਿ ਅਪਿਆ ਉਥੈਠ ਕਉ ਦੈਨ ॥

وقتی کہ خوابید به شما تغذیه می دهد،

ਇਹੁ ਨਿਰਗੁਨੁ ਗੁਨੁ ਕਛੂ ਨ ਬੂਝੈ ॥

ای خدا، این فردبی خاصیت ارزش یعنی یک از لطف هایی را که به او کرده ای نمی داند

ਬਖਸਿ ਲੇਹੁ ਤਉ ਨਾਨਕ ਸੀਝੈ ॥੧॥

ای نانک، اگر تو اور ابا بخشندگی عبادت کنی تنها آن زمان می توانی درستیابی به هدف زندگی انسانی موفق شوی.

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਧਰ ਉਪਰਿ ਸੁਖਿ ਬਸਹਿ ॥

بے لطف او تو روی زین آرام قدم برمی داری

ਸੁਤ ਭ੍ਰਾਤ ਮੀਤ ਬਨਿਤਾ ਸੰਗਿ ਹਸਹਿ ॥

با فرزندان، دوستان و همسر خود می خندی و لذت می بری

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਪੀਵਹਿ ਸੀਤਲ ਜਲਾ ॥

بے لطف او از آب خنک آرام لذت می بری،

ਸੁਖਦਾਈ ਪਵਨੁ ਪਾਵਕੁ ਅਮੁਲਾ ॥

ہمراه با آتش و هوای ارزشمند ملائیم

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਭੇਗਹਿ ਸਭਿ ਰਸਾ ॥

ب لطف او تو از همه می انواع سرخوش هالذت می برسی،

ਸਗਲ ਸਮਗ੍ਰੀ ਸੰਗਿ ਸਾਬਿ ਬਸਾ ॥

و مجذب به همه می ضروریات زندگی هستی

ਦੀਨੇ ਹਸਤ ਪਾਵਕ ਰਨ ਨੇਤ੍ਰ ਰਸਨਾ ॥

کسی کہ ب تودست، پا، گوش، چشم و زبان داده است

ਤਿਸਹਿ ਤਿਆਗਿ ਅਵਰ ਸੰਗਿ ਰਚਨਾ ॥

هنوز اور اترک می کنی و خود را وابسته می بقیه می کنی

ਐਸੇ ਦੇਖ ਮੂੜ ਅੰਧ ਬਿਆਪੇ ॥

احمق های کور معنوی در حال ارتکاب چنین اشتباه های آکوده به گناہی هستند

ਨਾਨਕ ਕਾਛਿ ਲੇਹੁ ਪ੍ਰਭ ਆਪੇ ॥੨॥

نانک می گوید ای خدا آنمارا از این اشتباه ها نجات بده

ਆਦਿਅੰਤਿਜੇਰਾਖਨਹਾਰੁ ॥

فردی کے از زمان تولد تا مرگ مراقب ماست،

ਤਿਸਸਿਉਪ੍ਰੀਤਿਨਕਰੈਗਵਾਰੁ ॥

ہنوز فرد غافل اور ادوست ندارد۔

ਜਾਕੀਸੇਵਾਨਵਨਿਧਿਪਾਵੈ ॥

بندگی او با عبادت نعم مانند نہ کنج جہان است

ਤਾਸਿਉਮੂੜਾਮਨੁਨਹੀਲਾਵੈ ॥

ہنوز فرد احمق ذہن خود را متعلق بے او نمی کند۔

ਜੋਠਾਕੁਰੁਸਦਸਦਾਹਜੂਰੇ ॥

این خدا ہموارہ در درون و اطراف ما حاضر است۔

ਤਾਕਉਅੰਧਾਜਾਨਤਦੂਰੇ ॥

فرد کو رمعنوی معتقد است کہ او خیلی دور است

ਜਾਕੀਟਹਲਪਾਵੈਦਰਗਹਮਾਨੁ ॥

فرد با عبادت او بے عزت و احترام در دادگاه الہی می رسد

ਤਿਸਹਿਬਿਸਾਰੈਮੁਗਯੁਅਜਾਨੁ ॥

ہنوز احمد غافل اور افرا موش می کند۔

ਸਦਾ ਸਦਾ ਇਹੁ ਭੂਲਨਹਾਰੁ ॥

ایں فرد برائی ہمیشہ اشتباہ می کند؛

ਨਾਨਕ ਰਾਖਨਹਾਰੁ ਅਪਾਰੁ ॥੩॥

ای نانک خدا ی نامحود و نجات بخش ماست۔

ਰਤਨੁ ਤਿਆਗਿ ਕਉਡੀ ਸੰਗਿ ਰਚੈ ॥

فرد با فراموش کردن نعم با ارزش، با شروت دنیوی مشغول می شود۔

ਸਾਚੁ ਛੋਡਿ ਝੂਠ ਸੰਗਿ ਮਚੈ ॥

او درستی را فراموش می کند و اشتباہ را می پنیرد۔

ਜੋਛਡਨਾ ਸੁ ਅਸਥਿਰੁ ਕਰਿ ਮਾਨੈ ॥

چیزی کہ باید رہا کندر ا معتقد است کہ ابدی است

ਜੇਹੋਵਨੁ ਸੇਦੂਰਿ ਪਰਾਨੈ ॥

مرگ نزدیک است و او معتقد است که بعید است

ਛੋਡਿ ਜਾਇ ਤਿਸ ਕਾ ਸ੍ਰਮੁਕਰੈ ॥

او برای ثروت دنیوی نزاع می کند که باید در نهایت رها کند.

ਸੰਗਿ ਸਹਾਈ ਤਿਸੁ ਪਰਹਰੈ ॥

او از خدایی روی برمی گردداند که همواره با اوست.

ਚੰਦਨ ਲੇਪੁ ਉਤਾਰੈ ਧੋਇ ॥ ਗਰਧਬ ਪ੍ਰੀਤਿ ਭਸਮ ਸੰਗਿ ਹੋਇ ॥

او مانند الاغنی است که حتی اگر با صندل هم تقدیس شود آن را خواهد شست چون عشق او تنها خاکستر است.

ਅੰਧ ਕੂਪ ਮਹਿ ਪਤਿਤ ਬਿਕਰਾਲ ॥

او در چاله می تاریک و عمیق گناهان می افتد.

ਨਾਨਕ ਕਾਢਿ ਲੇਹੁ ਪ੍ਰਭ ਦਇਆਲ ॥੪॥

ای نانک عبادت کن و بگو ای خدای مربان او را از اقیانوس گناهان نجات بده.

ਕਰਤੂਤਿ ਪਸੂ ਕੀ ਮਾਨਸ ਜਾਤਿ ॥

او از گونه های انسانی است اما مانند حیوانات رفتار می کند.

ਲੇਕ ਪਚਾਰਾ ਕਰੈ ਦਿਨੁ ਰਾਤਿ ॥

روز و شب او مشغول نمایش ثروت و خرد خود به بقیه است.

ਬਾਹਰਿ ਭੇਖ ਅੰਤਰਿ ਮਲੁ ਮਾਇਆ ॥

در بیرون روای مذهبی می پوشد اما در درون آکوده به مایا است.

ਛਪਸਿ ਨਾਹਿ ਕਛੁ ਕਰੈ ਛਪਾਇਆ ॥

او هرچه تلاش کند نمی تواند این را پنهان کند.

ਬਾਹਰਿ ਗਿਆਨ ਧਿਆਨ ਇਸਨਾਨ ॥

در بیرون دانش، عبادت و خلوص نشان می دهد

ਅੰਤਰਿ ਬਿਆਪੈ ਲੇਡੁ ਸੁਆਨੁ ॥

اما در درون طمع سگ مانند دارد

ਅੰਤਰਿ ਅਗਨਿ ਬਾਹਰਿ ਤਨੁ ਸੁਆਹ ॥

آتش خواسته ها در درون می سوزد، اما در بیرون خاکستر را به بدن می زند

ਗਲਿ ਪਾਥਰ ਕੈ ਸੇ ਤਰੈ ਅਥਾਹ ॥

با فشار خواسته های دنیوی و گناهان مانند سنگ اطراف گردن، چگونه می تواند در اقیانوس گناهان شنا کند؟

ਜਾ ਕੈ ਅੰਤਰਿ ਬਸੈ ਪ੍ਰਭੁ ਆਪਿ ॥

کسی که خدا در قلبش لانه دارد

ਨਾਨਕ ਤੇਜਨ ਸਹਜਿ ਸਮਾਤਿ ॥੫॥

ای نانک این فرد زاتا در عشق خداوند غوطہ ور خواهد شد.

ਸੁਣਿ ਅੰਧਾ ਕੈ ਸੇ ਮਾਰਗੁ ਪਾਵੈ ॥

تنهبا گوش دادن فرد کور چکونے می تواند مسیر را پیدا کند؟

ਕਰੁ ਗਹਿ ਲੇਹੁ ਓੜਿ ਨਿਬਹਾਵੈ ॥

اگر کسی دستش را بگیرد می تواند به مقصد برسد

ਕਹਾ ਬੁਝਾ ਰਤਿ ਬੂੜੈ ਭੋਰਾ ॥

چکونے یک ناشنوامی تواند صدائی زنگولہ را درک کند؟

ਨਿਸਿ ਕਹੀ ਐਤ ਉ ਸਮਝੈ ਭੋਰਾ ॥

بگو شب، واو فکر می کند روز گفتہ ای

ਕਹਾ ਬਿਸਨਪਦ ਗਾਵੈ ਗੁੰਗ ॥

چکونے یک لال می تواند آوازهای بنگی بخواند؟

ਜਤਨ ਕਰੈ ਤ ਉ ਭੀ ਸੁਰ ਭੰਗ ॥

ممکن است تلاش کند اما صدایش شکست خواهد خورد

ਕਹ ਪਿੰਗੁਲ ਪਰਬਤ ਪਰ ਭਵਨ ॥

چਾਗੂਜੇ ਕਿਕ ਫਲ ਮੀ ਤਾਂਦ ਏਕ ਕਹ ਬਾਲਾ ਰੋਦ?

ਨਹੀਂ ਹੋਤ ਉਹਾ ਉਸੁ ਗਵਨ ॥

. خਿਲੀ ਸਾਡੇ, ਓਖੀ ਤਾਂਦ

ਕਰਤਾਰ ਕਰੁਣਾ ਮੈਂ ਦੀਨੁ ਬੇਨਤੀ ਕਰੈ ॥

ای خالق, ای خدای بخشنده, ਬਨਦੇ ਮਿਟਾਉ ਤੇ ਅਭਿਆਸ ਮੀ ਕਨੇ.

ਨਾਨਕ ਤੁਮਰੀ ਕਿਰਪਾ ਤਰੈ ॥੯॥

ای ਨਾਨਕ, ਤੇਹਾ ਮੇਰੀ ਬਾਨੀ ਤ੍ਰਾਮੀ ਤਾਂਦ ਬਨਦੇ ਰਾਏ ਆਚਾਨੁਸਾਰ ਨੁਹਾਨ ਨੁਹਾਨ ਨੁਹਾਨ.

ਸੰਗਿ ਸਹਾਈ ਸੁਆਵੈ ਨ ਚੀਤਿ ॥

خਾਕੇ ਹਮਾਰੇ ਹਾਮੀ ਓਸਟ, ਬਨਦੇ ਖਾਦਾ ਰਾਬੇ ਧਾਨੀ ਆਓਦ.

ਜੇ ਬੈਰਾਈ ਤਾ ਸਿਉ ਪ੍ਰੀਤਿ ॥

ਦਰੁਅਸ਼, ਬੇਦ ਸਮਨ ਖੁਦ ਮਿਆ ਉਛਨ ਨਾਨ ਮੀ ਵਹੁ.

ਬਲੂਆ ਕੇ ਗ੍ਰਿਹ ਭੀਤਰਿ ਬਸੈ ॥

ਏਸਾਨ ਦਰਦਨੀ ਜੰਦਗੀ ਮੀ ਕਨੇ ਕਿ ਮਾਨਦਾਰ ਸ਼ਨੀ ਏਸਟ ਓਮੀ ਰਿੜਦ.

ਅਨਦ ਕੇਲ ਮਾਇਆ ਰੰਗਿ ਰਸੈ ॥

از بازی های دنیوی و مزه می مایا لذت می برد.

ਦ੍ਰਿੜੁ ਕਰਿ ਮਾਨੈ ਮਨਹਿ ਪ੍ਰਤੀਤਿ ॥

شدیداً معتقد است که در این دنیا می ماند و لذت های دنیوی دائمی هستند.

ਕਾਲੁ ਨ ਆਵੈ ਮੂੜੇ ਚੀਤਿ ॥

فلکر مغز بدهن احمق او نمی رسد.

ਬੈਰ ਬਿਰੋਧ ਕਾਮ ਕ੍ਰੋਧ ਮੇਹ ॥

تنفر، نزاع، شهوت، عصبا نیت و ابستگی های دنیوی

ਛੂਠ ਬਿਕਾਰ ਮਹਾ ਲੇਭ ਧ੍ਰੋਹ ॥

: اشتباہ، گناہ، طمع و فریب

ਇਆਹੂ ਜੁਗਤਿ ਬਿਹਾਨੇ ਕਈ ਜਨਮ ॥

بسیاری از لحظات عمر با این روش ها تلف می شوند.

ਨਾਨ ਕਰਾਖਿ ਲੇਹੁ ਆਪਨ ਕਰਿ ਕਰਮ ॥੧॥

ای خدا لطفاً محبت کن و او را از این گناهان دور نگه دار

ਤੂਠਾਕੁਰੁ ਤੁਮ ਪਹਿ ਅਰਦਾਸਿ ॥

ای خدا تو قادر ہستی؛ ما این دعا را برای تو می خوانیم

ਜੀਉ ਪਿੰਡੁ ਸਭੁ ਤੇਰੀ ਰਾਸਿ ॥

این بدن و روح ہمکی لطف تو ہستند

ਤੁਮ ਮਾਤ ਪਿਤਾ ਹਮ ਬਾਰਿਕ ਤੇਰੇ ॥

تو پدر و مادر مایی و ما فرزند تو ہستیم

ਤੁਮ ਰੀ ਕ੍ਰਿਪਾ ਮਹਿ ਸੂਖ ਘਨੇਰੇ ॥

بے لطف تولذت و ارامش وجود دارد

ਕੋਇ ਨ ਜਾਨੇ ਤੁਮ ਰਾਂਭ ਤੁ ॥

بیچ کس محدودیت های تو را نمی داند

ਊਚੇ ਤੇ ਊਚਾ ਭਗਵੰਤ ॥

ای بالاترین بالاها، سخا و تمندترین خدا،

ਸਗਲ ਸਮਗ੍ਰੀ ਤੁਮ ਰੈ ਸੂਤ੍ਰ ਧਾਰੀ ॥

کل جهان مورد حمایت تو سرت و به دستور تو جریان دارد

ਤੁਮਤੇਹੋਇਸੁਆਗਿਆਕਾਰੀ ॥

چیزی کہ از تو آمدہ و تحت لنگرل تو سست

ਤੁਮਰੀਗਤਿਮਿਤਿਤੁਮਰੀਜਾਨੀ ॥

تو تنہا حالت و وسعت خودت رامی دانی

ਨਾਨਕਦਾਸਸਦਾਕੁਰਬਾਨੀ ॥੮॥੮॥

ای خدا، من زندگی ام را برای ہمیشہ فدای تو می کنم، نانک می گوید

ਸਲੇਕੁ ॥

شا لوك

ਦੇਨਹਾਰੁਪ੍ਰਭੋਡਿਕੈਲਾਗਹਿਆਨਸੁਆਇ ॥

کسی کہ خدا را فراموش کند و خودش را بے لذت های دنیوی وابستہ کند،

ਨਾਨਕਕਹੂਨ ਸੀਝਈ ਬਿਨੁਨਾਵੈਪਤਿਜਾਇ ॥੧॥

ای نانک چنین فردی ہرگز باید در سفر زندگی موفق شود. بدون نعم، او باید عزت خود را از دست بدهد

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਦਸ ਬਸਤੂ ਲੇ ਪਾਛੈ ਪਾਵੈ ॥

انسان فانی ملایمکت های زیادی را از خداوند دریافت می کند و آنها را ماورای او قرار می دهد؛

ਏਕ ਬਸਤੂ ਕਾਰਨਿ ਬਿਖੋਟਿ ਗਵਾਵੈ ॥

او به دلیل چیزی که توسط خدا گرفته شده است ایمان خود را جبران می کند

ਏਕ ਭੀਨ ਦੇਇ ਦਸ ਭੀ ਹਿਰਿ ਲੇਇ ॥

اما چه اتفاقی می افتد اگر او همہ می نعمت هارا بگیرد و به کسی که شکایت می کند چیزی ندهد،

ਤਉ ਮੁੜਾ ਕਰੁ ਕਹਾ ਕਰੇਇ ॥

این فرد احمق چه می تواند بنند یا بگوید؟

ਜਿਸੁ ਠਾਕੁਰ ਸਿਉ ਨਾਹੀ ਚਾਰਾ ॥

قادر مطلق، که با او قدرت هیچ بدی ندارد،

ਤਾਕਉ ਕੀਜੈ ਸਦਨਮਸਕਾਰਾ ॥

همواره به او تعظیم کن و خواسته اش را بپذیر.

ਜਾ ਕੈ ਮਨਿ ਲਾਗਾ ਪ੍ਰਭੁ ਮੀਠਾ ॥

کسی که خداوند عزیز قلب اوست

ਸਰਬਸੂਖਤਾਹੂਮਨਿਝੂਠਾ ॥

تمام لذت ها و آرامش در ذهن او رخنے می کند

ਜਿਸੁਜਨਅਪਨਾਹੁਕਮੁਮਨਾਇਆ ॥

فردی کہ خداوند او را تقویت می کند تا خواستہ اش را پہنیرد،

ਸਰਬਬੋਕਨਾਨਕਤਿਨਿਪਾਇਆ ॥੧॥

ای نانک چنین احساس می کند کہ او ہمہ می ملایمت ہای جہاں را دریافت کرده است

ਅਗਨਤਸਾਹੁਅਪਨੀਦੇਰਾਸਿ ॥

خدا، بانکدار، سرمایہ بی پایاں نعمت ہارا بے انسان می دهد،

ਖਾਤਪੀਤਬਰਤੈਅਨਦਉਲਾਸਿ ॥

کہ از این سرمایہ بالذت استفادہ می کند

ਅਪੁਨੀਅਮਾਨਕਛੁਬਹੁਰਿਸਾਹੁਲੇਇ ॥

اگر مقداری از این سرمایہ بعد اتوسط بانکدار (خدا) گرفته شود

ਅਗਿਆਨੀਮਨਿਰੇਸੁਕਰੇਇ ॥

فرد غافل احساس ادعامی کند و شکایت می کند

ਅਪਨੀ ਪਰਤੀਤਿ ਆਪ ਹੀ ਖੋਵੈ ॥

بما این کار، او خودش اعتبار خود را از بین می برد

ਬਹੁਰਿਉਸਕਾ ਬਿਸ਼੍ਟਾ ਸੁਨ ਹੋਵੈ ॥

باعث می شود دوباره مورد اعتماد قرار نگیرد

ਜਿਸ ਕੀ ਬਸਤੁ ਤਿਸੁ ਆਗੈ ਰਾਖੈ ॥

کسی کہ بہ خداد ستور دهد کہ چہ چیزی بہ او تعلق دارد

ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਆਗਿਆ ਮਾਨੈ ਮਾਥੈ ॥

و با رضایت بہ خواست خداوند ساکن شود

ਉਸ ਤੇ ਚਉਗੁਨ ਕਰੈ ਨਿਹਾਲੁ ॥

بیشتر مورد لطف او قرار می گیرد

ਨਾਨਕ ਸਾਹਿਬੁ ਸਦਾ ਦਿਆਲੁ ॥੨॥

ای نانک، قادر ما بخشندہ است

ਅਨਿਕ ਭਾਤਿ ਮਾਇਆ ਕੇ ਹੇਤ ॥ ਸਰਪਰ ਹੋਵਤ ਜਾਨੁ ਅਨੇਤ ॥

بدان کہ شکل های زیادی از وابستگی های دنیوی موقت هستند و قطعاً باید گذرانده شوند

ਬਿਰਖ ਕੀ ਛਾਇਆ ਸਿਉ ਰੰਗੁ ਲਾਵੈ ॥

فرد عاشق سایہ می درخت می شود،

ਓਹ ਬਿਨਸੈ ਉਹੁ ਮਨਿ ਪਛੁਤਾਵੈ ॥

وقتی ناپدید شد در ذہن خود احساس ناامیدی می کند

ਜੋ ਦੀਸੈ ਸੋ ਚਾਲਨਹਾਰੁ ॥

چیزی کہ دیدہ است موقت بود

ਲਪਟਿ ਰਹਿਓ ਤਹ ਅੰਧ ਅੰਧਾਰੁ ॥

هنوز، مثل کوربہ ان چسبیدہ است

ਬਟਾਉ ਸਿਉ ਜੋ ਲਾਵੈ ਨੇਹ ॥

هر کسی کہ عاشق چیزی فانی شود

ਤਾਕਉ ਹਾਥਿਨ ਆਵੈ ਕੇਹ ॥

از رابطہ دست آوردی ندارد

ਮਨ ਹਰਿ ਕੇ ਨਾਮ ਕੀ ਪ੍ਰੀਤਿ ਸੁਖਦਾਈ ॥

ای ذہن تنہا عشق بے نام خداوند ارامش بہ همراه دارد

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਨਾਨਕ ਆਪਿ ਲਏ ਲਾਈ ॥੩॥

ای نانک، عشق او تنہا توسط کسانی دریافت می شود کہ خودشان سعادت آن را دارند

ਮਿਥਿਆ ਤਨੁ ਧਨੁ ਕੁਟੰਬੁ ਸਬਾਇਆ ॥

بدن، ثروت و همهٗ ی روابط اشتباه هستند

ਮਿਥਿਆ ਹਉਮੈ ਮਮਤਾ ਮਾਇਆ ॥

نفس، مایا و مالکیت اشتباه هستند

ਮਿਥਿਆ ਰਾਜ ਜੋਬਨ ਧਨ ਮਾਲ ॥

قدرت، جوانی، ثروت و دارایی اشتباه هستند

ਮਿਥਿਆ ਕਾਮ ਕ੍ਰੋਧ ਬਿਕਰਾਲ ॥

عصبانیت حیوانی و شهوت اشتباه هستند

ਮਿਥਿਆ ਰਖ ਹਸਤੀ ਅਸੂ ਬਸਤ੍ਵਾ ॥

فیلمها، اسب‌ها و لباس‌های گران موقع هستند

ਮਿਥਿਆ ਰੰਗ ਸੰਗਿ ਮਾਇਆ ਪੇਖਿ ਹਸਤਾ ॥

عشق بے ثروت و چشم داشتن اشتباه هستند

ਮਿਥਿਆ ਧੈਰ ਮੇਹ ਅਭਿਮਾਨੁ ॥

اغفال، وابستگی عاطفی و غرور اشتباه هستند.

ਮਿਥਿਆ ਆਪਸ ਉਪਰਿ ਕਰਤ ਗੁਮਾਨੁ ॥

مغورو به خود بودن اشتباه است.

ਅਸਥਿਰੁ ਭਗਤਿ ਸਾਧ ਕੀ ਸਰਨੁ ॥

تنهابندگی عابدانہ خداوند که تحت مراقبت معلم مذهبی انجام شود فنا ناپذیر است.

ਨਾਨਕ ਜਪਿ ਜਪਿ ਜੀਵੈ ਹਰਿ ਕੇ ਚਰਨ ॥੪॥

ای نانک فردی تو اند با عبادت نعم زندگی واقعی داشته باشد.

ਮਿਥਿਆ ਸ੍ਰਵਨ ਪਰਨਿਦਾ ਸੁਨਹਿ ॥

گوش هایی که به تمثیل دیگران گوش دهندبی فایده هستند

ਮਿਥਿਆ ਹਸਤ ਪਰਦਰਬਕ ਉਹਿਰਹਿ ॥

دست هایی که ثروت بقیه را بزدندبی فایده هستند

ਮਿਥਿਆ ਨੇਤ੍ਰ ਪੇਖਤ ਪਰਤਿਆ ਰੂਪਾਦ ॥

چشم هایی که به نسبایی زن دیگری با هدف بد خیره شوندبی فایده هستند

ਮਿਥਿਆ ਰਸਨਾ ਭੋਜਨ ਅਨ ਸ੍ਰਾਦ ॥

زبانی که تنہا از خوشمزگی و مزہ های دنیوی دیگر لذت ببرد غلط است.

ਮਿਥਿਆ ਚਰਨ ਪਰ ਬਿਕਾਰ ਕਉ ਧਾਵਹਿ ॥

پاھائی کہ برائی بدخواہی بقیہ بدوند گناہکار ہستند

ਮਿਥਿਆ ਮਨ ਪਰ ਲੇਭ ਲੁਭਾਵਹਿ ॥

ذهنی کہ با طمع بہ ثروت بقیہ پر شودبی فایدہ است.

ਮਿਥਿਆ ਤਨ ਨਹੀ ਪਰਉਪਕਾਰਾ ॥

بدنی کہ برائی بقیہ خوب نباشدبی فایدہ است

ਮਿਥਿਆ ਬਾਸੁ ਲੇਤ ਬਿਕਾਰਾ ॥

بینی کہ بوی بدی برائیش لذت بخش باشدبی فایدہ است

ਬਿਨੁ ਬੂੜੇ ਮਿਥਿਆ ਸਭ ਭਏ ॥

ہمہ بخشہای بدن کے هدف واقعی خود راند اندبی فایدہ ہستند

ਸਫਲ ਦੇਹ ਨਾਨਕ ਹਰਿ ਹਰਿ ਨਾਮ ਲਏ ॥੫॥

ای نانک، موفق بدنی است کہ نام خداوند را تکرار کند

ਬਿਰਥੀ ਸਾਕਤ ਕੀ ਆਰਜਾ ॥

زنگی بی ایمان کاملاً بدون فایده است

ਸਾਚ ਬਿਨਾ ਕਰ ਹੋਵਤ ਸੂਚਾ ॥

بدون یادآوری خدای ابدی چگونه می‌توان خالص بود؟

ਬਿਰਥਾ ਨਾਮ ਬਿਨਾ ਤਨੁ ਅੰਧ ॥

بدون نام خداوند بدن بی فایده و از نظر معنوی کور است،

ਮੁਖ ਆਵਤ ਤਾ ਕੈ ਦੁਰਗੰਧ ॥

چون از دهان چنین فردی بوی بد تهمت می‌آید

ਬਿਨੁ ਸਿਮਰਨ ਦਿਨੁ ਰੈਨਿ ਬਿਖਾ ਬਿਹਾਇ ॥

بدون تکرار نام خداوند، روز و شب های ما در بطالت می‌گذرد

ਮੇਘ ਬਿਨਾ ਜਿਉ ਖੇਤੀ ਜਾਇ ॥

مانند محصولی که بدون باران پژمرده می‌شود

ਗੋਬਿਦ ਤਜਨ ਬਿਨੁ ਬਿਖੇ ਸਭ ਕਾਮ ॥

بدون عبادت نام خداوند همہی کارهای دنیوی باطل است،

ਜਿਉ ਕਿਰਪਨ ਕੇ ਨਿਰਾਰਥ ਦਾਮ ॥

ਮਾਨਦ ਥਰੂਤ ਆਮ ਖ੍ਰਿਸ਼ਿਓ ਕੇ ਕਾਰਬੋਡੀ ਨਾ ਹੋ।

ਧੰਨਿ ਧੰਨਿ ਤੇ ਜਨਜਿਹ ਘਟਿ ਬਸਿਓ ਹਰਿ ਨਾਉ ॥

ਕਸਾਨੀ ਸਾਡੇ ਮਨੁਸਾਦ ਵਾਚੀ ਹਸਤੇ ਕੇ ਵੇਲੇ ਪੈਂਦੇ ਹਨ ਅਤੇ ਪ੍ਰਾਣ ਦੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਹੋ।

ਨਾਨਕ ਤਾਕੈ ਬਲਿ ਬਲਿ ਜਾਉ ॥੬॥

ਏ ਨਾਨਕ, ਮੈਂ ਜੀਵਨ ਵਿੱਚ ਸਾਡੇ ਹਨ ਅਤੇ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਹੋ।

ਰਹਤ ਅਵਰ ਕਛੁ ਅਵਰ ਕਮਾਵਤ ॥

ਕਿਸੀ ਕੇ ਜੀਵਨ ਵਿੱਚ ਸਾਡੇ ਹਨ ਅਤੇ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਹੋ।

ਮਨਿ ਨਹੀਂ ਪ੍ਰੀਤਿ ਮੁਖਹੁ ਗੰਢ ਲਾਵਤ ॥

ਉਤਸੀ ਬਾਅਦ ਵਿੱਚ ਸਾਡੇ ਹਨ ਅਤੇ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਹੋ।

ਜਾਨਨਹਾਰ ਪ੍ਰਭੂ ਪਰਬੀਨ ॥

ਖਾਡੀ ਦਾ ਜਿਲੀ ਖੁਦ ਮਨੁਸਾਦ ਹੈ।

ਬਾਹਰਿ ਤੇ ਖਨ ਕਾਹੂੰ ਭੀਨ ॥

ਅਤੇ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਸਾਡੇ ਹਨ ਅਤੇ ਪ੍ਰਾਣੀ ਵੇਖਾਂ ਵਿੱਚ ਹੋ।

ਅਵਰ ਉਪਦੇਸੈ ਆਪਿਨ ਕਰੈ ॥

کسی کے عملی انجام ندادہ استچیزی را کہ بے دیگران موعظہ می کند،

ਆਵਤ ਜਾਵਤ ਜਨਮੈ ਮਰੈ ॥

باید او از چرخہ می مرگ و زندگی رنج برد

ਜਿਸ ਕੈ ਅੰਤਰਿਬਸੈ ਨਿਰੰਕਾਰੁ ॥

کسی کے خدائی بدون شکل در قلب او رخنہ کرده است،

ਤਿਸ ਕੀ ਸੀਖ ਤਰੈ ਸੰਸਾਰੁ ॥

تعالیم چنین فردی دنیا را از گناہان نجات می دهد

ਜੋ ਤੁਮਭਾਨੇ ਤਿਨ ਪ੍ਰਭੁ ਜਾਤਾ ॥

ای خدا، تنہا کسانی کے برای تو رضایت بخش هستند تو رامی شناسند

ਨਾਨਕ ਉਨ ਜਨ ਚਰਨ ਪਰਾਤਾ ॥੧॥

ای نانک من با تواضع مقابل آنها تعظیم می کنم

ਕਰ ਉਬੈਨ ਤੀਪਾਰ ਬੂਹਮੁ ਸਭੁ ਜਾਨੈ ॥

برای ہرچہ کہ من عبادت می کنم خدائی شایع در ہمہ جامی داند

ਅਪਨਾ ਕੀਆ ਆਪਹਿ ਮਾਨੈ ॥

او خودش بے انسان ہا عزت و احترام می دهد

ਆਪਹਿ ਆਪ ਆਪਿ ਕਰਤ ਨਿਬੇਰਾ ॥

او خودش و تنہا خودش بر اساس کارهای آنها تصمیم می گیرد

ਕਿਸੈ ਦੂਰਿ ਜਨਾਵਤ ਕਿਸੈ ਬੁਝਾਵਤ ਨੇਰਾ ॥

برای برخی بعید به نظر می رسد در حالیکه بقیه او را در نزدیکی خود تصور می کنند

ਉਪਾਵ ਸਿਆਨਪ ਸਗਲ ਤੇਰਹਤ ॥

او ماورای تمام تلاش ہا و کارهای زیر کانہ است

ਸਭੁ ਕਛੁ ਜਾਨੈ ਆਤਮ ਕੀਰਹਤ ॥

او همه چیز را دربارہ ی حالت معنوی مامی داند

ਜਿਸੁ ਭਾਵੈ ਤਿਸੁ ਲਈ ਲੜਿ ਲਾਇ ॥

هر کسی کہ برائیں رضایت بخش باشد را بے خود جلب می کند

ਬਾਨ ਬਨੰਤ ਰਿਚਿਆ ਸਮਾਇ ॥

او در هر مکان و بین فضایی حاضر است

ਸੇ ਸੇਵਕੁ ਜਿਸੁ ਕਿਰਪਾ ਕਰੀ ॥

کسانی کہ او بے آنہا لطف می کند پیر و ان اومی شوند

ਨਿਮਖਨਿਮਖਜਪਿ ਨਾਨਕ ਹਰੀ ॥੮॥੫॥

ای نانک، در هر لحظه ای خدا را عبادت کن.

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਕਾਮ ਕ੍ਰੋਧ ਅਤੁ ਲੇਭ ਮੇਹ ਬਿਨਸਿ ਜਾਇ ਅਹੰ ਮੇਵ ॥

ممکن است عصباً نیست، شهوت، طمع، وابستگی های عاطفی و خودپسندی من ویران شوند

ਨਾਨਕ ਪ੍ਰਭੁ ਸਰਣਾਗਤੀ ਕਰਿ ਪ੍ਰਸਾਦੁ ਗੁਰਦੇਵ ॥੧॥

نانک در جستجوی پناه خداوند است: ای خدای مقدس لطفاً مرا به لطف خود سعادتمند کن

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی:

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਛਤੀਹ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਖਾਹਿ ॥

با لطف او تو در انواع خوشمزگی ها شریک هستی

ਤਿਸੁਠਾਕੁਰਕਉਰਖਮਨਮਾਹਿ ॥

ایں قادر مطلق را اردا ذہن خود کن.

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿਸੁਗੰਧਤਤਨਿਲਾਵਹਿ ॥

بے لطف او توبہ کل بدن خود عطر می زنی.

ਤਿਸਕਉਸਿਮਰਤਪਰਮਗਤਿਪਾਵਹਿ ॥

بایاد آوری او تو باید بہ موقعیت معنوی برتر بر سی.

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿਬਸਹਿਸੁਖਮੰਦਰਿ ॥

بے لطف او در قلب تو آرامش وجود دارو.

ਤਿਸਹਿਧਿਆਇਸਦਾਮਨਅੰਦਰਿ ॥

ہموارہ اور اردا ذہن خود عبادت کن.

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿਗ੍ਰਿਹਸੰਗਿਸੁਖਬਸਨਾ ॥

بے لطف او تو باخانوا ده ات در آرامش زندگی می کنی.

ਆਠਪਹਰਸਿਮਰਹਿਤਿਸੁਰਸਨਾ ॥

ہموارہ اور ابا تکرار نامش بے خاطر آور.

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿ ਰੰਗਰਸ਼ ਭੇਗ ॥

بے لطف او، تو از مزہ ها و لذت های اشیای دنیوی لذت می بری

ਨਾਨਕ ਸਦਾ ਧਿਆਈਐ ਧਿਆਵਨ ਜੋਗ ॥੧॥

ای نانک، ہموارہ کسی را عبادت کن کہ ارزش عبادت دارد

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿ ਪਾਟਪਟੰਬਰਹਛਾਵਹਿ ॥

بے لطف او، تو حیر و دیگر لباس های گران می پوشی

ਤਿਸਹਿ ਤਿਆਗਿ ਕਤ ਅਵਰ ਲੁਭਾਵਹਿ ॥

چرا اور ادر طمع های دیگر ترک می کنی؟

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿ ਸੁਖਿ ਸੇਜ ਸੋਈਜੈ ॥

بے لطف او تو در بستر پرمی خوابی؛

ਮਨਆਠਪਹਰਤਾਕਾਜਸੁਗਾਵੀਜੈ ॥

ای ذہن من، ستائیش اور انخوان ہر بیست و چھار ساعت روز

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੁਝੁ ਸਭੁ ਕੋਊ ਮਾਨੈ ॥

بے لطف او، تو مورد احترام ہمہ ہستی؛

ਮੁਖਿ ਤਾਕੇ ਜਸੁ ਰਸਨ ਬਖਾਨੈ ॥

ہموارہ مناجات اور انکرار کن۔

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰੋ ਰਹਤਾ ਧਰਮੁ ॥

بے لطف او شما قادر بہ ماندن در راہ درست ہستی۔

ਮਨ ਸਦਾ ਧਿਆਇ ਕੇ ਵਲ ਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁ ॥

ای ذہن من، مدام آن خدائی بر تر را عبادت کن۔

ਪ੍ਰਭ ਜੀ ਜਪਤ ਦਰਗਹ ਮਾਨੁ ਪਾਵਹਿ ॥

با عبادت خدا، تو باید در دادگاہ او عزتمند شوی۔

ਨਾਨਕ ਪਤਿ ਸੇਤੀ ਘਰਿ ਜਾਵਹਿ ॥੨॥

ای نانک، تو باید با احترام بے خانہ واقعی خود بر گردی۔

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਆਰੋਗ ਕੰਚਨ ਦੇਹੀ ॥

بے لطف او، تو بدن زیبا و سالمی داری

ਲਿਵ ਲਾਵਹੁ ਤਿਸੁ ਰਾਮ ਸਨੇਹੀ ॥

خود را با عشق خداوند و فتنے بده۔

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰਾ ਓਲਾ ਰਹਤ ॥

بے لطف او احترام تو حفظ می شود

ਮਨ ਸੁਖੁ ਪਾਵਹਿ ਹਰਿ ਹਰਿ ਜਸੁ ਕਹਤ ॥

. ای ذہن من، با خواندن مناجات او بہ آرامش ابدی دست پیدا کن

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰੇ ਸਗਲ ਛਿਦ੍ਰ ਢਾਕੇ ॥

بے لطف او معايب تو فاش نشده می مانند

ਮਨ ਸਰਨੀ ਪਰੁ ਠਾਕੁਰ ਪ੍ਰਭ ਤਾਕੈ ॥

. ای ذہن من، در جستجوی پناہ این خدای قادر باش

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੁਝੁ ਕੇਨ ਪਹੂੰਚੈ ॥

بے لطف او، یچ کس نمی تو اندر قیب تو باشد

ਮਨ ਸਾਸਿ ਸਾਸਿ ਸਿਮਰਹੁ ਪ੍ਰਭ ਉੱਚੇ ॥

. ای ذہن من، خدای قادر را با هر دم و بازدمی بے یاد آور

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਪਾਈ ਦੁਲਭ ਦੇਰ ॥

بے لطف او، تو این جسم انسانی را سعادتمند می کنی

ਨਾਨਕ ਤਾਕੀ ਭਗਤਿ ਕਰੇਹ ॥੩॥

ای نانک، با عشق و بندگی اور ا العبادت کن.

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਆਭੂਖਨ ਪਹਿਰੀਜੈ ॥

بے لطف او، توجاہرات گران می پوشی

ਮਨਤਿਸੁ ਸਿਮਰਤ ਕਿਉ ਆਲਸੁ ਕੀਜੈ ॥

ای ذہن من، چرا دریاد آوری او تنبل ہستی؟

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਅਸੂ ਹਸਤਿ ਅਸਵਾਰੀ ॥

بے لطف او، تو اسپ و فیل هایی برائی راندن داری (وسایل نقلیہ گران)؛

ਮਨਤਿਸੁ ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਕਬਹੂਨ ਬਿਸਾਰੀ ॥

ای ذہن، ہرگز این خدارا فراموش نکن.

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਬਾਗ ਮਿਲਖ ਧਨਾ ॥

بے لطف او تو زین، باغ و ثروت داری

ਰਾਖੁ ਪਰੋਇ ਪ੍ਰਭ ਅਪੁਨੇ ਮਨਾ ॥

ایں خدارا در قلب خود نگہ دار

ਜਿਨਿਤੇਰੀਮਨਬਨਤਬਨਾਈ ॥

ای ذہن من، کسی کہ تورا بے شکل انسان افریدہ است

ਊਠਤਬੈਠਤਸਦਤਿਸਹਿਧਿਆਈ ॥

ہموارہ اور ادر ہر موقعیتی عبادت کن۔

ਤਿਸਹਿਧਿਆਇਜੋਏਕਅਲਖੈ ॥

اور ا العبادت کن کہ منحصر بے فرد وغیر قابل درک است

ਈਹਾਊਹਾਨਾਨਕਤੇਰੀਰਖੈ ॥੪॥

ای نانک، او باید تو ادر ایجھا و آنجھا نجات دهد

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿਕਰਹਿਪੁੰਨਬਹੁਦਾਨ ॥

بے لطف او، تو در فراوانی خیریہ ہا ہدیہ می گیری

ਮਨਆਠਪਹਰਕਰਿਤਿਸਕਾਧਿਆਨ ॥

ای ذہن من اور ا بیست و چھار ساعت روز بے خاطر داشتہ باش

ਜਿਹਪ੍ਰਸਾਦਿਤੂਆਚਾਰਬਿਊਹਾਰੀ ॥

ہب لطف او، تو تشریفات مذہبی و وظایف دنیوی انجام می دھی

ਤਿਸੁ ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਸਾਸਿ ਸਾਸਿ ਚਿਤਾਰੀ ॥

خدا را در هر دم و بازدمی بے یاد آور.

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰਾ ਸੁੰਦਰ ਰੂਪੁ ॥

بے لطف او، تو این جسم نسباً را داری

ਸੋ ਪ੍ਰਭੁ ਸਿਮਰਹੁ ਸਦਾ ਅਨੂਪੁ ॥

ہموارہ این خدائی نسباً غیر قابل قیاس را بے یاد آور

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰੀ ਨੀਕੀ ਜਾਤਿ ॥

بے لطف او، تو این شکل انسانی بزرگ زندگی را دریافت کرده ای

ਸੋ ਪ੍ਰਭੁ ਸਿਮਰਿ ਸਦਾ ਦਿਨ ਰਾਤਿ ॥

ہموارہ روز و شب خدا را بے یاد آور

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰੀ ਪਤਿ ਰਹੈ ॥

بے لطف او تو احترام دریافت می کنی:

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਨਾਨਕ ਜਸੁ ਕਰੈ ॥੫॥

ای نانک، ستائیش اور ابے لطف معلم مذہبی تکرار کن

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਸੁਨਹਿ ਕਰਨ ਨਾਦ ॥

بے لطف او، تو بے صد اها با گوش هایت گوش می دھی

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਪੇਖਹਿ ਬਿਸਮਾਦ ॥

بے لطف او شلگفتی های سر گرم کننده را دریافت می کنی

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਬੋਲਹਿ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਰਸਨਾ ॥

بے لطف او بازبانت سخن می گویی

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਸੁਖਿ ਸਹਜੇ ਬਸਨਾ ॥

بے لطف او در آرامش ذاتی هستی

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਹਸਤ ਕਰ ਚਲਹਿ ॥

او، دست و پا های تو در حال حرکت و کار هستند بے لطف

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਸੰਪੂਰਨ ਫਲਹਿ ॥

بے لطف او، تو کاملا در زندگی موفق هستی

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਪਰਮ ਗਤਿ ਪਾਵਹਿ ॥

بے لطف او، تو بے موقعیت معنوی برتر می رسمی

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਸੁਖਿ ਸਹਜਿ ਸਮਾਵਹਿ ॥

بہ لطف او، تو در آرامش ابدی غرق می شوی

ਐਸਾ ਪ੍ਰਭੂ ਤਿਆਗਿ ਅਵਰ ਕਤ ਲਾਗਹੁ ॥

پھر اچنین خدایی را ترک می کنی و خودت را بے بقیہ وصل می کنی

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਨਾਨਕ ਮਨਿ ਜਾਗਹੁ ॥੬॥

ای نانک، لطف معلم مذہبی ذہن تو را از غفلت بیدار کرده است

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੂੰ ਪ੍ਰਗਟੁ ਸੰਸਾਰਿ ॥

بہ لطف او، تو در سرتاسر جهان مشور ہستی

ਤਿਸੁ ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਮੂਲਿ ਨ ਮਨਹੁ ਬਿਸਾਰਿ ॥

هر گز اچنین خدایی را از ذہنت فراموش نکلن

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰਾ ਪਰਤਾਪੁ ॥

بہ لطف او، تو موقعیت داری؛

ਤੇ ਮਨ ਮੂੜ ਤੂੰ ਤਾਕ ਉ ਜਾਪੁ ॥

ای ذہن احمد، اور ا العبادت کن

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੇਰੇ ਕਾਰਜ ਪੂਰੇ ॥

بے لطف او ہمہی کارھائی تو کامل می شود؛

ਤਿਸਹਿਜਾਨੁ ਮਨ ਸਦਾ ਹਜੂਰੇ ॥

ای ذہن من ہموارہ حضور اور ابا خودت حس کن۔

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੂੰ ਪਾਵਹਿ ਸਾਚੁ ॥

بے لطف او تو حقیقت رامی یابی؛

ਰੇ ਮਨ ਮੇਰੇ ਤੂੰ ਤਾ ਸਿਉ ਰਾਚੁ ॥

ای ذہن من خود رادر او غوطہ ور کن۔

ਜਿਹ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਸਭ ਕੀ ਗਤਿ ਹੋਇ ॥

بے لطف او ہمہ از بدی ہای دنیوی نجات می یابند۔

ਨਾਨਕ ਜਪੁ ਜਪੈ ਜਪੁ ਸੋਇ ॥੭॥

ای نانک، ستایش اور راجخوان و نام اور ا العبادت کن۔

ਆਪਿ ਜਪਾਏ ਜਪੈ ਸੋਨਾਓ ॥

تنہا کسی خدا را بانا مش عبادت می کند کہ او خودش این عبادت را بے وی الہام کند۔

ਆਪਿ ਗਾਵਾਏ ਸੁ ਹਰਿ ਗੁਨ ਗਾਉ ॥

• تنہا کسی ویژگی‌های خدارامی خواند که خودش الہام کند

ਪ੍ਰਭ ਕਿਰਪਾ ਤੇ ਹੋਇ ਪ੍ਰਗਾਸੁ ॥

• بے لطف خداوند، ذہن با دانش معنوی روشن می شود

ਪ੍ਰਭੂ ਦਇਆ ਤੇ ਕਮਲ ਬਿਗਾਸੁ ॥

• بے لطف خدا قلب مانند گل نیلوفر آبی لذت بخش می شود

ਪ੍ਰਭ ਸੁਪੰਨ ਬਸੈ ਮਨਿ ਸੋਇ ॥

• وقتی خدا شدیداً راضی باشد در ذہن رخنے می کند

ਪ੍ਰਭ ਦਇਆ ਤੇ ਮਤਿ ਉਤਮ ਹੋਇ ॥

• با لطف خدا، هوش توسعہ می یابد

ਸਰਬ ਨਿਧਾਨ ਪ੍ਰਭ ਤੇਰੀ ਮਇਆ ॥

• ای خدا، بے لطف تو ہمہ گنج‌های جہان وجود دارند

ਆਪਹੁ ਕਛੂ ਨ ਕਿਨਹੁ ਲਇਆ ॥

• ہیچ کسی ہیچ چیزی را خودش دریافت نہی کند

ਜਿਤੁ ਜਿਤੁ ਲਾਵਹੁ ਤਿਤੁ ਲਗਹਿ ਹਰਿ ਨਾਥ ॥

ای خدا مردم کاری رامی کنند که تو می خواهی

ਨਾਨਕ ਇਨ ਕੈ ਕਛੂ ਨ ਹਾਥ ॥੮॥੬॥

ای نانک، هیچ چیزی در دست آنها نیست

ਸਲੋਕ ॥

شالوک

ਅਗਮ ਅਗਾਧਿ ਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁ ਸੋਇ ॥

خداوند برتر غیر قابل دسترسی و غیر قابل گمان است

ਜੇ ਜੇ ਕਹੈ ਸੁ ਮੁਕਤਾ ਹੋਇ ॥

هر کسی که نام او را با عشق و بندگی بخواند از گناهان رهایی شود

ਸੁਨਿ ਮੀਤਾ ਨਾਨਕੁ ਬਿਨਵੰਤਾ ॥

ای دوست گوش کن، نانک تسلیم می شود

ਸਾਧ ਜਨਾ ਕੀ ਅਚਰਜ ਕਥਾ ॥੧॥

تو صیف ویژگی های پر هیز کاران جالب است

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپਾਦੀ

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਮੁਖ ਉਜਲ ਹੇਤ ॥

در همراهی پرهیز کاران، عزت معنوی به دست می آید.

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਮਲ੍ਹ ਸਗਲੀ ਖੇਤ ॥

در همراهی پرهیز کاران، همه‌ی آلو دگب گناهان حذف می شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਮਿਟੈ ਅਭਿਮਾਨੁ ॥

در همراهی پرهیز کاران، خود پسندی و نفس از بین می رود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਪ੍ਰਗਟੈ ਸੁਗਿਆਨੁ ॥

در همراهی خداوند، خرد معنوی نشان داده می شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਬੁਝੈ ਪ੍ਰਭੁ ਨੇਰਾ ॥

در همراهی خداوند، خدار نزدیکی حس می شود.

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਸਭੁ ਹੇਤ ਨਿਖੇਰਾ ॥

در همراهی با خداوند، همه‌ی نزع‌های مربوط به گناهان یا اهریمن از بین می رود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਪਾਏ ਨਾਮ ਰਤਨੁ ॥

در هر ای خداوند، فرد با نعم با ارزشی سعادتمند می شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਏਕ ਉਪਰਿ ਜਤਨੁ ॥

در هر ای با پرهیز کاران فرد تنها به شناخت خدا تمرکز می کند.

ਸਾਧ ਕੀ ਮਹਿਮਾ ਬਰਨੈ ਕਉਨੁ ਪ੍ਰਾਨੀ ॥

چه کسی می تواند عظمت پرهیز کاران را وصف کند؟

ਨਾਨਕ ਸਾਧ ਕੀ ਸੋਭਾ ਪ੍ਰਭ ਮਾਹਿ ਸਮਾਨੀ ॥੧॥

ای نانک بزرگ پرهیز کاران عظمت خود خداوند است.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਅਗੇ ਚਰ੍ਚੁ ਮਿਲੈ ॥

در هر ای با خداوند، فرد خدای غیر قابل در ک را می شناسد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸਦਾ ਪਰਫੁਲੈ ॥

در هر ای خداوند، فرد همواره سرشار از لذت است.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਆਵਹਿ ਬਸਿ ਪੰਚਾ ॥

در هر ای خداوند، پنج هوای نفس کنترل می شوند.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਰਸੁ ਭੁੰਚਾ ॥

در هر اهی خداوند، فرد شد مطبوع نام خداوند را می چشد.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਹੋਇ ਸਭ ਕੀ ਰੇਨ ॥

در هر اهی خداوند، فرد شدیداً متواضع می شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਮਨੇ ਹਰ ਬੈਨ ॥

در هر اهی خداوند، ضمخت های فرد فریبندہ می شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨ ਕਤ ਰੁੰਧਾ ਵੈ ॥

در هر اهی پر هیز کاران، ذهن سرگردان نمی شود.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਅਸਥਿਤਿ ਮਨੁ ਪਾਵੈ ॥

در هر اهی خداوند، ذهن وارد حالت آرامش ابدی می شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਮਾਇਆ ਤੇ ਭਿੰਨ ॥

در مکان مقدس، فرد جدا از جذایت های دنیوی می ماند.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਨਾਨਕ ਪ੍ਰਭ ਸੁਪੁਸ਼ਨ ॥੨॥

ای نانک، خدا کاملاً از کسی که به مکان مقدس برو دراضی است.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਦੁਸਮਨ ਸਭਿ ਮੀਤ ॥

در همراهی خداوند همه می دشمنان مانند دوست به نظر می رساند.

ਸਾਧੂ ਕੈ ਸੰਗਿ ਮਹਾਪੁਲੀਤ ॥

در همراهی خداوند ذهن فرد کاملاً معصوم می شود.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਕਿਸ ਸਿਉ ਨਹੀਂ ਬੈਰੁ ॥

در همراهی پرهیز کاران، فرد یچ خصوصی با کسی ندارد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨ ਬੀਗਾ ਪੈਰੁ ॥

در همراهی با خداوند، فرد گامی در جست اشتباہ برنی دارد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨਾਹੀ ਕੋ ਮੰਦਾ ॥

در همراهی پرهیز کاران یچ کسی بد به نظر نمی رسد.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਜਾਨੇ ਪਰਮਾਨੰਦਾ ॥

در همراهی خداوند، فرد همه می چیرگی شایع سعادت بر تر را می فرمد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨਾਹੀ ਹਉ ਤਾਪੁ ॥

در همراهی خداوند تب نفس فروکش می کند

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਤਜੈ ਸਭੁਆਪੁ ॥

در همراهی خداوند، فرد همه‌ی خود پسندی را ترک می‌کند.

ਆਪੇ ਜਾਨੈ ਸਾਧ ਬਡਾਈ ॥

تنها او خودش بزرگی پر ہیز کاران را می‌داند

ਨਾਨਕ ਸਾਧ ਪ੍ਰਭੂ ਬਨਿਆਈ ॥੩॥

ای نانک، افراد مقدس ہماهنگ با خدا ہستند

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨ ਕਬਹੂ ਧਾਵੈ ॥

در همراهی با خداوند، ذہن فرد هر گز سرگردان نمی‌شود

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸਦਾ ਸੁਖੁ ਪਾਵੈ ॥

در همراهی خداوند، فرد به آرامش ابدی می‌رسد

ਸਾਧਸੰਗਿ ਬਸਤੁ ਅਗੋਚਰਲਹੈ ॥

در مکان مقدس، فرد به ثروت غیر قابل درک نعم دست می‌یابد

ਸਾਧੂ ਕੈ ਸੰਗਿ ਅਜਰੁ ਸਹੈ ॥

در همراهی خداوند، فرد می‌تواند تحمل ناپذیر را تحمل کند

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਬਸੈ ਬਾਨਿ ਉੱਚੈ ॥

در هر اهی خداوند فرد به بالاترین موقعیت معنوی می رسد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਮਹਲਿ ਪਹੂੰਚੈ ॥

در هر اهی پرهیز کاران، فرد حضور خدارا تجربه می کند

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਦ੍ਰਿੜੈ ਸਭਿ ਧਰਮ ॥

پرهیز کاران، فرد کامل و ظاییف درست رادر ک می کند در هر اهی

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਕੇ ਵਲ ਪਾਰ ਬੁਰਮ ॥

در هر اهی خداوند فرد تنها خدارا در همه جامی بیند

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਪਾਏ ਨਾਮ ਨਿਧਾਨ ॥

در هر اهی خداوند فرد با گنج نعم سعادتمند می شود.

ਨਾਨਕ ਸਾਧ ਕੈ ਕੁਰਬਾਨ ॥੪॥

ای نانک، من زندگی ام را فدای چنین افرادی می کنم

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸਭ ਕੁਲ ਉਧਾਰੈ ॥

در هر اهی خداوند فرد همہی خط زندگی خود را از گناه نجات می دهد

ਸਾਧਸੰਗਿ ਸਾਜਨ ਮੀਤ ਕੁਟੰਬ ਨਿਸਤਾਰੈ ॥

در همراهی خداوند، فرد ب دوستان و خانواده اش کمک می کند تا از اقیانوس گناهان عبور کنند.

ਸਾਧੂ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸੇ ਧਨੁ ਪਾਵੈ ॥

در همراهی خداوند این ثروت واقعی نعم دریافت می شود.

ਜਿਸੁ ਧਨ ਤੇ ਸਭੁ ਕੋ ਵਰਸਾਵੈ ॥

همه از این ثروت نعم بھرہ مندمی شوند.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਧਰਮ ਰਾਇ ਕਰੇ ਸੇਵਾ ॥

در مکان مقدس فرد با قضاوت درست دادگاه الٰی باعزت می شود.

ਸਾਧੂ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸੇ ਭਾ ਸੁਰਦੇਵਾ ॥

در همراهی خداوند فرد توسط فرشته ها ستایش می شود.

ਸਾਧੂ ਕੈ ਸੰਗਿ ਪਾਪ ਪਲਾਇਨ ॥

در همراهی خداوند، گناهان فرد از بین می روید.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਗੁਨ ਰਾਇਨ ॥

در همراهی خداوند فرد آواز ویژگی های مطبوع خداوند رامی خواند.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸ੍ਰਵ ਬਾਨ ਗੰਮਿ ॥

در همراهی پرہیز کاران، همه مکان ها قابل دسترسی می شوند.

ਨਾਨਕ ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸਫਲ ਜਨਮ ॥੫॥

ای نانک زندگی فرد در همراهی با پرہیز کاران مشترمی شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨਹੀਂ ਕਛੁ ਘਾਲ ॥

در اماکن مقدس مانند پناہ نک یعنی دعوا و نزاعی وجود ندارد،

ਦਰਸਨੁ ਭੇਟਤ ਹੋਤ ਨਿਹਾਲ ॥

چون نسخه سعادتمندی از پرہیز کاران شادری ابدی را به همراه دارد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਕਲੂਖਤ ਹਰੈ ॥

در همراهی پرہیز کاران گناهان فرد آمر زیده می شود.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨਰਕ ਪਰਹਰੈ ॥

در همراهی پرہیز کاران فرد از جسم نجات می یابد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਈਹਾ ਉਹਾ ਸੁਰੇਲਾ ॥

در همراهی با خداوند، فرد را بجا و جهان ما بعد خوشحال است.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਬਿਛੁਰਤ ਹਰਿਮੇਲਾ ॥

در همراهی با خداوند، افراد جد اشده دوباره با خداگی می شوند.

ਜੋ ਇਛੈ ਸੋਈ ਫਲੁ ਪਾਵੈ ॥

تمامی آرزوهای فرد برآورده می شوند،

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨ ਬਿਰਥਾ ਜਾਵੈ ॥

چون در همراهی با خداوند ہیچ کس دست خالی نمی ماند.

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁ ਸਾਧ ਰਿਦ ਬਸੈ ॥

خداوند برتر در قلب پر ہیز کاران رخنہ می کند.

ਨਾਨਕ ਉਧਰੈ ਸਾਧ ਸੁਨਿ ਰਸੈ ॥੯॥

ای نانک، گوش دادن بے کلمات شیرین خداوند فرد را از گناهان نجات می دهد.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸੁਨਉ ਹਰਿ ਨਾਉ ॥

در همراهی با خداوند من بے نام خداگوش می دهم.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਹਰਿ ਕੇ ਗੁਨ ਗਾਉ ॥

من در همراهی با خداوند، مناجات با شکوه اور ارمی خوانم.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਨਮਨ ਤੇ ਬਿਸਰੈ ॥

در همراهی با پرہیز کاران خداوند هرگز فراموش نمی شود.

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਸਰਪਰ ਨਿਸਤ ਰੈ ॥

در همراهی با خداوند فرد قطعاً از گناه دور می‌ماند.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਲਗੈ ਪ੍ਰਭੁ ਮੀਠਾ ॥

در همراهی با پرہیز کاران عشق برای خداوند به وجود می‌آید.

ਸਾਧੂ ਕੈ ਸੰਗਿ ਘਟਿ ਘਟਿ ਢੀਠਾ ॥

و او در هر کس و همه کس دیده می‌شود.

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਭਏ ਆਗਿਆ ਕਾਰੀ ॥

در همراهی با خداوند، ملزم به پیروی از خواسته‌ی خدامی شویم.

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਗਤਿ ਭਈ ਹਮਾਰੀ ॥

در همراهی با پرہیز کاران ما به حالت معنوی بالاتری دست می‌یابیم.

ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗਿ ਮਿਟੇ ਸਤਿ ਰੋਗ ॥

در همراهی با خداوند، همه بدبندی‌ها و گناهان درمان می‌شوند.

ਨਾਨਕ ਸਾਧ ਭੇਟੇ ਸੰਜੋਗ ॥੧॥

ای نانک فرد باشناس عالی خدا را ملاقات می کند

ਸਾਧ ਕੀ ਮਹਿਮਾ ਬੇਦ ਨ ਜਾਨਹਿ ॥

عظمت پر هیز کاران حتی برای نویسنده کان و دانیز مشخص نیست

ਜੇਤਾ ਸੁਨਹਿ ਤੇਤਾ ਬਖਿਆਨਹਿ ॥

این کتب مقدس فقط آنچہ را که آهنگسازان آنها شنیده اند توصیف می کند

ਸਾਧ ਕੀ ਉਪਮਾ ਤਿਹੁ ਗੁਣ ਤੇ ਦੂਰਿ ॥

بزرگ مردم مقدس فراتراز سه حالت مایا است

ਸਾਧ ਕੀ ਉਪਮਾ ਰਹੀ ਭਰਪੂਰਿ ॥

عظمت افراد مقدس کاملاً مشخص است

ਸਾਧ ਕੀ ਸੇਭਾ ਕਾ ਨਾਹੀ ਅੰਤ ॥

عظمت خداوند را نمی توان برآورد کرد

ਸਾਧ ਕੀ ਸੇਭਾ ਸਦਾ ਬੇਅੰਤ ॥

شکوه پر هنر کارما و رای محدودیت هاست

ਸਾਧ ਕੀ ਸੋਭਾ ਉਚਤੇ ਉਚੀ ॥

شکوه خداوند بالاترین بالا هاست.

ਸਾਧ ਕੀ ਸੋਭਾ ਮੂਚਤੇ ਮੂਚੀ ॥

شکوه خداوند فراتراز هر بزرگی است.

ਸਾਧ ਕੀ ਸੋਭਾ ਸਾਧ ਬਨਿ ਆਈ ॥

شکوه پرهیز کاران تنہا برای پرهیز کاران شایسته است.

ਨਾਨਕ ਸਾਧ ਪ੍ਰਭ ਤੇਦੁਨ ਭਾਈ ॥੯॥੧॥

ای نانک برادر من گوش کن، تفاوتی بین پرهیز کار و خداوند نیست،

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਮਨਿ ਸਾਚਾ ਮੁਖਿ ਸਾਚਾ ਸੋਇ ॥

کسی که خداوند در قلب اور رخنه کرده است و همواره ستایش او را می خواند

ਅਵਰੁਨ ਪੇਖੈ ਏਕ ਸੁ ਬਿਨੁ ਕੋਇ ॥

و کسی را جز خداوند ستایش نمی کند

ਨਾਨਕ ਇਹ ਲਛਣ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਹੋਇ ॥੧॥

ای نانک، داشتن چنین ویژگی ہایی اور ابراہام مالک گیانی خداوند می کند

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپادی

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਦਾ ਨਿਰਲੇਪ ॥

ہوشیار از خداوند ہموارہ جدا از اہر یمن می ماند،

ਜੈਸੇ ਜਲ ਮਹਿ ਕਮਲ ਅਲੇਪ ॥

چون نیلوفری کہ در آب گل آلو درشد کند با کثیفی آب کثیف نمی شود

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਦਾ ਨਿਰਦੋਖ ॥

فردی از که حضور خداوند مطلع است بہ بقیہ لکھ می کند از گناہان خود دور شوند در حالیکہ خودش بدون تاثیر
می ماند،

ਜੈਸੇ ਸੂਰੂ ਸਰਬ ਕਉ ਸੇਖ ॥

مانند خورشید کہ ہمه ی کثیفی ہارا با گرمائیں خشک می کند

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਦਿਸਟਿ ਸਮਾਨਿ ॥

فردی بادانش مقدس ہم را مثل ہم می بیند،

ਜੈਸੇ ਰਾਜ ਰੰਕ ਕਉ ਲਾਗੈ ਤੁਲਿ ਪਵਾਨ ॥

مانند باد کہ بہ صورت برابر بہ پادشاہ و فقیر می وزد

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਧੀਰਜੁ ਏਕ ॥

فردی کہ از خداوند اطلاع دارد صبر ثابتی دارد (نوعی صبر کہ تحت تاثیر تغیر شرایط نیست)

ਜਿਉ ਬਸੁਧਾ ਕੋਊ ਖੇਦੈ ਕੋਊ ਚੰਦਨ ਲੇਪ ॥

مانند زین کہ توسط یکی گرم می شود و توسط دیگری با چسب کفش روغن مالی می شود

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਇਹੈ ਗੁਨਾਉ ॥

کیفیت فردی با دانش مقدس این است،

ਨਾਨਕ ਜਿਉ ਪਾਵਕ ਕਾ ਸਹਜ ਸੁਭਾਉ ॥੧॥

ای نانک مانند سوختن کثیفی در هر چیزی کہ یکی از ماهیات ذاتی آتش است

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਨਿਰਮਲ ਤੇ ਨਿਰਮਲਾ ॥

موجود ہوشیار از وجود خداوند خالص ترین خالص هاست (بدون لمس گناهان)؛

ਜੈਸੇ ਮੈਲੁਨ ਲਾਗੈ ਜਲਾ ॥

مانند آب کہ آکوڈگی بہ آن نبی چسبد

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਮਨਿ ਹੋਇ ਪ੍ਰਗਾਸੁ ॥

ذهن فرد با خدامی داند که خدا در همه جا حاضر است.

ਜੈਸੇ ਧਰ ਉਪਰਿਆਕਾਸੁ ॥

مانند آسمان که همه جای زمین است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਮਿਤ੍ਰ ਸਤ੍ਰ ਸਮਾਨਿ ॥

مانند برای فرد ارای دانش معنوی دوست و دشمن یکی هستند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਨਾਹੀ ਅਭਿਮਾਨ ॥

چون فرد با دانش معنوی هیچ غرور خود پسندانه ای ندارد.

ਮਨਿ ਅਪਨੈ ਹੈ ਸਭ ਤੇ ਨੀਚਾ ॥

از نظر معنوی فرد با خدا در بالاترین موقعیت است.

ਮਨਿ ਅਪਨੈ ਹੈ ਸਭ ਤੇ ਨੀਚਾ ॥

اما در ذهن خود متواضع ترین فرد است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸੇ ਜਨ ਭਏ ॥

تنها کسانی از خدا هو شیار می شوند که

ਨਾਨਕ ਜਿਨ ਪ੍ਰਭੁ ਆਪਿ ਕਰੇਇ ॥੨॥

خداوند برایشان چنین بخواهد.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਗਲ ਕੀ ਰੀਨਾ ॥

فرد با خدا مانند خاک پائی همه زندگی می کند (شدیداً متواضع)

ਆਤਮ ਰਸੁ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਚੀਨਾ ॥

فرد مطلع از وجود خداوند سعادت معنوی را می شناسد

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੀ ਸਭ ਉਪਰਿ ਮਇਆ ॥

فرد خردمند مقدس به همه محبت نشان می دهد

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਤੇ ਕਛੁ ਬੁਰਾ ਨ ਭਇਆ ॥

میچ بدی از فرد با خدا نمی آید

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਦਾ ਸਮਦਰਸੀ ॥

فرد با خدا همواره بی طرف است

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੀ ਵਿਸਟਿ ਅੰਮ੍ਰਿਤੁ ਬਰਸੀ ॥

شہد مطبوع از زگاه فرد با خدا می بارد

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਬੰਧਨ ਤੇ ਮੁਕਤਾ ॥

فرد بادا از گرفتاری های دنیوی آزاد است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੀ ਨਿਰਮਲ ਜੁਗਤਾ ॥

سبک زندگی فرد مقدس کاملاً ناب و بدون گناه است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਭੇਜਨੁ ਗਿਆਨ ॥

خرد معنوی غذای فرد باد است.

ਨਾਨਕ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਬ੍ਰਹਮ ਧਿਆਨ ॥੩॥

ای نانک، فرد باد در عبادت خداوند جذب می شود.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਏਕ ਉਪਰਿਆਸ ॥

فرد باد امید خود را تنا روی یکی متکر کزمی کند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਨਹੀ ਬਿਨਾਸ ॥

بالاترین موقعیت معنوی فرد بادا هرگز از بین نمی رود.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਗਰੀਬੀ ਸਮਾਹਾ ॥

فرد باد در فروتنی غرق می شود.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਪਰਉਪਕਾਰ ਉਮਾਹਾ ॥

فرد با خدا همواره از رفتار خوب باقیه لذت می برد.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਨਾਹੀ ਧੰਧਾ ॥

فرد با خدا هیچ گرفتاری دنیوی ندارد.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਲੇ ਧਾਵਤੁ ਬੰਧਾ ॥

فرد با خدا ذهن سرگردان خود را کنترل می کند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਹੋਏਂਦੁ ਸੁਭਲਾ ॥

برای فرد با خدا هر اتفاقی که بیو فتد خوب است

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸੁਫਲਲਾਵਲਾ ॥

با این روش، فرد با خدا موفق می شود و در همه جنبه های زندگی مقدم است

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸੰਗਿ ਸਗਲ ਉਧਾਰੁ ॥

در همراهی با فرد آگاه از خدا همراه از گناهان نجات می یابد.

ਨਾਨਕ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਜਪੈ ਸਗਲ ਸੰਸਾਰੁ ॥੮॥

ای نانک، از طریق فرد آگاه از خدا، کل جهان خدارا عبادت می کند

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਏਕੈ ਰੰਗ ॥

فرد مطلع از خداوند همواره آغشته به عشق خداست.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਬਸੈ ਪ੍ਰਭੁ ਸੰਗ ॥

خدا همواره ساکن همراهی با فرد آگاه است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਨਾਮੁ ਆਧਾਰੁ ॥

نام خداوند نگه دارنده ہی فرد باخداست.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਨਾਮੁ ਪਰਵਾਰੁ ॥

برای فرد باخدا نعم خانوادہ ہی اوست.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਦਾ ਸਦ ਜਾਗਤ ॥

فرد آگاه از خداوند هموارہ بے دور از تاثیر گناہ می ماند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਅਹੰਬੁਧਿ ਤਿਆਗਤ ॥

فرد مطلع از خداوند تفکر خود پسندانہ ہی خود را انکار می کند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਮਨਿ ਪਰਮਾਨੰਦ ॥

خداوند شیع سعادت برتر در ذہن فرد آگاه رخنے می کند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਘਰਿ ਸਦਾ ਅਨੰਦ ॥

در قلب فرد آگاه از خداوند سعادت همیشگی وجود دارد.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸੁਖ ਸਹਜ ਨਿਵਾਸ ॥

فرد آگاه از خداوند در آرامش و تواضع ذاتی به سرمی برد.

ਨਾਨਕ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾਨਹੀ ਬਿਨਾਸ ॥੫॥

ای نانک، موقعیت معنوی برتر فرد آگاه از خداوند هرگز از بین نمی رود.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਬ੍ਰਹਮ ਕਾ ਬੇਤਾ ॥

فرد با خدا، خدارامی شناسد

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਏਕ ਸੰਗਿ ਹੇਤਾ ॥

فرد آگاه از وجود خداوند تنها عاشق یکی است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਹੋਇ ਅਚਿੰਤ ॥

فرد آگاه از وجود خداوند آزاد از هر نگرانی است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਨਿਰਮਲ ਮੰਤ ॥

تعالیم فرد آگاه از خداوند خالص هستند

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਜਿਸੁ ਕਰੈ ਪ੍ਰਭੁ ਆਪਿ ॥

فرد آگاه از خداوند توسط خود خداوند ساخته شده است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਬਡ ਪਰਤਾਪ ॥

عزت فرد بخدا بزرگ است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਦਰਸੁ ਬਡਭਾਰੀ ਪਾਈਐ ॥

فرد خوش شانس با نگاه فرد بخدا سعادتمند می شود.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਉ ਬਲਿ ਬਲਿ ਜਾਈਐ ॥

بیایید خودمان را فدائی فرد بخدا کنیم.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਉ ਖੋਜਹਿ ਮਹੇਸੁਰ ॥

حتی خدایانی مانند شیوای بزرگ هم در جستجوی فرد بخدا هستند.

ਨਾਨਕ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਆਪਿ ਪਰਮੇਸੁਰ ॥੯॥

ای نانک، فرد بخدا ساخته می دست خود خداوند است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੀ ਕੀਮਤਿ ਨਾਹਿ ॥

ویژگی های فرد بخدا ارزشمند و بدون قیمت هستند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੈ ਸਗਲ ਮਨ ਮਾਹਿ ॥

همهٗ ویژگی‌های ممکن در فرد با خدا وجود دارند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਕਉਨ ਜਾਨੇ ਭੇਦੁ ॥

چه کسی می‌تواند رمز زندگی با تقوای فرد با خدا را بشناسد؟

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਉ ਸਦਾ ਅਦੇਸੁ ॥

همواره به احترام فرد با خدا تعظیم کن.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਕਥਿਆਨ ਜਾਇ ਅਧਯਾਖਜਜਰੁ ॥

حتی ذره‌ای از عظمت فرد با خدارانمی‌توان توصیف کرد.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਰਬ ਕਾ ਠਾਕੁਰੁ ॥

فرد با خدا مورد احترام همهٗ هست.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੀ ਮਿਤਿ ਕਉਨੁ ਬਖਾਨੇ ॥

چه کسی می‌تواند وسعت ویژگی‌های فرد با خدارا را توصیف کند؟

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੀ ਗਤਿ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਜਾਨੇ ॥

تنها فرد با خدا موقعیت بالای ذهنی آگاہی از خدارا می‌داند.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਅੰਤੁ ਨ ਪਾਰੁ ॥

ویژگی های فرد با خدا نامحدود هستند.

ਨਾਨਕ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਉ ਸਦਾ ਨ ਮਸਕਾਰੁ ॥੭॥

ای نانک، همواره به احترام فرد با خدا تعظیم کن.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਭ ਸਿਸਟਿ ਕਾ ਕਰਤਾ ॥

فرد با خدا خالق همہی خلقت است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਦ ਜੀਵੈ ਨਹੀ ਮਰਤਾ ॥

فرد با خدا برای همیشه زنده است و نبی میرد.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਮੁਕਤਿ ਜੁਗਤਿ ਜੀਅ ਕਾ ਦਾਤਾ ॥

فرد با خدا در بہترین مسیر برای دستیابی به موقعیت معنوی برتر و آزادی روح است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਪੂਰਨ ਪੂਰਖੁ ਬਿਧਾਤਾ ॥

فرد با خدا کامل ترین موجودی است که خلق شده است.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਅਨਾਥ ਕਾ ਨਾਥੁ ॥

فرد با خدا مر اقب بدون مر اقب هاست.

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਸਭ ਉਪਰਿ ਹਾਥੁ ॥

فرد با خدا دست یاری خود را ب سوی همه دراز می کند

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕਾ ਸਗਲ ਅਕਾਰੁ ॥

کل جهان متعلق به فرد با خدا دست

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਆਪਿ ਨਿਰੰਕਾਰੁ ॥

فرد با خدا خودش تجسم خداوند بدون شکل است

ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਕੀ ਸੋਭਾ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਬਨੀ ॥

عظمت فرد با خدا تنها برای اگاه از خدا لذت بخش است

ਨਾਨਕ ਬ੍ਰਹਮ ਗਿਆਨੀ ਸਰਬ ਕਾਧਨੀ ॥੮॥੮॥

ای نانک، فرد با خدا غالب بر همه چیز است

ਸਲੇਕੁ ॥

شا لوک:

ਉਰਿ ਧਾਰੈ ਜੋ ਅੰਤਰਿ ਨਾਮੁ ॥

کسی کہ نعم را در قلب ها نفوذ می دهد،

ਸਰਬ ਮੈਂ ਪੇਖੇ ਭਗਵਾਨੁ ॥

کسی کہ خدا را در همہ جامی بیند،

ਨਿਮਖਨਿਮਖ ਠਾਕੁਰ ਨਮਸਕਾਰੈ ॥

و کسی کہ در هر لحظہ بہ احترام خدائی قادر تعظیم می کند،

ਨਾਨਕ ਓਹੁ ਅਪਰਸੁ ਸਗਲ ਨਿਸਤਾਰੈ ॥੧॥

ای نانک، چنین فردی آپاراں واقعی است (پرھیز کار بدون گناہ) و بہ کسانی کہ پیرو او ہستند کمک می کندا از اقیانوس دنیوی گناہان شنا کنند۔

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਮਿਥਿਆ ਨਾਹੀ ਰਸਨਾ ਪਰਸ ॥

کسی کہ هر گز گناہ نمی گوید،

ਮਨ ਮਹਿ ਪ੍ਰੀਤਿ ਨਿਰੰਜਨ ਦਰਸ ॥

در قلب او نسخے سعادتمند خداوند ابدی قرار دارد؛

ਪਰਤ੍ਰਿਆ ਰੂਪੁਨ ਪੇਖੈ ਨੇਤ੍ਰੁ ॥

چشم های او نسبیلی زن دیگری را با ہوس نمی بیند،

ਸਾਧ ਕੀ ਟਹਲ ਸੰਤ ਸੰਗਿ ਹੇਤ ॥

خدا را بندگی می کند و مکان مقدس پر هیز کاران را دوست دارد،

ਕਰਨ ਨ ਸੁਨੈ ਕਾਹੂ ਕੀ ਨਿੰਦਾ ॥

گوش هایش بہ بہ تھمت دربارہ یچ کسی گوش نمی دهد،

ਸਭ ਤੇ ਜਾਨੈ ਆਪਸ ਕਉ ਮੰਦਾ ॥

و خودش را بدتر از همه می داند.

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਬਿਖਿਆ ਪਰਹਰੈ ॥

کسی کر بہ لطف معلم مذہبیاً زگناهان رہا می شود،

ਮਨ ਕੀ ਬਾਸਨਾ ਮਨ ਤੇ ਟਰੈ ॥

کسی کہ خواستہ هایش را از ذہنش بیرون می کند

ਇੰਦ੍ਰੀ ਜਿਤ ਪੰਚ ਦੇਖ ਤੇ ਰਹਤ ॥

کسی کہ بر احساس خود غالب است و آزاد از پنج گناہ بزرگ است

ਨਾਨਕ ਕੋਟਿ ਮਧੇ ਕੋਐਸਾ ਅਪਰਸ ॥੧॥

ای نانک، در بین میلیون ها، بہ ندرت چنین بندی ای وجود دارد

ਬੈਸਨੇ ਸੋ ਜਿਸੁ ਉਪਰਿ ਸੁਪੁਸ਼ਨ ॥

بیک و اشانوای واقعی (پیر و پیشوابرگ) میں از کسانی است کہ خدا از اور ارضی است

ਬਿਸਨ ਕੀ ਮਾਇਆ ਤੇ ਹੋਇ ਭਿੰਨ ॥

او جدا از مایلی می ماند کہ خدا خلق کرده است

ਕਰਮ ਕਰਤ ਹੋਵੈ ਨਿਹ ਕਰਮ ॥

در حال انجام کارهای خوب انتظار ہیچ پاداشی را ندارد

ਤਿਸੁ ਬੈਸਨੇ ਕਾ ਨਿਰਮਲ ਧਰਮ ॥

ایمان چنین بندہ ای کاملا خالص است

ਕਾਹੂ ਫਲ ਕੀ ਇਛਾ ਨਹੀ ਬਾਛੈ ॥

او منتظر پاداش ہیچ کاری نیست

ਕੇਵਲ ਭਗਤਿ ਕੀਰਤਨ ਸੰਗਿ ਰਾਚੈ ॥

او تنہا مجدوب عبادت خالصانہ و خواندن ستایش خداوند می شود

ਮਨਤਨ ਅੰਤਰਿ ਸਿਮਰਨ ਗੋਪਾਲ ॥

جسم و ذہن او یاد آور ثابت خدا ہستند

ਸਭ ਉਪਰਿ ਹੋਵਤ ਕਿਰਪਾਲ ॥

او با همه مخلوقات مهربان است.

ਆਪਿ ਦ੍ਰਿੜੈ ਅਵਰਹਨਾਮੁ ਜਪਾਵੈ ॥

او خودش نام خداوند را عبادت می کند و بقیه را به انجام همان کار تشویق می کند.

ਨਾਨਕ ਓਹੁ ਬੈਸਨੇ ਪਰਮਗਤਿ ਪਾਵੈ ॥੨॥

ای نانک چنین واشنماوی به موقعیت معنوی برتر دست می یابد.

ਭਗਉਤੀ ਭਗਵੰਤ ਭਗਤਿ ਕਾ ਰੰਗੁ ॥

پیرو واقعی خداوند کسی است که قلبش پر از بندگی عاشقانه است.

ਸਗਲ ਤਿਆਰੈ ਦੁਸਟ ਕਾ ਸੰਗੁ ॥

او همراهی همہی مردم گناہکار را رهایی کند.

ਮਨ ਤੇ ਬਿਨਸੈ ਸਗਲਾ ਭਰਮੁ ॥

هر نوع شکلی از ذهن او پاک می شود.

ਕਰਿ ਪੂਜੈ ਸਗਲ ਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁ ॥

پیرو خداوند را با اعتقادی عبادت می کند که در همه جا حاضر است.

ਸਾਧਸੰਗਿ ਪਾਪਾ ਮਲੁਖੇਵੈ ॥

در همراهی مردم پرہیزکار، چنین فرد از بندگناهان پاک می شود.

ਤਿਸੁਭਗਉਤੀ ਕੀ ਮਤਿ ਉਤਮ ਹੋਵੈ ॥

هوش چنین پیرو خدایی برترمی شود.

ਭਗਵੰਤ ਕੀ ਟਹਲ ਕਰੈ ਨਿਤ ਨੀਤਿ ॥

او هر روز خداوند را با عشق و عبادت به خاطر می آورد.

ਮਨੁਤਨੁ ਅਰਪੈ ਬਿਸਨਪਰੀਤਿ ॥

او ذهن و جسم خود را فدای عشق خداوند می کند

ਹਰਿ ਕੇ ਚਰਨ ਹਿਰਦੈ ਬਸਾਵੈ ॥

او پای عشق خداوند را در قلب خود تقدیس می کند

ਨਾਨਕ ਐਸਾ ਭਗਉਤੀ ਭਗਵੰਤ ਕਉ ਪਾਵੈ ॥੩॥

ای نانک چنین بnde ای خدا را در قلب خود شناخته است.

ਸੇਪੰਡਿਤੁ ਜੋ ਮਨੁ ਪਰਬੋਧੈ ॥

پاندیت واقعی کسی است که ابتدا ذهن خود را بسازد؛

ਰਾਮਨਾਮੁਆਤਮਮਹਿਸੋਯੈ ॥

و در جستجوی نام خدا در روح خود باشد

ਰਾਮਨਾਮਸਾਰੁਰਸੁਪੀਵੈ ॥

او در شهد عالی نام خداوند سیم است

ਉਸੁਪੰਡਿਤ ਕੈ ਉਪਦੇਸਿਜਗੁਜੀਵੈ ॥

باتفاقاً لیم چنین پاندیتی، کل جهان از نظر معنوی زنده می‌ماند

ਹਰਿਕੀਕਥਾ ਹਿਰਦੈਬਸਾਵੈ ॥

او ویشگی‌های خداوند را در قلبش وارد می‌کند

ਸੇਪੰਡਿਤੁਫਿਰਿਜ਼ੋਨਿਨਾਵੈ ॥

چنین پاندیت دوباره به چرخه‌های تولد و مرگ نمی‌افتد

ਬੇਦਪੁਰਾਨਸਿਮ੍ਰਿਤਿਬੂਝੈਮੂਲ ॥

او خدا را نیع موجودات مقدس مانند ودا، پورانا و سریت می‌داند

ਸੂਖਮਮਹਿਜਾਨੈਅਸਥਲੁ ॥

او خدای غیرقابل لمس را در خلقت قابل لمس می‌شناسد

ਚਹੁ ਵਰਨਾ ਕਉ ਦੇ ਉਪਦੇਸੁ ॥

او مردم همه چهار طبق اجتماعی را موعظہ می کند.

ਨਾਨਕ ਉਸੁ ਪੰਡਿਤ ਕਉ ਸਦਾ ਅਦੇਸੁ ॥੪॥

ای نانک، برای پچھنین پاندیتی من همواره تعظیم می کنم.

ਬੀਜ ਮੰਤੁ ਸਰਬ ਕੋ ਗਿਆਨੁ ॥ ਚਹੁ ਵਰਨਾ ਮਹਿਜ ਪੈ ਕੋਊ ਨਾਮੁ ॥

اجازه دهید همه از هر چهار اجتماعی نام خدا را عبادت کنند و فرد خواهد فهمید که نام خداریشہ همہ دانش معنوی است.

ਜੋ ਜੋ ਜਪੈ ਤਿਸ ਕੀ ਗਤਿ ਹੋਏ ॥

کسی کہ نعم بیاندیشد زندگی خود را زینت داده است

ਸਾਧਸੰਗਿ ਪਾਵੈ ਜਨੁ ਕੋਇ ॥

هنوخته افراد نادری هدیہ نعم را در همراهی پر ہیز کاران دریافت می کنند.

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਅੰਤਰਿ ਉਰਧਾਰੈ ॥

اگر خدا با لطف خود نام خود را در قلب فردی نفوذ دهد،

ਪਸੁ ਪ੍ਰੇਤ ਮੁਘਦ ਪਾਥਰ ਕਉ ਤਾਰੈ ॥

حتی اگر این فرد ماندیک حیوان، روح یا احمق، یا با قلب سنگی هم باشد نجات می یابد.

سਰਬ رेग کا ابھی خدھ نام ॥

نام خدا درمان همه بیماری هاست

کلی آٹھ رُپ مُگال گُدھ گام ॥

خواندن ستایش خدا منجربه خوش شانسی و سعادت می شود

کا ہُ جُ گاتی کی تے ن پا ہی اپے یار می ॥

نعم رانمی تو ان با ہیچ روش خاص یا تشریفات مذهبی بدست آورد

نَانَكَ تِسْرِيْسِ مِيلَيْ نِسْرِيْسِ لِيكِيَا يُورِيْ كَرِيْمِ ॥۴ ॥

ای نانک تنما کسی آن را دریافت می کند که از قبل مشخص باشد

جِس کِيْ مَنِيْ پَارَبُوْهَمَ كَانِيْوا سُ ॥

کسی کہ خدا در ذهن او رخنہ کرده است

تِسْرِيْسِ نَامِ سِتِّ رَامَدَا سُ ॥

نام او رام داس واقعی، بندہ ی خداوند است

آَتَمَ رَامِ تِسْرِيْسِ نَدَرِيْ آَيِيَا ॥

چنین بندہ ای خدائی شایع در همه جا رامی شناسد

ਦਾਸ ਦ ਸੰਤਣ ਭਾਇ ਤਿਨਿ ਪਾਇਆ ॥

این بندہ با کاملا فروتن پنداشتمن خود خدارامی شناشد

ਸਦਾ ਨਿਕਟਿ ਨਿਕਟਿ ਹਰਿ ਜਾਨੁ ॥

کسی کہ خدارا در ہمہ جا حاضر می یہند دستش بستہ است

ਸੋ ਦਾਸੁ ਦਰਗਹ ਪਰਵਾਨੁ ॥

چنین بندہ ہی خدایی در دادگاہ الہی پنیرفتہ می شود

ਅਪੁਨੇ ਦਾਸ ਕਉ ਆਪਿ ਕਿਰਪਾ ਕਰੈ ॥

او لطف خود را ارزانی بندہ اش می کند،

ਤਿਸੁ ਦਾਸ ਕਉ ਸਭ ਸੋਝੀ ਪਰੈ ॥

و چنین بندہ ای ہمہ چیز را در ک می کند

ਸਗਲ ਸੰਗਿ ਆਤਮ ਉਦਾਸੁ ॥

او بازندگی در بین خانوادہ جدا از و سوسہ های دنیوی می ماند

ਐਸੀ ਜੁਗਤਿ ਨਾਨਕ ਰਾਮ ਦਾਸੁ ॥੬॥

ای نانک روش زندگی بندہ ہی خدا چنین است

ਪ੍ਰਭ ਕੀਆਗਿਆ ਆਤਮ ਹਿਤਾਵੈ ॥

کسی کہ از چمیم قلب خواستہ ہی خدا را دوست بدارد،

ਜੀਵਨ ਮੁਕਤਿ ਸੋਊ ਕਰਾਵੈ ॥

جیوان موکتا گفتہ می شود۔ یعنی آزاد از بندھائی مایا در حالیکہ ہنوز زنده است

ਤੈਸਾ ਹਰਖੁ ਤੈਸਾ ਉਸੁ ਸੋਗੁ ॥

برای چنین فردی، لذت و غم مثل ہم ہستند

ਸਦਾ ਅਨੰਦੁ ਤਹਨਹੀ ਬਿਓਗੁ ॥

او ہموارہ در سعادت ابدی می ماند چون در این حالت است کہ جدایی از خدا وجود ندارد

ਤੈਸਾ ਸੁਵਰਨੁ ਤੈਸੀ ਉਸੁ ਮਾਟੀ ॥

برای او طلا و خاک یکی است

ਤੈਸਾ ਅੰਮ੍ਰਿਤੁ ਤੈਸੀ ਬਿਖੁ ਖਾਟੀ ॥

زہر و شد برای او یکی است

ਤੈਸਾ ਮਾਨੁ ਤੈਸਾ ਅਭਿਮਾਨੁ ॥

عزت و احترام و نمایش نفس برای او یکی است

ਤੈਸਾ ਰੰਕੁ ਤੈਸਾ ਰਾਜਾਨੁ ॥

گدا و پادشاه برای او میکلی است

ਜੇਵਰਤਾਏ ਸਾਈ ਜੁਗਤਿ ॥

هر کاری خدا انجام دهد برای او مسیر درست پیروی است

ਨਾਨਕ ਓਹੁ ਪੁਰਖੁ ਕਹੀਐ ਜੀਵਨ ਮੁਕਤਿ ॥੭॥

ای نانک، چنین فردی جیوان موکتا نامیده می شود

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ਕੇ ਸਗਲੇ ਠਾਉ ॥

همه متعلق به خدای برتر هستند

ਜਿਤੁ ਜਿਤੁ ਘਰਿ ਰਾਖੈ ਤੈਸਾ ਤਿਨ ਨਾਉ ॥

در هر مرحله ای از ذهن که خدا انسان را نگه دارد نامی است که اکتساب می کنند

ਆਪੇ ਕਰਨ ਕਰਾਵਨ ਜੋਗੁ ॥

خدا خودش مستعد انجام هر کاری است

ਪ੍ਰਭ ਭਾਵੈ ਸੋਈ ਛਨਿ ਹੋਗੁ ॥

هر چه که خدا را ارضی کند در نهایت باید گذراند شود

ਪਸਰਿਓਆਪਿਹੋਇਅਨਤਤਰੰਗ ॥

خدا خوش را مانند امواج بینهایت دریا در همه جا پر آکنده کرده است

ਲਖੇਨਜਾਹਿਪਾਰਬ੍ਰਹਮਕੇਰੰਗ ॥

بازی های خدای قادی رانمی توان در ک کرد

ਜੈਸੀਮਤਿਦੇਇਤੈਸਾਪਰਗਾਸ ॥

هر اندازه هوش که خداوند به فردی ارزانی کند همان اندازه ذهن او روشن می شود

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁਕਰਤਾਅਖਿਨਾਸ ॥

خدای برتر خالق ابدی و همیشگی است

ਸਦਾਸਦਾਸਦਾਦਇਆਲ ॥

او برای همیشه مربان است

ਸਿਮਰਿਸਿਮਰਿਨਾਨਕਭਏਨਿਹਾਲ ॥੮॥੯॥

ای نانک، بایاد آوری مدام و عاشقانه خداوند، انسان ها در سعادت و لذت می مانند

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਉਸਤਤਿ ਕਰਹਿ ਅਨੇਕ ਜਨ ਅੰਤੁ ਨ ਪਾਰਾਵਾਰ ॥

افراد زیادی ستایش خداوند را می خوانند اما ویژگی های اولی پایان هستند

ਨਾਨਕ ਰਚਨਾ ਪ੍ਰਭਿ ਰਚੀ ਬਹੁ ਬਿਧਿ ਅਨਿਕ ਪ੍ਰਕਾਰ ॥੧॥

ای نانک، خدا این جهان را در ترکیبی از روش ها و شکل ها آفریده است

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپادی

ਕਈ ਕੋਟਿ ਹੋਏ ਪੂਜਾਰੀ ॥

میلیون ها نفر بندگی او را می کنند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਆਚਾਰ ਬਿਉਹਾਰੀ ॥

میلیون ها نفر تشریفات مذهبی و وظایف دنیوی انجام می دهند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਭਏ ਤੀਰਥ ਵਾਸੀ ॥

میلیون ها نفر زائر اماکن مقدس شده اند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਬਨ ਭ੍ਰਮਹਿ ਉਦਾਸੀ ॥

میلیون ها نفر در بیابان ها سرگردان هستند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਬੇਦ ਕੇ ਸ੍ਰੋਤੇ ॥

. میلیون‌ها نفر بہ وداگوش می دھندا.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਤਪੀਸੁਰ ਹੋਤੇ ॥

. میلیون‌ها نفر برای خرسندی خداوند رکیر قوانین مذهبی خودتادیبی می شوند.

ਕਈ ਕੋਟਿਆਤਮ ਧਿਆਨ ਧਾਰਹਿ ॥

. میلیون‌ها نفر از درون اوراء عبادت می کنند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਕਬਿਕਾਬਿ ਬੀਜਾਰਹਿ ॥

. میلیون‌ها نفر شعر نوشتہ شده توسط شاعران رامی خوانند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਨਵਤਨ ਨਾਮ ਧਿਆਵਹਿ ॥

. میلیون‌ها نفر اور اور هر زمانی با استفاده از نام جدید عبادت می کنند.

ਨਾਨਕ ਕਰਤੇ ਕਾਅੰਤੁ ਨ ਪਾਵਹਿ ॥੧॥

. ای نانک ہیچ کس نمی تواند محدودیت ویژگی‌های خالق را بیابد.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਭਏ ਅਭਿਮਾਨੀ ॥

. میلیون‌ها نفر خود پسند ہستند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਅੰਧ ਅਗਿਆਨੀ ॥

میلیون هانفر از غفلت کور شده اند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਕਿਰਪਨ ਕਰੇ ॥

میلیون هانفر قلبشان سੱਕੀ شده است

ਕਈ ਕੋਟਿ ਅਭਿਗਾਤਮ ਨਿਕੋਰ ॥

میلیون هانفر غیر حساس و کاملا عاری از شفقت شده اند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪਰਦਰਬ ਕਉ ਹਿਰਹਿ ॥

میلیون هانفر ثروت بقیه رامی دزدند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪਰਦੂਖਨਾ ਕਰਹਿ ॥

میلیون هانفر بہ بقیہ تھمت می زند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਮਾਇਆ ਸੁਮ ਮਾਹਿ ॥

میلیون هانفر کل عمر خود را برای بدست آوردن ثروت جهانی نزاع می کنند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪਰਦੇਸ ਭ੍ਰਾਮਾਹਿ ॥

میلیون هانفر سرگردان سرزین های خارجی هستند

ਜਿਤੁ ਜਿਤੁ ਲਾਵਹੁ ਤਿਤੁ ਤਿਤੁ ਲਗਨਾ ॥

ای خدا مردم کاری می کنند که تو ب آنان و اگذار کرده ای.

ਨਾਨਕ ਕਰਤੇ ਕੀ ਜਾਨੈ ਕਰਤਾ ਰਚਨਾ ॥੨॥

ای نانک، خالق تنہا کارهای مخلوق خود را می داند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਸਿਧ ਜਤੀ ਜੋਗੀ ॥

میلیون ها نفر سیدهاس، سلیپیت و مرتاز هستند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਰਾਜੇ ਰਸਭੇਗੀ ॥

میلیون ها نفر پادشاهانی هستند که از لذت های دنیوی لذت می برند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪੰਖੀ ਸਰਪ ਉਪਾਏ ॥

میلیون ها پرنده و مار خلق شده اند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪਾਥਰ ਬਿਰਖ ਨਿਪਜਾਏ ॥

میلیون ها سنگ و درخت ساخته شده اند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪਵਣ ਪਾਣੀ ਬੈਸੰਡਰ ॥

میلیون ها باد، آب و آتش وجود دارد.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਦੇਸ ਭੂ ਮੰਡਲ ॥

. میلیون هازین و سیسٹم سیارہ ای وجود دارد

ਕਈ ਕੋਟਿ ਸਸੀਅਰ ਸੂਰਨ ਖਜ਼ਜਤ੍ਰ ॥

. میلیون ها ماہ و خورشید و ستارہ وجود دارد

ਕਈ ਕੋਟਿ ਦੇਵ ਦਾਨ ਵਿੰਦ੍ਰ ਸਿਰਿਛਤ੍ਰ ॥

. میلیون ها فرشتہ، اهریمن و ایندرا تخت سایبان شاہوار انہا هستند

ਸਗਲ ਸਮਗ੍ਰੀ ਅਪਨੈ ਸੂਤਿ ਧਾਰੈ ॥

او کل خلت را مورد هدف خلت خود قرار داده است مانند مهر هایی که در ریسمانی بخ کشیده شده اند

ਨਾਨਕ ਜਿਸੁ ਜਿਸੁ ਭਾਵੈ ਤਿਸੁ ਤਿਸੁ ਨਿਸਤਾਰੈ ॥੩॥

. ای نانک که خداوند از او راضی باشد از اقیانوس بیکران گناهان می گذرد

ਕਈ ਕੋਟਿ ਰਾਜ ਸਤਾਮ ਸਾਤਕ ॥

. میلیون ها نفر منتظر قدرت، گناه و تقوا هستند (سے حالت مایا)

ਕਈ ਕੋਟਿ ਬੇਦ ਪੁਰਾਨ ਸਿਮ੍ਰਿਤਿ ਅਰੁ ਸਾਸਤ ॥

. میلیونها نفرودا، پوراناس، اسریتزو شسترامی خوانند

ਕਈਕੋਟਿ ਕੀਏ ਰਤਨ ਸਮੁਦ ॥

خداوند میلیون ها جواهرات را در اقیانوس ها آفریده است

ਕਈਕੋਟਿ ਨਾਨਾ ਪ੍ਰਕਾਰ ਜੰਤ ॥

او میلیون ها نوع مختلف مخلوق را آفریده است

ਕਈਕੋਟਿ ਕੀਏ ਚਿਰ ਜੀਵੇ ॥

میلیون ها نفر با عمر طولانی آفریده شده اند

ਕਈਕੋਟਿ ਗਿਰੀ ਮੇਰ ਸੁਵਰਨ ਥੀਵੇ ॥

او میلیون ها کوه طلا آفریده است

ਕਈਕੋਟਿ ਜਖਜ਼ ਕਿੰਨਰ ਪਿਸਾਚ ॥

میلیون ها یا کشاس (خدمتکاران خدای ثروت)، کینارس (رقص)، و پیساج (مردمی با موقعیت اجتماعی پایین) وجود دارد

ਕਈਕੋਟਿ ਭੂਤ ਪ੍ਰੈਤ ਸੂਕਰ ਮ੍ਰਿਗਾਚ ॥

میلیون ها موجود با ماهیت اهریمنی، روح، خوک و بیر وجود دارد

ਸਭ ਤੇਨੇ ਰੈ ਸਭ ਹੂਤੇ ਢੂਰਿ ॥

او به همه نزدیک و از همه دور است

ਨਾਨਕ ਆਪਿ ਅਲਿਪੁਤੁ ਰਹਿਆ ਭਰਪੂਰਿ ॥੮॥

ای نانک، او از همه جدا و ^{می}چنین در همه خلقت خود را بخ است.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪਾਤਾਲ ਕੇ ਵਾਸੀ ॥

میلیون ها مخلوق در زیر زمین زندگی می کنند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਨਰਕ ਸੁਰਗ ਨਿਵਾਸੀ ॥

میلیون ها مخلوق در درد و غم شدید مانند جسم زندگی می کنند و میلیون ها نفر در زندگی مردہ مانند بہشت هستند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਜਨਮਹਿ ਜੀਵਹਿ ਮਰਹਿ ॥

میلیون ها نفر متولد می شوند، زندگی می کنند و می مرند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਬਹੁਜੋਨੀ ਫਿਰਹਿ ॥

میلیون ها نفر از چرخ مرگ و زندگی سرگردان می مانند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਬੈਠਤ ਹੀ ਖਾਹਿ ॥

میلیون ها نفر بدون تلاش به زندگی می رسند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਘਾਲਹਿ ਬਕਿ ਪਾਹਿ ॥

میلیون ها نفر خودشان را در تلاش برای دستیابی به زندگی خسته می کنند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਕੀਏ ਧਨ ਵੰਤ ॥

در حالیکه خداوند میلیون ها نفر را ثروتمند کرده است.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਮਾਇਆ ਮਹਿਚਿੰਤ ॥

میلیون ها نفر در اضطراب مالی می مانند.

ਜਹ ਜਹ ਭਾਣਾ ਤਹ ਤਹ ਰਾਖੇ ॥

هرگاه بخواهد انسان فانی رانگہ می دارد.

ਨਾਨਕ ਸਭੁ ਕਿਛੁ ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਹਾਥੇ ॥ ੫ ॥

ای نانک همه چیز تحت فرمان خداوند است.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਭਏ ਬੈਰਾਗੀ ॥

میلیون ها نفر از دارایی های دنیوی دور می شوند،

ਰਾਮ ਨਾਮ ਸੰਗਿ ਤਿਨਿ ਲਿਵ ਲਾਗੀ ॥

و متصل به نام خداوند می مانند.

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪ੍ਰਭ ਕਉ ਖੋਜੰਤੇ ॥

میلیون ها نفر در جستجوی خداوند هستند،

ਆਤਮਹਿਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁਲਹੰਤੇ ॥

و حضور خداوند را در خودشان حس می کنند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਦਰਸਨ ਪ੍ਰਭ ਪਿਆਸ ॥

میلیون ها نفر مشتاق دیدن خداوند هستند

ਤਿਨ ਕਉ ਮਿਲਿਓ ਪ੍ਰਭ ਅਬਿਨਾਸ ॥

و خدای ابدی را شناخته اند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਮਾਗਹਿ ਸਤ ਸੰਗੁ ॥

میلیون ها نفر در اماکن مقدس دعای خوانند

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ਤਿਨ ਲਾਗਾ ਰੰਗੁ ॥

آنها سرشار از عشق خداوند ماوراءی هستند

ਜਿਨ ਕਉ ਹੋਏ ਆਪਿ ਸੁਪੂਰੰਨ ॥

کسان که او از آنها شدیداً راضی است،

ਨਾਨਕ ਤੇਜਨ ਸਦਾ ਧਨਿ ਧੰਨਿ ॥੬॥

ای نانک، آنها برای همیشه سعادتمند هستند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਖਾਣੀ ਅਰੁ ਖੰਡ ॥

. میلیون‌ها مخلوق از طریق چهار نوع خلقت در نه منطقه زمین خلق شده‌اند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਅਕਾਸ਼ ਬ੍ਰਹਮੰਡ ॥

. میلیون‌ها مخلوق در آسمان‌ها و در سیستم کلکشنی هستند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਹੋਏ ਅਵਤਾਰ ॥

. میلیون‌ها مخلوق به دنیا می‌آیند

ਕਈ ਜੁਗਤਿ ਕੀਨੇ ਬਿਸਥਾਰ ॥

. خدا جهان را به روش‌های مختلفی خلق کرده است

ਕਈ ਬਾਰ ਪਸਰਿਓ ਪਾਸਾਰ ॥

. اغلب اوقات او خلقت خود را توسعه داده است

ਸਦਾ ਸਦਾ ਇਕੁ ਏਕੰਕਾਰ ॥

. اما همیشه خالق یکی بوده است

ਕਈ ਕੋਟਿ ਕੀਨੇ ਬਹੁ ਭਾਤਿ ॥

. او میلیون‌ها مخلوق را به شکل‌های مختلف آفریده است

ਪ੍ਰਭ ਤੇ ਹੋਏ ਪ੍ਰਭ ਮਾਹਿ ਸਮਾਤਿ ॥

آنها از خدا سرچشمہ می گیرند و به سوی او نیز برمی گردند

ਤਾਕਾ ਅੰਤੁ ਨ ਜਾਨੈ ਕੋਇ ॥

محدوده می خلقت او برای یہچ کسی مشخص نیست

ਆਪੇ ਆਪਿ ਨਾਨਕ ਪ੍ਰਭੁ ਸੋਇ ॥੧॥

تنها خدا است که مانند خودش است ای نانک

ਕਈ ਕੋਟਿ ਪਾਰ ਬ੍ਰਹਮ ਕੇ ਦਾਸ ॥

میلیون ها نفر پیرو خداوند هستند

ਤਿਨ ਹੋਵਤ ਆਤਮ ਪਰਗਾਸ ॥

که اونور مقدس خود را در آنها جاری می کند

ਕਈ ਕੋਟਿ ਤਤ ਕੇ ਬੇਤੇ ॥

میلیون ها نفر ضرورت واقعیت خداوند را می دانند

ਸਦਾ ਨਿਹਾਰਹਿ ਏਕੇ ਨੇਤ੍ਰੇ ॥

و همواره با چشمشن تنها یک خدا را می بینند

ਕਈਕੋਟਿਨਾਮਰਸੁਪੀਵਹਿ ॥

میلیون ها نفر شد نعم رامی چشند

ਅਮਰਭਏ ਸਦ ਸਦ ਹੀ ਜੀਵਹਿ ॥

از چرخد مرگ وزندگی رها شده و فنانا پنیر می شوند

ਕਈਕੋਟਿਨਾਮਗੁਨ ਗਾਵਹਿ ॥

میلیون ها نفر مناجات ویژگی های خداوند رامی خوانند

ਆਤਮਰਸਿ ਸੁਖਿ ਸਹਜਿ ਸਮਾਵਹਿ ॥

و در آرامش و سعادت معنوی خداوند غرق شده می مانند

ਅਪੁਨੇ ਜਨ ਕਉ ਸਾਸਿ ਸਾਸਿ ਸਮਾਰੇ ॥

خدا از پیروان خود در هر نفسی مراقبت می کند

ਨਾਨਕ ਓਇ ਪਰਮੇਸ਼ੁਰ ਕੇ ਪਿਆਰੇ ॥੮॥੧੦॥

ای نانک آنها توسط خداوند دوست داشته می شوند

ਸਲੋਕ ॥

شالوک

ਕਰਣ ਕਾਰਣ ਪ੍ਰਭੂ ਏਕੁ ਹੈ ਦੂਸਰਨਾ ਹੀ ਕੋਇ ॥

تہما خداوند خالق کل جہاں است و کس دیگری وجود ندارد

ਨਾਨਕ ਤਿਸੁ ਬਲਿਹਾਰੈ ਜਲਿ ਬਲਿ ਮਹੀਅਲਿ ਸੋਇ ॥੧॥

ای نانک، من خودم را بے کسی فدامی کنم کہ بے آب، زمین و آسمان نفوذ کرده است

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپادی

ਕਰਨ ਕਰਾਵਨ ਕਰਨੈ ਜੋਗੁ ॥

خداوند قدرت انجام کار را دارد

ਜੋ ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਸੋਈ ਹੋਗੁ ॥

تہما کاری انجام می شود کہ اور را راضی کند

ਖਿਨ ਮਹਿ ਬਾਪਿ ਉਬਾਪਨ ਹਾਰਾ ॥

دریک لحظہ مخلوق خود را خلق و نابود می کند

ਅੰਤੁ ਨਹੀਂ ਕਿਛੁ ਪਾਰਾਵਾਰਾ ॥

قدرت او ہیچ محدودیت یا پایانی ندارد

ਹੁਕਮੇ ਧਾਰਿ ਅਧਰ ਰਹਾ ਵੈ ॥

بہ دستور او زمین تاسیس شد و آن را بدون حمایت فیزیکی نگہ می دارد

ਹੁਕਮੇ ਉਪਜੈ ਹੁਕਮਿ ਸਮਾਵੈ ॥

ہرچہ کہ بہ دستور او ساختہ شده است در نهایت بہ او برمی گردد

ਹੁਕਮੇ ਉਚਨੀਚ ਬਿਉਹਾਰ ॥

بہ دستور او است کہ افراد خود را بالا یا پایین می بینند

ਹੁਕਮੇ ਅਨਿਕ ਰੰਗ ਪਰਕਾਰ ॥

هر سرگرمی و شلگفتی بہ دستور او انجام می شود

ਕਰਿ ਕਰਿ ਦੇਖੈ ਅਪਨੀ ਵਡਿਆਈ ॥

او با خلقت خود، بزرگی خود را نشان می دهد

ਨਾਨਕ ਸਭ ਮਹਿਰਹਿਆ ਸਮਾਈ ॥੧॥

ای نانک، او در همه جا شایع است

ਪ੍ਰਤਾਵੈ ਮਾਨੁਖ ਗਤਿ ਪਾਵੈ ॥

اگر خدا راضی باشد انسان بہ موقعیت معنوی بالائی می رسد

ਪ੍ਰਭ ਭਾਵੈ ਤਾਪਾਬਰਤ ਰਾਵੈ ॥

اگر خدا بخواهد، حتی انسان با قلب سنگی را هم رستگار می کند.

ਪ੍ਰਭ ਭਾਵੈ ਬਿਨੁ ਸਾਸ ਤੇ ਰਾਖੈ ॥

اگر خدا بخواهد فرد راحتی بدون نفس هم زنده نگه می دارد.

ਪ੍ਰਭ ਭਾਵੈ ਤਾਹਰਿ ਗੁਣ ਭਾਖੈ ॥

اگر خدا بخواهد فرد مناجات او را می خواند.

ਪ੍ਰਭ ਭਾਵੈ ਤਾਪਤਿਤ ਉਧਾਰੈ ॥

اگر خدا بخواهد حتی گناهکار را از گناهنجات می دهد.

ਆਪਿ ਕਰੈ ਆਪਨ ਬੀਚਾਰੈ ॥

هر کاری که انجام دهد بر اساس افکار خودش است.

ਦੂਹਾ ਸਿਰਿਆ ਕਾ ਆਪਿ ਸੁਆਮੀ ॥

او خودش قادر هر دو جهان است.

ਖੇਲੈ ਬਿਗਸੈ ਅੰਤਰਜਾਮੀ ॥

داننده ی قلب ها بازی دنیوی انجام می دهد و از تماشای ان لذت می برد.

ਜੋ ਭਾਵੈ ਸੇ ਕਾਰ ਕਰਾਵੈ ॥

او هرچه را بخواهد فدر او ادار به انجامش می کند.

ਨਾਨਕ ਦਿਸਟੀ ਅਵਰੁ ਨ ਆਵੈ ॥੨॥

ای نانک، من هیچ کس دیگری مانند او نمی یعنیم.

ਕਹੁ ਮਾਨੁ ਖਤੇ ਕਿਆ ਹੋਇਆ ਵੈ ॥

بہ من بگو انسان چہ کاری یتواند بہ تنہا انجام دهد؟

ਜੋ ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਸੇਈ ਕਰਾਵੈ ॥

هرچه کہ خدا را راضی کند انسان انجام می دهد.

ਇਸ ਕੈ ਹਾਥਿ ਹੋਇ ਤਾ ਸਭੁ ਕਿਛੁ ਲੇਇ ॥

اگر در دست انسان بود هر چیزی را تصرف می کرد.

ਜੋ ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਸੇਈ ਕਰੋਇ ॥

اما خدا کاری را می کند که خودش را راضی باشد.

ਅਨਜਾਨਤ ਬਿਖਿਆ ਮਹਿਰਚੈ ॥

فرد بے دلیل غفلت در میا غرق می شود.

ਜੇ ਜਾਨਤ ਆਪਨ ਆਪ ਬਚੈ ॥

اگر بہتر می دانست خود را از آن نجات می داد

ਭਰਮੇ ਭੂਲਾ ਦਹ ਦਿਸਿ ਧਾਵੈ ॥

او با شک خودش را در تمامی جهت‌ها سرگردان می کند

ਨਿਮਖ ਮਾਹਿ ਚਾਰਿ ਕੁੰਟ ਫਿਰਿ ਆਵੈ ॥

در یک لحظه ذهن او در هر چهار گوشہ جهان می چرخد

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਜਿਸੁ ਅਪਨੀ ਭਗਤਿ ਦੇਇ ॥

کسانی که خداوند بندگی خود را به آنها لطف کرده است

ਨਾਨਕ ਤੇ ਜਨਨਾ ਮਿਲੇਇ ॥ ੩ ॥

ای نانک، آنها در نعم غوطه ورمی مانند

ਖਿਨ ਮਹਿ ਨੀਚ ਕੀਟ ਕਉ ਰਾਜ ॥

در یک لحظه او می تواند پادشاه را شبیه یک کرم یا انسان فرومایی کند،

ਪਾਰਬੁਹਾ ਮਗਰੀਬ ਨਿਵਾਜ ॥

خدای برتر مر اقبال ضعفای فروتن است

ਜਾਕਾਦਿਸਟਿਕਵਹੂਨਆਵੈ ॥

حتی کسی کہ بے نظر می رسد ہیچ خصوصیتی ندارد

ਤਿਸੁਤਤਕਾਲਦਹਦਿਸਪ੍ਰਗਟਾਵੈ ॥

دریک لحظہ خدا اور اور ہمہ جا مشور می کند

ਜਾਕਉਅਪੁਨੀਕਰੈਬਖਸੀਸ ॥

فردی کہ خدا لطف خود را ارزانی او کند

ਤਾਕਾਲੇਖਾਨਗਨੈਜਗਦੀਸ ॥

قادر جہان اور را بے حساب خود و اگذار نہی کند

ਜੀਉਪਿੰਡੁਸਭਤਿਸਕੀਰਾਸਿ ॥

روح و جسم داری ای او ہستنڈ کہ بے انسان دادہ است

ਘਟਿਘਟਿਪੂਰਨਬ੍ਰਹਮਪ੍ਰਗਾਸ ॥

هر قلبی از خدای جاری در ہمہ جا اشیاع شده است

ਅਪਨੀਬਣਤਾਗਿਬਨਾਈ ॥

او خودش خلقت را ساختہ است

ਨਾਨਕ ਜੀਵੈ ਦੇਖਿ ਬਡਾਈ ॥੪॥

ای نانک، او بادیدن بزرگی خود احساس شادی می کند

ਇਸ ਕਾਬਲੁ ਨਾਹੀ ਇਸੁ ਹਾਥ ॥

قدرت انسان تحت کنترل او نیست

ਕਰਨ ਕਰਾਵਨ ਸਰਬ ਕੇਨਾਥ ॥

بیک قادر کنده و علت علت هاست

ਆਗਿਆਕਾਰੀ ਬਪੁਰਾ ਜੀਉ ॥

انسان بدون کمک مورد هدف دستور او سست

ਜੋ ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਸੋਈ ਫੁਨਿ ਬੀਉ ॥

چون در نهایت اتفاقی می افتدا که او را راضی کند

ਕਬਹੂ ਉੱਚ ਨੀਚ ਮਹਿਬਸੈ ॥

انسان گاهی در حالت بینہ و گاهی در حالت بدینی است

ਕਬਹੂ ਸੋਗ ਰਰਖ ਰੰਗਿ ਰਸੈ ॥

گاهی او ناراحت است و در بقیه موقع بالذت می خندد

ਕਬਹੂ ਨਿੰਦ ਚਿੰਦ ਬਿਉਹਾਰ ॥

گاهی در تھمت می افتد و در مورد بقیہ بد صرف می زند.

ਕਬਹੂ ਉੱਤ ਅਕਾਸ ਪਇਆਲ ॥

گاهی احساس بزرگی می کند که گویی در اسمان پرواز می کند، و گاهی به قدری افسرده است که انگار در اعماق زین است.

ਕਬਹੂ ਬੇਤ ਬ੍ਰਹਮ ਬੀਚਾਰ ॥

گاهی به گونه ای رفتار می کند که گویی همه چیز را در مورد دانش مقدس می داند

ਨਾਨਕ ਆਪਿ ਮਿਲਾ ਵਣਹਾਰ ॥੫॥

ای نانک، خدا خودش انسان را با خود متحد کرده است

ਕਬਹੂ ਨਿਰਤਿ ਕਰੈ ਬਹੁ ਭਾਤਿ ॥

گاهی انسان به رو شهای مختلف می رقصد

ਕਬਹੂ ਸੋਇ ਰਹੈ ਦਿਨੁ ਰਾਤਿ ॥

گاهی شب و روز در حالت غفلت می خوابد

ਕਬਹੂ ਮਹਾ ਕ੍ਰੈਧ ਬਿਕਰਾਲ ॥

گاهی از غصب های و شخناک می ترسد

ਕਬਹੂੰ ਸਰਬ ਕੀ ਹੋਤ ਰਵਾਲ ॥

گاہی خاک پای ہمہ می شود

ਕਬਹੂੰ ਹੋਇ ਬਹੈ ਬਡ ਰਾਜਾ ॥

گاہی مانندیک پادشاہ بزرگ رفتار می کند

ਕਬਹੂੰ ਭੇਖਾਰੀ ਨੀਚ ਕਾ ਸਾਜਾ ॥

گاہی موقعیت یک گدائی فروما یہ را فرض می کند

ਕਬਹੂੰ ਅਪਕੀ ਰਤਿ ਮਹਿਆਵੈ ॥

گاہی دربند شیطان گرفتار می شود

ਕਬਹੂੰ ਭਲਾ ਭਲਾ ਕਹਾਵੈ ॥

گاہی ب گونہ ای رفتار می کند کہ ہمہ ستایش می کنند

ਜਿਉ ਪ੍ਰਭੁ ਰਾਖੈ ਤਿਵ ਹੀ ਰਹੈ ॥

در هر حالتی کہ خدا نگه دارد انسان در ان حالت زندگی می کند

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਨਾਨਕ ਸਚੁ ਕਰੈ ॥੬॥

ای نانک، تنہا افراد نادری بے لطف معلم مذہبی خدا را عبادت می کنند

ਕਬਹੂ ਹੋਇ ਪੰਡਿਤੁ ਕਰੇ ਬਖਜਾਨੁ ॥

گاہی او مانند انشمند بقیہ را موقعہ می کند

ਕਬਹੂ ਮੌਨਿਧਾਰੀ ਲਾਵੈ ਧਿਆਨੁ ॥

گاہی عاقل ساکتی می شود کہ وارد عبادت می گردد

ਕਬਹੂ ਤਟ ਤੀਰਥ ਇਸਨਾਨੁ ॥

گاہی در حمام‌های اماکن زیارتی سکونت می کند

ਕਬਹੂ ਸਿਧ ਸਾਧਿਕ ਮੁਖਿ ਗਿਆਨੁ ॥

گاہی می پنیردو گاہی در جستجوی صحبت در مورد معنویت است

ਕਬਹੂ ਕੀਟਹਸਤਿ ਪਤੰਗ ਹੋਇ ਜੀਆ ॥

گاہی کرہ، فیل یا پروانہ می شود

ਅਨਿਕ ਜੋਨਿ ਭਰਮੈ ਭਰਮੀਆ ॥

و توسط شک‌هایی که از طریق وجود نامحدود اور اسرگردان می‌کنند گنج می‌شود

ਨਾਨਾ ਰੂਪ ਜਿਉ ਸ੍ਰਾਗੀ ਦਿਖਾਵੈ ॥

او مانند کسی که نقش بازی می‌کند در لباس‌های مختلف دیده می‌شود

ਜਿਉ ਪ੍ਰਭ ਭਾਵੈ ਤਿਵੈ ਨਚਾਵੈ ॥

ہرچہ خدار اراضی کند انسان برا ساس ان می رقصد

ਜੇ ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਸੋਈ ਹੋਏਇ ॥

ہرچہ اور اراضی کند اتفاق می افتند

ਨਾਨਕ ਦੂਜਾ ਅਵਰੁਨ ਕੋਇ ॥੧॥

ای نانک ہیچ کسی شبیہ او نیست

ਕਬਹੂ ਸਾਧ ਸੰਗਤਿ ਇਹੁ ਪਾਵੈ ॥

وقتی این شخص بہ ہمراہی خداوند بر سر

ਉਸੁ ਅਸਥਾਨ ਤੇ ਬਹੁਰਿਨ ਆਵੈ ॥

از این حالت ذہنی لذت بخش بیرون نمی آید

ਅੰਤਰਿ ਹੋਇ ਗਿਆਨ ਪਰਗਾਸੁ ॥

چون در این ہمراہی ذہن او با دانش مقدس روشن می شود،

ਉਸੁ ਅਸਥਾਨ ਕਾਨਹੀ ਬਿਨਾਸੁ ॥

و این حالت ذہنی روشن ہرگز از بین نمی رود

ਮਨਤਨਨਾਮਿਰਤੇ ਇਕ ਰੰਗਿ ॥

در این حالت، جسم و ذهن فرد با عشق برای خدا پر شده اند.

ਸਦਾ ਬਸਹਿ ਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ਕੈ ਸੰਗਿ ॥

و او برای همیشه با خدای ابدی اشیاع شده است.

ਜਿਉ ਜਲ ਮਹਿ ਜਲੁ ਆਇ ਖਟਾਨਾ ॥

مانند آب که با آب ترکیب می شود

ਤਿਉ ਜੋਤੀ ਸੰਗਿ ਜੋਤਿ ਸਮਾਨਾ ॥

روح روشن شده‌ی او نیز باروح معنوی ترکیب می شود.

ਮਿਟਿ ਗਏ ਗਵਨ ਪਾਏ ਬਿਸਾਮ ॥

چرخ مرگ و زندگی او از بین می رود و او به ارامش ابدی می رسد.

ਨਾਨਕ ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਸਦ ਕੁਰਬਾਨ ॥੮॥੧੧॥

ای نانک او باید همواره بندگی خدارا بکند

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਸੁਖੀ ਬਸੈ ਮਸਕੀਨੀਆ ਆਪੁ ਨਿਵਾਰਿ ਤਲੇ ॥

فرد متواضع با خود تا دیسی ب آرامش می رسد.

ਬਡੇ ਬਡੇ ਅਹੰਕਾਰੀਆ ਨਾਨਕ ਗਰਬਿ ਗਲੇ ॥੧॥

ای نانک ممکن است افراد مغفور بر با غرور خود مصرف شوند.

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਜਿਸ ਕੈ ਅੰਤਰਿ ਰਾਜ ਅਭਿਮਾਨੁ ॥

کسی که به موقعیت ها و قدرتی که در دست دارد خود پسند و مغفور شود

ਸੇਨਰਕਪਾਤੀ ਹੋਵਤ ਸੁਆਨੁ ॥

مستعد تنبیه است مانند سگ در جہنم

ਜੋ ਜਾਨੈ ਮੈ ਜੋ ਬਨ ਵੰਤੁ ॥

کسی که خود را به صورت خود پسندانہ زیبا و جوان بداند

ਸੇ ਹੋਵਤ ਬਿਸਟਾ ਕਾਜੰਤੁ ॥

مانند کرمی در آکو دگی است

ਆਪਸ کਉ ਕਰਮਵੰਤੁ ਕਹਾਵੈ ॥

کسی کہ خود را کنندہ ہی کارہای پر ہیز کارانہ در جمع بناد

ਜਨਮਿ ਮਰੈ ਬਹੁ ਜੋਨਿ ਭ੍ਰਮਾਵੈ ॥

از پر خدمگ و زندگی رنج می برد

ਧਨ ਭੂਮਿ ਕਾ ਜੋ ਕਰੈ ਗੁਮਾਨੁ ॥

کسی کہ مغرو ر بے زمین و ثروت خود باشد

ਸੇ ਮੂਰਖੁ ਅੰਧਾ ਅਗਿਆਨੁ ॥

اجمق، کور و غافل است

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਜਿਸ ਕੈ ਹਿਰਦੈ ਗਰੀਬੀ ਬਸਾਵੈ ॥

کسی کہ خدا در قلب او تواضع قرار دهد

ਨਾਨਕ ਈਹਾ ਮੁਕਤੁ ਆਗੈ ਸੁਖੁ ਪਾਵੈ ॥੧॥

ای نانک او از گناهان آزاد است و در آن دنیا ہم بے ارامش می رسد

ਧਨ ਵੰਤਾ ਹੋਇ ਕਰਿ ਗਰਬਾਵੈ ॥

با ثروتمند شدن فرد احساس غرور می کند

ਤ੍ਰਿਣ ਸਮਾਨਿ ਕਛੁ ਸੰਗਿ ਨ ਜਾਵੈ ॥

باید بداند که هیچ چیزی در آخر با او نمی رود حتی یک پر کاہ

ਬਹੁ ਲਸਕਰ ਮਾਨੁਖ ਉਪਰਿ ਕਰੇ ਆਸ ॥

ممکن است او به بازوی بزرگ و انسان‌ها امیدوار باشد

ਪਲ ਭੀਤਰਿ ਤਾਕਾ ਹੋਇ ਬਿਨਾਸ ॥

باید بداند که همه اینها در لحظه‌ای از بین می‌روند

ਸਭ ਤੇ ਆਪ ਜਾਨੈ ਬਲ ਵੰਤੁ ॥

کسی که خود را قوی تراز همه می‌داند

ਖਿਨ ਮਹਿ ਹੋਇ ਜਾਇ ਭਸ ਮੰਤੁ ॥

در یک لحظه ممکن است به خاکستر تبدیل شود

ਕਿਸੈ ਨ ਬਦੈ ਆਪਿ ਅਹੰਕਾਰੀ ॥

کسی که بزرگ است و از هیچ کس دیگری مراقبت نمی‌کند

ਧਰਮ ਰਾਇ ਤਿਸੁ ਕਰੇ ਖੁਆਰੀ ॥

تو سط قاضی درست کار به سختی مجازات می‌شود

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਜਾਕਾ ਮਿਟੈ ਅਭਿਮਾਨੁ ॥

کسی کہ نفس او تو سط معلم مذہبی از بین می رو د

ਸੇਜਨੁ ਨਾਨਕ ਦਰਗਹ ਪਰਵਾਨੁ ॥੨॥

. ای نانک این فرد در دادگاہ الہی مورداً احترام و تائید است

ਕੋਟਿ ਕਰਮ ਕਰੈ ਹਉ ਧਰੇ ॥

اگر کسی میلیون ها کار خوب انجام دهد و احساس غرور داشته باشد

ਸ੍ਰਮ ਪਾਵੈ ਸਗਲੇ ਬਿਰਥਾਰੇ ॥

. تنہا بہ خود ش رحمت دادہ است و ہمہ این کارہاتلف می شوند

ਅਨਿਕ ਤਪਸਿਆ ਕਰੇ ਅਹੰਕਾਰ ॥

کسی کہ هزار ان پناکا انجام دهد و در نفس خود افراط کند،

ਨਰਕ ਸੁਰਗ ਫਿਰਿ ਫਿਰਿ ਅਵਤਾਰ ॥

. تحمیل درد و لذت را ادامہ می دهد چنانچہ گویا دوبارہ و دوبارہ بہ بہشت و جسم می رو د

ਅਨਿਕ ਜਤਨ ਕਰਿਆ ਤਮਨਹੀ ਦ੍ਰਵੈ ॥

اگر علی رغم تلاش های بیشمار فرد حساس نشد و جبران نکرد

ਹਰਿਦਰਗਹ ਕਹੁ ਕੈਸੇ ਗਵੈ ॥

چਲੋਨੇ ਮੀ ਤਾਂਦ ਬੇ ਦਾਦਗਾਹ ਅੰਹੀ ਬ੍ਰਦ?

ਆਪਸ ਕਉ ਜੇ ਭਲਾ ਕਹਾ ਵੈ ॥

ਕਸੀ ਕੇ ਏਡਾ ਮੀ ਕਨਦ ਬਾਤਕਾਵਾਂਤ,

ਤਿਸਹਿ ਭਲਾਈ ਨਿਕਟਿ ਨ ਆ ਵੈ ॥

ਤਕਾ ਬੇ ਚਨੀਨ ਕਸੀ ਨਮੀ ਰਸਦ.

ਸਰਬ ਕੀ ਰੇਨਜਾ ਕਾ ਮਨੁ ਹੋਇ ॥

ਕਸੀ ਕੇ ਢੱਖ ਬਾਇ ਹਮੇ ਮਤਾਉ ਅਵੁਟ,

ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਤਾ ਕੀ ਨਿਰਮਲ ਸੋਇ ॥੩॥

ਏ ਨਾਨਕ, ਆਵੁਇ ਓ ਖਾਲਚ ਓ ਬਦੂਨ ਲਕੇ ਅਵੁਟ.

ਜਬ ਲਗੁ ਜਾਨੇ ਮੁੜ ਤੇ ਕਛੁ ਹੋਇ ॥

ਤਾਜਾਨੀ ਕੇ ਫੁਲ ਫੁਲ ਕੇ ਮੀ ਤਾਂਦ ਬਾਤਕਰਤ ਖੁਦ ਹੇਕਾਰੀ ਬਕੁਨਦ

ਤਬ ਇਸ ਕਉ ਸੁਖੁ ਨਾਹੀ ਕੋਇ ॥

ਨਮੀ ਤਾਂਦ ਬੇ ਏ ਅਮਸ਼ ਬ੍ਰਦ

ਜਬ ਇਹ ਜਾਨੈ ਮੈਕਿਛੁ ਕਰਤਾ ॥

تا زمانی که این انسان فکر کند که انجام دهنده هر کاری است

ਤਬ ਲਗੁ ਗਰਭ ਜੋਨਿ ਮਹਿ ਫਿਰਤਾ ॥

در بین چرخه های مرگ و زندگی سرگردان می ماند

ਜਬ ਧਾਰੈ ਕੋਊ ਬੈਰੀ ਮੀਤੁ ॥

تا زمانی که فردیکی را دوست و دیگری را دشمن بداند

ਤਬ ਲਗੁ ਨਿਹਚਲੁ ਨਾਹੀ ਚੀਤੁ ॥

ذهن او ثابت و در آرامش نخواهد بود

ਜਬ ਲਗੁ ਮੋਹ ਮਗਨ ਸੰਗਿ ਮਾਇ ॥

تا زمانی که گرفتار مایا و ثروت دنیوی باشد

ਤਬ ਲਗੁ ਧਰਮ ਰਾਇ ਦੇਇ ਸਜਾਇ ॥

قاضی درستکار او را تنبیه خواهد کرد

ਪ੍ਰਕਿਰਪਾ ਤੇ ਬੰਧਨ ਤੂਟੈ ॥

مزهای میباشد اطف معلم نذهبی بازمی شوند.

ਗੁਰਪੁਸਾਦਿਨਾਨਕ ਹਉਂਛੂਟੈ ॥੪॥

ای نانک، نفس فربہ لطف معلم مذہبی از بین می روں

ਸਹਸਖਟੇਲਖਕਉਂਉਠਿਧਾਵੈ ॥

او بعد از بدست آوردن هزار، به دنبال میلیون می دوں

ਤ੍ਰਿਪਤਿਨਾਵੈਮਾਇਆਪਾਛੈਪਾਵੈ ॥

او جمع آوری ثروت را ادامه می دهد اما هرگز سیر نمی شود

ਅਨਿਕਭੇਗਾਬਿਖਿਆਕੇਕਰੈ ॥

او از خوشی های مایا لذت می برد،

ਨਹਤ੍ਰਿਪਤਾਵੈਖਪਿਖਪਿਮਰੈ ॥

اما احساس سیری نمی کند و بد بخت می شود

ਬਿਨਾਸੰਤੋਖਨਹੀਕੋਊਰਾਜੈ ॥

بدون رضایت، هیچ کسی سیر نمی شود

ਸੁਪਨਮਨੇਰਥਬਿਥੇਸਭਕਾਜੈ ॥

همه تلاش های فرد سیر نشده بیرون ہستند مانند خیال و خواب

ਨਾਮ ਰੰਗਿ ਸਰਬ ਸੁਖੁ ਹੋਇ ॥

آرامش کامل در عشق نعم است

ਬਡ ਭਾਗੀ ਕਿਸੈ ਪਰਾਪਤਿ ਹੋਇ ॥

تنہا فرد خوش شانس مورد لطف اوست

ਕਰਨ ਕਰਾਵਨ ਆਪੇ ਆਪਿ ॥

خدا خودش انجام دهنده و علمت همراه است

ਸਦਾ ਸਦਾ ਨਾਨਕ ਹਰਿਜਾਪਿ ॥੫॥

ای نانک اور ابا عبادت عاشقانہ برای ہمیشہ بہ یاد آور

ਕਰਨ ਕਰਾਵਨ ਕਰਨੈ ਹਾਰੂ ॥

خدا کسی است که هر کاری را انجام می دهد و علمت انجام هر چیزی است

ਇਸ ਕੈ ਹਾਥਿ ਕਹਾ ਬੀਚਾਰੂ ॥

این حقیقت را منعکس کن کہ ہیچ چیزی کنترل انسان نیست

ਜੈਸੀ ਵਿਸਟਿ ਕਰੇ ਤੈਸਾ ਹੋਇ ॥

اگر لطف خدا شامل انسان شود او می تواند

ਆਪੇਆਪਿਆਪਿ ਪ੍ਰਭੁ ਸੋਇ ॥

خدا خودش بہ تنهایی ہمہ چیز است.

ਜੇ ਕਿਛੁ ਕੀਨੇ ਸੁਆਪਨੈ ਰੰਗਿ ॥

هر آنچہ کہ او خلق کرده است خارج از تقریح خود است.

ਸਭ ਤੇ ਦੂਰਿ ਸਭ ਹੂ ਕੈ ਸੰਗਿ ॥

او در خلقت خود است و ہنوز تحت تاثیر ان نیست.

ਬੁਝੈ ਦੇਖੈ ਕਰੈ ਬਿਬੇਕ ॥

او قضاوت روی کارهای ما را درک می کند، نگہ می دارد و اعمال می کند.

ਆਪਹਿ ਏਕ ਆਪਹਿ ਅਨੇਕ ॥

او خودش یکی و بہ شکل های مختلف است.

ਮਰੈਨ ਬਿਨਸੈ ਆਵੈਨ ਜਾਇ ॥

او نبی میر دو متولد نبی شود؛ رہا از مرگ و تولد است.

ਨਾਨਕ ਸਦਗੀ ਰਹਿਆ ਸਮਾਇ ॥੬॥

ای نانک، او در ہمہ جا شایع می ماند.

ਆਪਿ ਉਪਦੇਸੈ ਸਮਝੈਆਪਿ ॥

او خودش دستور العمل می دهد و یاد می گیرد،

ਆਪੇ ਰਚਿਆ ਸਭ ਕੈ ਸਾਬਿ ॥

چون خودش با ہمہ تر کیب می شود

ਆਪਿ ਕੀਨੇ ਆਪਨ ਬਿਸਥਾਰੁ ॥

او خودش و سعت جهان خود را ساخته است.

ਸਭੁ ਕਛੁ ਉਸ ਕਾ ਉਹੁ ਕਰਨੈਹਾਰੁ ॥

همہ چیز متعلق بہ او سرت او خالق است.

ਉਸ ਤੇ ਭਿੰਨ ਕਹਹੁ ਕਿਛੁ ਹੋਇ ॥

بہ من بگو، آیا اتفاقی می تو انبدون خواست او رخ دهد؟

ਥਾਨ ਥਨੰਤਰਿ ਏਕੈ ਸੋਇ ॥

در فضاها، او یکی است و در ہمہ جا حضور دارد

ਅਪੁਨੇ ਚਲਿਤ ਆਪਿ ਕਰਣੈਹਾਰੁ ॥

او بازیکن بازی خود است

ਕਉਤਕ ਕਰੈ ਰੰਗ ਆਪਾਰ ॥

او بازی خود را با تنوع نامحدود انجام می دهد.

ਮਨ ਮਹਿਆਪਿ ਮਨ ਆਪੁਨੇ ਮਾਹਿ ॥

او خودش در ذهن همه است و همه در ذهن او جای دارند.

ਨਾਨਕ ਕੀਮਤਿ ਕਹਨੁ ਨ ਜਾਇ ॥੭॥

ای نانک ثروت او را نمی توان برآورد کرد.

ਸਤਿ ਸਤਿ ਸਤਿ ਪ੍ਰਭੂ ਸੁਆਮੀ ॥

ابدی و همیشگی است خدا، قادر مطلق هم، همواره درست،

ਗੁਰ ਪਰਸਾਦਿ ਕਿਨੈ ਵਖਿਆਨੀ ॥

افراد نادری هستند که به لطف معلم مذهبی این حقیقت را توصیف کنند.

ਸਚੁ ਸਚੁ ਸਚੁ ਸਭੁ ਕੀਨਾ ॥

خدا ابدی است و خلقت او کامل است.

ਕੋਟਿ ਮਧੇ ਕਿਨੈ ਬਿਰਲੈ ਚੀਨਾ ॥

فرد نادری از میلیون ها نفر یافت می شود که این حقیقت را بداند.

ਭਲਾਭਲਾਭਲਾਤੇਰਾਰੂਪ ॥

ای خدا، نیبایی شکل قابل لمسی از توست

ਅਤਿਸੁੰਦਰਅਪਾਰਅਨੂਪ ॥

تو شدید از بیا، نامحدود و غیرقابل در ک هستی

ਨਿਰਮਲਨਿਰਮਲਨਿਰਮਲਤੇਰੀਬਾਣੀ ॥

واژه‌ی مقدس تو شیرین و ناب است

ਘਟਿਘਟਿਸੁਨੀਸ੍ਰਵਨਬਖਜਾਣੀ ॥

هرچه که در هر قلبی از طریق گوش‌ها شنیده می‌شود و توسط زبان گفته می‌شود

ਪਵਿਤ੍ਰਪਵਿਤ੍ਰਪਵਿਤ੍ਰਪੁਨੀਤ ॥

او کاملاً ناب و مقدس می‌شود

ਨਾਮੁਜਪੈਨਾਨਕਮਨਿਪ੍ਰੀਤਿ ॥੮॥੧੨॥

ای نانک، کسی که عاشقانه نام خداوند را عبادت می‌کند

ਸਲੋਕ ॥

شا لوک:

ਸੰਤ ਸਰਨਿ ਜੇਜਨੁ ਪਰੈ ਸੋਜਨੁ ਉਧਰਨਹਾਰ ॥

فردی کہ در جستجوی پناہ پر ہیز کاران است از مرزهای مایا رہا می شود.

ਸੰਤ ਕੀ ਨਿੰਦਾ ਨਾਨਕਾ ਬਹੁਰਿ ਬਹੁਰਿ ਅਵਤਾਰ ॥੧॥

ای نانک، کسی کہ بہ پر ہیز کاران تھمت می زند در چرخ مرگ و زندگی می افتاد

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਆਰਜਾ ਘਟੈ ॥

بخشی از زندگی کہ بہ تھمت بگزرد تلف می شود

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਜਮਤੇ ਨਹੀਂ ਛੁਟੈ ॥

ہیچ کسی با تھمت بہ پر ہیز کاران از فرشته مرگ فرار نکرده است

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਸੁਖੁ ਸਭੁ ਜਾਇ ॥

با تھمت، ہمارا مش از بین می رو د

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਨਰਕ ਮਹਿ ਪਾਇ ॥

تھمت بہ پر ہیز کاران فدر او ارد جہنم می کند و رنج می برد

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਮਤਿ ਹੋਇ ਮਲੀਨ ॥

ਤਹਮਤ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਅਨੁਭਵ ਰਾ ਆਲੋਹ ਮੀ ਕਨ੍ਦ.

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਸੋਭਾ ਤੇ ਹੀਨ ॥

ਬਾਤਹਮਤ, ਆਭਰੀ ਫਰਾਵਾਂ ਬੀਨ ਮੀ ਰੂਦ.

ਸੰਤ ਕੇ ਹਤੇ ਕਉ ਰਖੈਨ ਕੋਇ ॥

ਹੀਂ ਕਸੀ ਬੇ ਫਰਦ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਤਹਮਤ ਨਹੀਂ ਜਨ੍ਦ.

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਥਾਨ ਭੂਸਟੁ ਹੋਇ ॥

ਬਾਤਲਾਂ ਬਾਇ ਯਾਤਨ ਮਾਵਿਬ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ, ਕਲਬ ਖੁਦ ਫਰਦ ਆਲੋਹ ਮੀ ਸ਼ਉਦ.

ਸੰਤ ਕ੍ਰਿਪਾਲ ਕ੍ਰਿਪਾ ਜੇ ਕਰੈ ॥

ਆ ਅਗ੍ਰ ਜਗਾਨ ਕਨ, ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਨਿਯਮ ਬਾਨੀ ਨਿਸ਼ਾਨ ਮੀ ਵਹਦ.

ਨਾਨਕ ਸੰਤ ਸੰਗਿ ਨਿੰਦ ਕੁ ਭੀ ਤਰੈ ॥੧॥

ਏ ਨਾਨਕ ਸ੍ਪੱਸ਼ਤ ਹਮਾਹ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਹਤੀ ਤਹਮਤ ਜੇਤੁਂ ਜੇਤੁਂ ਜੇਤੁਂ ਜੇਤੁਂ ਜੇਤੁਂ.

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਤੇ ਮੁਖ ਭਰੈ ॥

ਤਹਮਤ ਜੇਤੁਂ ਫਰਦ ਰਾ ਅਖਾਦ ਦਾ ਦੁਰ ਮੀ ਕਨ੍ਦ.

ਸੰਤਨ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਕਾਗ ਜਿਉ ਲਵੈ ॥

بَا تَهْمَتْ زُدْنَ فَرْدُ سِرْگَرْدَانَ مِيْ مَانْدَوْ بَانَارَاحْتَيْ صَحْبَتْ مِيْ كَنْدَ

ਸੰਤਨ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਸਰਪ ਜੋਨਿ ਪਾਇ ॥

بَا تَهْمَتْ زُدْنَ بَرْ پَرْ هِيزْ كَارَ، فَرْدَ مَانْدَ مَارْ دَوْ بَارَهْ مَسْتَولَدَ مِيْ شُودَ

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਤ੍ਰਿਗਦ ਜੋਨਿ ਕਿਰਮਾਇ ॥

بَا تَهْمَتْ زُدْنَ، فَرْدَ بَهْ صُورَتْ كَرْمَ خَزْنَهْ مَسْتَولَدَ مِيْ شُودَ

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਤ੍ਰਿਸਨਾ ਮਹਿਜਲੈ ॥

بَا تَهْمَتْ زُدْنَ، فَرْدَرَ آرْزُو هَائِيشْ مِيْ سُوزْدَ

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਸਭੁ ਕੋਛਲੈ ॥

تَهْمَتْ زَنْنَهْ بَرْ پَرْ هِيزْ كَارْ هَمَهْ رَافِرِيْبَ مِيْ دَهَدَ

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਤੇਜੁ ਸਭੁ ਜਾਇ ॥

بَا زَخْمَ زُدْنَ بَرْ پَرْ هِيزْ كَارْ تَمَامَ وَصَلَهَهَيْ شَخْصَ پَارَهْ مِيْ شُودَ

ਸੰਤ ਕੈ ਦੂਖਨਿ ਨੀਚੁ ਨੀਚਾਇ ॥

بَا تَهْمَتْ زُدْنَ، فَرْدَ پَسْتَ تَرِينَ بَدْ جَنْسَهَامِيْ شُودَ

ਸੰਤ ਦੇਖੀ ਕਾ ਬਾਉ ਕੋ ਨਾਹਿ ॥

رہا گریزی برائی تھمت زندہ وجود ندارد.

ਨਾਨਕ ਸੰਤ ਭਾਵੈ ਤਾ ਓਇ ਭੀ ਗਤਿ ਪਾਹਿ ॥੨॥

. ای نانک، اگر پر ہیز کار بخواهد، حتی تھمت زن ہا ہم لازم نظر معنوی پیش رفت می کنند

ਸੰਤ ਕਾ ਨਿੰਦਕੁ ਮਹਾ ਅਤਤਾਈ ॥

تھمت زن ہای پر ہیز کار ان بدترین گناہ را انجام می دھند

ਸੰਤ ਕਾ ਨਿੰਦਕੁ ਖਿਨੁ ਟਿਕਨੁ ਨਪਾਈ ॥

تھمت زن ہای پر ہیز کار ان آرامش را حتی لحظہ ای نبی یا بند

ਸੰਤ ਕਾ ਨਿੰਦਕੁ ਮਹਾ ਹਤਿਆਰਾ ॥

تھمت زن ہای پر ہیز کار ان بیرحم ترین قاتل می شوند

ਸੰਤ ਕਾ ਨਿੰਦਕੁ ਪਰਮੇਸੁਰਿ ਮਾਰਾ ॥

تھمت زن ہای پر ہیز کار ان توسط خداوند نفرین می شوند

ਸੰਤ ਕਾ ਨਿੰਦਕੁ ਰਾਜ ਤੇ ਹੀਨੁ ॥

تھمت زن ہای پر ہیز کار ان ہیچ لذت و قدرت دنیوی ندارند

ਸੰਤ ਕਾ ਨਿੰਦਕੁ ਦੁਖੀਆ ਅਰੁ ਦੀਨੁ ॥

تمت زن پر ہیز کار ضعیف و بد بخت می شود۔

ਸੰਤ ਕੇ ਨਿੰਦਕ ਕਉ ਸਰਬ ਰੋਗ ॥

تمت زن پر ہیز کار دچار انواع مختلف بیماری ها و بلایا می شود۔

ਸੰਤ ਕੇ ਨਿੰਦਕ ਕਉ ਸਦਾ ਬਿਜੇਗ ॥

تمت زن بہ پر ہیز کار برائی ہمیشہ از خدا جد است۔

ਸੰਤ ਕੀ ਨਿੰਦਾ ਦੇਖ ਮਹਿ ਦੇਖੁ ॥

تمت بہ پر ہیز کار بد ترین گناہ است۔

ਨਾਨਕ ਸੰਤ ਭਾਵੈ ਤਾ ਉਸ ਕਾ ਭੀ ਰੋਇ ਮੇਖੁ ॥੩॥

ای نانک، اگر این پر ہیز کار را خر سند کند، حتی چنین تمت زننده ای نیز باید رها شود۔

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਸਦਾ ਅਪਵਿਤੁ ॥

افکار ذہن تمت زننده ہموارہ آکو وہ است۔

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਕਿਸੈ ਕਾ ਨਹੀ ਮਿਤੁ ॥

تمت زننده بہ پر ہیز کار دوست یچ کسی نیست۔

ਸੰਤ ਕੇ ਦੋਖੀ ਕਉ ਡਾਨੁ ਲਾਗੈ ॥

. تهمت زنده به پرہیز کار تو سط قاضی واقعی تنبیه می شود

ਸੰਤ ਕੇ ਦੋਖੀ ਕਉ ਸਭ ਤਿਆਰੈ ॥

. تهمت زنده به پرہیز کار تو سط ہمه طرد می شود

ਸੰਤ ਕਾ ਦੋਖੀ ਮਹਾ ਅਹੰਕਾਰੀ ॥

. تهمت زنده به پرہیز کار کاملًا خود پسند است

ਸੰਤ ਕਾ ਦੋਖੀ ਸਦਾ ਬਿਕਾਰੀ ॥

. تهمت زنده به پرہیز کار ہموارہ گرفتار انجام کارہای بد است

ਸੰਤ ਕਾ ਦੋਖੀ ਜਨਮੈ ਮਰੈ ॥

. تهمت زنده به پرہیز کار چرخی مرگ و زندگی را ادامہ می دهد

ਸੰਤ ਕੀ ਦੂਖਨਾ ਸੁਖ ਤੇ ਟਰੈ ॥

برای تهمت زنده آرامش وجود ندارد

ਸੰਤ ਕੇ ਦੋਖੀ ਕਉ ਨਾਹੀ ਠਾਉ ॥

. تهمت زنده به پرہیز کار جایی برای پناہ گرفتن ندارد

ਨਾਨਕ ਸੰਤ ਭਾਵੈ ਤਾਲ ਏ ਮਿਲਾਇ ॥੪॥

ای نانک، اگر پرہیز کار راضی باشد حتی چنین تھمت زنی ہم با او یکی می شود۔

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਅਧ੍ਯ ਬੀਚ ਤੇ ਟੂਟੈ ॥

تھمت زندہ بہ پرہیز کار در وسط ہر کاری شکست می خورد۔

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਕਿਤੈ ਕਾਜਿਨ ਪਹੂੰਚੈ ॥

تھمت زندہ بہ پرہیز کار ہیچ کاری را نمی تو اندا کامل کند۔

ਸੰਤ ਕੇ ਦੇਖੀ ਕਉ ਉਦਿਆਨ ਭੂਮਾਈਐ ॥

تھمت زندہ بہ پرہیز کار مورد هدف سر گردانی است۔

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਉਝੜਿ ਪਾਈਐ ॥

تھمت زندہ بہ پرہیز کار از مسیر خود منحرف می شود۔

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਅੰਤਰ ਤੇ ਥੋਥਾ ॥

تھمت زندہ بہ پرہیز کار نسبت بے اهداف زندگی بی توجہ است۔

ਜਿਉ ਸਾਸ ਬਿਨਾ ਮਿਰਤ ਕਕੀ ਲੋਥਾ ॥

مانند جسد انسان مردہ، بدون نفس زندگی است۔

ਸੰਤ ਕੇ ਦੇਖੀ ਕੀ ਜੜ ਕਿਛੁ ਨਾਹਿ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਹੈ ਜੋ ਅਸਾਸ ਕੌਂਝ ਮਨੁਹੀ ਨਾ ਹੈ।

ਆਪਨ ਬੀਜਿ ਆਪੇ ਹੀ ਖਾਹਿ ॥

ਓਬਾਇਦ ਹੋ ਚੇ ਰਾਕੇ ਕਾਥਤੇ ਹੈ ਸਾਡੇ ਦਰੋਕਨੇ।

ਸੰਤ ਕੇ ਦੇਖੀ ਕਉ ਅਵਰੁ ਨ ਰਾਖਨਹਾਰੁ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਨਹੀਂ ਤੋ ਅਨੇਂ ਤੁਸੇਤ ਕੁਝ ਦਿੱਗਰੀ ਵੀ ਨਹੀਂ।

ਨਾਨਕ ਸੰਤ ਭਾਵੈ ਤਾਲਏ ਉਬਾਰਿ ॥੫ ॥

ਇਨ੍ਹਾਂ ਨਾਨਕ, ਅਗਰ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਰਾਸ਼ੀ ਬਾਂਧ ਹੋ ਜਾਂਦੇ ਹੋ ਤਾਂ ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਨਹੀਂ।

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਇਉ ਬਿਲਲਾਇ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਰਾਸ਼ੀ ਮੀਂ ਕਨੇ।

ਜਿਉ ਜਲ ਬਿਹੂਨ ਮਛੂਲੀ ਤੜ੍ਹਫੜਾਇ ॥

ਮਾਨੀ ਮਾਹੀ ਖਾਰਜ ਵੀ ਆਪ ਕੇ ਦਰੁਦਾਬ ਹੈ।

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਭੁਖਾਨ ਹੀ ਰਾਜੈ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜ਼ਕਾਰ ਹੈ ਗੁਰੂ ਜੇ ਤਮਾਲ ਬੇ ਤਹਮਤ ਖੁਸ਼ੀ ਨਹੀਂ ਹੈ।

ਜਿਉ ਪਾਵਰੁ ਈਧਨਿ ਨਹੀ ਧ੍ਰਾਪੈ ॥

ਮਾਨਦ ਆਤਸ਼ੀ ਕੇ ਹੁੰਗ ਵੱਡੇ ਮਾਤਰਾ ਚੌਬ ਅਥਾਵ ਨਿ ਸ਼ੁਦ.

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਛੁਟੈ ਇਕੋਲਾ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜਕਾਰ ਨਿਆਮੀ ਮਾਨਦ

ਜਿਉ ਬੂਆੜੁ ਤਿਲੁ ਖੇਤ ਮਾਹਿ ਦੁਰੋਲਾ ॥

ਮਾਨਦ ਗਿਆਹ ਬੀ ਬਾਰੀ ਕੇ ਦਰਜੀਨ ਨਿਆਮੀ ਮਾਨਦ

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਧਰਮ ਤੇ ਰਹਤ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਬੇ ਪ੍ਰਹੀਜਕਾਰ ਬੀ ਏਹਾਨ ਅਵਤ.

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਸਦ ਮਿਥਿਆ ਕਹਤ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਹਮਾਰੇ ਦਰੋਗ ਮੀ ਗ੍ਰਿਹ ਕੀਵਿ.

ਕਿਰਤੁ ਨਿੰਦਕ ਕਾ ਧੁਰਿ ਹੀ ਪਇਆ ॥

ਤਹਮਤ ਜਨਨੇ ਏਨ ਕਾਰ ਰਾ ਅਨੁਜਾਮ ਮੀ ਵਹੁ ਚੁਣ ਏਨ ਕਾਰ ਅਤ ਭੁਲ ਮਸ਼ਖੁਸ਼ ਦੇਹ ਵੀ ਓਵਤ.

ਨਾਨਕ ਜੋ ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਸੋਈ ਬਿਆ ॥੬॥

ਏ ਨਾਨਕ ਹੇਚ ਕੇ ਖਦਾ ਬਖਾਹ ਮਾਨ ਅਤਾਕ ਮੀ ਏਨਦ.

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਬਿਗੜ ਰੂਪੁ ਹੋਇ ਜਾਇ ॥

تمت زنده به پرہیز کار بقدری رسوا شده است که گوئی مایہ زشتبی است

ਸੰਤ ਕੇ ਦੇਖੀ ਕਉ ਦਰਗਹ ਮਿਲੈ ਸਜਾਇ ॥

تمت زنده در دادگاه الٰی تنبیہ می شود.

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਸਦਾ ਸਹਕਾਈਐ ॥

تمت زنده همواره در رنج و حشتناکی است

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਨ ਮਰੈ ਨ ਜੀਵਾਈਐ ॥

تمت زنده به صورت معنوی بین مرگ و زندگی آواره است

ਸੰਤ ਕੇ ਦੇਖੀ ਕੀ ਪੁਜੈ ਨ ਆਸਾ ॥

امید تمت زنده برآورده نمی شود.

ਸੰਤ ਕਾ ਦੇਖੀ ਉਠਿ ਚਲੈ ਨਿਰਾਸਾ ॥

تمت زنده نا امید از دنیا می رود

ਸੰਤ ਕੈ ਦੇਖਿ ਨ ਤ੍ਰਿਸਟੈ ਕੋਇ ॥

با تمت به پرہیز کار، هیچ کسی از تمايل به تمت اشباع نشده است

ਜੈਸਾ ਭਾਵੈ ਤੈਸਾ ਕੋਈ ਹੋਇ ॥

عادت‌های فرد بر اساس اهدافش تشکیل می‌شوند.

ਪਇਆ ਕਿਰਤੁ ਨ ਮੇਟੈ ਕੋਇ ॥

عملکردهای گذشته را نمی‌توان توسط یچ کسی پاک کرد.

ਨਾਨਕ ਜਾਨੈ ਸਚਾ ਸੋਇ ॥੧॥

ای نانک، تنہا خدای ابدی این راز را می‌داند.

ਸਭ ਘਟ ਤਿਸ ਕੇ ਉਹੁ ਕਰਨੈ ਹਾਰੁ ॥

همه بشر متعلق به او هستند و او خالق است.

ਸਦਾ ਸਦਾ ਤਿਸ ਕਉ ਨ ਮਸਕਾਰੁ ॥

برای همیشه به احترام او تعظیم کن.

ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਉਸਤ ਤਿਕਰਹੁ ਦਿਨੁ ਰਾਤਿ ॥

شب و روز مناجات خدارا بخوانید.

ਤਿਸਹਿ ਧਿਆਵਹੁ ਸਾਸਿ ਗਿਰਾਸਿ ॥

در هر نفسی اور ا العبادت کنید.

ਸਭੁ ਕਛੁ ਵਰਤੈ ਤਿਸ ਕਾ ਕੀਆ ॥

ہر چیزی بے خواست او اتفاق می افتد

ਜੈਸਾ ਕਰੇ ਤੈਸਾ ਕੇ ਬੀਆ ॥

خدا ہمہ را خلق کردو انسان روی زین امد

ਅਪਨਾ ਖੇਲੁ ਆਪਿ ਕਰਨੈ ਹਾਰੁ ॥

او اجر اکنندہ ہی این بازی است

ਦੂਜਾ ਰਾਉਨੁ ਕਰੈ ਬੀਚਾਰੁ ॥

چہ کس دیگری م تو اندر این مورد چیزی بگوید؟

ਜਿਸ ਨੇ ਕ੍ਰਿਪਾ ਕਰੈ ਤਿਸੁ ਆਪਨਾ ਮੁਦੇਇ ॥

کسی کہ او لطفش را شامل حالش کند اور ابا نعم سعادتمند می کند

ਬਡਭਾਗੀ ਨਾਨਕ ਜਨ ਸੇਇ ॥੮॥੧੩॥

ای نانک چنین افرادی بسیار خوش شانس ہستند

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਤਜਹੁਸਿਆਨਪਸੁਰਿਜਨਹੁਸਿਮਰਹੁਹਰਿਹਰਿਰਾਇ ॥

ای مردم خوب از رنگی خود را متوقف کنید و خدای ابدی را با پرسش عاشقانه به یاد آورید

ਏਕਆਸਹਰਿਮਨਿਰਖਹੁਨਾਨਕਦੂਖੁਭਰਮੁਭਉਜਾਇ ॥੧॥

ای نانک، در قلبت همه می امیدهارا به خدا سوق بده، در این روش تمام دردها، شک ها و ترس های تو از بین خواهد رفت.

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپادی

ਮਾਨੁਖ ਕੀ ਟੇਕ ਬਿਖੀ ਸਭ ਜਾਨੁ ॥

این را خوب بدانید که تکیہ بر حمایت انسانی کاملاً بی فایده است

ਦੇਵਨਕਉ ਏਕੈ ਭਗਵਾਨੁ ॥

چون تنها خدا خودش ولی نعمت هر است

ਜਿਸ ਕੈ ਦੀਐ ਰਹੈ ਆਪਾਇ ॥

با هدایای او فرد همواره راضی می ماند

ਬਹੁਰਿਨਤ੍ਰਿਸਨਾਲਾਗੈ ਆਇ ॥

او هرگز با هواسته های دنیوی فریب نمی خورد

ਮਾਰੈ ਰਾਖੈ ਏਕੇ ਆਪਿ ॥

خدا خودش انسان را نابودیا مراقبت می کند.

ਮਾਨੁਖ ਕੈ ਕਿਛੁ ਨਾਹੀ ਹਾਥਿ ॥

. ہیچ چیزی در دست انسان نیست

ਤਿਸ ਕਾ ਹੁਕਮੁ ਬੂਝਿ ਸੁਖੁ ਹੋਇ ॥

آرامش با درک و پنیر قتن دستور اومی آید.

ਤਿਸ ਕਾ ਨਾਮੁ ਰਖੁ ਕੰਠਿ ਪਰੋਇ ॥

بنابرائیں ہموارہ نام او را در قلب خود نگه دار

ਸਿਮਰਿ ਸਿਮਰਿ ਸਿਮਰਿ ਪ੍ਰਭੁ ਸੋਇ ॥

ہموارہ خدارا باعشق و پرستش بے یاد آور

ਨਾਨਕ ਬਿਘਨੁ ਨਲਾਗੈ ਕੋਇ ॥੧॥

ای نانک، ہیچ مانعی باید در مسیر تو باشد.

ਉਸਤਤਿ ਮਨ ਮਹਿ ਕਰਿ ਨਿਰੰਕਾਰ ॥

خدای بدون شکل را در ذہن خود مناجات کن

ਕਰਿ ਮਨ ਮੇਰੇ ਸਤਿ ਬਿਉਹਾਰ ॥

ای ذہن من، این را عملکرد واقعی خود قرار ده.

ਨਿਰਮਲ ਰਸਨਾ ਅੰਮ੍ਰਿਤੁ ਪੀਉ ॥

با شرپیک شدن در شد نعم، زبان تو ناب خواهد شد،

ਸਦਾ ਸੁਹੇਲਾ ਕਰਿ ਲੇਹਿ ਜੀਉ ॥

و روح تو برای همیشه در ارامش خواهد بود.

ਨੈਨਹੁ ਪੇਖੁ ਠਾਕੁਰ ਕਾਰੰਗੁ ॥

با چشم هایت، بازی شلگفت انگیز خدا را بین

ਸਾਧਸੰਗਿ ਬਿਨਸੈ ਸਭ ਸੰਗੁ ॥

در همراهی خداوند، همه‌ی وابستگی‌های دنیوی از بین می‌رود.

ਚਰਨ ਚਲਉ ਮਾਰਗਿ ਗੋਬਿੰਦ ॥

با پایت در مسیر قادر جهان قدم بدار

ਮਿਟਹਿ ਪਾਪ ਜਪਿਐ ਹਰਿ ਬਿੰਦ ॥

با عبادت خداوند حتی برای کوتاه مدت، همه‌ی گناهان فرد پر اکنده می‌شوند

ਕਰਹਰਿਕਰਮਸ੍ਰਵਨਿਹਰਿਕਬਾ ॥

بادست هایت در کارهای مقدس شرکت کن و با گوش هایت به ستایش او گوش کن

ਹਰਿਦਰਗਹਨਾਨਕਊਜਲਮਥਾ ॥੨॥

ای نانک با این روش در دادگاه خداوند مورد احترام هستی

ਬਡਭਾਗੀਤੇਜਨਜਗਮਾਹਿ ॥

در این دنیا، شانس واقعی برای کسانی است که

ਸਦਾਸਦਾਹਰਿਕੇਗੁਨਗਾਹਿ ॥

ستایش با شکوه خداوند را همیشه می خوانند

ਰਾਮਨਾਮਜੋਕਰਹਿਬੀਚਾਰ ॥

آنها نام خداوند را منعکس می کنند

ਸੇਧਨਵੰਤਗਨੀਸੰਸਾਰ ॥

در دنیادارای ثروت معنوی در نظر گرفته می شوند

ਮਨਿਤਨਿਮੁਖਿਬੋਲਹਿਹਰਿਮੁਖੀ ॥

کسانی که باروح وزبان خود نام خداوند را تکرار می کنند

ਸਦਾ ਸਦਾ ਜਾਨਹੁ ਤੇ ਸੁਖੀ ॥

آنہارا ہموارہ در ارامش در نظر بگیر.

ਏਕੋ ਏਕੁ ਏਕੁ ਪਛਾਨੈ ॥

کسی کہ تنہائیکی را خدامی شناسد

ਇਤ ਉਤ ਕੀ ਓਹੁ ਸੋਝੀ ਜਾਨੈ ॥

این دنیا و بعدی را در ک می کند.

ਨਾਮ ਸੰਗਿ ਜਿਸ ਕਾ ਮਨੁ ਮਾਨਿਆ ॥

کسی کہ هنگام عبادت نام خداوند ذہنش راضی است

ਨਾਨਕ ਤਿਨਹਿ ਨਿਰੰਜਨੁ ਜਾਨਿਆ ॥੩॥

ای نانک، این شخص خدای ابدی را شناخته است

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਆਪਨ ਆਪੁ ਸੁਝੈ ॥

ب لطف معلم مذهبی، کسی کہ خودش را بشناسد:

ਤਿਸ ਕੀ ਜਾਨਹੁ ਤਿਸਨਾ ਬੁਝੈ ॥

چنین در نظر بگیرید که اصرار او برای دستیابی به تمایلات دنیوی فرونشانده می شود

ਸਾਧਸੰਗਿ ਹਰਿ ਹਰਿ ਜਸੁ ਕਹਤ ॥

در هر اهی خدا، فرد مناجات خداوند را می خواند

ਸਰਬ ਰੋਗ ਤੇ ਉਹੁ ਹਰਿ ਜਨੁ ਰਹਤ ॥

چنین پیرو خدایی از همه نوع بدی ها در امان است

ਅਨਦਿਨੁ ਕੀਰਤਨੁ ਕੇਵਲ ਬਖਜਾਨੁ ॥

کسی که همواره ستایش خدارامی خواند،

ਗ੍ਰਿਹਸਤ ਮਹਿ ਸੋਈ ਨਿਰਬਾਨੁ ॥

از مایا جدا شده است در حالیکه هنوز در خانه اش زندگی می کند

ਏਕ ਉਪਰਿ ਜਿਸੁ ਜਨ ਕੀ ਆਸਾ ॥

کسی که همه ی امدها به جزا مید به خدارا حذف می کند،

ਤਿਸ ਕੀ ਕਟੀਐ ਜਮ ਕੀ ਫਾਸਾ ॥

ا. دام مرگ از بین می رو و از پرخه های مرگ وزندگی در امان می ماند

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ਕੀ ਜਿਸੁ ਮਨਿ ਭੂਖ ॥

کسی که ذہنش اماده ی اتحاد با خدا است،

ਨਾਨਕ ਤਿਸਹਿਨ ਲਾਗਹਿ ਦੂਖ ॥੮॥

ای نانک، این شخص هرگز تحت تاثیر غم قارنی گیرد.

ਜਿਸ ਕਉ ਹਰਿ ਪ੍ਰਭੁ ਮਨਿ ਚਿਤਿ ਆਵੈ ॥

کسی کہ ہموارہ خدارا در ذہنش بے یاد دارد،

ਸੇ ਸੰਤੁ ਸੁਹੇਲਾ ਨਹੀਂ ਢੁਲਾ ਵੈ ॥

این بندہ ہموارہ در آرامش است و هرگز سرگردان نمی شود.

ਜਿਸੁ ਪ੍ਰਭੁ ਅਪੁਨਾ ਕਿਰਪਾ ਕਰੈ ॥

کسی کہ خداوند لطف خود را شامل حال خود کرده است

ਸੇ ਸੇਵਕੁ ਕਹੁ ਕਿਸ ਤੇਡਰੈ ॥

این بندہ ہی واقعی خدا از چہ کسی باید بترسد؟

ਜੈਸਾ ਸਾ ਤੈਸਾ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟਾਇਆ ॥

چنین فردی قادر است خدارا بے صورتی کہ ہست تجسم کند،

ਅਪੁਨੇ ਕਾਰਜ ਮਹਿਆਧਿ ਸਮਾਇਆ ॥

او خودش در خلقتش شایع است.

ਸੋਧਤ ਸੋਧਤ ਸੋਧਤ ਸੀਝਿਆ ॥

با انکاس مداوم در نهایت در این درک موفق می شود

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤਤੁ ਸਭੁ ਬੂਝਿਆ ॥

و به لطف معلم مذهبی واقعیت خدا و خلقت او را درک می کند

ਜਬ ਦੇਖਉ ਤਬ ਸਭੁ ਕਿਛੁ ਮੂਲੁ ॥

وقتی نگاه می کنم خدارا در ریشه هر چیزی می یافم

ਨਾਨਕ ਸੋ ਸੂਖਮੁ ਸੋਈ ਅਸਥੂਲੁ ॥੫॥

ای نانک این همان است که ملموس و غیر ملموس است

ਨਹ ਕਿਛੁ ਜਨਮੈ ਨਹ ਕਿਛੁ ਮਰੈ ॥

هیچ چیزی نمی میرد و زنده نمی شود

ਆਪਨ ਚਲਿਤੁ ਆਪ ਹੀ ਕਰੈ ॥

او خودش بازی خود را مرحله بندی می کند

ਆਵਨੁ ਜਾਵਨੁ ਵਿਸਟਿ ਅਨਵਿਸਟਿ ॥

- همه می مرگ ها و تولد ها می توانند پیدید و ناپید شوند

ਆਗਿਆਕਾਰੀ ਧਾਰੀ ਸਭ ਸ੍ਰਿਸਟਿ ॥

خداوند کل این جهان را به خواست خودش مطیع کرده است.

ਆਪੇਆਪਿ ਸਗਲ ਮਹਿਆਪਿ ॥

او خودش همه چیز است و در همه جا حاضر است.

ਅਨਿਕ ਜੁਗਤਿ ਰਚਿ ਬਾਪਿ ਉਬਾਪਿ ॥

او بہ روشنی بیشماری جهان را می سازد و ویران می کند.

ਅਥਿਨਾਸੀ ਨਾਹੀ ਕਿਛੁ ਖੰਡ ॥

او فنا پذیر است و هیچ چیزی از او نابود نمی شود.

ਧਾਰਣ ਧਾਰਿ ਰਹਿਓ ਬ੍ਰਹਮੰਡ ॥

او خودش جهان را طراحی و حمایت می کند.

ਅਲਖ ਅਭੇਵ ਪੁਰਖ ਪਰਤਾਪ ॥

عظمت خداوند غیر قابل درک و پیش بینی است.

ਆਪਿ ਜਪਾਏਤ ਨਾਨਕ ਜਾਪ ॥੬॥

ای نانک، اگر او الہام کند ما اور ا العبادت می کنیم.

ਜਿਨ ਪ੍ਰਭੁ ਜਾਤਾ ਸੁ ਸੋਭਾਵੰਤ ॥

کسانی کہ خدارا شناختہ اند موردا حترام هستند

ਸਗਲ ਸੰਸਾਰੁ ਉਧਰੈ ਤਿਨ ਮੰਤ ॥

تعلیم آنها کل جهان را از گناهان حفظ می کنند

ਪ੍ਰਭ ਕੇ ਸੇਵਕ ਸਗਲ ਉਧਾਰਨ ॥

پیروان خداوند قادر هستند همه را از گناهان رہا کنند

ਪ੍ਰਭ ਕੇ ਸੇਵਕ ਦੂਖ ਬਿਸਾਰਨ ॥

بندگان خداوند مستعد بر طرف کردن غم های همه هستند

ਆਪੇ ਮੇਲਿ ਲਏ ਕਿਰਪਾਲ ॥

خدای بخشندہ خودش آنها را با خود مکی می کنند

ਗੁਰ ਕਾ ਸਬਦੁ ਜਪਿ ਭਏ ਨਿਹਾਲ ॥

با عبادت عاشقانہ می کلمات معلم مذهبی، آنها احساس روشن فکری می کنند

ਉਨ ਕੀ ਸੇਵਾ ਸੋਈ ਲਾਗੈ ॥

او بہ تنهایی پیروان خدارا نجات می دهد،

ਜਿਸ ਨੇ ਕ੍ਰਿਪਾ ਕਰਹਿ ਬਡਭਾਗੈ ॥

کہ شانسِ خوبی دارند و مورد لطف تو ہستند

ਨਾਮੁਜਪਤ ਪਾਵਹਿ ਬਿਸਾਮੁ ॥

با عبادت عاشقانہ نامِ خداوند، پیروان ب آرامش می رسد

ਨਾਨਕਤਿਨਪੁਰਖ ਕਉ ਉਤਮ ਕਰਿ ਮਾਨੁ ॥੧॥

ای نانک، افرادِ نجیب را مورد احترام قرار ده

ਜੇ ਕਿਛੁ ਕਰੈ ਸੁਪ੍ਰਭ ਕੈ ਰੰਗਿ ॥

هر کاری پیروان انجام دهند از عشقِ خداوند است،

ਸਦਾ ਸਦਾ ਬਸੈ ਹਰਿ ਸੰਗਿ ॥

و ہموارہ در حضورِ خداوند می مانند

ਸਹਜ ਸੁਭਾਇ ਹੋਵੈ ਸੋਹਇ ॥

هر اتفاقی کہ ب طور ذاتی بیوفتد، ب عنوانِ خواستہ می خداوند قبول می کنند،

ਕਰਈ ਹਾਰੁ ਪਛਾਣੈ ਸੋਇ ॥

و اور اخالق می دانند

ਪ੍ਰਭ ਕਾ ਕੀਆ ਜਨ ਮੀਠ ਲਗਾਨਾ ॥

پیروان همه کارهای خداوند را می پنیرند،

ਜੈਸਾ ਸਾ ਤੈਸਾ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟਾਨਾ ॥

چون چنین بر نظرشان می رسد که او هست

ਜਿਸ ਤੇ ਉਪਜੋ ਤਿਸੁ ਮਾਹਿਸਮਾਏ ॥

از او زاده شده اند و در او غرق شده اند.

ਓਇ ਸੁਖ ਨਿਧਾਨ ਉਨ੍ਹਾਂ ਬਨਿਆਏ ॥

گنجینه های آرامش شده اند و به تنهایی ارزش این موقعیت را دارند

ਆਪਸ ਕਉ ਆਪਿ ਦੀਨੇ ਮਾਨੁ ॥

خداوند با عزت دادن به بندگانش به خودش عزت و احترام می دهد

ਨਾਨਕ ਪ੍ਰਭ ਜਨੁ ਏਕੇ ਜਾਨੁ ॥੮॥੧੪॥

ای نانک، خدا و بندہ را ملکی و مانند هم در نظر بگیر

ਸਲੋਕ ॥

شا لوك:

ਸਰਬਕਲਾਭਰਪੂਰ ਪ੍ਰਭ ਬਿਰਥਾਜਾਨਨਹਾਰ ॥

خدا کاملا در همه نیروها اشیاع شده است، او داننده می دردها و غم های ماست

ਜਾਕੈ ਸਿਮਰਨਿ ਉਧਰੀਐ ਨਾਨਕ ਤਿਸੁ ਬਲਿਹਾਰ ॥੧॥

. ای نانک، ما باید خود را فدای خدای قادری کنیم، عبادت او ما را از گناهان نجات می دهد

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਟੂਟੀ ਗਾਢਨਹਾਰ ਗੁਪਾਲ ॥

خدا خودش مستعد بکشیدن دوباره قلب ماست

ਸਰਬਜੀਆ ਆਪੇ ਪ੍ਰਤਿਪਾਲ ॥

او خودش از همه موجودات مراقبت می کند

ਸਗਲ ਕੀ ਚਿੰਤਾ ਜਿਸੁ ਮਨਮਾਹਿ ॥

او مراقبت از همه را در ذهن دارد

ਤਿਸਤੇ ਬਿਰਥਾ ਕੋਈ ਨਾਹਿ ॥

هیچ کس از او دور نشده است

ਰੇਮਨਮੇਰੇਸਦਾਹਰਿਜਾਪਿ ॥

ای ذہن من ہموارہ با عشق خدا را بے خاطر اور

ਅਥਿਨਾਸੀਪ੍ਰਭੁਆਪੇਆਪਿ ॥

خدای فنان پذیر ہمہ چیز است

ਆਪਨਕੀਆਕਛੂਨਹੋਇ ॥

باتلاش خود فرد ہیچ کاری کامل نمی شود

ਜੇਸਉਪ੍ਰਾਣੀਲੇਚੈਕੋਇ ॥

حتی اگر روش انسانی این کار را صدھا بار تکرار کند

ਤਿਸੁਬਿਨੁਨਾਹੀਤੇਰੈਕਿਛੁਕਾਮ ॥

علاوه بر او ہیچ چیز دیگری کاربرد واقعی برای تو ندارد

ਗਤਿਨਾਨਕਜਪਿਏਕਹਰਿਨਾਮ ॥੧॥

ای نانک، تو تنہا با عبادت نام خداوند نجات خواهی یافت

ਤੁਪਵੰਤੁਹੋਇਨਾਹੀਮੋਰੈ ॥

کسی کہ خوش تیپ است بنا ید مغرور شود؛

ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਜੋਤਿ ਸਗਲ ਘਟ ਸੇਹੈ ॥

چون نور خدا بہ همه تابیده است

ਧਨਵੰਤਾ ਹੋਇ ਕਿਆ ਕੇ ਗਰਬੈ ॥

چرا باید کسی بہ ثروت خود متکبر شود؟

ਜਾ ਸਭੁ ਕਿਛੁ ਤਿਸ ਕਾ ਦੀਆ ਦਰਬੈ ॥

وقتی همه ثروت ها هدیہ او ہستند

ਅਤਿ ਸੂਰਾ ਜੇ ਕੇਉ ਕਹਾ ਵੈ ॥

اگر کسی خود را خیلی شجاع بداند،

ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਕਲਾ ਬਿਨਾ ਕਹ ਧਾ ਵੈ ॥

باید بداند کہ بدون هدیہ قدرت خداوند چہ کاری می تواند انجام دهد؟

ਜੇ ਕੇ ਹੋਇ ਬਹੈ ਦਾ ਤਾਰੁ ॥

کسی کہ صدقہ می دھدو سپس بہ ولی نعمت بودن افتخار می کند،

ਤਿਸੁ ਦੇਨਹਾਰੁ ਜਾਨੈ ਗਾਵਾਰੁ ॥

چنین احمقی می فرمد کہ خدا تناولی نعمت همہ است

ਜਿਸੁਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਤੂਟੈ ਹਉ ਰੇਗੁ ॥

بے لطف معلم مذهبی، کہ تمام بیماری‌های نفس او درمان می شود

ਨਾਨਕ ਸੋਜਨੁ ਸਦਾ ਅਰੇਗੁ ॥੨॥

ای نانک این شخص برای همše از نظر روحی سالم است

ਜਿਉ ਮੰਦਰ ਕਉ ਥਾਮੈ ਬੰਮਨੁ ॥

مانند ستونی کہ سقف خانہ را حفظ می کند،

ਤਿਉ ਗੁਰ ਕਾ ਸਬਦੁ ਮਨਹਿ ਅਸਬੰਮਨੁ ॥

ہمانند واژہ‌های معلم مذهبی کہ از ذہن مراقبت می کند

ਜਿਉ ਪਾਖਾਣੁ ਨਾਵ ਚੜਿ ਤਰੈ ॥

درست مانند سنگی کہ در طول رودخانہ در قایق قرار دارد،

ਪ੍ਰਾਣੀ ਗੁਰ ਚਰਣ ਲਗਤੁ ਨਿਸਤਰੈ ॥

ہماند پیروی از تعالیم معلم مذهبی کہ مل سنگ داغی انسان از اقیانوس گناہان می گزد

ਜਿਉ ਅੰਧਕਾਰ ਦੀਪਕ ਪਰਗਾਸੁ ॥

درست مانند تاریکی کہ بالا مپ روشن می شود،

ਗੁਰ ਦਰਸਨੁ ਦੇਖਿ ਮਨਿ ਹੋਇ ਬਿਗਾਸੁ ॥

مانند ذہنی کہ روشن می شود بانور معلم مذہبی

ਜਿਉ ਮਹਾ ਉਦਿਆਨ ਮਹਿ ਮਾਰਗੁ ਪਾਵੈ ॥

درست مانند کسی کہ از طریق بیابانی مسیر را می یابد

ਤਿਉ ਸਾਧੂ ਸੰਗਿ ਮਿਲਿ ਜੋਤਿ ਪ੍ਰਗਟਾਵੈ ॥

مانند نور مقدسی کہ در همراهی پر ہیز کاران آشکار می شود

ਤਿਨ ਸੰਤਨ ਕੀ ਬਾਛੁ ਪੂਰਿ ॥

من خواهان خدمت مستوا ظغاونہ بے این پر ہیز کاران **ہستم:**

ਨਾਨਕ ਕੀ ਹਰਿ ਲੋਚਾ ਪੂਰਿ ॥੩॥

ای خدا لطفا این خواستہ نانک را براوردہ کن

ਮਨ ਮੂਰਖ ਕਾਹੇ ਬਿਲਲਾਈਐ ॥

ای ذہن احمق من چرا گریہ وزاری می کنی؟

ਪੁਰਬ ਲਿਖੇ ਕਾਲਿ ਖਿਆ ਪਾਈਐ ॥

تو چیزی را دریافت می کنی کہ بر اساس کردار قبلی تو از قبل مشخص شده است

ਦੂਖ ਸੂਖ ਪ੍ਰਭ ਦੇ ਵਨਹਾਰੁ ॥

خدا دهنده درد و لذت است.

ਅਵਰ ਤਿਆਗਿ ਤੂ ਤਿਸਹਿ ਚਿਤਾਰੁ ॥

بنابرائین حمایت بقیہ را رہا کن و با عشق تنہا اور اب خاطر اور

ਜੋ ਕਛੁ ਕਰੈ ਸੋਈ ਸੁਖੁ ਮਾਨੁ ॥

در هر کاری او می کند راحت باش

ਭੂਲਾ ਕਾਰੇ ਫਿਰਹਿ ਅਜਾਨ ॥

ای غافل، چرا تو سرگردان ہستی؟

ਕਉਨ ਬਸਤੂ ਆਈ ਤੇਰੈ ਸੰਗ ॥

چه چیزی با خود آورده ای؟

ਲਪਟਿ ਰਹਿਓ ਰਸਿ ਲੇਭੀ ਪਤੰਗ ॥

ای بید طمع کارت و در لذت های دنیوی غرق شده ای

ਰਾਮ ਨਾਮ ਜਪਿ ਹਿਰਦੇ ਮਾਹਿ ॥

نام خدا را در قلب خود عبادت کن

ਨਾਨਕ ਪਤਿਸੇਤੀ ਘਰਿ ਜਾਹਿ ॥੮॥

ای نانک، بنابر این تو با عزت بے خانہ مقدس بر می گردی

ਜਿਸੁ ਵਖਰ ਕਉ ਲੈਨਿ ਤੂ ਆਇਆ ॥

ثروت نعم کہ برای آن بے دنیا امده ای

ਰਾਮਨਾਮੁ ਸੰਤਨ ਘਰਿ ਪਾਇਆ ॥

این ثروت نام خداوند در مکان مقدس بے دست می آید

ਤਜਿ ਅਭਿਮਾਨੁ ਲੇਹੁ ਮਨ ਮੋਲਿ ॥

غور را از ذهن خود پاک کن و با ثروت نام خداوند مبادله کن

ਰਾਮਨਾਮੁ ਹਿਰਦੇ ਮਹਿ ਤੋਲਿ ॥

نام خدا را در قلب نفوذ ده

ਲਾਦਿ ਖੇਪ ਸੰਤਹ ਸੰਗਿ ਚਾਲੁ ॥

ثروت نعم را با عبادت عاشقانہ خداوند در مکان مقدس بیشتر کن

ਅਵਰਤਿਆਗਿ ਬਿਖਿਆ ਜੰਜਾਲ ॥

و همه می لذت های دنیوی دیگر را رہا کن

ਧੰਨਿ ਧੰਨਿ ਕਰੈ ਸਭੁ ਕੋਇ ॥

اگر این کار را انجام دھی ہمہ تو راستا یش خواهند کرد.

ਮੁਖ ਉਜਲ ਹਰਿ ਦਰਗਹ ਸੋਇ ॥

در دادگاہ الہی ہم ب احترام میرسی

ਇਹੁ ਵਾਪਾਰੁ ਵਿਰਲਾ ਵਾਪਾਰੈ ॥

. اما تنہا افراد نادری در عبادت نام خدا مشغول می شوند

ਨਾਨਕ ਤਾਕੈ ਸਦਬਲਿਹਾਰੈ ॥ ੫ ॥

ای نانک من برای ہمیشہ فدائی چنین فردی می شوم

ਚਰਨ ਸਾਧ ਕੇ ਧੋਇ ਧੋਇ ਪੀਉ ॥

از واڑگان پر ہیز کاران با فروتنی و اطاعت پیروی کن

ਅਰਪਿ ਸਾਧ ਕਉ ਅਪਨਾ ਜੀਉ ॥

روح خود را در پناہ معلم مذہبی قرار ده

ਸਾਧ ਕੀ ਧੂਰਿ ਕਰਹੁ ਇਸਨਾਨੁ ॥

با قبول کردن تعالیم معلم مذہبی حمام تطہیر بکن

ਸਾਧ ਉਪਰਿਜਾਈਐ ਕੁਰਬਾਨੁ ॥

زندگی خود را به معلم مذهبی اختصاص بده.

ਸਾਧ ਸੇਵਾ ਵਡਭਾਗੀ ਪਾਈਐ ॥

تعالیم معلم مذهبی با شناس بزرگ دریافت می شود

ਸਾਧਸੰਗਿ ਹਰਿ ਕੀਰਤਨੁ ਗਾਈਐ ॥

ستایش خدار اتنہا در مکان مقدس می توان خواند

ਅਨਿਕ ਬਿਘਨ ਤੇ ਸਾਧੂ ਰਾਖੈ ॥

پرهیز کارما را از همه انواع خطرهادر سفر معنوی نجات می دهد

ਹਰਿ ਗੁਨ ਗਾਇ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਰਸੁ ਚਾਖੈ ॥

او که ستایش خدار امی خواند شدم نعم رامی چشد

ਓਟ ਗਹੀ ਸੰਤਹ ਦਰਿਆਇਆ ॥

کسی که حمایت پرهیز کاران را دیده و به آنها پناہ آورده است

ਸਰਬ ਸੁਖ ਨਾਨਕ ਤਿਹ ਪਾਇਆ ॥੬॥

ای نانک او همی راحتی ها و ارامش را دریافت کرده است

ਮਿਰਤਕ ਕਉ ਜੀਵਾਲਨਹਾਰ ॥

خدا قادر است زندگی را به مرگ معنوی برگرداند.

ਭੂਖੇ ਕਉ ਦੇਵਤ ਅਧਾਰ ॥

او برای گرسنه غذا فراہم می کند.

ਸਰਬ ਨਿਧਾਨ ਜਾ ਕੀ ਦਿਸਟੀ ਮਾਹਿ ॥

همه گنج ها در زگاه لطف او هستند.

ਪੁਰਬ ਲਿਖੇ ਕਾਲ ਹਣਾ ਪਾਹਿ ॥

اما مردم چیزی را دریافت می کنند که از قبل در سرنوشت شان تعیین شده است.

ਸਭ ਕਿਛੁ ਤਿਸ ਕਾ ਓਹੁ ਕਰਨੈ ਜੋਗੁ ॥

همه چیز متعلق به اوست و هر کار می تواند بکند.

ਤਿਸੁ ਬਿਨੁ ਦੂਸਰ ਹੋਆਨ ਹੋਗੁ ॥

بے غیر از او کسی دیگری نبوده و باید باشد.

ਜਪਿ ਜਨ ਸਦਾ ਸਦਾ ਦਿਨ ਰੈਣੀ ॥

ای بندہ، ہموارہ شب و روز اور ا العبادت کن.

ਸਭ ਤੇ ਉਚਨਿਰਮਲ ਇਹ ਕਰਣੀ ॥

ایں عالیٰ ترین و برترین کار است

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਜਿਸ ਕਉ ਨਾਮੁ ਦੀਆ ॥

هر کسی کہ خدا بے لطف خود نا مش را بے او عنایت کند

ਨਾਨਕ ਸੋ ਜਨੁ ਨਿਰਮਲੁ ਥੀਆ ॥੧॥

ایں فرد ابدی و خالص می شود

ਜਾ ਕੈ ਮਨਿ ਗੁਰ ਕੀ ਪਰਤੀਤਿ ॥

کسی کہ ذہنش پر از ایمان کامل در معلم مذہبی است

ਤਿਸੁ ਜਨ ਆਵੈ ਹਰਿ ਪ੍ਰਭੁ ਚੀਤਿ ॥

خدا ہموارہ در ذہن اور رخنے می کند

ਭਗਤੁ ਭਗਤੁ ਸੁਨੀਐ ਤਿਹੁ ਲੋਇ ॥

او بے عنوان یک پیرو است بندہ ای فروتن در کل جهان

ਜਾ ਕੈ ਹਿਰਦੈ ਏਕੋ ਹੋਇ ॥

ک در قلب او تنہایک خدا نفوذ کرده است

ਸਚੁ ਕਰਣੀ ਸਚੁ ਤਾਕੀ ਰਹਤ ॥

اعمال او و روش زندگی او صحیح است.

ਸਚੁ ਹਿਰਦੈ ਸਤਿ ਮੁਖਿ ਕਰਤ ॥

خدا در قلب اوست و هرچه می گوید درست است.

ਸਾਚੀ ਦਿੜਿ ਸਟਿ ਸਾਚਾ ਆਕਾਰੁ ॥

دید این بندہ با عشق به خدا پر شده است بنابراین او خدارا در کل جهان می بیند.

ਸਚੁ ਵਰਤੈ ਸਾਚਾ ਪਾਸਾਰੁ ॥

او می داند که خدار همه جا حاضر است و این وسعت متعلق به خداست.

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁ ਜਿਨਿ ਸਚੁ ਕਰਿ ਜਾਤਾ ॥

کسی که خدای برتر را ابدی می داند

ਨਾਨਕ ਸੋਜਨੁ ਸਚਿ ਸਮਾਤਾ ॥੮॥੧੫॥

ای نانک، این بشر فروتن در واحد واقعی جذب می شود.

ਸਲੇਕੁ ॥

شالوک:

ਤੁਪੁਨਰੇਖਨ ਰੰਗ ਕਿਛੁ ਤ੍ਰਿਹੁ ਗੁਣ ਤੇ ਪ੍ਰਭ ਭਿੰਨ ॥

خدا شکی و رنگ ندارد؛ او از سه ویژگی مایا از اد است.

ਤਿਸਹਿ ਬੁਝਾ ਏਨਾਨਕਾ ਜਿਸੁ ਹੋਵੈ ਸੁਪ੍ਰਸੰਨ ॥੧॥

ای نانک او فرد را قادر می کند او را بشناسد و از او خرسند می شود.

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਅਬਿਨਾਸੀ ਪ੍ਰਭੁ ਮਨ ਮਹਿਰਾਖੁ ॥

خدای فنا پذیر را در ذهن خود نگه دار

ਮਾਨੁਖ ਕੀ ਤੂ ਪ੍ਰੀਤਿ ਤਿਆਗੁ ॥

و عشق و ابستگی به هر فانی را رهائی

ਤਿਸ ਤੇ ਪਰੈਨਾਹੀ ਕਿਛੁ ਕੋਇ ॥

فرا تراز او چیزی نیست

ਸਰਬ ਨਿਰੰਤਰਿ ਏਕੇ ਸੋਇ ॥

بیک خدا در همه جا حاضر است

ਆਪੇ ਬੀਨਾ ਆਪੇ ਦਾਨਾ ॥

او خودش همه را می بیند و می داند.

ਗਹਿਰ ਗੰਭੀਰੁ ਗਹੀਰੁ ਸੁਜਾਨਾ ॥

او غیرقابل پیمایش، عمیق و دانا است.

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ਪਰਮੇਸ਼ੁਰ ਗੋਬਿੰਦ ॥

خدای افضل، برتر و قادر کل جهان

ਕ੍ਰਿਪਾ ਨਿਧਾਨ ਦਇਆਲ ਬਖਸੰਦ ॥

گنجینہ ی بخشش، مربانی و محبت

ਸਾਧ ਤੇਰੇ ਕੀ ਚਰਨੀ ਪਾਉ ॥

لطفا اجازہ بده بنده ی فروتن پر ہیز کاران تو باشم

ਨਾਨਕ ਕੈ ਮਨਿ ਇਹੁ ਅਨਰਾਉ ॥੧॥

ذهن نانک ارزوی این را دارد

ਮਨਸਾ ਪੂਰਨ ਸਰਨਾ ਜੋਗ ॥

خدا مستعد برآورده کردن خواسته های ما و پناه دادن به ماست

ਜੋਕਰਿ ਪਾਇਆ ਸੋਈ ਹੋਗੁ ॥

ہرچہ کہ خدادور سرنوشت کسی رقم زده است اتفاق خواهد افتاد

ਹਰਨ ਭਰਨ ਜਾਕਾ ਨੇਤ੍ਰ ਫੇਰੁ ॥ ਤਿਸ ਕਾ ਮੰਤ੍ਰੂ ਨ ਜਾਨੇ ਹੋਰੁ ॥

خدا می تواند جهان را در یک چشم بہ هم زدن بیا فریندو ویران کند؛ هیچ کس دیگری رمز او را نمی دارد

ਅਨਦਰੂਪ ਮੰਗਲ ਸਦ ਜਾਕੈ ॥

او تجسم خلسلہ ولذت دائمی است

ਸਰਬ ਥੋਕ ਸੁਨੀ ਅਹਿ ਘਰਿ ਤਾਕੈ ॥

و همه فرمان ها در موقعیت او شنیده می شوند

ਰਾਜ ਮਹਿ ਰਾਜੁ ਜੋਗ ਮਹਿ ਜੋਗੀ ॥

در بین پادشاهان او بزرگترین پادشاه و در بین یوگی ها مقدس ترین یوگی است

ਤਪ ਮਹਿ ਤਪੀ ਸਰੁ ਗ੍ਰਿਹ ਸਤ ਮਹਿ ਭੋਗੀ ॥

در بین زاهدان بر تین زاهد و در بین مالکان بخششندہ ترین م

ਧਿਆਇ ਧਿਆਇ ਭਗਤ ਹ ਸੁਖੁ ਪਾਇਆ ॥

پیروان او با عبادت مداوم ارامش را پیدا می کنند

ਨਾਨਕ ਤਿਸੁ ਪੁਰਖ ਕਾ ਕਿਨੈ ਅੰਤੁ ਨ ਪਾਇਆ ॥੨॥

ای نانک یہیج کسی محدودیت این موجود برتر را نیافتہ است

ਜਾ ਕੀ ਲੀਲਾ ਕੀ ਮਿਤਿ ਨਾਹਿ ॥

بازی او یہیج محدودیتی ندارد

ਸਗਲ ਦੇਵ ਹਾਰੇ ਅਵਗਾਹਿ ॥

همه می نیمه خدايان از جستجوی او خسته شده اند

ਪਿਤਾ ਕਾ ਜਨਮੁ ਕਿ ਜਾਨੈ ਪੂਰ੍ਤੁ ॥

پسر در مورد تولد پدر چه می داند؟

ਸਗਲ ਪਰੋਈ ਅਪੁਨੈ ਸੂਤਿ ॥

همانند دانه های تسمیح که به ریسمان وصل شده اند او کل جهان را تحت قانون خود درآورده است

ਸੁਮਤਿ ਗਿਆਨੁ ਧਿਆਨੁ ਜਿਨ ਦੇਇ ॥ ਜਨ ਦਾਸ ਨਾਮੁ ਧਿਆਵਹਿ ਸੇਇ ॥

بندهگان فروتنی که او حس خوبی را به آنها ارزانی کرده است خدارا با عشق می پرسند

ਤਿਚੁ ਗੁਣ ਮਹਿ ਜਾ ਕਉ ਭਰਮਾਏ ॥

او برخی گراها ان را با شامل کردن شان در سه ویژگی مایا هدایت می کند(گناه، قدرت و تقوا)

ਜਨਮਿਮਰੈਫਿਰਿਆਵੈਜਾਏ ॥

و آنها را در پر خهای مرگ و زندگی سرگردان نگ می دارد.

ਊਚਨੀਤਿਸਕੇਅਸਥਾਨ ॥

او در همه این موقعیت های معنوی بالا و پایین ذهن ساکن است (در مردم همچوی حالت های ذهنی)

ਜੈਸਾਜਨਾਵੈਤੈਸਾਨਾਨਕਜਾਨ ॥੩॥

ای نانک او اگر به مردم الہام کند که او را بشناسند شناخته می شود

ਨਾਨਾਰੂਪਨਾਨਾਜਾਕੇਰੰਗ ॥

شکل ها و رنگ های او فراوان است

ਨਾਨਾਭੇਖਕਰਹਿਇਕ ਰੰਗ ॥

ظاهر او فراوان است و او فرض می کند که در نوع خود فقط یکی است

ਨਾਨਾਬਿਧਕੀਨੇਬਿਸਥਾਰੁ ॥

او به روش های مختلفی خود و جهان را توسعه داده است

ਪ੍ਰਭੁਅਬਿਨਾਸੀਏਕੰਕਾਰੁ ॥

اما هنوز نہما خالق ابدی است

ਨਾਨਾਚਲਿਤ ਕਰੇ ਖਿਨ ਮਾਹਿ ॥

او بازی های زیادی را در لحظه اجرامی کند.

ਪੂਰਿ ਰਹਿਓ ਪੂਰਨੁ ਸਭ ਠਾਈ ॥

خدای کامل در همه مکان ها شایع است.

ਨਾਨਾਬਿਧਿ ਕਰਿ ਬਨਤ ਬਨਾਈ ॥

او به روش های مختلفی جهان را خلق کرده است

ਅਪਨੀ ਕੀਮਤਿ ਆਪੇ ਪਾਈ ॥

و خودش ثروت خود را ارزیابی کرده است.

ਸਭ ਘਟਤਿਸ ਕੇ ਸਭ ਤਿਸ ਕੇ ਠਾਉ ॥

همهی قلب ها و مکان ها متعلق به او هستند

ਜਪਿ ਜਪਿ ਜੀਵੈ ਨਾਨਕ ਹਰਿ ਨਾਉ ॥੪॥

ای نانک، بندہی او با عبادت نام خداوند زندگی می کند

ਨਾਮ ਕੇ ਧਾਰੇ ਸਗਲੇ ਜੰਤ ॥

نعم حامی تمام مخلوقات است

ਨਾਮਕੇ ਧਾਰੇ ਖੰਡ ਬ੍ਰਹਮੰਡ ॥

نعم حامی جهان و منظومہ شمسی است

ਨਾਮਕੇ ਧਾਰੇ ਸਿਮ੍ਰਿਤਿ ਬੇਦਪੁਰਾਨ ॥

نعم حامی سمیریت، ودا و پورانا است

ਨਾਮਕੇ ਧਾਰੇ ਸੁਨਨ ਗਿਆਨ ਧਿਆਨ ॥

نعم حامی است که توسط ان مادر معنوی و عبادت رامی شنویم

ਨਾਮਕੇ ਧਾਰੇ ਆਗਾਸ ਪਾਤਾਲ ॥

نعم حامی آسمان ها و مناطق نیرزین است

ਨਾਮਕੇ ਧਾਰੇ ਸਗਲ ਆਕਾਰ ॥

نعم حامی تمام جسم هاست

ਨਾਮਕੇ ਧਾਰੇ ਪੁਰੀਆ ਸਭ ਭਵਨ ॥

نعم حامی همهی جهان ها و مملکت هاست

ਨਾਮਕੈ ਸੰਗਿ ਉਧਰੇ ਸੁਨਿ ਸੂਵਨ ॥

با عبادت و شنیدن نام خداوند، بیشتر افراد از گناهان نجات می یابند

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਜਿਸੁ ਆਪਨੇ ਨਾਮਿ ਲਾਏ ॥

کسانی کہ خدا نام خود را با لطفش بے آنہا وصل می کند

ਨਾਨਕ ਚਉਥੇ ਪਦ ਮਹਿ ਸੋਜਨੁ ਗਤਿ ਪਾਏ ॥੫॥

ای نانک، در حالت چهارم، این بندگان متواضع بے آزادی میرسند

ਰੂਪੁ ਸਤਿ ਜਾਕਾ ਸਤਿ ਅਸਥਾਨੁ ॥

کسی کہ شکلش و صندلی قدر تش ابدی است

ਪੁਰਖੁ ਸਤਿ ਕੇਵਲ ਪਰਧਾਨੁ ॥

در همه جا حاضر، ابدی و برتر است

ਕਰਤੂਤਿ ਸਤਿ ਸਤਿ ਜਾਕੀ ਬਾਣੀ ॥ ਸਤਿ ਪੁਰਖ ਸਭ ਮਾਹਿ ਸਮਾਣੀ ॥

این خدای حاضر در همه جا که کارهایش واقعی و واژه هایش واقعی هستند بر همه غالب است

ਸਤਿ ਕਰਮੁ ਜਾਕੀ ਰਚਨਾ ਸਤਿ ॥

خلقت و اعمال او واقعی هستند

ਮੂਲੁ ਸਤਿ ਸਤਿ ਉਤਪਤਿ ॥

ریشه می وجود او و هرچہ کہ از انشات می گیرد واقعی هستند

ਸਤਿ ਕਰਣੀ ਨਿਰਮਲ ਨਿਰਮਲੀ ॥

خواستہ می پایدار او خالص ترین است.

ਜਿਸਹਿ ਬੁਝਾਏ ਤਿਸਹਿ ਸਭ ਭਲੀ ॥

هر کسی کہ خدا اور قادر کرده است تا خواستہ اش را بداند بہ خوبی پیش می رو د

ਸਤਿ ਨਾਮੁ ਪ੍ਰਭ ਕਾ ਸੁਖਦਾਈ ॥

نعم دائمی دھنندہ می ارامش است.

ਬਿਸ਼੍ਵਾਸੁ ਸਤਿ ਨਾਨਕ ਗੁਰ ਤੇ ਪਾਈ ॥੬॥

ای نانک، این ایمان تنہا از طریق معلم مذهبی واقعی بہ دست می آید

ਸਤਿ ਬਚਨ ਸਾਧੂ ਉਪਦੇਸ ॥

تعالیم و دستور العمل های معلم مذهبی واقعی برای ہمیشہ واقعی ہستند

ਸਤਿ ਤੇ ਜਨਜਾ ਕੈ ਰਿਦੈ ਪ੍ਰਵੇਸ ॥

کسانی کہ این تعالیم رامی پذیرند نیز واقعی می شوند

ਸਤਿ ਨਿਰਤਿ ਬੂਝੈ ਜੋ ਕੋਇ ॥

اگر کسی عمق عشق خدا را یغمد

ਨਾਮੁਜਪਤਤਾ ਕੀ ਗਤਿ ਹੋਇ ॥

نعم را عبادت خواهد کرد و به موقعیت معنوی بالایی خواهد رسید (و خارج از پخرخ مرگو زندگی خواهد شد)

ਆਪਿ ਸਤਿ ਕੀ ਆਸਤੂ ਸਤਿ ॥

خدا خودش ابدی است و هرچیزی که افریده است نیز وجود دارد.

ਆਪੇ ਜਾਨੈ ਅਪਨੀ ਮਿਤਿ ਗਤਿ ॥

او خودش ارزش و حدود خود را می داند.

ਜਿਸ ਕੀ ਸਿਸਟਿ ਸੁਕਰਣੈ ਹਾਰੁ ॥

او که این جهان متعلق به اوست خودش خالق ان است

ਅਵਰਨ ਬੂਝਿ ਕਰਤ ਬੀਚਾਰੁ ॥

. همچنین برای مراقبت از جهان به هیچ کسی جز خدا فکر نکنید

ਕਰਤੇ ਕੀ ਮਿਤਿ ਨ ਜਾਨੈ ਕੀ ਆ ॥

خلق شده نمی تواند وسعت خالق را بفهمد.

ਨਾਨਕ ਜੋਤਿ ਸੁਭਾਵੈ ਸੋ ਵਰਤੀਆ ॥੧॥

ای نانک، هرچه که او را راضی کند رخ می دهد

ਬਿਸਮਨ ਬਿਸਮ ਭਏ ਬਿਸਮਾਦ ॥

ہر کسی بے شلگفتی ہای او خیرہ شود ہیجان زده می شود

ਜਿਨਿ ਬੂਝਿਆ ਤਿਸੁ ਆਇਆ ਸ੍ਰਾਦ ॥

کسی کہ خدا را شناخت از سعادت لذت برد

ਪ੍ਰਭ ਕੈ ਰੰਗਿ ਰਾਚਿ ਜਨ ਰਹੇ ॥

بندگان متواضع خداوند ر عشق او مجنوں ب می مانند

ਗੁਰ ਕੈ ਬਚਨਿ ਪਦਾਰਥ ਲਹੇ ॥

و از طریق تعالیم معلم ذہبی متاع نعم را به دست می آورند (عشق ب خدا)

ਓਇਦਾਤੇ ਦੁਖ ਕਾਟਨਹਾਰ ॥

آنها خودشان ولی نعمت و حذف کننہ ہی اندوہ بقیہ می شوند

ਜਾ ਕੈ ਸੰਗਿ ਤਰੈ ਸੰਸਾਰ ॥

در همراهی انها بقیہ جهان ہم نجات می یابد

ਜਨ ਕਾ ਸੇਵਕੁ ਸੋ ਵਡਭਾਗੀ ॥

خوش شانس کسی است کہ بندہ ہی پیروان خدا شود

ਜਨ ਕੈ ਸੰਗਿ ਏਕ ਲਿਵ ਲਾਗੀ ॥

در هر ای چنین پیروانی، فرد به عشق خداوند می‌اندیشد.

ਗੁਨ ਗੋਬਿਦ ਕੀਰਤਨੁ ਜਨੁ ਗਾਵੈ ॥

پیروی که ستایش خدارامی خواند

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਨਾਨਕ ਫਲੁ ਪਾਵੈ ॥੮॥੧੬॥

ای نانک، به لطف معلم مذهبی، پاداش نعم را دریافت می‌کند

ਸਲੇਕੁ ॥

شا لوک:

ਆਦਿ ਸਚੁ ਜੁਗਾਦਿ ਸਚੁ ॥

واحد واقعی از ابتدای خلقت وجود داشته است؛ او از شروع عصرها بوده است

ਹੈ ਭਿ ਸਚੁ ਨਾਨਕ ਹੋਸੀ ਭਿ ਸਚੁ ॥੧॥

او حالاً نیز واقعی است (در حال حاضر هم وجود دارد)؛ ای نانک او در آینده نیز وجود خواهد داشت

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਚਰਨ ਸਤਿ ਸਤਿ ਪਰਸਨਹਾਰ ॥

حضور خداوند ابدی است و کسانی که این حضور را بفهمند نیز ابدی می شوند.

ਪੂਜਾ ਸਤਿ ਸਤਿ ਸੇਵਦਾਰ ॥

بندگی خداوند کار مدامی است و کسانی که بندگی می کنند دائمی می شوند.

ਦਰਸਨੁ ਸਤਿ ਸਤਿ ਪੇਖਨਹਾਰ ॥

دید او واقعی است و کسانی که او را مشاهده می کنند واقعی می شوند (ابدی می شوند و از پر خمرگ و زندگی خارج می گردند).

ਨਾਮੁ ਸਤਿ ਸਤਿ ਧਿਆਵਨਹਾਰ ॥

نام او و کسانی که او را عبادت می کنند واقعی هستند.

ਆਪਿ ਸਤਿ ਸਤਿ ਸਭ ਧਾਰੀ ॥

او خودش و همه آنچہ که از آن حمایت می کنند واقعی هستند.

ਆਪੇ ਗੁਣ ਆਪੇ ਗੁਣ ਕਾਰੀ ॥

او خودش دارنده‌ی ویژگی‌ها و ارزانی کننده آنهاست.

ਸਬਦੁ ਸਤਿ ਸਤਿ ਪ੍ਰਭੁ ਬਕਤਾ ॥

واژگان او ابدی است و کسی که این واژه‌ها را بگوید ابدی می شود.

ਸੁਰਤਿ ਸਤਿ ਸਤਿ ਜਸੁ ਸੁਨਤਾ ॥

رفتار عبادت خداوند واقعی است و کسی که به ستایش خداوند گوش کند هم واقعی است.

ਬੁਝਨਹਾਰ ਕਉ ਸਤਿ ਸਭ ਹੋਇ ॥

کسی که می داند خدا ابدی است فرض می کند هرچه که او ساخته است نیز ابدی است.

ਨਾਨਕ ਸਤਿ ਸਤਿ ਪ੍ਰਭੁ ਸੋਇ ॥੧॥

ای نانک، خدا قطعاً ابدی است.

ਸਤਿ ਸਰੂਪੁ ਰਿਦੈ ਜਿਨਿ ਮਾਨਿਆ ॥

کسی که خدار ازیارت کرده است، که تجسم واقعیت در قلب اوست،

ਕਰਨ ਕਰਾਵਨ ਤਿਨਿ ਮੂਲੁ ਪਛਾਨਿਆ ॥

خدا را علت علمت ها و ریشه هی همه شناخته است.

ਜਾ ਕੈ ਰਿਦੈ ਬਿਸ਼੍ਟਾ ਸੁ ਪ੍ਰਭੁ ਆਇਆ ॥

کسی که قلبش کاملاً پر از حضور خدا باشد

ਤਤੁ ਗਿਆਨੁ ਤਿਸੁ ਮਨਿ ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ ॥

خرد معنوی واقعی به او نشان داده می شود.

ਤੈਤੇ ਨਿਰਭਉ ਹੋਇ ਬਸਾਨਾ ॥

او از حالت ترس خارج شده و بدون ترس زندگی می کند.

ਜਿਸ ਤੇ ਉਪਜਿਆ ਤਿਸੁ ਮਾਹਿ ਸਮਾਨਾ ॥

اوجذب کسی شده است که از اوریشه گرفته است.

ਬਸਤੁ ਮਾਹਿ ਲੇ ਬਸਤੁ ਗਡਾਈ ॥ ਤਾਕ ਉਭਿਨ ਨ ਕਹਨਾ ਜਾਈ ॥

درست مانند چیزی که به چیز دیگری از نوع خودش ترکیب شده باشد (بیشتر از یک نوع)، دو تارانی توان از هم تشخیص داد (به همان روش، پیر و هویت خود را از دست می دهد و همانند خدامی شود و قتی که با خدا یکی شد).

ਬੂਝੈ ਬੂਝਨ ਹਾਰੁ ਬਿਬੇਕ ॥

بنها تشخیص دهنده ی واقعی این رامی فهمد.

ਨਾਰਾਇਨ ਮਿਲੇ ਨਾਨਕ ਏਕ ॥੨॥

ای نانک، به همین روش کسانی که خدارا ملاقات می کنند با او یکی شده اند.

ਠਾਕੁਰ ਕਾ ਸੇਵਕੁ ਆਗਿਆ ਕਾਰੀ ॥

بنده ی خدا مطیع او است.

ਠਾਕੁਰ ਕਾ ਸੇਵਕੁ ਸਦਾ ਪੂਜਾਰੀ ॥

بنده ی خدا همواره از او اطاعت می کند

ਠਾਕੁਰ ਕੇ ਸੇਵਕ ਕੈਮਨਿਪਰਤੀਤਿ ॥

ذهن بندہ ایمان کامل بے خدا دارد.

ਠਾਕੁਰ ਕੇ ਸੇਵਕ ਕੀ ਨਿਰਮਲ ਰੀਤਿ ॥

روش زندگی پیر و خدا معصومانہ است.

ਠਾਕੁਰ ਕਉ ਸੇਵਕੁ ਜਾਨੈ ਸੰਗਿ ॥

بندہ خدا معتقد است کہ خدا ہموارہ با او است.

ਪ੍ਰਭ ਕਾ ਸੇਵਕੁ ਨਾਮ ਕੈ ਰੰਗਿ ॥

بندہ خدا ہموارہ با عشق خداوند غوطہ و راست

ਸੇਵਕ ਕਉ ਪ੍ਰਭ ਪਾਲਨਹਾਰਾ ॥

خدا پناہ بندہ می خود است.

ਸੇਵਕ ਕੀ ਰਾਖੈ ਨਿਰੰਕਾਰਾ ॥

خدای بدون شکل از عزت بندہ خود را قبت می کند

ਸੇ ਸੇਵਕੁ ਜਿਸੁ ਦਇਆ ਪ੍ਰਭੁ ਧਾਰੈ ॥

بندہ می او کسی است کہ خدا بہ او محبت نشان می دهد

ਨਾਨਕ ਸੇ ਸੇਵਕੁ ਸਾਸਿ ਸਾਸਿ ਸਮਾਰੈ ॥੩॥

ای نانک، چنین بندہ ای اور اور ہر نفس بے یاد می آورد

ਅਪੁਨੇ ਜਨ ਕਾ ਪਰਦਾ ਢਾਕੈ ॥

او معایب بندہ را پوشش می دهد

ਅਪਨੇ ਸੇਵਕ ਕੀ ਸਰਪਰ ਰਾਖੈ ॥

او قطعاً عزت و احترام بندہ ہی خود را مرابت می کند

ਅਪਨੇ ਦਾਸ ਕਉ ਦੇਇ ਵਡਾਈ ॥

او احترام را ارزانی بندہ خود می کند

ਅਪਨੇ ਸੇਵਕ ਕਉ ਨਾਮੁ ਜਪਾਈ ॥

او بندہ خود را مورد لطف قرار می دهد تا نعم را عبادت کند

ਅਪਨੇ ਸੇਵਕ ਕੀ ਆਪਿ ਪਤਿ ਰਾਖੈ ॥

او خودش از عزت بندہ اش مرابت می کند

ਤਾਕੀ ਗਤਿ ਮਿਤਿ ਕੋਇ ਨ ਲਾਖੈ ॥

• یعنی کس نبی تو ان حالت معنوی بالائی بندہ خدا را برابر اور دکند

ਪ੍ਰਭ ਕੇ ਸੇਵਕ ਕਉ ਕੇ ਨ ਪਹੂੰਚੈ ॥

ਹੋਣ ਕਸ ਨਹੀਂ ਤਾਂ ਨਿਬੰਧੇ ਹੀ ਖਾਡਾ ਬਾਬੇ ਕਨ੍ਹਾਂ
ਕਨ੍ਹਾਂ ਕਨ੍ਹਾਂ ਕਨ੍ਹਾਂ ਕਨ੍ਹਾਂ ਕਨ੍ਹਾਂ ਕਨ੍ਹਾਂ ਕਨ੍ਹਾਂ ਕਨ੍ਹਾਂ

ਪ੍ਰਭ ਕੇ ਸੇਵਕ ਉੱਚ ਤੇ ਉੱਚੇ ॥

ਚੁਣ ਪਿਰਾਂ ਖਾਡਾ ਬਾਲਾਤੀਨ ਮੋਕਾਈ ਹੈਂਦੇ
ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ ਹੈਂਦੇ

ਜੇ ਪ੍ਰਭਿ ਅਪਨੀ ਸੇਵਾ ਲਾਇਆ ॥

ਕਸੀ ਕਿ ਖਾਡ ਸੇਵਕ ਆਵਾਜ਼ ਕਾਰਬਾਹ ਕਾਰਬਾਹ
ਕਾਰਬਾਹ ਕਾਰਬਾਹ ਕਾਰਬਾਹ ਕਾਰਬਾਹ ਕਾਰਬਾਹ

ਨਾਨਕ ਸੇ ਸੇਵਕੁ ਦਰਦਿਸਿ ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ ॥੮॥

ਏ ਨਾਨਕ, ਇਨ੍ਹਾਂ ਦੇ ਹੋਰ ਜ਼ਿਹੇ ਸੁਖ ਮਨੁਸ਼ ਵਿੱਚ ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ
ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ ਪ੍ਰਗਟਾਇਆ

ਨੀਕੀ ਕੀਰੀ ਮਹਿ ਕਲ ਰਾਖੈ ॥

ਅਗਰ ਖਾਡ ਦੀ ਸੇਵਕ ਹੈ ਤਾਂ ਪ੍ਰਗਟ ਕਿ ਆਪਣੀ ਮਨੁਸ਼ ਵਿੱਚ
ਅਗਰ ਖਾਡ ਦੀ ਸੇਵਕ ਹੈ ਤਾਂ ਪ੍ਰਗਟ ਕਿ ਆਪਣੀ ਮਨੁਸ਼ ਵਿੱਚ

ਭਸਮ ਕਰੈ ਲਸਕਰ ਕੋਟਿ ਲਾਖੈ ॥

ਇਨ੍ਹਾਂ ਵਿੱਚ ਪ੍ਰਗਟ ਕਿ ਆਪਣੀ ਮਨੁਸ਼ ਵਿੱਚ
ਇਨ੍ਹਾਂ ਵਿੱਚ ਪ੍ਰਗਟ ਕਿ ਆਪਣੀ ਮਨੁਸ਼ ਵਿੱਚ

ਜਿਸ ਕਾ ਸਾਸੁ ਨ ਕਾਢਤ ਆਪਿ ॥

ਕਸੀ ਕਿ ਦੇਖੋ ਜੇ ਨਿਰਾਕਾਰ ਹੈ ਤਾਂ ਪ੍ਰਗਟ ਕਿ ਆਪਣੀ ਮਨੁਸ਼ ਵਿੱਚ
ਕਸੀ ਕਿ ਦੇਖੋ ਜੇ ਨਿਰਾਕਾਰ ਹੈ ਤਾਂ ਪ੍ਰਗਟ ਕਿ ਆਪਣੀ ਮਨੁਸ਼ ਵਿੱਚ

ਤਾਕਉ ਰਾਖਤ ਦੇ ਕਰਿ ਹਾਥ ॥

او خودش از خود مرابت می کند

ਮਾਨਸ ਜਤਨ ਕਰਤ ਬਹੁਭਾਤਿ ॥

کسی همه نوع تلاش می کند

ਤਿਸ ਕੇ ਕਰਤ ਬਿਰਖੇ ਜਾਤਿ ॥

اما همه تلاش ها بدون خواست خداوند بیوه هستند

ਮਾਰੈਨ ਰਾਖੈ ਅਵਰੁਨ ਕੋਇ ॥ ਸਰਬ ਜੀਆ ਕਾ ਰਾਖਾ ਸੋਇ ॥

خدا مرائب همی موجودات است؛ هیچ کسی غیر از خدا نمی تواند مرائب باشد یا بگشود

ਕਾਹੇ ਸੋਚ ਕਰਹਿ ਰੇ ਪ੍ਰਾਣੀ ॥

پس تو چرا نگرانی ای انسان؟

ਜਪਿ ਨਾਨ ਕ ਪ੍ਰਭ ਅਲਖ ਵਿਡਾਣੀ ॥ ੫ ॥

ای نانک کسی را عبادت کن که خدای غیر قابل در ک است

ਬਾਰੰ ਬਾਰ ਬਾਰ ਪ੍ਰਭੁ ਜਪੀਐ ॥

بیایید دوبارہ او را عبادت کنیم،

ਪੀਅੰਮ੍ਰਿਤ ਇਹੁ ਮਨੁ ਤਨੁ ਧੂਪੀਐ ॥

و با نوشیدن آکسیر نعم، بیانیید ذہنمان و احساسات بد نمان را اشباع کنیم

ਨਾਮ ਰਤਨੁ ਜਿਨਿ ਗੁਰਮੁਖਿ ਪਾਇਆ ॥

پیروان معلم مذهبی که جواهر نعم را کسب کرده اند

ਤਿਸੁ ਕਿਛੁ ਅਵਰੁ ਨਾਹੀ ਦਿਸਟਾਇਆ ॥

. هیچ چیزی را بجز خدا نمی بینند

ਨ ਮੁਧਨੁ ਨ ਮੋਰੂਪੁ ਰੰਗੁ ॥

برای او، نام خداوند شروت واقعی و نسبایی واقعی است

ਨ ਮੋਸੁਖੁ ਹਰਿ ਨਾਮ ਕਾ ਸੰਗੁ ॥

نام خدا راحتی وارامش است

ਨਾਮ ਰਸਿਜੋ ਜਨਤਿ ਪਤਾਨੇ ॥

کسانی که ضرورت نعم را می دانند

ਮਨਤਨ ਨਾਮਹਿ ਨਾਮਿ ਸਮਾਨੇ ॥

ذهن و بخش های بد نشان را غرق در نعم نگه می دارند

ਊਠਤਬੈਠਤਸੇਵਤਨਾਮ ॥ ਕਹੁਨਾਨਕਜਨਕੈਸਦਕਾਮ ॥੬॥

نانک می گوید، همواره عبادت نام خداوند عادت دائمی پیروان خدامی شود.

ਬੋਲਹੁਜਸੁਜਿਰਬਾਦਿਨੁਰਾਤਿ ॥

شب و روز از زبانی که خداداده است برای ستایش او استفاده کنید.

ਪ੍ਰਭਿਆਪਨੈਜਨਕੀਨੀਦਾਤਿ ॥

این هدیه‌ی ستایش او توسط خود خدا به بندگانش داده شده است.

ਕਰਹਿਭਗਤਿਆਤਮਕੈਚਾਇ ॥

پیروان بندگی عابدانہ را با عشق قلبی انجام می دهند،

ਪ੍ਰਭਿਆਪਨੈਸਉਰਹਹਿਸਮਾਇ ॥

و بنابراین محظوظ در خدامی مانند

ਜੋਹੋਆਹੋਵਤਸੇਜਾਨੈ ॥ ਪ੍ਰਭਿਆਪਨੈਕਾਹੁਕਮੁਪਛਾਨੈ ॥

یک پیرو خواسته‌ی خدارا در این می داند که همه‌ی آنچه که در گذشته رخ داده است یا در حال حاضر رخ می

دهد.

ਤਿਸਕੀਮਹਿਮਾਕਉਨਬਖਾਨਉ ॥

کدام یک ازویژگی های چنین بنده ای را من می توانم وصف کنم؟

ਤਿਸ ਕਾ ਗੁਨ੍ਹ ਕਹਿ ਏਕ ਨਜਾਨਉ ॥

من نبی دانم چਲੋਂਦੇ ਹਤੀ ਸੀਲੀ ਵਿਥਿਕੀ ਹਾਂ ਅਤੇ ਅਤੇ ਚਿਫ਼ ਕਨ੍ਮ

ਆਠ ਪਹਰ ਪ੍ਰਭ ਬਸਹਿ ਹਜੂਰੇ ॥ ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਸੇਈ ਜਨ ਪੂਰੇ ॥੧॥

کسانی کہ حضور خدا در بیست و چهار ساعت روز می پنیرند پیر و ان کامل ہستند

ਮਨ ਮੇਰੇ ਤਿਨ ਕੀ ਓਟ ਲੇਹਿ ॥

ای ذہن من، در جستجوی مراقبت از کسانی باش کہ ہموارہ در حضور خدا ساکن ہستند؛

ਮਨੁ ਤਨੁ ਅਪਨਾ ਤਿਨ ਜਨ ਦੇਹਿ ॥

و ذہن و جسم خود را فدائی این پیر و ان کن

ਜਿਨਿ ਜਨਿ ਅਪਨਾ ਪ੍ਰਭੂ ਪਛਾਤਾ ॥ ਸੋ ਜਨੁ ਸਰਬ ਖੋਕ ਕਾ ਦਾਤਾ ॥

بنده ای کہ خدار اشناختہ است ولی نعمت ہمہ اشیا می شود

ਤਿਸ ਕੀ ਸਰਨਿ ਸਰਬ ਸੁਖ ਪਾਵਹਿ ॥

بابندگی او ہمہ می راحتی ہارا می توان بے دست اور د

ਤਿਸ ਕੈ ਦਰਸਿ ਸਭ ਪਾਪ ਮਿਟਾਵਹਿ ॥

باداشتن نگاہ چنین بنده ای شما ہمہ گناہان را رہا خواهید کرد

ਅਵਰ ਸਿਆਨਪ ਸਗਲੀ ਛਾਡੁ ॥

ਹਮੇਂ ਤੇਸ਼ੀਹਾਂ ਵਿਖੇ ਰਾਹਾਂ,

ਤਿਸੁ ਜਨ ਕੀ ਤੂ ਸੇਵਾ ਲਾਗੁ ॥

ਓਖੋਦ ਰਾਬੇ ਖਦਮਤ ਚਨਿਨ ਪ੍ਰਿਵੀ ਓਚਲ ਕਨ।

ਆਵਨੁ ਜਾਨੁ ਨ ਹੋਵੀ ਤੇਰਾ ॥ ਨਾਨਕ ਤਿਸੁ ਜਨ ਕੇ ਪੂਜਹੁ ਸਦ ਪੈਰਾ ॥੮॥੧੭॥

ای نانک، با خلوص همواره از توصیہ چنین بندہ خدایی پ੍ਰਿਵੀ کن و چرخੀ ਮੁੰਗ ਵੱਡੀ ਖੁਦ ਰਾਪਾਇਆਂ ਬਦੇ।

ਸਲੇਕੁ ॥

شਾਲੁਕ:

ਸਤਿ ਪੁਰਖੁ ਜਿਨਿ ਜਾਨਿਆ ਸਤਿ ਗੁਰੁ ਤਿਸ ਕਾਨਾਉ ॥

کسੀ ਕੇ ਖਦਾਵਿ ਵਾਤੀ ਰਾਣਾਖਤੇ ਬਾਂਥਦ ਮੁਲਮ ਮਝੀ ਵਾਤੀ ਨਾਮ ਦਾਰਦ

ਤਿਸ ਕੈ ਸੰਗਿ ਸਿਖੁ ਉਧਰੈ ਨਾਨਕ ਹਰਿ ਗੁਨ ਗਾਉ ॥੧॥

در همراهی با معلم مذهبی واقعی، فرد از گناهان نجات می‌یابد۔ بنابراین ای نانک، تو باید ستایش خدارا در

همراهی چنین معلم مذهبی واقعی بخوانی۔

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتਾਪਾਦੀ:

ਸਤਿਗੁਰੁ ਸਿਖ ਕੀ ਕਰੈ ਪ੍ਰਤਿਪਾਲ ॥

معلم مذهبی واقعی مرید خود را پناه می دهد.

ਸੇਵਕ ਕਉ ਗੁਰੁ ਸਦਾ ਦਇਆਲ ॥

معلم مذهبی همواره با مرید خود مهر بان است.

ਸਿਖ ਕੀ ਗੁਰੁ ਦੁਰਮਤਿ ਮਲੁਹਿਰੈ ॥

معلم مذهبی آکار بدرا از ذهن مرید پاک می کند.

ਗੁਰ ਬਚਨੀ ਹਰਿਨਾਮੁ ਉਚਰੈ ॥

با پیروی از توصیه های معلم، مرید نام خدار ارمی خواند.

ਸਤਿਗੁਰੁ ਸਿਖ ਕੇ ਬੰਧਨ ਕਾਟੈ ॥

معلم مذهبی پیرو خود را از بند های خواسته های دنیوی رها می کند.

ਗੁਰ ਕਾ ਸਿਖੁ ਬਿਕਾਰ ਤੇ ਹਾਟੈ ॥

مرید معلم مذهبی از اعمال بد منع می شود.

ਸਤਿਗੁਰੁ ਸਿਖ ਕਉ ਨਾਮ ਧਨੁ ਦੇਇ ॥

معلم مذهبی واقعی به مرید خود ثروت نعم را می دهد.

ਗੁਰ ਕਾ ਸਿਖੁ ਵਡਭਾਗੀ ਹੋ ॥

مرید معلم مذهبی خیلی خوش شانس است

ਸਤਿਗੁਰੁ ਸਿਖ ਕਾ ਹਲਤੁ ਪਲਤੁ ਸਵਾਰੈ ॥

معلم مذهبی واقعی زندگی مرید را در اینجا و جهان بعدی ارتقا می دهد

ਨਾਨਕ ਸਤਿਗੁਰੁ ਸਿਖ ਕਉ ਜੀਅ ਨਾਲਿ ਸਮਾਰੈ ॥੧॥

ای نانک، معلم مذهبی واقعی مرید خود را از صمیم قلب دوست دارد

ਗੁਰ ਕੈ ਗ੍ਰਿਹਿ ਸੇਵਕੁ ਜੋ ਰਹੈ ॥

پیروی کہ با توصیہ معلم مذهبی زندگی کند

ਗੁਰ ਕੀ ਆਗਿਆ ਮਨ ਮਹਿ ਸਹੈ ॥

وازدستورهای معلم مذهبی با قلبش پیروی کند

ਆਪਸ ਕਉ ਕਰਿ ਕਛੁ ਨ ਜਨਾਵੈ ॥

هرگز در هیچ کاری غرور نشان نمی دهد،

ਹਰਿ ਹਰਿ ਨਾਮੁ ਰਿਦੈ ਸਦ ਧਿਆਵੈ ॥

همواره نام خداوند را عبادت می کند،

ਮਨੁਬੇਚੈਸਤਿਗੁਰਕੈਪਾਸਿ ॥

ذهن خود را به معلم مذهبی واقعی اختصاص می دهد،

ਤਿਸੁਸੇਵਕਕੇਕਾਰਜਰਾਸਿ ॥

دارالی های این بندہ ی متواضع حفظ می شوند.

ਸੇਵਾਕਰਤਹੋਇਨਿਹਕਾਮੀ ॥

کسی که خدمت بی منت بدن فکر پاداش را انجام دهد

ਤਿਸਕਉਹੋਤਪਰਾਪਤਿਸੁਆਮੀ ॥

باید به خدای قادر بر سد

ਅਪਨੀਕ੍ਰਿਪਾਜਿਸੁਆਪਿਕਰੋਇ ॥

کسی که خداوند لطفش را شامل حال او کند

ਨਾਨਕ ਸੇਸੇਵਕੁਗੁਰਕੀਮਤਿਲੋਇ ॥੨॥

ای نانک، تنها چنین بندہ ای در جستجوی تعالیم معلم مذهبی است

ਬੀਸਬਿਸਵੇਗੁਰਕਾਮਨੁਮਾਨੈ ॥

کسی که معلم مذهبی از پرسش کامل اور ارضی است

ਸੇ ਸੇਵਕੁ ਪਰਮੇਸੁਰ ਕੀ ਗਤਿ ਜਾਨੈ ॥

. این پیروان حالتِ مرموز خدای ماورائی را می دانند

ਸੇ ਸਤਿਗੁਰੁ ਜਿਸੁ ਰਿਦੈ ਹਰਿ ਨਾਉ ॥

. معلمِ مذهبی واقعی کسی است که قلبش سرشار از نامِ خداست

ਅਨਿਕ ਬਾਰ ਗੁਰ ਕਉ ਬਲਿ ਜਾਉ ॥

. من خودم را فدای این معلمِ مذهبی می کنم

ਸਰਬ ਨਿਧਾਨ ਜੀਅ ਕਾਦਾਤਾ ॥

. معلمِ مذهبی واقعی ارزانی کنندہ گنجھا و زندگی معنوی است

ਆਠ ਪਹਰ ਪਾਰ ਬ੍ਰਹਮ ਰੰਗਿ ਰਾਤਾ ॥

. همواره غرق در عشقِ خداوند می ماند

ਬ੍ਰਹਮ ਮਹਿਜਨੁ ਜਨਮਹਿ ਪਾਰ ਬ੍ਰਹਮੁ ॥

. معلمِ مذهبی واقعی در خدای ابدی مجذوب می شود و خدای برتر در پیر و انش رخنه می کند

ਏਕਹਿਆਪਿ ਨਹੀਕਛੁ ਭਰਮੁ ॥

. شکلی نیست که خدا و معلمِ مذهبی یکی هستند

ਸਹਸਿਆਨਪਲਇਆਨਜਾਈਐ ॥

حتی با صدھا ھوش چاک نیز نمی توانیم معلم مذهبی واقعی را بینیم

ਨਾਨਕ ਐਸਾ ਗੁਰੂ ਬਡਭਾਰੀ ਪਾਈਐ ॥੩॥

. ای نانک، از طریق شانس خوب است که ما چنین معلم مذهبی را می بینیم

ਸਫਲ ਦਰਸਨੁ ਪੇਖਤ ਪੁਨੀਤ ॥

. اتحاد با معلم مذهبی واقعی سعادت است؛ فرد با پذیرش تعالیم معلم مذهبی پاک می شود

ਪਰਸਤ ਚਰਨ ਗਤਿ ਨਿਰਮਲ ਰੀਤਿ ॥

با پیروی از تعالیم معلم مذهبی، حالت ذهنی فردرتفع می شود و در سفر زندگی معصوم می گردد

ਭੇਟਤ ਸੰਗਿ ਰਾਮ ਗੁਨ ਰਵੇ ॥

. فرد با همراهی معلم مذهبی ستایش خداوند را می خواند

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ਕੀ ਦਰਗਹ ਗਵੇ ॥

. و به دادگاه عدل خداوند برتر می رسد

ਸੁਨਿ ਕਰਿ ਬਚਨ ਕਰਨ ਆਘਾਨੇ ॥

گوش های فرد بگوش دادن به تعالیم معلم مذهبی اشباع می شود،

ਮਨਿ ਸੰਤੇਖੁਆਤਮਪਤੀਆਨੇ ॥

ذهن هدفند و روح مشترک می شود.

ਪੂਰਾ ਗੁਰੂ ਅਖਜਜਓ ਜਾਕਾ ਮੰਤ੍ਰ ॥

معلم مذهبی کامل است و تعالیم او تا ابد صحیح هستند.

ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਦਿਸਟਿ ਪੇਖੈ ਹੋਇ ਸੰਤ ॥

هر کسی کہ معلم مذهبی بے او گوشہ چشمی داشته باشد پر ہیز کار می شود.

ਗੁਣ ਬਿਅੰਤ ਕੀਮਤਿ ਨਹੀਂ ਪਾਇ ॥

ویزگی های معلم مذهبی نامحدود هستند و ہیچ کس نبی تو اندازش اور اتخمین بزند.

ਨਾਨਕ ਜਿਸੁ ਭਾਵੈ ਤਿਸੁ ਲਏ ਮਿਲਾਇ ॥੮॥

ای نانک، خدا این شخص را با معلم مذهبی یکی می کند که از او خرسند است

ਜਿਹਬਾ ਏਕ ਉਸਤਤਿ ਅਨੇਕ ॥

انسان تنها یک زبان دارد اما ستایش های خداوند بیشمار هستند

ਸਤਿਪੁਰਖ ਪੂਰਨ ਬਿਬੇਕ ॥

کسی کہ ابدی، کامل و دارای بیش است

ਕਾਹੂਬੋਲਨਪਹੁਚਤਪ੍ਰਾਨੀ ॥

انسان از طریق هیچ واژه‌ای نمی‌تواند ویژگی‌های خداود را تو صیف کند.

ਅਗਾਮਅਗੋਚਰਪ੍ਰਭਨਿਰਘਾਨੀ ॥

کسی که غیرقابل دسترسی، غیرقابل درک، و آزاد از هر خواسته‌ای است

ਨਿਰਾਹਾਰਨਿਰਵੈਰਸੁਖਦਾਈ ॥

او نیاز به چیزی ندارد، بدون دشمن و آرامش بخش است

ਤਾਕੀਕੀਮਤਿਕਿਨੈਨਪਾਈ ॥

هیچ کس قادر نیست ارزش ویژگی‌های او را مشخص کند.

ਅਨਿਕਭਗਤਬੰਦਨਨਿਤਕਰਹਿ ॥

پیروان بیشماری روزانه مقابل او تعظیم می‌کنند

ਚਰਨਕਮਲਹਿਰਦੈਸਿਮਰਹਿ ॥

و نام او را با عشق و پرستش عبادت می‌کنند

ਸਦਬਲਿਹਾਰੀਸਤਿਗੁਰਅਪਨੇ ॥

خودم را همواره فدائی معلم مذهبی واقعی می‌کنم

ਨਾਨਕ ਜਿਸੁ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਐਸਾ ਪ੍ਰਭੂ ਜਪਨੇ ॥੫॥

ای ناک، بے لطف او من می تو انم با عشق نام خداوند را عبادت کنم

ਇਹੁ ਹਰਿ ਰਸੁ ਪਾਵੈ ਜਨੁ ਕੋਇ ॥

تنہا افراد خیلی نادری از ضرورت نام خداوند لذت می برند

ਅੰਮ੍ਰਿਤੁ ਪੀਵੈ ਅਮਰੁ ਸੋਹੋਇ ॥

با سسیم شدن در شهد نعم، فرد فنا ناپنیر می شود

ਉਸੁ ਪੁਰਖਕਾ ਨਾਹੀ ਕਦੇ ਬਿਨਾਸ ॥

فرد هرگز نا بود نبی شود

ਜਾ ਕੈ ਮਨਿ ਪ੍ਰਗਟੇ ਗੁਨਤਾਸ ॥

در ذهن او خداریشہ کرده است کہ گنجینہ ای ازویژگی هاست

ਆਠ ਪਹਰ ਹਰਿ ਕਾ ਨਾਮੁ ਲੇਇ ॥

ہموارہ چنین پیروی نام خدا را عبادت می کند

ਸਚੁ ਉਪਦੇਸੁ ਸੇਵਕ ਕਉ ਦੇਇ ॥

و ہمیں توصیہ ی صحیح را به پیروانش نیزمی نماید

ਮੋਹਮਾਇਆ ਕੈ ਸੰਗਿਨ ਲੇਪੁ ॥

او بہ مایا وابستہ نیست،

ਮਨਮਹਿਰਾਖੈਹਰਿਹਰਿਏਕੁ ॥

ھموارہ خدا در ذہن ش نفوذ می دهد.

ਅੰਧਕਾਰ ਦੀਪਕ ਪਰਗਾਸੇ ॥

کسی کہ تاریکی غفلت او بانور نعم جایگزین شده است،

ਨਾਨਕ ਭਰਮ ਮੋਹਦੁਖ ਤਹਤੇ ਨਾਸੇ ॥੯॥

ای نانک، شک، وابستگی های عاطفی و غم های او از بین می رود

ਤਪਤਿ ਮਾਹਿਠਾਛਿ ਵਰਤਾਈ ॥

از طریق تعالیم معلم مذهبی، آرامش حتی هنگام زندگی در گرمای گناهان هم شایع است

ਅਨਦੁਭਇਆ ਦੁਖ ਨਾਠੇ ਭਾਈ ॥

و ای برادر من، حالت سعادت شایع شده است و همه غم ها از بین رفت

ਜਨਮ ਮਰਨ ਕੇ ਮਿਟੇ ਅੰਦੇਸੇ ॥

ترس از مرگ و تولد از بین رفت

ਸਾਧੂ ਕੇ ਪੂਰਨ ਉਪਦੇਸੇ ॥

از طریق تعالیم دقيق معلم ندھی.

ਭਉ ਚੂਕਾ ਨਿਰਭਉ ਹੋਇ ਬਸੇ ॥

همهی ترس‌ها از بین رفت و حالاً ما بدون ترس هستیم.

ਸਗਲ ਬਿਆਧਿ ਮਨ ਤੇ ਖੈਨ ਸੇ ॥

و همهی بدی‌ها از بین رفتندو از ذهن ناپدید شدند

ਜਿਸ ਕਾ ਸਾਤਿਨਿ ਕਿਰਪਾ ਧਾਰੀ ॥

معلم ندھی کہ ما اور احاطه کردہ ایم محبت نشان داده است؛

ਸਾਧਸੰਗਿ ਜਪਿ ਨਾਮੁ ਮੁਰਾਰੀ ॥

عبادت نام خداوند را مکن مقدس،

ਬਿਤਿ ਪਾਈ ਚੂਕੇ ਭ੍ਰਮ ਗਵਨ ॥

ما پایداری معنوی را به دست آوردیم و شک‌ها و نگرانی‌ها یمان پایان یافت

ਸੁਨਿ ਨਾਨਕ ਹਰਿ ਹਰਿ ਜਸੁ ਸ੍ਰਵਨ ॥੧॥

ای نانک این باگوش دادن به ستایش خداوند رخ داده است.

ਨਿਰਗੁਨੁਆਪਿ ਸਰਗੁਨੁ ਭੀ ਓਹੀ ॥

او خودش غیرقابل لمس است؛ و خودش قابل لمس است (بے شکل مخلوق خود).

ਕਲਾ ਧਾਰਿ ਜਿਨਿ ਸਗਲੀ ਮੇਹੀ ॥

او کل جهان را با قدرت خود جذب کرده است.

ਅਪਨੇ ਚਰਿਤ ਪ੍ਰਭਿਆਪਿ ਬਨਾਏ ॥

او خودش شلگفتی‌ها را خلق کرده است.

ਅਪੁਨੀ ਕੀਮਤਿਆਪੇ ਪਾਏ ॥

او خودش ثروت خود را اثابت کرده است.

ਹਰਿਬਿਨੁ ਦੂਜਾ ਨਾਹੀ ਕੋਇ ॥

علاوه بر خدا هیچ کس شبیه او نیست.

ਸਰਬ ਨਿਰੰਤਰਿ ਏਕੇ ਸੋਇ ॥

او تنہا ویکی است.

ਓਤਿ ਪੇਤਿ ਰਵਿਆ ਰੂਪ ਰੰਗ ॥

و بے شکلها و رنگ‌های مختلف حاضری شود.

ਭਏਪ੍ਰਗਾਸ ਸਾਧ ਕੈ ਸੰਗ ॥

نور او هر راه معلم مذهبی نشان داده می شود

ਰਚਿਰਚਨਾ ਅਪਨੀ ਕਲਾਰੀ ॥

او با خلقت جهان خواست خود را برا آن تزریق کرده است

ਅਨਿਕ ਬਾਰ ਨਾਨਕ ਬਲਿਹਾਰੀ ॥੮॥੧੯॥

ای نانک، من زندگی خود را به تعداد دفعات بیشمار فدای او می کنم

ਸਲੇਕੁ ॥

شا لوك

ਸਾਬਿਨ ਚਾਲੈ ਬਿਨੁ ਭਜਨ ਬਿਖਿਆ ਸਗਲੀ ਛਾਰੁ ॥

بے جز بندگی خداوند، هیچ چیزی فرد را کامل نمی کند. همه می ثروت های دنیوی بعد از مرگ مانند خاکستری ارزش می شوند.

ਹਰਿਹਰਿ ਨਾਮੁ ਕਮਾਵਨਾ ਨਾਨਕ ਇਹੁ ਧਨੁ ਸਾਰੁ ॥੧॥

ای نانک، عبادت نام خداوند با پرسش دستیابی به ثروت ابدی است ثروتی که انسان را بعد از مرگ همراهی می کند.

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپਾਦੀ

ਸੰਤਜਨਾਮਿਲਿਕਰਹੁਬੀਚਾਰੁ ॥

بے ویژگی های خداوند را همراهی پر ہیز کاران بیاند یشید

ਏਕੁਸਿਮਰਿਨਾਮਆਧਾਰੁ ॥

خدا را عاشقانہ عبادت کنید و نعم را حامی خود کنید

ਅਵਰਿਊਪਾਵਸਤਿਮੀਤਬਿਸਾਰਹੁ ॥

ای دوست من، همه تلاش ها را فراموش کن،

ਚਰਨਕਮਲਰਿਦਮਹਿਊਰਿਯਾਰਹੁ ॥

و ویژگی های خداوند را در قلب خود نفوذ بده

ਕਰਨਕਾਰਨਸੇਪ੍ਰਭੁਸਮਰਥੁ ॥

این خدا مستعد انجام هر کار است

ਦ੍ਰਿੜੁਕਰਿਗਹਰੁਨਾਮੁਹਰਿਵਥੁ ॥

بنابراین ملکم ب ثروت نام خداوند چنگ بزینید

ਇਹੁ ਧਨੁ ਸੰਚਹੁ ਹੋਵਹੁ ਭਗਵੰਤ ॥

این ثروت نعم را جمع کنید و خوش شانس شوید.

ਸੰਤ ਜਨਾ ਕਾ ਨਿਰਮਲ ਮੰਤ ॥

این تعالیٰ مرمد پر هیز کار است.

ਏਕ ਆਸ ਰਾਖਹੁ ਮਨ ਮਾਹਿ ॥

ایمان به یک خدا را در ذهن خود نگه دار.

ਸਰਬ ਰੋਗ ਨਾਨਕ ਮਿਟਿ ਜਾਹਿ ॥੧॥

ای نانک، با این روش تمام بدی های تو باید ناپدید شود.

ਜਿਸੁ ਧਨ ਕਉ ਚਾਰਿ ਕੁੰਟ ਉਠਿ ਧਾਵਹਿ ॥

ثروتی که تو بعد از این در همه جمث ها به دست می آوری،

ਸੇ ਧਨੁ ਹਰਿ ਸੇ ਵਾਤੇ ਪਾਵਹਿ ॥

باید این ثروت را با عبادت عاشقانه خداوند به دست آوری

ਜਿਸੁ ਸੁਖ ਕਉ ਨਿਤ ਬਾਛਹਿ ਮੀਤ ॥

ای دوست من تو همواره مشتاق ارامش هستی،

ਸੋ ਸੁਖੁ ਸਾਧੂ ਸੰਗਿ ਪਰੀਤਿ ॥

. این ارامش با دوست داشتن خدا در مکان مقدس می‌اید.

ਜਿਸੁ ਸੇਭਾ ਕਉ ਕਰਹਿ ਭਲੀ ਕਰਨੀ ॥

احترامی که به خاطر آن کارهای خوب انجام می‌دهی،

ਸਾ ਸੇਭਾ ਭਜੁ ਹਰਿ ਕੀ ਸਰਨੀ ॥

تو باید این احترام را با جستجوی پناه خدا کسب کنی.

ਅਨਿਕ ਉਪਾਵੀ ਰੇਗੁ ਨਜਾਇ ॥

همه انواع درمان‌ها بیماری نمی‌توانند نفس را درمان کنند،

ਰੇਗੁ ਮਿਟੈ ਹਰਿ ਅਵਖਧੁ ਲਾਇ ॥

. این بیماری با سیم شدن درداروی نام خداوند درمان می‌شود.

ਸਰਬ ਨਿਧਾਨ ਮਹਿ ਹਰਿ ਨਾਮੁ ਨਿਧਾਨੁ ॥

از همه گنج‌ها، نام خداوند گنج برتر است.

ਜਪਿ ਨਾਨ ਕਦਰ ਗਹਿ ਪਰਵਾਨੁ ॥੨॥

. ای نانک، نام خدا را عبادت کن و در دادگاه خداوند تایید خواهی شد.

ਮਨੁਪਰਬੋਧਹੁਹਰਿਕੈਨਾਇ ॥

ذهن خود را بانام خداوند روشن کن.

ਦਹਦਿਸਿ ਧਾਵਤ ਆਵੈਠਾਇ ॥

با این روش ذهن که دویدن در جست های مختلف را ادامه می دهد ثابت می شود

ਤਾਕਉ ਬਿਘਨੁ ਨ ਲਾਗੈ ਕੋਇ ॥

هیچ مانع در مسیر فرد قرار نمی گیرد

ਜਾ ਕੈ ਰਿਦੈ ਬਸੈ ਹਰਿ ਸੋਇ ॥

چون در قلب او خدا جاری است

ਕਲਿ ਤਾਤੀ ਠਾਂਢਾ ਹਰਿ ਨਾਉ ॥

در این عصر تاریک اهریمن، عبادت نام خداوند راحتی را برای انسان هایی که از گرمای شدید گناهان
عذاب می کشند فراهم می کند

ਸਿਮਰਿ ਸਿਮਰਿ ਸਦਾ ਸੁਖ ਪਾਉ ॥

همواره با عشق خدا را عبادت کن و صلح ابدی دریافت کن

ਭਉ ਬਿਨਸੈ ਪੂਰਨ ਹੋਇਆਸ ॥

با پرسش نام خداوند، ترس از بین می رودو ارزوهای برآورده می شوند

ਭਗਤਿ ਭਾਇਆਤਮ ਪਰਗਾਸ ॥

از طریق پرسش عاشقانه می خداوند روح روشن می شود.

ਤਿਤੁ ਘਰਿ ਜਾਇ ਬਸੈ ਅਖਿਨਾਸੀ ॥

خدای ابدی در قلب کسی که نعم را عبادت می کند رخنه می نماید.

ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਕਾਟੀ ਜਮ ਫਾਸੀ ॥੩॥

نانک می گوید با این روش اهریمن مرگ ناپدید می شود و فرد از چرخهای مرگ و زندگی رهامی گردد.

ਤਤੁ ਬੀਚਾਰੁ ਕਰੈ ਜਨੁ ਸਾਚਾ ॥

کسی که به ویژگی های خدا بیان نیشد انسان واقعی است

ਜਨਮਿ ਮਰੈ ਸੋ ਕਾਚੇ ਕਾਚਾ ॥

ولی کسی که به دنیا می آید تا بیرون خدارا عبادت نمی کند از نظر معنوی نابلغ است

ਆਵਾ ਗਵਨੁ ਮਿਟੈ ਪ੍ਰਭ ਸੇਵ ॥

چرخه مرگ و زندگی با عبادت عاشقانه خداوند پایان می یابد

ਆਪੁ ਤਿਆਗਿ ਸਰਨਿ ਗੁਰਦੇਵ ॥

خود پسندی را رهامی کند و در جستجوی پناه معلم مذهبی است

ਇਉਰਤਨਜਨਮਕਾਹੋਇਉਧਾਰੁ ॥

در این روش زندگی انسان نجات می یابد.

ਹਰਿਹਰਿਸਿਮਰਿਪ੍ਰਾਨਆਧਾਰੁ ॥

بنابراین خدارا با عشق به خاطر آور که حامی زندگی است

ਅਨਿਕਉਪਾਵਨਛੂਟਨਹਾਰੇ ॥

فرد نمی تواند از چرخه های مرگ و زندگی با تلاش کردن رها شود،

ਸਿੰਮ੍ਰਿਤਸਾਸਤਬੇਦਬੀਚਾਰੇ ॥

یا با مطالعه سميریت، شسترا و ودا

ਹਰਿਕੀਭਗਤਿਕਰਹੁਮਨੁਲਾਇ ॥

بنابراین با پرسش ثابت خدارا بندگی کن

ਮਨਿਬੰਘਤਨਾਨਕਫਲਪਾਇ ॥੪॥

ای نانک هر کسی که خدارا بندگی کند آرزو های ذهنش بر اورده خواهد شد

ਸੰਗਿਨਚਾਲਸਿਤੇਰੈਧਨਾ ॥

این شروت دنیوی باید با تو همراه شود؛

ਤੂੰ ਕਿਆ ਲਪਟਾਵਹਿ ਮੂਰਖ ਮਨਾ ॥

ای ذہنِ احمدِ من، چرا ب آن چسیدہ ای؟

ਸੁਤ ਮੀਤ ਕੁਟੰਬ ਅਰੂ ਬਨਿਤਾ ॥

فرزندان، دوستان، خانوادہ و همسر

ਇਨ ਤੇ ਕਹਹੁ ਤੁਮ ਕਵਨ ਸਨਾਥਾ ॥

کدام یک در پایان تو را نجات خواهد داد؟

ਰਾਜ ਰੰਗ ਮਾਇਆ ਬਿਸਥਾਰ ॥

قدرت، لذت و مخارج گستردہ مایا

ਇਨ ਤੇ ਕਹਹੁ ਕਵਨ ਛੁਟਕਾਰ ॥

ب من گوچہ کسی از اینا فرار کرده است؟

ਅਸੁਹਸਤੀ ਰਥ ਅਸਵਾਰੀ ॥

اسب، فیل و ارابہ سواری

ਛੂਠਾ ਡੰਡੁ ਛੂਠੁ ਪਾਸਾਰੀ ॥

. ہمگی اشتباه ہستند و تنہائیکی است کہ ہمه اینہار انشان می دھد

ਜਿਨਿ ਦੀ ਏਤਿਸੁ ਬੁਝੈ ਨ ਬਿਗਾਨਾ ॥

انسان غافل خدایی را که این نعمت ها را داده نمی شناسد

ਨਾਮੁ ਬਿਸਾਰਿ ਨਾਨਕ ਪਛੁਤਾਨਾ ॥੫॥

و ای نانک با فراموش کردن نام خداوند، در پایان از ارمی بیند.

ਗੁਰ ਕੀ ਮਤਿ ਤੂੰ ਲੇਹਿ ਇਆਨੇ ॥

ای غفلت کننده، از تعالیم معلم مذهبی پیروی کن،

ਭਗਤਿ ਬਿਨਾ ਬਹੁਤੂਬੇ ਸਿਆਨੇ ॥

بدون بندگی خداوند، حتی خرد شدید نیز در اقیانوس گناهان دنیوی متوقف می شود

ਹਰਿ ਕੀ ਭਗਤਿ ਕਰਹੁ ਮਨ ਮੀਤ ॥

ای ذهن دوست داشتنی من، خدارا با عشق و بندگی عبادت کن

ਨਿਰਮਲ ਹੋਇ ਤੁਮੁਹਾਰੇ ਚੀਤ ॥

هوشیاری تو باید ناب باشد

ਚਰਨ ਕਮਲ ਰਾਖਹੁ ਮਨ ਮਾਹਿ ॥

نام خدارا در ذهن ت نفوذ بده؛

ਜਨਮ ਜਨਮ ਕੇ ਕਿਲਬਿਖ ਜਾਹਿ ॥

و گناهان بیشمار زندگی باید از بین بروند.

ਆਪਿ ਜਪਹੁ ਅਵਰਾਨਾ ਮੁਜਪਾਵਹੁ ॥

نام خدا را عبادت کن و به بقیه الہام کن که او را عبادت کنند.

ਸੁਨਤ ਕਹਤ ਰਹਤ ਗਤਿ ਪਾਵਹੁ ॥

موقعیت معنوی بر تربا گوش دادن و گفتن نعم و بازندگی صحیح به دست می آید.

ਸਾਰ ਭੂਤ ਸਤਿ ਹਰਿ ਕੇ ਨਾਉ ॥

نام خدا وند ضرورت همه چیزو همیشگی است.

ਸਹਜਿ ਸੁਭਾਇ ਨਾਨਕ ਗੁਨ ਗਾਉ ॥੯॥

. ای نانک، خواندن ستایش خدا را در حالت آرامش و ثبات ادامه بده.

ਗੁਨ ਗਾਵਤ ਤੇਰੀ ਉਤਰਸਿ ਮੈਲੁ ॥

با خواندن ویژگی های او، آکودگی گناهان شما باید شسته شود،

ਬਿਨਸਿ ਜਾਇ ਹਉ ਮੈਖੁ ਢੈਲੁ ॥

و همه ی سم نفس باید از بین برود.

ਹੋਹਿ ਅਚਿੰਤੁ ਬਸੈ ਸੁਖ ਨਾਲਿ ॥

تو باید بدون نگرانی باشی و در ارامش زندگی کنی

ਸਾਸਿ ਗ੍ਰਾਸਿ ਹਰਿ ਨਾਮੁ ਸਮਾਲਿ ॥

نام خداوند را در هر نفسی عبادت کن.

ਛਾਡਿ ਸਿਆਨਪ ਸਗਲੀ ਮਨਾ ॥

ای ذهن من، همه‌ی زرگی خود را ترک کن،

ਸਾਧਸੰਗਿ ਪਾਵਹਿ ਸਚੁ ਧਨਾ ॥

تو باید ثروت همیشگی نعم را در مکان مقدس دریافت کنی

ਹਰਿ ਪੂਜੀ ਸੰਚਿ ਕਰਹੁ ਬਿਉਹਾਰੁ ॥

ثروت نام خداوند را مترکم کن و در این کار درست شرکت کن.

ਈਹਾ ਸੁਖੁ ਦਰਗਹ ਜੈਕਾਰੁ ॥

تو باید در اینجا ارامش و در دادگاه الٰی احترام به دست اوری

ਸਰਬ ਨਿਰੰਤਰਿ ਏਕੇ ਦੇਖੁ ॥

واحد غالب بر همه را مشاهده کن.

ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਜਾ ਕੈ ਮਸਤਕਿ ਲੇਖੁ ॥੭॥

بنانک می گوید: کسی کہ از قبل تعیین شده باشد لطف اور ادرا ریافت می کند

ਏਕੋ ਜਪਿ ਏਕੋ ਸਾਲਾਹਿ ॥

• تنہائیکی را عبادت و ستایش کن

ਏਕੁ ਸਿਮਰਿ ਏਕੋ ਮਨਆਹਿ ॥

• تنہائیکی را بے خاطر اور و در ذہن ت تنہا بے یکی فکر کن

ਏਕ ਸਕੇ ਗੁਨ ਗਾਊ ਅਨੰਤ ॥

• ستایش های با شکوه بی پایان یکی را بخوان

ਮਨਿ ਤਨਿ ਜਾਪਿ ਏਕ ਭਗਵੰਤ ॥

• با ذہن و جسم یک خدا را عبادت کن

ਏਕੋ ਏਕੁ ਏਕੁ ਹਰਿ ਆਪਿ ॥

• خدا خودش یکی و واحد است

ਪੂਰਨ ਪੂਰਿ ਰਹਿਓ ਪ੍ਰਭੁ ਬਿਆਪਿ ॥

• خدا ی کامل در همه جا حاضر است

ਅਨਿਕ ਬਿਸਥਾਰ ਏਕ ਤੇ ਭਏ ॥

و سعت های زیادی از خلقت او از یکی امده اند

ਏਕੁ ਅਰਾਧਿ ਪਰਾਛਤ ਗਏ ॥

با عبادت واحد با عشق، لناهان از بین می روند

ਮਨਤਨ ਅੰਤਰਿ ਏਕੁ ਪ੍ਰਭੁ ਰਾਤਾ ॥

کسی که ذهن و جسمش با عشق به یک خدا اشباع شده باشد

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਨਾਨਕ ਇਕੁ ਜਾਤਾ ॥੮॥੧੯॥

ای نانک، به لطف معلم مذهبی، او یک خدا را شناخته است

ਸਲੋਕ ॥

شالوک:

ਫਿਰਤ ਫਿਰਤ ਪ੍ਰਭੁਆਇਆ ਪਰਿਆਤ ਉਸਰਨਾਇ ॥

ای خدا، بعد از سرگردانی از طریق تجسم های بیشمار، من به پناه تو برگشته ام

ਨਾਨਕ ਕੀ ਪ੍ਰਭ ਬੇਨਤੀ ਅਪਨੀ ਭਗਤੀ ਲਾਇ ॥੧॥

ای خدا این ستاینده می متواضع نانک است، لطفاً مراباً بندگی خودت مورد عنایت قرارده

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپਾਦੀ

ਜਾਚਕ ਜਨੁ ਜਾਚੈ ਪ੍ਰਭ ਦਾਨੁ ॥

ای خدا این بندہ می فروتن هدیہ می نعم را از تو می طلبید.

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਦੇ ਵਹੁ ਹਰਿ ਨਾਮੁ ॥

لطفا لطف و محبت خود را با نعم شامل حال من کن

ਸਾਧ ਜਨਾ ਕੀ ਮਾਗ ਉਧੂਰਿ ॥

من درخواست خدمت متواضعانه به پرہیز کاران را دارم

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ਮੇਰੀ ਸਰਧਾ ਪੂਰਿ ॥

ای خدای ابدی لطفا این ارزوی مرا بآورده کن

ਸਦਾ ਸਦਾ ਪ੍ਰਭ ਕੇ ਗੁਨ ਗਾਵਉ ॥

ممکن است من ویژگی های خدارا همیشه بخوانم

ਸਾਸਿ ਸਾਸਿ ਪ੍ਰਭ ਤੁਮਹਿ ਧਿਆਵਉ ॥

ای خدا من در هر نفسم تو را با عشق می ستایم

ਚਰਨ ਕਮਲ ਸਿਉ ਲਾਗੈ ਪ੍ਰੀਤਿ ॥

ਮੁਲਕਾਂ ਅਵਸਥਾ ਮੁਹੱਲ ਦੇ ਨਾਮ ਮੁਖ ਦੀ ਪ੍ਰੀਤਿ
ਮੁਲਕਾਂ ਅਵਸਥਾ ਮੁਹੱਲ ਦੇ ਨਾਮ ਮੁਖ ਦੀ ਪ੍ਰੀਤਿ

ਭਗਤਿ ਕਰਉ ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਨਿਤ ਨੀਤਿ ॥

ਭਗਤਿ ਕਰਉ ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਨਿਤ ਨੀਤਿ
ਭਗਤਿ ਕਰਉ ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਨਿਤ ਨੀਤਿ

ਏਕ ਓਟ ਏਕੋ ਆਧਾਰੁ ॥

ਨਾਮ ਖਾਤੇ ਨਿਆਪਾਹ ਮੁਹੱਲ ਦੀ ਪ੍ਰੀਤਿ
ਨਾਮ ਖਾਤੇ ਨਿਆਪਾਹ ਮੁਹੱਲ ਦੀ ਪ੍ਰੀਤਿ

ਨਾਨਕੁ ਮਾਰੈ ਨਾਮੁ ਪ੍ਰਭ ਸਾਰੁ ॥੧॥

ਨਾਨਕੁ ਮਾਰੈ ਨਾਮੁ ਪ੍ਰਭ ਸਾਰੁ
ਨਾਨਕੁ ਮਾਰੈ ਨਾਮੁ ਪ੍ਰਭ ਸਾਰੁ

ਪ੍ਰਭ ਕੀ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟਿ ਮਹਾ ਸੁਖੁ ਹੋਇ ॥

ਜਗ ਲੇਫ ਖਾਵਣ ਦੀ ਸ਼ਰਧਾ ਸੁਖੁ ਹੋਇ
ਜਗ ਲੇਫ ਖਾਵਣ ਦੀ ਸ਼ਰਧਾ ਸੁਖੁ ਹੋਇ

ਹਰਿ ਰਸੁ ਪਾਵੈ ਬਿਰਲਾ ਕੋਇ ॥

ਹਰਿ ਰਸੁ ਪਾਵੈ ਬਿਰਲਾ ਕੋਇ
ਹਰਿ ਰਸੁ ਪਾਵੈ ਬਿਰਲਾ ਕੋਇ

ਜਿਨ ਚਾਖਿਆ ਸੇ ਜਨ ਤ੍ਰਿਪਤਾਨੇ ॥

ਕਸਾਨੀ ਕੇ ਸ਼ਹੀ ਨੁਮ ਰਾਡੀ ਯਾਤ ਮੀ ਕਨ੍ਹ ਕਾਮਲ ਫੰਨ੍ਹ ਹਸਨ੍ਹ
ਕਸਾਨੀ ਕੇ ਸ਼ਹੀ ਨੁਮ ਰਾਡੀ ਯਾਤ ਮੀ ਕਨ੍ਹ ਕਾਮਲ ਫੰਨ੍ਹ ਹਸਨ੍ਹ

پੂਰਨਪੁਰਖਨਹੀਡੇਲਾਨੇ ॥

آنها اشخاص کاملی هستند و در هیچ موقعیتی مخرف نمی شوند.

ਸੁਭਰਤਰੇਪ੍ਰੇਮਰਸਰੰਗਿ ॥

آنها کاملا پر از نور شیرین عشق به خدامی مانند.

ਉਪਜੈਚਾਉਸਾਧਕੈਸੰਗਿ ॥

اشتیاق بے یکی شدن با خدا در آنها وجود دارد.

ਪਰੇਸਰਨਿਆਨਸਭਤਿਆਗਿ ॥

آنها با ترک حمایت دیگران در پناه خدا قرار می گیرند.

ਅੰਤਰਿਪ੍ਰਗਾਸਅਨਦਿਨੁਲਿਵਲਾਗਿ ॥

آنها با نور معنوی شب و روز به خدامی اندیشنده.

ਬਡਭਾਗੀਜਪਿਆਪ੍ਰਭੁਸੋਇ ॥

کسانی که با عشق خدارا عبادت می کنند خیلی خوش شانس هستند.

ਨਾਨਕਨਾਮਿਰਤੇਸੁਖੁਹੋਇ ॥੨ ॥

ای نانک، ارامش با غرق شدن در نعم بدست می آید.

ਸੇਵਕ ਕੀ ਮਨਸਾ ਪੂਰੀ ਭਈ ॥

تمایلات ذہنی پیرو برآورده می شود،

ਸਤਿਗੁਰ ਤੇ ਨਿਰਮਲ ਮਤਿ ਲਈ ॥

بادریافت تعالیم معلم مذهبی واقعی

ਜਨਕ ਉਪਭੁਹੋਇਓ ਦਇਆਲੁ ॥

خدا لزف خود را شامل حال بندہ ہی فروتن خود می کند،

ਸੇਵਕੁ ਕੀਨੇ ਸਦਾ ਨਿਹਾਲੁ ॥

و بندہ خود را تا ابد شاد نگہ می دارد

ਬੰਧਨ ਕਾਟਿ ਮੁਕਤਿ ਜਨੁ ਭਇਆ ॥

بندہ با بریدن تمام مرزهای مایا آزاد می شود

ਜਨਮ ਮਰਨ ਦੂਖ ਭ੍ਰਾਮਣ ਗਇਆ ॥

درد پھر خدی مرگ وزندگی و شک رفتہ است

ਇਛ ਪੁਨੀ ਸਰਧਾ ਸਤ ਪੂਰੀ ॥

تمایل پیروان برائی رہائی اشبع شدہ است و پیروی او کامل پاداش دادہ شدہ است

ਰਵਿ ਰਹਿਆ ਸਦ ਸੰਗਿ ਹਜੂਰੀ ॥

او حضور خدا را در همه جا و در خودش حس می کند

ਜਿਸ ਕਾ ਸਾਤਿਨਿਲੀਆ ਮਿਲਾਇ ॥

پیرو با خدا میکنی می شود

ਨਾਨਕ ਭਗਤੀ ਨਾਮਿ ਸਮਾਇ ॥੩॥

ای نانک، بابندگی همراه پرستش، پیروان در نعم مجذوب می مانند

ਸੋ ਕਿਉ ਬਿਸਰੈ ਜਿਘਾਲ ਨ ਭਾਨੈ ॥

چرا اور افراموش می کند کسی کہ اجازہ نبی دهد تلاش بندگان تلف شود؟

ਸੋ ਕਿਉ ਬਿਸਰੈ ਜਿ ਕੀਆ ਜਾਨੈ ॥

چرا اور افراموش می کنید، کسی کہ می داند چہ می کنیم؟

ਸੋ ਕਿਉ ਬਿਸਰੈ ਜਿ ਨਿ ਸਭੁ ਕਿਛੁ ਦੀਆ ॥

چرا اور افراموش می کنیم کہ به ما همه چیز داده است؟

ਸੋ ਕਿਉ ਬਿਸਰੈ ਜਿ ਜੀਵਨ ਜੀਆ ॥

چرا اور افراموش می کنیم کہ زندگی موجودات زنده است؟

ਸੋ ਕਿਉ ਬਿਸਰੈ ਜਿ ਅਗਨਿ ਮਹਿ ਰਾਖੈ ॥

چرا اور افرا موش می کنیم کہ ما را از آتشِ رحم مرا بقت می کند؟

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਕੇ ਬਿਰਲਾ ਲਾਖੈ ॥

کسانی کہ این را با لطفِ معلم مذهبی می فهمند نادر ہستند،

ਸੋ ਕਿਉ ਬਿਸਰੈ ਜਿ ਬਿਖੁ ਤੇ ਕਾਢੈ ॥

چرا اور افرا موش می کنیم کہ ما را از سُم شرارت‌های دنیوی نجات می دهد؟

ਜਨਮ ਜਨਮ ਕਾਣੂਟਾ ਗਾਢੈ ॥

انسان جدا شده از او برای بارهای بیشمار با او دوبارہ یکلی می شود؟

ਗੁਰਿ ਪੂਰੈ ਤੜ੍ਹ ਇਹੈ ਬੁਝਾਇਆ ॥

پیروانی کہ معلم مذهبی انہارا وادار کرده این ضرورت را درک کنند،

ਪ੍ਰਭੁ ਅਪਨਾ ਨਾਨਕ ਜਨ ਧਿਆਇਆ ॥੮॥

ای نانک آنہا قادر خود را با عشق و بندگی عبادت کرده اند

ਸਾਜਨ ਸੰਤ ਕਰਹੁ ਇਹੁ ਕਾਮੁ ॥

ای دوستان پر ہیز کار من، این کار را بر عمدہ بگیرید،

ਆਨਤਿਆਗਿਜਪਹੁਹਰਿਨਾਮੁ ॥

نام خداوند را عبادت کنید و همهی اعمال مذهبی دیگر را رهای کنید.

ਸਿਮਰਿਸਿਮਰਿਸਿਮਰਿਸੁਖਪਾਵਹੁ ॥

به طور ثابت نام خدا را عبادت کنید و از مزه های سعادت لذت ببرید.

ਆਪਿਜਪਹੁਅਵਰਹਨਾਮੁਜਪਾਵਹੁ ॥

خودتان نعم را عبادت کنید و به دیگران هم الہام کنید.

ਭਗਤਿਭਾਇਤਰੀਐਸੰਸਾਰੁ ॥

با بندگی حاشقانه فرد از قایانوس دنیوی گناهان عبور می کند.

ਬਿਨੁਭਗਤੀਤਨੁਹੋਸੀਛਾਰੁ ॥

این جسم انسان را تلف شده بدانید اگر بندگی خدارانمی کند.

ਸਰਬਕਲਿਆਣਸੂਖਨਿਧਿਨਾਮੁ ॥

نعم گنجی از خوبی و شانس و ارامش است.

ਬੂਡਤਜਾਤਪਾਏਬਿਸ੍ਰਾਮੁ ॥

حتی کسی غرق در گناه هم با عبادت او نجات می یابد.

ਸਗਲ ਦੂਖ ਕਾ ਹੋਵਤ ਨਾਸੁ ॥

بھرے غم‌ها بایاد آوری خدا از بین می رود

ਨਾਨਕ ਨਾਮੁ ਜਪਹੁ ਗੁਨਤਾਸੁ ॥੫॥

بنابرائیں ای نانک، نعم را عبادت کن کہ گنج معنوی ہستند

ਉਪਜੀ ਪ੍ਰੀਤਿ ਪ੍ਰੇਮ ਰਸੁ ਚਾਉ ॥

کسی کے عشق، مربانی و اشتیاق بے خدارا دارو،

ਮਨਤਨ ਅੰਤਰਿ ਇਹੀ ਸੁਆਉ ॥

تنہا این هدیہ می نعم رامی خواهد

ਨੇਤ੍ਰਹੁ ਪੇਖਿ ਦਰਸੁ ਸੁਖੁ ਹੋਏਇ ॥

بانگاہ بے این دید خوشبختی، او احساس سعادت می کند

ਮਨੁ ਬਿਗਸੈ ਸਾਧ ਚਰਨ ਧੋਇ ॥

ذهن او با پیروی از تعالیم معلم مذهبی شکوفه می دهد

ਭਗਤ ਜਨਾ ਕੈ ਮਨਿ ਤਨਿ ਰੰਗੁ ॥

ذهن و جسم پیروان خدا با عشق او ادغام شده است

ਬਿਰਲਾ ਕੋਊ ਪਾਵੈ ਸੰਗੁ ॥

بے ندرت کسی ہست کہ بہ هر اہی پیر و ان خدا پیوند د.

ਏਕ ਬਸਤੁ ਦੀਜੈ ਕਰਿ ਮਇਆ ॥

ای خدامارا با این هدیہ سعد تمند گردان،

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਨਾਮੁ ਜਪਿ ਲਇਆ ॥

بنابراین بہ لطف معلم مذہبی ممکن است ما قادر باشیم نام تورا عبادت کنیم

ਤਾਕੀ ਉਪਮਾ ਕਹੀ ਨ ਜਾਇ ॥

عظمت او را نمی توان وصف کرد؛

ਨਾਨਕ ਰਹਿਆ ਸਰਬ ਸਮਾਇ ॥੯॥

ای نانک او در ہمہ جا حاضر است

ਪ੍ਰਭ ਬਖਸੰਦ ਦੀਨ ਦਇਆਲ ॥

ای خدای بخشنده و مہربان ضعفا

ਭਗਤਿ ਵਛਲ ਸਦਾ ਕਿਰਪਾਲ ॥

ای عاشق عبادت و بخشنده

ਅਨਾਥ ਨਾਥ ਗੋਬਿੰਦ ਗੁਪਾਲ ॥

ای حامی بدون پشتیبان ها، مراقب جهان

ਸਰਬ ਘਟਾ ਕਰਤ ਪ੍ਰਤਿਪਾਲ ॥

ای پناہ ہمہ موجودات

ਆਦਿ ਪੁਰਖ ਕਾਰਣ ਕਰਤਾਰ ॥

ای اولین موجود، ای خالق جهان

ਭਗਤ ਜਨਾ ਕੇ ਪ੍ਰਾਨ ਅਧਾਰ ॥

ای حامی زندگی پیر و ان

ਜੇ ਜੋ ਜਪੈ ਸੁਹੋਇ ਪੁਨੀਤ ॥

هر کہ تو را عبادت کند مقدس است

ਭਗਤਿ ਭਾਇਲਾਵੈ ਮਨ ਹੀਤ ॥

در حالیکہ تم کرزاہن در بندگی عاشقانہ است

ਹਮ ਨਿਰਗੁਨੀਆਰ ਨੀਰ ਅਜਾਨ ॥

ما بدون خاصیت، غافل و بدکار ^{ہستیم}

ਨਾਨਕ ਤੁਮਰੀ ਸਰਨਿ ਪੁਰਖ ਭਗਵਾਨ ॥੧॥

اے نانک عبادت کن و بگو ای خدا ما به اشتیاق تو امده ایم
ਸਰਬ ਬੈਕੁੰਠ ਮੁਕਤਿ ਮੇਖ ਪਾਏ ॥

فکر کن کسی همہی راحتی های بہشت، آزادی از گناہان و رهایی از چرخهای مرگ و زندگی را دریافت
کرده است،

ਏਕ ਨਿਮਖ ਹਰਿ ਕੇ ਗੁਨ ਗਾਏ ॥

اگر ستایش خدا راحتی برای لحظہ ای بخواند

ਅਨਿਕ ਰਾਜ ਭੇਗ ਬਡਿਆਈ ॥

کسی را در نظر بگیر که قدرت پادشاهان بیشمار، لذت ها و افتخارات را دریافت کرده است

ਹਰਿ ਕੇ ਨਾਮ ਕੀ ਕਬਾ ਮਨਿ ਭਾਈ ॥

کہ دوست دار د آهنگ ستایش خداوند را بخواند

ਬਹੁ ਭੋਜਨ ਕਾਪਰ ਸੰਗੀਤ ॥

کسی را در نظر بگیر که همہی لذت های دنیوی لباس زیبا، غذای خوشمزہ و موسیقی ملائیم را دریافت کرده
است

ਰਸਨਾ ਜਪਤੀ ਹਰਿ ਹਰਿ ਨੀਤ ॥

کہ ہموارہ خدا را بے خاطر دار و نام او را می خواند

ਭਲੀ ਸੁਕਰਨੀ ਸੇਭਾ ਧਨਵੰਤ ॥

کارهای این شخص از روی تقوا ہستند و به عزت و ثروت معنوی می رسد،

ਹਿਰਦੈਬਸੇਪੂਰਨਗੁਰਮੰਤ ॥

کہ تعالیم معلم مذهبی در قلبش رخنہ کرده است

ਸਾਧਸੰਗਿ ਪ੍ਰਭ ਦੇਹੁ ਨਿਵਾਸ ॥

ای خدا بے من مکانی در جوار خودت بده

ਸਰਬ ਸੂਖ ਨਾਨਕ ਪਰਗਾਸ ॥੮॥੨੦॥

ای نانک، با پیوستن به چنین همراهی هم راحتی ها بے دست می آید.

ਸਲੋਕ ॥

شا لوك:

ਸਰਗੁਨ ਨਿਰਗੁਨ ਨਿਰੰਕਾਰ ਸੁੰਨ ਸਮਾਧੀ ਆਪਿ ॥

خدای بدون شکل خودش کسی است که همه ی ویژگی هارا می دهد و هیچ ویژگی ندارد. او خودس در عبادت

مطلق می ماند.

ਆਪਨ ਕੀਆ ਨਾਨਕਾ ਆਪੇ ਹੀ ਫਿਰਿ ਜਾਪਿ ॥੧॥

ای نانک او خودش این جہاں را خلق کرده است و از طریق خلقت او خودش را عبادت می کند.

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਜਬ ਅਕਾਰੁ ਇਹੁ ਕਛੁ ਨ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟੇਤਾ ॥

وقتی این جہاں ہنوز بے شکل قابل مشاهدہ ظاہر نشده بود

ਪਾਪ ਪੁੰਨ ਤਬ ਕਹ ਤੇ ਹੋਤਾ ॥

چੇ کسੀ ਗਨਾਹਾਨ ਰਾਮੁਂ ਵਕਾਰਹਾਏ ਖੁਬ ਰਾਂ ਨਜ਼ਾਮ ਮੀਡਾਵ?

ਜਬ ਧਾਰੀ ਆਪਨ ਸੁੰਨ ਸਮਾਧਿ ॥

وقتی کہ خدا خودش در عبادت بود

ਤਬ ਬੈਰ ਬਿਰੋਧ ਕਿਸੁ ਸੰਗਿ ਕਮਾਤਿ ॥

ਤਨਫ ਵੱਖਾਸਤ ਦੁਬਾਬ ਚੇ ਕਸੀ ਹਦਾਇਤ ਮੀ ਸ਼ਦਨ?

ਜਬ ਇਸ ਕਾਬਰਨੁ ਚਿਹਨੁ ਨ ਜਾਪਤ ॥

وقتی رੰਗ ਵੱਖਲੀ ਦੁਬਾਬ ਇਹਾਨ ਨਿਵੁਡ

ਤਬਹਰਖਸੋਗਕਹੁ ਕਿਸਹਿ ਬਿਆਪਤ ॥

چੇ کسੀ لਜ਼ت و غਮ را تجربہ می کردا؟

ਜਬਅਪਨਾਪਾਪਾਪਿਪਾਰਬ੍ਰਹਮ ॥

وقتی خدای بر تر خودش تنہابود

ਤਬਮੋਹਕਹਾ ਕਿਸੁਹੋਵਤਭਰਮ ॥

وابستگی های عاطفی کجا بودند و چੇ کسੀ شک داشت؟

ਅਪਨਖੇਲੁ ਅਪਿ ਵਰਤੀਜਾ ॥

او خودش بازی را مرحلہ بندی کردو.

ਨਾਨਕ ਕਰਨੈਹਾਰੁ ਨ ਦੂਜਾ ॥੧॥

ای نانک خالق دیگری وجود ندارد

ਜਬਹੋਵਤਪ੍ਰਭਕੇਵਲ ਧਨੀ ॥

وقتی تنہایک خدای قادر بود

ਤਬਬੰਧਮੁਕਤਿ ਕਹੁ ਕਿਸਕਉ ਗਨੀ ॥

چੇ کسੀ وابستہ بے مایا میرها از مایا در نظر گرفته می شد؟

ਜਬ ਏਕ ਹਿੱਤਿ ਅਗਮ ਅਪਾਰ ॥

وقتی تنہایک خدای نامحدود و غیرقابل پیش بینی وجود داشت

ਤਬ ਨ ਰਕਸੁ ਰਗ ਕਹੁ ਕਉਨ ਅਉਤਾਰ ॥

چہ کسی وارد جسم شد و چہ کسی بہشت رفت؟

ਜਬ ਨਿਰਗੁਨ ਪ੍ਰਭ ਸਹਜ ਸੁਭਾਇ ॥

وقتی خدا بدون ویژگی در موقعیت مطلق بود

ਤਬ ਸਿਵ ਸਕਤਿ ਕਹਹੁ ਕਿਤੁ ਠਾਇ ॥

روح و جسم کجا بودند؟

ਜਬ ਆਪਹਿ ਆਪਿ ਅਪਨੀ ਜੋਤਿ ਧਰੈ ॥

وقتی اونور خود را به خودش تاباند

ਤਬ ਕਵਨ ਨਿਡਰੁ ਕਵਨ ਕਤਡਰੈ ॥

چہ کسی نترس بود و چہ کسی از همه می ترسید؟

ਆਪਨ ਚਲਿਤ ਆਪਿ ਕਰਨੈ ਹਾਰ ॥

او خودش اجر اکنہ دی بازی های خود است

ਨਾਨਕ ਠਾਕੁਰ ਅਗਮ ਆਪਾਰ ॥੨॥

ای نانک قادر برتر نامحدود است

ਅਬਿਨਾਸੀ ਸੁਖ ਆਪਨ ਆਸਨ ॥

وقتی خدای فنانا پذیر در حالت آرامش و ثبات خود جذب شد

ਤਹਜਨਮ ਮਰਨ ਕਹੁ ਕਹਾ ਬਿਨਾਸਨ ॥

مرگ، تولد و ویرانੀ کجا بودند؟

ਜਬ ਪੂਰਨ ਕਰਤਾ ਪ੍ਰਭੁ ਸੇਇ ॥

وقتی تنہا خدا خالق کامل وجود داشت

ਤਥ ਜਮ ਕੀ ਤ੍ਰਾਸ ਕਹੁ ਕਿਸੁ ਹੋਇ ॥

پس چੇ کسੀ از مرگ می ترسید؟

ਜਬ ਅਬਿਗਤ ਅਗੋਚਰ ਪ੍ਰਭ ਏਕਾ ॥

وقتی تنایک خدای غیر قابل در ک وجود داشت،

ਤਥ ਚਿਤ੍ਰ ਗੁਪਤ ਕਿਸੁ ਪੂਛਤ ਲੇਖਾ ॥

فرشته ها از چੇ کسੀ حساب اعمال شان را می پرسیدند؟

ਜਬ ਨਾਥ ਨਿਰੰਜਨ ਅਗੋਚਰ ਅਗਾਧੇ ॥

وقتی تنہایک قادر غیرقابل درک، غیرقابل پیش بینی و مطلق وجودداشت

ਤਬ ਕਉਨ ਛੁਟੇ ਕਉਨ ਬੰਧਨ ਬਾਧੇ ॥

چ کسی در بندھائی مایا گرفتار بود و چ کسی رستگار بود؟

ਆਪਨ ਆਪ ਆਪ ਹੀ ਅਚਰਜਾ ॥

این خدای شلگفت انگیز بہ تنہای خودش مانند خود است.

ਨਾਨਕ ਆਪਨ ਰੂਪ ਆਪ ਹੀ ਉਪਰਜਾ ॥੩॥

ای نانک، او خودش شکل خود را ساخته است.

ਜਹ ਨਿਰਮਲ ਪੁਰਖੁ ਪੁਰਖ ਪਤਿ ਹੇਤਾ ॥

وقتی موجود مطبوع، قادر بشر ہمہ خودش بود

ਤਹ ਬਿਨੁ ਮੈਲੁ ਕਹਹੁ ਕਿਆ ਧੇਤਾ ॥

یحیج آکو دگی گناہی نبود، بنابر این چہ چیزی شکستہ می شد؟

ਜਹ ਨਿਰੰਜਨ ਨਿਰੰਕਾਰ ਨਿਰਬਾਨ ॥

وقتی تنہای خدای بدون شکل و خواستہ وجودداشت

ਤਹਕਉਨਕਉਮਾਨਕਉਨਅਭਿਮਾਨ ॥

چੇਕ੍ਸੀ ਨਫਸ ਵਖੂਪੰਦੀ ਦਾਵਾ?

ਜਹਸਰੂਪਕੇਵਲਜਗਦੀਸ ॥

وقتی تہا قادر جہاں وجود داشت

ਤਹਛਲਛਦ੍ਵਲਗਤਕਹੁ ਕੀਸ ॥

چੇਕ੍ਸੀ ਤੋਸ਼ਗਨਾਹ ਵਫੀਬ ਲਕਦਾਰ ਮਿਥਾ?

ਜਹਜੋਤਿਸਰੂਪੀਜੋਤਿਸੰਗਿਸਮਾਵੈ ॥

وقتی تجسم نور خدا در نور خود غرق می شد

ਤਹਕਿਸਹਿਭੂਖਕਵਨੁਤ੍ਰਿਪਤਾਵੈ ॥

چੇਕ੍ਸੀ ਅਸ਼ਿਆਕ ਮਾਇਆ ਦਾਵਾ? ਓਚੇਕ੍ਸੀ ਰਾਸ਼ੀ ਬ੍ਰਾਵੋ?

ਕਰਨਕਰਾਵਨਕਰਨੈਹਾਰੁ ॥

. خالق کنਨੇ ਮੀਹ ਕਾਰੀ ਵਲ੍ਲਤ ਹਮੇਹ ਲੁਲ ਹਾਸਤ

ਨਾਨਕਕਰਤੇਕਾਨਾਹਿਸੁਮਾਰੁ ॥੪॥

. ای نਾਨਕ خالق ماورائی تਖੀਮਾਨ ਹੈ

ਜਬ ਅਪਨੀ ਸੋਭਾਅਪਨ ਸੰਗਿ ਬਨਾਈ ॥

وقتی او لطف خود را شامل خود کرد

ਤਬ ਕਵਨ ਮਾਇ ਬਾਪ ਮਿਤ੍ਰ ਸੁਤ ਭਾਈ ॥

پدر، مادر، دوست، فرزند و خواهر و برادر چه کسی بود؟

ਜਹ ਸਰਬ ਕਲਾ ਆਪਹਿ ਪਰਬੀਨ ॥

وقتی خدا خودش نهایت ہمدردی قدرت ہا بود

ਤਰ ਬੇਦ ਕਤੇਬ ਕਹਾ ਕੇਉ ਚੀਨ ॥

چہ کسی کتاب ہا مقدس و ودامی خواند؟

ਜਬ ਅਪਨ ਆਪੁ ਆਪਿ ਉਰਿ ਧਾਰੈ ॥

وقتی او خود را برای خود نگہ داشت

ਤਉ ਸਗਨ ਅਪਸਗਨ ਕਹਾ ਬੀਚਾਰੈ ॥

چہ کسی کارہارا خوب یا بد در نظر می گرفت؟

ਜਹ ਅਪਨ ਉਚਾਪਨ ਆਪਿ ਨੇਰਾ ॥

وقتی او خودش بالاترین و پایین ترین بود

ਤਹ ਕਉਨ ਠਾਕੁਰੁ ਕਉਨੁ ਕਹੀਐ ਚੇਰਾ ॥

قادر و بندہ کے بود؟

ਬਿਸਮਨ ਬਿਸਮਰਹੇ ਬਿਸਮਾਦ ॥

مردم با شلگفتی‌های خلقت تو سردرگم می‌شوند

ਨਾਨਕ ਅਪਨੀ ਗਤਿ ਜਾਨਹੁ ਆਪਿ ॥੫॥

نانک می‌گوید: ای خدا تنها تو موقعیت خود را می‌دانی

ਜਹ ਅਛਲੁ ਅਛੇਦ ਅਭੇਦ ਸਮਾਇਆ ॥

وقتی خدای غیر قابل درک، غیر قابل تخریب و غیر قابل درک به خود جذب شد

ਊਹਾ ਕਿਸਹਿ ਬਿਆਪਤ ਮਾਇਆ ॥

پس چہ کسی توسط میا مخرف شد؟

ਆਪਸ ਕਉ ਆਪਹਿ ਆਦੇਸੁ ॥

وقتی او برای خودش اعلام رسمی کرد

ਤਿਹੁ ਗੁਣ ਕਾ ਨਾਹੀ ਪਰਵੇਸੁ ॥

سے حالت میا شایع نہ ہوند

ਜਹ ਏਕਹਿ ਏਕ ਏਕ ਭਗਵੰਤਾ ॥

وقتی تنہایک خدای برتو جو داشت

ਤਹਕ ਉਨ੍ਹਾਂ ਚਿੰਤੁ ਕਿਸੁ ਲਾਗੈ ਚਿੰਤਾ ॥

چੇ کسੀ اضطراب داشت و ਚੇ کسੀ نداشت؟

ਜਹ ਆਪਨਾ ਆਪੁ ਆਪਿ ਪਤੀ ਆਰਾ ॥

وقتی تنہا او خودش در انjabود که خود را راضی کند

ਤਹਕ ਉਨ੍ਹਾਂ ਕਬੈ ਕਉਨ੍ਹ ਸੁਨਨੈ ਹਾਰਾ ॥

گوینਦੇ ਓਣਨਦੇ ਕੇ ਬੋਧੇ?

ਬਹੁ ਬੇਅੰਤ ਉਚਤੇ ਉਚਾ ॥

او نامحدود و در بالاترین موقعیت است.

ਨਾਨਕ ਆਪਸ ਕਉ ਆਪਹਿ ਪਹੂਚਾ ॥੯॥

ای نانک او بہ تنہای می تواند خود را بفهمد

ਜਹ ਆਪਿ ਰਚਿ ਪਰਪੰਚੁ ਅਕਾਰੁ ॥

وقتی خدا این جهان را به شکل قابل مشاهده ساخت

ਤਿਹੁ ਗੁਣ ਮਹਿ ਕੀਨੇ ਬਿਸਥਾਰੁ ॥

دنیا را موردهدف سه حالت مایا قرارداد

ਪਾਪੁ ਪੁੰਨੁ ਤਹ ਭਈ ਕਹਾਵਤ ॥

. سپس مفہوم گناہ و تقوا بے وجود آمدند

ਕੋਊ ਨ ਰਕ ਕੋਊ ਸੁਰਗ ਬੰਛਾਵਤ ॥

در نتیجہ، برخی بے جسم می روندو برخی وارد بہشت می شوند

ਆਲ ਜਾਲ ਮਾਇਆ ਜੰਜਾਲ ॥

دامہا و گرفتاری های خانگی مایا،

ਹਉਮੈ ਮੋਹ ਭਰਮ ਭੈ ਭਾਰ ॥

فشارهای خود پسندی، وابستگی، شک و ترس،

ਦੂਖ ਸੂਖ ਮਾਨ ਅਪਮਾਨ ॥

غم و لذت، احترام و بی احترامی

ਅਨਿਕ ਪ੍ਰਕਾਰ ਕੀਓ ਬਖਜਾਨ ॥

همہ اینہا بے روش های مختلف تو صیف می شوند

ਆਪਨ ਖੇਲੁਆਪਿਕਰਿਦੇਖੈ ॥

کسی این بازی را انجام می دهد که خودش ساخته است

ਖੇਲੁ ਸੰਕੋਚੈ ਤਉ ਨਾਨਕ ਏਕੈ ॥੭॥

ای نانک، وقتی خدا بازی اش را شروع می کند، سپس خودش تنہامی ماند

ਜਹ ਅਬਿਗਤੁ ਭਗਤੁ ਤਹ ਆਪਿ ॥

بندہ ہی خدائی نامرئی ہرچا کہ باشد خدا ہم آنجاست

ਜਹ ਪਸਰੈ ਪਾਸਾਰੁ ਸੰਤ ਪਰਤਾਪਿ ॥

او وسعت خلقت خود را برای انتخاب پر ہیز کارانش بازمی کند

ਦੁਹੂ ਪਾਖ ਕਾ ਆਪਹਿ ਧਨੀ ॥

او قادر ہر دو جہان است (شکل ہائی افشا شدہ و افشا نشده)

ਉਨ ਕੀ ਸੋਭਾ ਉਨ ਹੂਬਨੀ ॥

انتخاب پر ہیز کاران تنہا برای خودشان شایستہ است

ਆਪਹਿ ਕਉ ਤਕ ਕਰੈ ਅਨਦ ਚੋਜ ॥

او خودش معجزہ و خوشی ہالی را انجام می دهد

ਆਪਹਿਰਸ ਭੋਗਨ ਨਿਰਜੋਗ ॥

او خودش از خوشی لذت می برد و هنوز تخت تاثیر خوشی ها نیست

ਜਿਸੁਭਾਵੈਤਿਸੁਆਪਨ ਨਾਇਲਾਵੈ ॥

از هر کسی که راضی باشد او را بانام خود سعادتمند می کند

ਜਿਸੁਭਾਵੈਤਿਸੁਖੇਲ ਖਿਲਾਵੈ ॥

و هر کسی را که بخواهد در لذت های دنیوی گرفتار نگه می دارد

ਬੇਸੁਮਾਰ ਅਥਾਹ ਅਗਨਤ ਅਤੇਲੈ ॥

ای خدای ابدی، نامحدود و غیرقابل پیش بینی

ਜਿਉ ਬੁਲਾਵਹੁ ਤਿਉ ਨਾਨਕ ਦਾਸ ਬੇਲੈ ॥੮॥੨੧॥

ای نانک، اینکه تو چگونه پیروانت را هدایت می کنی چگونگی صحبت کردن آنهاست

ਸਲੇਕੁ ॥

شا لوک:

ਜੀਅਜੰਤ ਕੇਠਾਕੁਰਾ ਆਪੇ ਵਰਤਣਹਾਰ ॥

ای قادر همہ موجودات و مخلوقات، تو خودت در همہ جا حاضری

ਨਾਨਕ ਏਕੇ ਪਸਰਿਆ ਢੂਜਾ ਕਹ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟਾਰ ॥੧॥

ای نانک، خدا در همه جا حاضر است؛ علاوه بر او کجا کس دیگری را می توان دید؟

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتا پادی

ਆਪਿ ਕਬੈ ਆਪਿ ਸੁਨਨੈ ਹਾਰੁ ॥

خدا خودش گوینده و شنوندہ است.

ਆਪਹਿ ਏਕੁ ਆਪਿ ਬਿਸਥਾਰੁ ॥

او خودش یکی و فراوان است (شایع در کل خلقت)

ਜਾਤਿ ਸੁ ਭਾਵੈ ਤਾ ਸਿਸਟਿ ਉਪਾਏ ॥

وقتی خیلی خرسند باشد جهان را خلق می کند،

ਆਪਨੈ ਭਾਵੈ ਲਏ ਸਮਾਏ ॥

و وقتی خیلی خرسند باشد آن را به خودش برمی گرداند

ਤੁਮਤੇ ਭਿੰਨ ਨਹੀ ਕਿਛੁ ਹੋਇ ॥

ای خدا، بیرون از تو چیزی نیست

ਆਪਨ ਸੂਤਿ ਸਭੁ ਜਗਤੁ ਪਰੋਇ ॥

تو کل جمان را موردهدف دستور خود کرده ای

ਜਾਕਉ ਪ੍ਰਭ ਜੀਉ ਆਪਿ ਬੁਝਾਏ ॥

کسی که خدا او را قادر سازد تا این مفهوم را در ک کند

ਸਚੁ ਨਾਮੁ ਸੋਈ ਜਨੁ ਪਾਏ ॥

این فرد تنہا نعم ابدی را در ک می کند

ਸੋ ਸਮਦਰਸੀ ਤਤ ਕਾ ਬੇਤਾ ॥

چنین فردی بابی طرفی به همه نگاه می کند و داننده‌ی واقعیت است

ਨਾਨਕ ਸਗਲ ਸ੍ਰਿਸਟਿ ਕਾ ਜੇਤਾ ॥੧॥

ای نانک، او فاتح کل جمان است

ਜੀਅ ਜੰਡ੍ਹ ਸਭ ਤਾ ਕੈ ਹਾਥ ॥

همه موجودات و مخلوقات تحت فرمان او هستند

ਦੀਨ ਦਇਆਲ ਅਨਾਥ ਕੈ ਨਾਥ ॥

او برای متواضع بخشنده است و حامی بی پناهان است

ਜਿਸੁ ਰਾਖੈ ਤਿਸੁ ਕੋ ਇਨ ਮਾਰੈ ॥

هیچ کس نمی تواند کسی را که خدا مراقب او سنت تخریب کند.

ਸੇਮੂਆ ਜਿਸੁ ਮਨਹੁ ਬਿਸਾਰੈ ॥

هر چند، فردی را تصور کنید که خدا اور افراموش کرده است و روح امده است

ਤਿਸੁ ਤਜਿ ਅਵਰ ਕਹਾ ਕੋ ਜਾਇ ॥

بارها کردن او کجا می تواند برود؟

ਸਭ ਸਿਰਿ ਏਕੁ ਨਿਰੰਜਨ ਰਾਇ ॥

خدای برتر معصوم مراقب همراه است

ਜੀਅ ਕੀ ਜੁਗਤਿ ਜਾ ਕੈ ਸਭ ਹਾਥਿ ॥

او همه‌ی رازهای خلقت را کنترل می کند

ਅੰਤਰਿ ਬਾਹਰਿ ਜਾਨਹੁ ਸਾਥਿ ॥

بدانید که خدا در درون و بیرون همواره با شماست

ਗੁਨ ਨਿਧਾਨ ਬੇਅੰਤ ਅਪਾਰ ॥

که گنجینه‌ی ویژگی‌ها، نامحدود و بی‌پایان است،

ਨਾਨਕ ਦਾ ਸਦਾ ਬਲਿਹਾਰ ॥੨॥

ہموارہ وقف او شدہ اند ای نانک، پیر و ان خدا

ਪੂਰਨ ਪੂਰਿ ਰਹੇ ਦਇਆਲ ॥

خدای کامل و بخشنده در ہمہ جا حاضر است

ਸਭ ਉਪਰਿ ਹੋਵਤ ਕਿਰਪਾਲ ॥

مہربانی او بہ ہمہ توسعہ می یابد

ਅਪਨੇ ਕਰਤਬ ਜਾਨੈ ਆਪਿ ॥

او خودش روش خود رامی داند

ਅੰਤਰਜਾਮੀ ਰਹਿਓ ਬਿਆਪਿ ॥

داننده ہی فکر ما در ہمہ جا حضور دارد

ਪ੍ਰਤਿਪਾਲੈ ਜੀਅਨ ਬਹੁਭਾਤਿ ॥

او موجودات زندہ خود را بہ روش ہای مختلف گرامی می دارد

ਜੋ ਜੋ ਰਚਿਓ ਸੁਤਿ ਸਹਿ ਧਿਆਤਿ ॥

هر کسی را کہ خلق کرده است اور ا العبادت می کنند

ਜਿਸੁ ਭਾਵੈ ਤਿਸੁ ਲਏ ਮਿਲਾਇ ॥

از هر کسی که راضی باشد او را با خودش مکی می کند،

ਭਗਤਿ ਕਰਹਿ ਹਰਿ ਕੇ ਗੁਣ ਗਾਇ ॥

و چنین فردی با خواندن مناجات او بندگی می کند

ਮਨ ਅੰਤਰਿ ਬਿਸ਼੍ਟਾ ਸੁਕਰਿ ਮਾਨਿਆ ॥

کسی که با ایمان قلبی به او اعتقاد دارد،

ਕਰਨਹਾਰੁ ਨਾਨਕ ਇਕੁ ਜਾਨਿਆ ॥ ੩ ॥

ای نانک او یک خالق را شناخته است

ਜਨੁ ਲਾਗਾ ਹਰਿ ਏਕੈ ਨਾਇ ॥

پیروی که تنها با نام خداوند هماهنگ است

ਤਿਸ ਕੀ ਆਸ ਨ ਬਿਰਥੀ ਜਾਇ ॥

آرزوهای او بیوه نیستند

ਸੇਵਕ ਕਉ ਸੇਵਾ ਬਨਿਆਈ ॥

برای بند واجب است که خدارا عبادت کند و به مخلوق او خدمت کند

ਹੁਕਮੁਬੂਝਿਪਰਮਪਦੁਪਾਈ ॥

بادرک خواسته می خداوند، فرد بحالت معنوی برتر می رسد.

ਇਸਤੇਉਪਰਿਨਹੀਬੀਚਾਰੁ ॥

راه دیگری به جز عبادت نام خداوند وجود ندارد برای آنها،

ਜਾਕੈਮਨਿਬਸਿਆਨਿਰੰਕਾਰੁ ॥

که در ذهن شان خدای بدون شکل رخنے کرده است.

ਬੰਧਨਤੇਰਿਭਏਨਿਰਵੈਰ ॥

آنها با شکستن مرزهای مایا از خصوصیت رها شده اند

ਅਨਦਿਨੁਪੂਜਹਿਗੁਰਕੇਪੈਰ ॥

و همواره با احترام توصیه معلم مذهبی را دنبال می کنند.

ਇਹਲੋਕਸੁਖੀਏਪਰਲੋਕਸੁਹੋਲੇ ॥

آنها در این جهان در آرامش هستند و در جهان بعد هم

ਨਾਨਕਹਰਿਪ੍ਰਭਿਆਪਹਿਮੇਲੇ ॥੪॥

ای نانک، خدا خودش آنها را با خود می کرده است

ਸਾਧਸੰਗਿ ਮਿਲਿ ਕਰਹੁ ਅਨੰਦ ॥

بہ گروہ پر ہیز کاران پیسوند و از سعادت واقعی لذت ببر.

ਗੁਨ ਗਾਵਹੁ ਪ੍ਰਭ ਪਰਮਾਨੰਦ ॥

ستایش خداوند را بخوان که تجسم سعادت برتر است.

ਰਾਮ ਨਾਮ ਤੜ੍ਹ ਕਰਹੁ ਬੀਚਾਰੁ ॥

بہ ضرورت نام خداوند فکر کن.

ਦੂਲਭ ਦੇਹ ਕਾ ਕਰਹੁ ਉਧਾਰੁ ॥

و این جسم انسان را رہا کن کہ بہ سختی بہ دست می آید.

ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਬਚਨ ਹਰਿ ਕੇ ਗੁਨ ਗਾਉ ॥

سرودهای مطبوع ستایش خداوند را با احترام تکرار کن؛

ਪ੍ਰਾਨ ਤਰਨ ਕਾ ਇਹੈ ਸੁਆਉ ॥

این تنہاراہ نجات زندگی از گناهان است.

ਆਠ ਪਹਰ ਪ੍ਰਭ ਪੇਖਹੁ ਨੇਰਾ ॥

احساس کن هر 24 ساعت روز خدا در کنار توست.

ਮਿਟੈਅਗਿਆਨੁ ਬਿਨਸੈ ਅੰਧੇਰਾ ॥

غفلت تو باید از بین برو و تیرگی مایا باید ناپدید شود.

ਸੁਨਿ ਉਪਦੇਸੁ ਹਿਰਦੈ ਬਸਾਵਹੁ ॥

بہ تعالیم مذهبی گوش کن و در قلب خود وارد کن.

ਮਨ ਇਛੇ ਨਾਨਕ ਫਲ ਪਾਵਹੁ ॥੫॥

ای نانک، همه آرزوهای تو باید برآورده شود.

ਹਲਤੁ ਪਲਤੁ ਦੁਇਲੇਹੁ ਸਵਾਰਿ ॥

ایں جہاں و جہاں دیگر را اراستہ کن.

ਰਾਮ ਨਾਮੁ ਅੰਤਰਿ ਉਰਿ ਧਾਰਿ ॥

بابا تقدیس، نام خدا را در قلب خود عمیق کنید.

ਪੂਰੇ ਗੁਰ ਕੀ ਪੂਰੀ ਦੀਖਿਆ ॥

تعالیم معلم مذهبی کامل است.

ਜਿਸੁ ਮਨਿ ਬਸੈ ਤਿਸੁ ਸਾਚੁ ਪਰੀਖਿਆ ॥

فردی کہ در قلیش رخنے کند، خدائی ابدی رامی شناسد

ਮਨਿਤਨਿਨਾਮੁਜਪਹ਼ਲਾਇ ॥

بازهں و جسم خود نام خدا را با عشق تکرار کن و خودت را با او وفق بده

ਦੂਖੁਦਰਦੁਮਨਤੇਭਉਜਾਇ ॥

درد، غم و ترس از ذہن باید جدا شود.

ਸਚੁਵਾਪਾਰੁਕਰਹੁਵਾਪਾਰੀ ॥

ای انسان تجارت واقعی عبادت نام خداوند را انجام بده،

ਦਰਗਹਨਿਬਹੈਖੇਪਤੁਮਾਰੀ ॥

بنابراین تجارت (ثروت نعم) در دادگاه خداوند تایید شده است

ਏਕਾਟੇਕਰਖਹੁਮਨਮਾਹਿ ॥

حمایت واقعی خداوند را در ذہن نگه دار،

ਨਾਨਕ ਬਹੁਰਿਨਆਵਹਿਜਾਹਿ ॥੯ ॥

ای نانک، تو باید از چرخهای مرگ و زندگی از ادشوی

ਤਿਸਤੇਦੂਰਿਕਹਾਕੇਜਾਇ ॥

کجا می توانی بروی که از او دور شوی؟

ਊਬਰੈਰਾਖਨਹਾਰੁ ਧਿਆਇ ॥

فرد تنها با عبادت خدای نگهدارنده نجات می یابد.

ਨਿਰਭਉ ਜਪੈ ਸਗਲ ਭਉ ਮਿਟੈ ॥

عبادت خدای بدون ترس همه می ترس هارا از بین می برد،

ਪ੍ਰਭ ਕਿਰਪਾ ਤੇ ਪ੍ਰਾਣੀ ਛੁਟੈ ॥

چون تنها به لطف خداوند، انسان از همه ترس هارهای شود

ਜਿਸੁ ਪ੍ਰਭੁ ਰਾਖੈ ਤਿਸੁ ਨਾਹੀ ਦੂਖ ॥

فردی که مورد حمایت خدا باشد هرگز از هیچ غمی رنج نمی کشد

ਨਾਮੁ ਜਪਤ ਮਨਿ ਹੋਵਤ ਸੂਖ ॥

با عبادت نعم، ذهن آرام می شود

ਚਿੰਤਾ ਜਾਇ ਮਿਟੈ ਅਹੰਕਾਰੁ ॥

اضطراب و خودپسندی از بین می روند

ਤਿਸੁ ਜਨਕ ਉਕੋਇ ਨ ਪਹੁਚਨਹਾਰੁ ॥

هیچ کس نمی تواند خود را با پیر و خدا مقایسه کند

ਸਿਰਉਪਰਿਠਾਚਾਗੁਰੂ ਸੂਰਾ ॥

کسی کے توسط خداوند قدر تمند مر اقبت شود،

ਨਾਨਕ ਤਾਕੇ ਕਾਰਜ ਪੂਰਾ ॥੧॥

ای نانک، ہمہ می این کارہا کامل می شوند

ਮਤਿ ਪੂਰੀ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਜਾਕੀ ਦਿਸਟਿ ॥

خدا کہ خردش کامل و نگاہ او مطبوع است

ਦਰਸਨੁ ਪੇਖਤ ਉਧਰਤ ਸਿਸਟਿ ॥

بانگاہ او جہان نجات می یابد

ਚਰਨ ਕਮਲ ਜਾਕੇ ਅਨੂਪ ॥

خدا کہ ویژگی های او بہ طور غیرقابل مقایسه ای بزرگ هستند،

ਸਫਲ ਦਰਸਨੁ ਸੁੰਦਰ ਹਰਿ ਰੂਪ ॥

شکل او زیبا و دید او مایہ تشكرا است

ਧੰਨੁ ਸੇਵਾ ਸੇਵਕੁ ਪਰਵਾਨੁ ॥

پیروی از او سعادت است و این بنده در دادگاه عدل الہی قابل قبول است

ਅੰਤਰਜਾਮੀਪੁਰਖੁਪ੍ਰਧਾਨੁ ॥

خدا، داننده‌ی نہمان، برترین موجود است.

ਜਿਸੁਮਨਿਬਸੈਸੁਹੇਤਨਿਹਾਲੁ ॥

کسی که خدادار اور رخنه کرده باشد شاد می‌شود

ਤਾਕੈਨਿਕਟਿਨਆਵਤਕਾਲੁ ॥

ترس از مرگ به او نزدیک نمی‌شود

ਅਮਰਭਏਅਮਰਾਪਦੁਪਾਇਆ ॥

آنها فنا ناپذیر شده اند و موقعیت فنا ناپذیری را دریافت کرده اند

ਸਾਧਸੰਗਿਨਾਨਕਹਰਿਧਿਆਇਆ ॥੮॥੨੨॥

ای نانک، با عبادت خدادار مکان مقدس

ਸਲੋਕੁ ॥

شا لوک:

ਗਿਆਨਅੰਜਨੁਗੁਰਿਦੀਆਅਗਿਆਨਅੰਧੇਰਬਿਨਾਸੁ ॥

وقتی معلم ذهبي بـ کسی با خرد مقدس لطف می‌کند تیرگی غفلت او از بین می‌رود

ਹਰਿਕਿਰਪਾ ਤੇ ਸੰਤ ਭੇਟਿਆ ਨਾਨਕ ਮਨਿ ਪਰਗਾਸੁ ॥੧॥

ای نانک، بے لطف معلم مذهبی، وقتی کسی معلم مذهبی واقعی رامی بیندزهنش با دانش مقدس روشن می شود.

ਅਸਟਪਦੀ ॥

ਆਖਿਆਂ ਵਿਖੇ ਆਖਿਆਂ ਵਿਖੇ

ਸੰਤ ਸੰਗਿ ਅੰਤਰਿ ਪ੍ਰਭੁ ਢੀਠਾ ॥

در مکان مقدس، فردی که خدارا درون خود شناخته است،

ਨਾਮੁ ਪ੍ਰਭੂ ਕਾ ਲਾਗਾ ਮੀਠਾ ॥

عشق ورزیدن به نام خدارا شروع می کند.

ਸਗਲ ਸਮਿਗ੍ਰੀ ਏਕ ਸੁਘਟ ਮਾਹਿ ॥

این فدھر چیزی را در جهان در خدای قادر مطلق می بیند،

ਅਨਿਕ ਰੰਗ ਨਾਨਾ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟਾਹਿ ॥

و پدیده ی بیشمار رنگ ها و شکل های مختلف از آن سرچشمہ می گیرد.

ਨਉ ਨਿਧਿ ਅੰਮ੍ਰਿਤੁ ਪ੍ਰਭ ਕਾ ਨਾਮੁ ॥

نام مطبوع خداوند مانند نہ کُنچ جهان است،

ਦੇਹੀ ਮਹਿ ਇਸ ਕਾ ਬਿਸਾਮੁ ॥

و در جسم خود انسان رخنے می کند.

ਸੁੰਨ ਸਮਾਧਿ ਅਨਹਤ ਤਹਨਾਦ ॥

در حالت عمیق ترین عبادت، موسیق معنوی بدون وقفه نواخته می شود.

ਕਹਨੁ ਨ ਜਾਈ ਅਚਰਜ ਬਿਸਮਾਦ ॥

سعادت چنین خلسلہ می شگفت انگیز رانی تو ان وصف کرد.

ਤਿਨਿ ਦੇਖਿਆ ਜਿਸੁ ਆਪਿ ਦਿਖਾਏ ॥

کسی کہ خدا خودش نشان دهد سعادت را تجربہ می کند

ਨਾਨਕ ਤਿਸੁ ਜਨ ਸੋਝੀ ਪਾਏ ॥੧॥

ای نانک، خدا این درک را تنسا بہ چنین بندہ ای می دهد

ਸੋ ਅੰਤਰਿ ਸੋ ਬਾਹਰਿ ਅਨੰਤ ॥

خدا ای نامحدود در درون و بیرون است

ਘਟਿ ਘਟਿ ਬਿਆਪਿ ਰਹਿਆ ਭਗਵੰਤ ॥

خدادار هر قلبی شایع است

ਧਰਨਿਮਾਹਿਆਕਾਸ ਪਇਆਲ ॥

او در زمین، آسمان و در مناطق زیر زمین شایع است.

ਸਰਬ ਲੋਕ ਪੂਰਨ ਪ੍ਰਤਿਪਾਲ ॥

او حامی کامل تمام جهان است.

ਬਨਿਤਿਨਿਪਰਬਤਿ ਰੈਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁ ॥

خدای بر تر در جنگل ها، میادین و کوهستان ها وجود دارد.

ਜੈਸੀਆਗਿਆ ਤੈਸਾ ਕਰਮੁ ॥

کارهای مختلف طبق فرمان اوست.

ਪਉਣ ਪਾਣੀ ਬੈਸੰਤਰ ਮਾਹਿ ॥

او در باد، آب و آتش نفوذ می کند.

ਚਾਰਿ ਕੁੰਟ ਦਹਦਿਸੇ ਸਮਾਹਿ ॥

او در چهار گوش و ده جهت جهان شایع است (در همه جا حضور دارد).

ਤਿਸ ਤੇ ਭਿੰਨ ਨਹੀਂ ਕੋਠਾਉ ॥

جالی نیست که در آنجا نباشد

ਗੁਰਪ੍ਰਸਾਦਿਨਾਨਕ ਸੁਖੁਪਾਉ ॥੨॥

ای نانک، آرامش بہ لطف معلم مذہبی بدست می آید

ਬੇਦਪੁਰਾਨਸਿੰਮ੍ਰਿਤਿਮਹਿਦੇਖੁ ॥

اور اور تعالیم ودا، پورانا و سمیریت مشاہدہ کن

ਸਸੀਅਰਸੂਰਨਖਜਜਤ੍ਰਮਹਿਏਕੁ ॥

ہمان خدار ماہ، خورشید و ستارہ ها حضور دارد

ਬਾਣੀਪ੍ਰਭਕੀਸਭੁਕੇਬੋਲੈ ॥

هر کلمات خدار امی گویند

ਆਪਿਅਡੇਲੁਨਕਬਹੂਡੇਲੈ ॥

اما علی رغم حضور در همه جا، خودش غیر قابل تکان دادن است و متزلزل نہی شود

ਸਰਬਕਲਾਕਰਿਖੇਲੈ ਖੇਲ ॥

بعد از خلق ت تمام نیروها، بازی های دنیوی را انجام می دهد

ਮੇਲਿਨਪਾਈਐਗੁਣਹਅਮੇਲ ॥

ویژگی های او با ارزش هستند و رتبه او را نبی تو ان ارزیابی کرد

ਸਰਬਜੋਤਿ ਮਹਿਜਾ ਕੀ ਜੋਤਿ ॥

او کہ نورش ہمہ خلقت را روشن می کندا

ਧਾਰਿ ਰਹਿਓ ਸੁਆਮੀ ਉਤਿ ਪੋਤਿ ॥

. این قادر از ہمه حمایت می نماید

ਗੁਰਪਰਸਾਦਿ ਭਰਮ ਕਾਨਾਸੁ ॥

. کسانی کہ شکshan توسط معلم مذہبی برطرف شده است

ਨਾਨਕ ਤਿਨ ਮਹਿ ਏਹੁ ਬਿਸਾਸੁ ॥੩॥

. ای نانک، آنها معتقدند که خدا قادر مطلق است

ਸੰਤ ਜਨਾ ਕਾ ਪੇਖਨੁ ਸਭੁ ਬ੍ਰਹਮ ॥

. بندگان خدارا در هر جا می بینند

ਸੰਤ ਜਨਾ ਕੈ ਹਿਰਦੈ ਸਭਿ ਧਰਮ ॥

. در قلب پر ہیز کاران، تمام اندیشه هایی کہ پیش می آیند درست ہستند

ਸੰਤ ਜਨਾ ਸੁਨਹਿ ਸੁਭ ਬਰਨ ॥

. پر ہیز کاران تنبا به کلمات خوب گوش می دھنے،

ਸਰਬ ਬਿਆਪੀ ਰਾਮ ਸੰਗਿ ਰਚਨ ॥

و همواره مجدوب خدای شایع در همه جامی مانند

ਜਿਨਿ ਜਾਤਾ ਤਿਸ ਕੀ ਇਹ ਰਹਤ ॥

روش زندگی کسی که خدا را شناخته است چنین است

ਸਤਿ ਬਚਨ ਸਾਧੂ ਸਤਿ ਕਰਤ ॥

که پرہیز کار تنمای کلمات مقدس را می گوید (کلمات مناجات خداوند)

ਜੋ ਜੋ ਹੋਇ ਸੋਈ ਸੁਖੁ ਮਾਨੈ ॥

هر اتفاقی بیونتدا او با ارامش قبول می کند

ਕਰਨ ਕਰਾਵਨਹਾਰੁ ਪ੍ਰਭੂ ਜਾਨੈ ॥

او می داند که خدا انجام دهنده و علت علت هاست

ਅੰਤਰਿ ਬਸੇ ਬਾਹਰਿ ਭੀ ਓਹੀ ॥

او معتقد است که همان خدایی که در درون است در بیرون نیز وجود دارد

ਨਾਨਕ ਦਰਸਨੁ ਦੇਖਿ ਸਤ ਮੇਹੀ ॥੪॥

ای نانک، بادیدن این نور خدایی حاضر در همه جا، کل جهان ساخته می شود

ਆਪਿ ਸਤਿ ਕੀਆ ਸਭੁ ਸਤਿ ॥

او خودش واقعی است و همه چیزهایی که ساخته است نیز واقعی و بدون فریب هستند.

ਤਿਸੁ ਪ੍ਰਭ ਤੇ ਸਗਲੀ ਉਤਪਤਿ ॥

کل خلقت از خدا نشات گرفته است.

ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਤਾਕਰੇ ਬਿਸਥਾਰੁ ॥

اگر راضی باشد و سمعت زیادی را می سازد

ਤਿਸੁ ਭਾਵੈ ਤਾਏ ਕੰਕਾਰੁ ॥

و اگر راضی باشد دوباره تنہای تنہای شود.

ਅਨਿਕ ਕਲਾ ਲਖੀ ਨਹ ਜਾਇ ॥

قدرت های او بقدری زیاد هستند که نمی توان شناخت

ਜਿਸੁ ਭਾਵੈ ਤਿਸੁ ਲਏ ਮਿਲਾਇ ॥

او هر کسی را که بخواهد با خود یکی می کند

ਕਵਨ ਨਿਕਟਿ ਕਵਨ ਕਹੀਐ ਦੂਰਿ ॥

نمی توان گفت که به چه کسی نزدیک است و از چه کسی دور است،

ਆਪੇਆਪਿਆਪਿਰਪੂਰਿ ॥

چون او خودش در همه جا حاضر است.

ਅੰਤਰਗਤਿਜਿਸੁਆਪਿਜਨਾਏ ॥

او این درک موقعیت معنوی بالاتر را به کسی می دهد که

ਨਾਨਕਤਿਸੁਜਨਆਪਿਬੁਝਾਏ ॥੫ ॥

خودش را به این فرد نشان دهد

ਸਰਬਭੂਤਾਪਿਵਰਤਾਰਾ ॥

او خودش در همه موجودات راتج است،

ਸਰਬਨੈਨਆਪਿਪੇਖਨਹਾਰਾ ॥

از همه می چشم ها او خودش می بیند.

ਸਗਲਸਮਰ੍ਗੀਜਾਕਾਤਨਾ ॥

همه خلقت بدن اوست.

ਆਪਨਜਸੁਆਪਰੀਸੁਨਾ ॥

او خودش به ستایش خودگوش می دهد

ਆਵਨ ਜਾਨੁ ਇਕੁ ਖੇਲੁ ਬਨਾਇਆ ॥

او پدیده‌ی مرگ و تولد را ساخته است.

ਆਗਿਆਕਾਰੀ ਕੀਨੀ ਮਾਇਆ ॥

و اومایارا به خواست خودش پست کرده است.

ਸਭ ਕੈਮਧਿ ਅਲਿਪਤੇ ਰਹੈ ॥

درین همه اینها او بدون لمس می‌ماند.

ਜੇ ਕਿਛੁ ਕਹਣਾ ਸੁਆਪੇ ਕਰੈ ॥

هرچه که لازم به گفتن باشد خودش می‌گوید

ਆਗਿਆ ਆਵੈ ਆਗਿਆ ਜਾਇ ॥

بے فرمان او کسی می میرد یا متولد می شود

ਨਾਨਕ ਜਾਭਾਵੈ ਤਾਲਏ ਸਮਾਇ ॥੬॥

ای نانک وقتی راضی باشد آنها را در خودش جلب می کند

ਇਸ ਤੇਰੋਇ ਸੁਨਾਹੀ ਬੁਰਾ ॥

هرچه که از سوی او بیاید نمی‌تواند بدباشد

ਓਰੈਕਹਹੁ ਕਿਨੈ ਕਛੁ ਕਰਾ ॥

بے غیر از او چہ کسی می تواند کاری انجام دهد؟

ਆਪਿ ਭਲਾ ਕਰਤੂਤਿ ਅਤਿ ਨੀਕੀ ॥

او خودش خوب است و اعمال او بترین هستند

ਆਪੇ ਜਾਨੈ ਅਪਨੇ ਜੀਕੀ ॥

او خودش می داند که در ذہنش چہ می گزرد

ਆਪਿ ਸਾਚੁ ਧਾਰੀ ਸਭ ਸਾਚੁ ॥

او واقعی است و همه انچہ که او تعیین کرده نیز واقعی و بدون فریب هستند

ਓਤਿ ਪੋਤਿ ਆਪਨ ਸੰਗਿ ਰਾਚੁ ॥

او با خلقت خود ترکیب شده است

ਤਾਕੀ ਗਤਿ ਮਿਤਿ ਕਹੀ ਨ ਜਾਇ ॥

بزرگی و وسعت او را نمی توان توصیف کرد

ਦੂਸਰ ਹੋਇ ਤ ਸੋਝੀ ਪਾਇ ॥

اگر کس دیگر شبیه او بود می توانست او را درک کند

ਤਿਸ ਕਾ ਕੀਆ ਸਭੁ ਪਰਵਾਨੁ ॥

هر کاری تو سط او انجام شود باید مورد قبول ہے باشد۔

ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਨਾਨਕ ਇਹੁ ਜਾਨੁ ॥੧॥

ای نانک، این تنہا از طریق لطف معلم مذهبی شناخته می شود۔

ਜੋ ਜਾਨੈ ਤਿਸੁ ਸਦਾ ਸੁਖੁ ਹੋਇ ॥

کسی کہ اور اب شناسد آرامش ابدی دریافت می کند۔

ਆਪਿ ਮਿਲਾਇ ਲਏ ਪ੍ਰਭੂ ਸੋਇ ॥

خدا این فرد را با خودش یکی می کند۔

ਓਹੁ ਧਨ ਵੰਤੁ ਕੁਲ ਵੰਤੁ ਪਤਿ ਵੰਤੁ ॥

این فرد دارای ثروت معنوی، و قابل احترام است۔

ਜੀਵਨ ਮੁਕਤਿ ਜਿਸੁ ਰਿਦੈ ਭਗ ਵੰਤੁ ॥

در قلب او خدارخنہ کرده است، از پر خد مرگ و زندگی آزاد می شود و رحال یکہ ہنوز زنده است۔

ਧੰਨੁ ਧੰਨੁ ਧੰਨੁ ਜਨੁ ਆਇਆ ॥

چنین انسانی کلا در جهان سعادتمند است۔

ਜਿਸੁ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ਸਭੁ ਜਗਤੁ ਤਰਾਇਆ ॥

بہ لطف او، کل جمان نجات می یابد۔

ਜਨ ਆਵਨ ਕਾ ਇਹੈ ਸੁਆਉ ॥

چنین پیرو خدائی بہ دنیا می آید بنا بر این

ਜਨ ਕੈ ਸੰਗਿ ਚਿਤਿ ਆਵੈ ਨਾਉ ॥

تمام کسانی کہ با او تماس دارند نعم را عبادت می کنند

ਆਪਿ ਮੁਕਤੁ ਮੁਕਤੁ ਕਰੈ ਸੰਸਾਰੁ ॥

چنین فردی رستگار شده است و بقیه جهان را رستگار می کند

ਨਾਨਕਤਿ ਸੁ ਜਨ ਕਉ ਸਦਾ ਨਮਸਕਾਰੁ ॥੮॥੨੩॥

ای نانک من برای همیشه مقابل پیروان خدا تعظیم می کنم

ਸਲੋਕ ॥

شا لوک:

ਪੂਰਾ ਪ੍ਰਭੁ ਆਰਾ ਧਿਆ ਪੂਰਾ ਜਾਕਾ ਨਾਉ ॥

کسی کہ این خدائی کامل را عبادت می کند کہ نام او ابدی است

ਨਾਨਕ ਪੂਰਾ ਪਾਇਆ ਪੂਰੇ ਕੇ ਗੁਨ ਗਾਉ ॥੧॥

ای نانک، چنین فردی خدای کامل را شناخته است. بنابراین باید ہمچنان ستایش خدای واحد را بخوانی

ਅਸਟਪਦੀ ॥

آشتاپادی

ਪੂਰੇ ਗੁਰ ਕਾ ਸੁਨਿ ਉਪਦੇਸੁ ॥

ای ذهن من، به تعلیم معلم مذهبی کامل گوش بده

ਪਾਰਬ੍ਰਹਮੁ ਨਿਕਟਿ ਕਰਿ ਪੇਖੁ ॥

و احساس کن خدای برتر نزدیک توست

ਸਾਸਿ ਸਾਸਿ ਸਿਮਰਹੁ ਗੋਬਿੰਦ ॥

چنین خدایی را در هر نفسی عبادت کن

ਮਨ ਅੰਤਰ ਕੀ ਉਤਰੈ ਚਿੰਦ ॥

بنابراین اضطراب ذہنت از بین می روود

ਆਸ ਅਨਿਤ ਤਿਆਗ ਹੁ ਤਰੰਗ ॥

ای ذهن من، امواج خواسته های ما ده موقعت را فراموش کن،

ਸੰਤ ਜਨਾ ਕੀ ਧੂਰਿ ਮਨ ਮੰਗ ॥

و در جستجوی خدمت متواضعانه به افراد پر هیز کار باش.

ਆਪੁ ਛੋਡਿ ਬੇਨਤੀ ਕਰਹੁ ॥

بارها کردن خود پسندی، عابد متواضع خداوند باش

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਅਗਨਿ ਸਾਗਰੁ ਤਰਹੁ ॥

در همراهی افراد پر هیز کار، از اقیانوس آتش گناهان شنا کن

ਹਰਿ ਧਨ ਕੇ ਭਰਿ ਲੇਹੁ ਭੰਡਾਰ ॥

قلب خود را با ثروت نام خداوند پر کن

ਨਾਨਕ ਗੁਰ ਪੂਰੇ ਨਮਸਕਾਰ ॥੧॥

و ای نانک با فروتنی در برابر معلم مذهبی کامل تعظیم کن

ਖੇਮ ਕੁਸਲ ਸਹਜ ਆਨੰਦ ॥

تو با آرامش ابدی، زندگی راحت سعاد تمند خواهی شد

ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਭਜੁ ਪਰਮਾਨੰਦ ॥

با عبادت عاشقانه خداوند را مکن مقدس

ਨਰਕ ਨਿਵਾਰਿ ਉਧਾਰਹੁ ਜੀਉ ॥

روح خود را از دردهای جسم نجات بده.

ਗੁਨ ਗੋਬਿੰਦ ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਰਸੁ ਪੀਉ ॥

با خواندن ستایش خداوند و با سیم شدن در شد نعم،

ਚਿਤਿ ਚਿਤਵਹੁ ਨਾਰਾਇਣ ਏਕ ॥

در ذهن خود به یک خدا فکر کن،

ਏਕ ਰੂਪ ਜਾਕੇ ਰੰਗ ਅਨੇਕ ॥

کسی کہ یکی است اما به شکل های مختلف ظاهر می شود

ਗੋਪਾਲ ਦਾ ਮੋਦਰ ਦੀਨ ਦਇਆਲ ॥

نگہ دارنده جهان، قادر جهان و مهر بان با فروتنان

ਦੁਖ ਭੰਜਨ ਪੂਰਨ ਕਿਰਪਾਲ ॥

او از بین برنده رنج ها، حاضر در همه جا و مهر بان است

ਸਿਮਰਿ ਸਿਮਰਿ ਨਾਮੁ ਬਾਰੰ ਬਾਰ ॥

با عشق و پرستش نام او را دوباره و دوباره به خاطر آور

ਨਾਨਕੀਅਕਾ ਇਹੈਅਧਾਰ ॥੨॥

ای نانک، نعم تھا پشتیبان روح است

ਊਤਮਸਲੋਕ ਸਾਧਕੇ ਬਚਨ ॥

كلمات معلم مذهبی برترین سرودها هستند

ਅਮੁਲੀਕ ਲਾਲ ਏਹਿ ਰਤਨ ॥

اینها مانند مروارید و جواهرات با ارزش هستند

ਸੁਨਤ ਕਮਾਵਤ ਹੋਤ ਉਧਾਰ ॥

کسی کہ بے اینہا گوش دهد از چرخہ های مرگ و زندگی رہا می شود

ਆਪਿਤ ਰੈਲੋਕਹ ਨਿਸਤਾਰ ॥

او از اقیانوس دنیوی گناهان می گذرد و به بقیه هم کمک می کند تا شنا کند

ਸਫਲ ਜੀਵਨੁ ਸਫਲੁ ਤਾਕਾ ਸੰਗੁ ॥

زندگی او کامل و همراهی با او مفید است،

ਜਾਕੈ ਮਨਿ ਲਾਗਾ ਹਰਿ ਰੰਗੁ ॥

ذهن او با عشق خداوند اشیاع شده است

ਜੈਜੈਸਬਦੁਅਨਾਹਦੁਵਾਜੈ ॥

در او مو سیقی مقدس مدومی نواخته می شود که او را در معنویت بالا قرار می دهد

ਸੁਨਿਸੁਨਿਅਨਦਕਰੇਪ੍ਰਭੁਗਾਜੈ ॥

گوش دادن به او باعث سعادت می شود چون او از شناخت خداوند در درون او لذت می برد

ਪ੍ਰਗਟੇਗੁਪਾਲਮਹਾਂਤਕੈਮਾਥੇ ॥

قادر جهان خود را از طریق شخص مقدس اشکار می کند

ਨਾਨਕਉਧਰੇਤਿਨਕੈਸਾਥੇ ॥੩॥

ای نانک، هر اچنین فردی، افراد زیادی نجات می یابند

ਸਰਨਿਜੇਗੁਸੁਨਿਸਰਨੀਆਏ ॥

شنیدن اینکه تو مستعد فراهم کردن پناه هستی مارا به پناه تو اورد،

ਕਰਿਕਿਰਪਾਪ੍ਰਭਾਪਮਿਲਾਏ ॥

ای خدا تو با ارزانی کردن بخشش خود ما را با خودت یکی کرده ای

ਮਿਟਿਗਏਬੈਰਤਏਸਤਤਰੇਨ ॥

اکنون غروهای مارفته اند و ما شدیدا با هم متواضع شده ایم

ਅੰਮ੍ਰਿਤ ਨਾਮੁ ਸਾਧਸੰਗਿ ਲੈਨ ॥

ما نعم مطبوع را در مکان مقدس عبادت می کنیم

ਸੁਪ੍ਰਸੰਨਭਏ ਗੁਰਦੇਵ ॥

معلم مذهبی مقدس شدید اراضی است:

ਪੂਰਨ ਹੋਈ ਸੇਵਕ ਕੀ ਸੇਵ ॥

و بنابراین خدمت پیروان مورد تحسین است

ਆਲ ਜੰਜਾਲ ਬਿਕਾਰ ਤੇ ਰਹਤੇ ॥

اکنون ما از گناهان دنیوی نجات پیدا کرده ایم،

ਰਾਮ ਨਾਮ ਸੁਨਿ ਰਸਨਾ ਕਹਤੇ ॥

با گوش دادن و خواندن نام خداوند،

ਕਰਿ ਪ੍ਰਸਾਦੁ ਦਇਆ ਪ੍ਰਭਿ ਧਾਰੀ ॥

با لطف او، خداوند بخشش خود را ارزانی کرده است،

ਨਾਨਕ ਨਿਬਹੀ ਖੇਪ ਹਮਾਰੀ ॥੪॥

و ای نانک، ثروت نعم در دادگاه الہی پنیرفتہ شده است

ਪ੍ਰਤੀ ਉਸਤਤਿ ਕਰਹੁ ਸੰਤ ਮੀਤ ॥

ای دوستان پرہیز کار من مناجات خداوند را بخوانید،

ਸਾਵਧਾਨ ਏਕਾਗਰ ਚੀਤ ॥

باتمرکزو حضور ذهن کامل

ਸੁਖਮਨੀ ਸਹਜ ਗੋਬਿੰਦ ਗੁਨ ਨਾਮ ॥

ستایش خداونام خدا جواهرات با ارزش ارامش و ثبات الہی هستند

ਜਿਸੁ ਮਨਿ ਬਸੈ ਸੁਹੋਤ ਨਿਧਾਨ ॥

کسی کے نعم در ذهن او ساکن باشد لੁਖ ویژگی هامی شود

ਸਰਬ ਇਛਾਤਾ ਕੀ ਪੂਰਨ ਹੋਇ ॥

همہی آرزوهای او برآورده می شود،

ਪ੍ਰਧਾਨ ਪੁਰਖੁ ਪ੍ਰਗਟੁ ਸਭ ਲੋਇ ॥

و در سرتاسر جهان به عنوان انسانی بزرگ شناخته می شود

ਸਭ ਤੇ ਉਚਪਾਏ ਅਸਥਾਨ ॥

او عالی ترین موقعیت معنوی را به دست می آورد

ਬਹੁਰਿਨਹੋਵੈਆਵਨਜਾਨੁ ॥

از پرخهای مرگ وزنگی نمی‌گذرد.

ਹਰਿਯਨੁ ਖਾਟਿ ਚਲੈ ਜਨੁ ਸੋਇ ॥

این شخص بعد از جمع کردن ثروت نام خداوند از جهان جدا می‌شود،

ਨਾਨਕ ਜਿਸਹਿ ਪਰਾਪਤਿ ਹੋਇ ॥੫॥

ای نانک، کسی که مورد لطف هدایای خداوند است

ਖੇਮ ਸਾਂਤਿ ਰਿਧਿ ਨਵਨਿਧਿ ॥

آرامش ابدی، همهٔ نیروهای انجام مجراه و نہ کنخ ثروت دنیوی،

ਬੁਧਿ ਗਿਆਨੁ ਸਰਬਤਹ ਸਿਧਿ ॥

خرد، دانش و نیروهای ماوراءی به این فرد می‌رسد.

ਬਿਦਿਆਤ ਪ੍ਰਤੀਗੁਪਤ ਪ੍ਰਤਿ ਧਿਆਨੁ ॥

دانش، پناں، یوگا و عبادت خداوند

ਗਿਆਨੁ ਸ੍ਰੇਸ਼ਟ ਉਤਮ ਇਸਨਾਨੁ ॥

برترین خرد و عالی ترین شستشو

ਚਾਰਿਪਦਾਰਬਕਮਲ ਪ੍ਰਗਾਸ ॥

چهار دستور اصلی (ایمان، ثروت، زایش و آزادی) و چنین لذت درونی، بے گونه ای که گویا قلب مانند نیلوفر
آبی گل می دهد.

ਸਭ ਕੈ ਮਧਿ ਸਗਲ ਤੇ ਉਦਾਸ ॥

جدایی از همه می وابستگی های دنیوی در حالیکه در میان همه زندگی می کند؛

ਸੁੰਦਰੁ ਚਤੁਰੁ ਤਤ ਕਾਬੇਤਾ ॥

از نظر معنوی زیبا، و دانده می ضرورت واقعیت،

ਸਮਦਰਸੀ ਏਕ ਦ੍ਰਿਸ਼ਟੇਤਾ ॥

قادر است به همه زگاه کند و تنها خدارا در همه چیز بیند

ਇਹ ਫਲ ਤਿਸੁਜਨ ਕੈ ਮੁਖਿ ਭਨੇ ॥

این سعادت ها شامل کسی می شود که

ਗੁਰ ਨਾਨਕ ਨਾਮ ਬਚਨ ਮਨਿ ਸੁਨੇ ॥੯॥

ای نانک، با عشق نام خدا تکرار می کند و در نهایت به تعالیم معلم مذهبی گوش می دهد و عمل می کند.

ਇਹੁ ਨਿਧਾਨੁ ਜਪੈ ਮਨਿ ਕੋਇ ॥

هر کسی این ^{گنج} نعم را از مرکز قلب عبادت کند،

ਸਭ ਜੁਗ ਮਹਿ ਤਾਕੀ ਗਤਿ ਹੋਇ ॥

کل زندگی اش را در حالت معنوی برتر زندگی می کند

ਗੁਣ ਗੋਬਿੰਦ ਨਾਮ ਧੁਨਿ ਬਾਣੀ ॥

گفته های عادی چنین فردی مانند خواندن ستایش خداوند است

ਸਿਮ੍ਰਿਤਿ ਸਾਸਤ੍ਰ ਬੇਦ ਬਖਾਣੀ ॥

هچنین توسط سمیریز، شستراؤ و دانشان داده شده است

ਸਗਲ ਮਤਾਂਤ ਕੇਵਲ ਹਰਿ ਨਾਮ ॥

ضد ورت همه مذهب ها عبادت نام خداوند است،

ਗੋਬਿੰਦ ਭਗਤ ਕੈ ਮਨਿ ਬਿਸ੍ਰਾਮ ॥

و این نعم در قلب پیرو خدا قرار دارد.

ਕੋਟਿ ਅਪ੍ਰਾਯ ਸਾਧ ਸੰਗਿ ਮਿਟੈ ॥

میلیون ها گناه چنین بnde ای که با عشق به نعم گوش کند در همراهی خداپاک می شود

ਸੰਤ ਕ੍ਰਿਪਾ ਤੇਜ ਮਤੇ ਛੁਟੈ ॥

بہ لطف معلم مذهبی، چنین بnde ای از پیامبر مرگ فارمی کند

ਜਾਕੈਮਸਤਕਿਕਰਮਪ੍ਰਤਿਪਾਏ ॥

کسانی کہ چنین سرنوشت از قبل مشخص شده ای دارند،

ਸਾਧਸਰਹਿਨਾਨਕਤੇਆਏ ॥੭ ॥

ای نانک آنها تهادر جستجوی پناہ معلم مذهبی هستند.

ਜਿਸੁਮਨਿਬਸੈਸੁਨੈਲਾਇਪ੍ਰੀਤਿ ॥

کسی کہ در قلبش نعم قرار دارد و با عشق بے نعم گوش می دهد،

ਤਿਸੁਜਨਆਵੈਹਰਿਪ੍ਰਭੁਚੀਤਿ ॥

چنین ییروی با هوشیاری خدا را بے یاد می آورد

ਜਨਮਮਰਨਤਾਕਾਦੂਖੁਨਿਵਾਰੈ ॥

دردهای تولد و مرگ چنین فردی حذف می شود،

ਦੂਲਭਦੇਹਤਤਕਾਲਊਧਾਰੈ ॥

بدن انسان کہ دستیابی به آن سخت است او فوراً از گناهان حفظ می کند

ਨਿਰਮਲਸੇਤਾਅੰਮ੍ਰਿਤਤਾਕੀਬਾਨੀ ॥

شهرت او کاملاً خالص است و واژه هایی که می گوید مطبوع هستند،

ਏਕੁ ਨਾਮੁ ਮਨ ਮਾਹਿਸਮਾਨੀ ॥

چون ذهن او کاملا اشباع از نعم است.

ਦੂਖ ਰੋਗ ਬਿਨਸੇ ਭੈ ਭਰਮ ॥

. غم، مریضی، ترس و شک از وجود امی شوند.

ਸਾਧ ਨਾਮ ਨਿਰਮਲ ਤਾਕੇ ਕਰਮ ॥

. او پر هیز کار شناخته می شود و اعمال او خالص هستند.

ਸਭ ਤੇ ਉਚ ਤਾਕੀ ਸੋਭਾਬਨੀ ॥

. عزت و احترام او بالاترین می شود.

ਨਾਨਕ ਇਹ ਗੁਣਿ ਨਾਮੁ ਸੁਖਮਨੀ ॥੮॥੨੪॥

. ای نانک، به دلیل چنین ویژگی هایی نام خداوند جواهر همهی لذت ها و ارامش است.

੧੬ ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਜੀ ਕੀ ਡਤਹਿ ॥

است (خدا) انگیز شکفت گورو آن از ها پیروزی تمام یکتاست خدا

ਸ੍ਰੀ ਭਰੌਤੀ ਜੀ ਸਹਾਇ ।

اکند کمک ما به (بدکاران ویرانگر قالب در خداوند) محترم شمشیر که باشد!

ਵਾਰ ਸ੍ਰੀ ਭਰੌਤੀ ਜੀ ਕੀ ਪਾਤਸ਼ਾਹੀ ੧੦ ॥

شد خوانده دهم گورو تو سط که محترم شمشیر قصیدہ

ਪ੍ਰਿਥਮ ਭਰੌਤੀ ਸਿਮਰਿ ਕੈ ਗੁਰ ਨਾਨਕ ਲਈਂ ਧਿਆਇ ॥

مورد در) آورید یاد به را ننانک سپس。(بدکاران نابودگر شکل در خداوند) آورید یاد به را شمشیر ابتدا (کنید درنگ او معنوی سهم).

ਫਿਰ ਅੰਗਦ ਗੁਰ ਤੇ ਅਮਰਦਾਸੁ ਰਾਮਦਾਸੈ ਹੋਈਂ ਸਹਾਇ ॥

کنید تأمل آنها مورد در و بسپارید خاطر به را داس رام گورو و داس آمار گورو، آنگاد گورو سپس (کنید توجه آنها معنوی سهم به) !اکنند کمک ما به آنها که باشد

ਅਰਜਨ ਹਰਗੋਬਿੰਦ ਨੇ ਸਿਮਰੌ ਸ੍ਰੀ ਹਰਿਰਾਇ ॥

کنید تأمل آنها مورد در و بسپارید خاطر به را رای هار محترم گورو و هارਗੋਬਿੰਦ گورو، ارجان گورو (کنید توجه آنها معنوی سهم به)

ਸ੍ਰੀ ਹਰਿਕਿਸ਼ਨ ਧਿਆਈਐ ਜਿਸ ਡਠੈ ਸਭਿ ਦੁਖ ਜਾਇ ॥

می بین از دردها همه او دیدن با که کنید تأمل او مورد در و بیاورید یاد به را کریشان هار محترم گورو کنید صحبت آنها معنوی سهم درباره) رود

ਤੇਗ ਬਹਾਦਰ ਸਿਮਰਿਐ ਘਰ ਨਉ ਨਿਧਿ ਆਵੈ ਧਾਇ ॥

آمد خواهد شما خانه به سرعت به معنوی ثروت منبع نہ سپس و بیاورید یاد به را بھادر تگ گورو

ਸਭ ਥਾਂਈ ਹੋਇ ਸਹਾਇ ॥

بکنید کمک جا همه در ما به مسیر دادن نشان با مهر بانانه! خدایا

ਦਸਵਾਂ ਪਾਤਸ਼ਾਹ ਸ੍ਰੀ ਗੁਰੂ ਗੋਬਿੰਦ ਸਿੰਘ ਸਾਹਿਬ ਜੀ! ਸਭ ਥਾਂਈ ਹੋਏ ਸਹਾਇ ॥

اخدایا۔ (کنید صحبت او معنوی سهم دربارہ) بیاورید یاد به را سینگ گوبیند محترم گورو دھمین

بکنید کمک جا همه در ما به مسیر دادن نشان با مهر بانانه

ਦਸਾਂ ਪਾਤਸ਼ਾਹੀਆਂ ਦੀ ਜੋਤ ਸ੍ਰੀ ਗੁਰੂ ਗ੍ਰੰਥ ਸਾਹਿਬ ਜੀ ਦੇ ਪਾਠ ਦੀਦਾਰ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ
ਬੋਲੋ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

به را خود افکار و کنید مراقبه و بیندیشید صاحب گرانت محترم گورو در موجود پادشاه ده الهی نور به خدای) واوه کامل گورو ببرید لذت صاحب گرانت گورو دین از و کنید معطوف الهی های آموزه! (انگیز شگفت

ਪੰਜਾਂ ਪਿਆਰਿਆਂ, ਚੌਹਾਂ ਸਾਹਿਬਜ਼ਾਦਿਆਂ, ਚਾਲ੍ਹੀਆਂ ਮੁਕਤਿਆਂ, ਹਠੀਆਂ ਜਪੀਆਂ, ਤਪੀਆਂ, ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਨਾਮ ਜਪਿਆ, ਵੰਡ ਛਕਿਆ, ਦੇਗ ਚਲਾਈ, ਤੇਗ ਵਾਹੀ, ਦੇਖ ਕੇ ਅਣਡਿੱਠ ਕੀਤਾ, ਤਿਨ੍ਹਾਂ ਪਿਆਰਿਆਂ, ਸਚਿਆਰਿਆਂ ਦੀ ਕਮਾਈ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ, ਖਾਲਸਾ ਜੀ ! ਬੋਲੋ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

با شجاع های سیک از شهید؛ چهل از بکنید فکر (سینگ گوبیند گورو) پسر چهار، عزیز پنج اعمال به را نعم که کسانی از نشند جذب نعم در که کسانی از نعم رنگ در غرق جانبازان از نشدنی؛ رام عزم اندازی راه را رایگان های آشپزخانه که کسانی از کردند تقسیم همدیگر با را خود غذای و آوردن دید به های کاستی که کسانی از بگرفتند دست به (حق حفظ برای) را خود شمشیر های که کسانی از کردند خدای) واهه کامل گورو بودند واقعی فداکار و خالص افراد، فوق موارد همه بگرفتند نادیده را دیگران (انگیز شگفت!

ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਸਿੰਘਾਂ ਸਿੰਘਣੀਆਂ ਨੇ ਧਰਮ ਹੇਤੁ ਸੀਸ ਦਿੱਤੇ, ਬੰਦ ਬੰਦ ਕਟਾਏ, ਖੋਪਰੀਆਂ ਲੁਹਾਈਆਂ, ਚਰਖੜੀਆਂ ਤੇ ਚੜ੍ਹੇ, ਆਹਿਆਂ ਨਾਲ ਚਿਰਾਏ ਗਏ, ਗੁਰਦੁਆਰਿਆਂ ਦੀ ਸੇਵਾ ਲਈ ਕੁਰਬਾਨੀਆਂ ਕੀਤੀਆਂ, ਧਰਮ ਨਹੀਂ ਹਾਰਿਆ, ਸਿੱਖੀ ਕੇਸਾਂ ਸੁਆਸਾਂ ਨਾਲ ਨਿਬਾਹੀ, ਤਿਨ੍ਹਾਂ ਦੀ ਕਮਾਈ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ ਖਾਲਸਾ ਜੀ! ਬੋਲੋ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

سیک دین اما ،کردند فدا را خود سرهای که سیک شجاع زنان و مردان آن فرد به منحصر خدمات به کردند تکه بدن مفاصل از یک هر از را خود که بیاورید یاد به و کنید فکر ،نکردند تسليم را خود می تکه و چرخانند می و شده بسته ها چرخ روی بر که برداشتند را خود سر پوست کسانی چه تا کردند فدا را خود که کسانی .شدند اندازی پوست زنده که کسانی .شدند بریده ارده با که کسانی .شوند را خود سیک مذهب که کسانی .نکردند ترک را خود سیک ایمان که .کنند حفظ را گوردوارا س حرمت

(انگیز شگفت خدای) مطلق گورو بکردن حفظ نفس آخرین تارا خود بلند موهای و کردن حفظ

ਪੰਜਾਂ ਤਖਤਾਂ, ਸਰਬੱਤ ਗੁਰਦੁਆਰਿਆਂ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ ਬੋਲੋ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

شگفت خدای) گورو بکنید معطوف گوردواراها همه و سیک مذهب های کرسی تمام به را خود افکار بیاورید زبان به را (انگیز

ਪ੍ਰਿਥਮੇ ਸਰਬੱਤ ਖਾਲਸਾ ਜੀ ਕੀ ਅਰਦਾਸ ਹੈ ਜੀ, ਸਰਬੱਤ ਖਾਲਸਾ ਜੀ ਕੇ ਵਾਹਿਗੁਰੂ,
ਵਾਹਿਗੁਰੂ, ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਚਿਤ ਆਵੇ, ਚਿੱਤ ਆਵਨ ਕਾ ਸਦਕਾ ਸਰਬ ਸੁਖ ਹੋਵੇ।

از ها آسایش و ها لذت همه که باشد و بکنند تأمل تو نام در که بفرمایند را دعا این محترم خلسله تمام ابتدا شود حاصل ای مراقبه چنین طریق

ਜਹਾਂ ਜਹਾਂ ਖਾਲਸਾ ਜੀ ਸਾਹਿਬ, ਤਹਾਂ ਤਹਾਂ ਰਛਿਆ ਰਿਆਇਤ, ਦੇਗ ਤੇਗ ਫਤਹਿ,
ਬਿਰਦ ਕੀ ਪੈਜ, ਪੰਥ ਕੀ ਜੀਤ, ਸ੍ਰੀ ਸਾਹਿਬ ਜੀ ਸਹਾਇ, ਖਾਲਸੇ ਜੀ ਕੇ ਬੋਲ ਬਾਲੇ, ਬੋਲੇ ਜੀ
ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

شمშیر و آشپزخانہ که باشد بکن عطا را خود لطف و پاسداری، دارد حضور محترم خلسلہ که جا هر که باشد سیک مردم به پیروزی اعطای کنید حفظ را خود فدائیان آبروی نخورند شکست هرگز را بگان واهه کامل گورو باشد داشته افتخار همیشه خالصہ که باشد بباید ما کمک به همیشه محترم شمشیر (انگیز شگفت خدای)

ਸਿੱਖਾਂ ਨੂੰ ਸਿੱਖੀ ਦਾਨ, ਕੇਸ ਦਾਨ, ਰਹਿਤ ਦਾਨ, ਬਿਬੇਕ ਦਾਨ, ਵਿਸਾਹ ਦਾਨ, ਭਰੋਸਾ ਦਾਨ,
ਦਾਨਾਂ ਸਿਰ ਦਾਨ, ਨਾਮ ਦਾਨ, ਸ੍ਰੀ ਅੰਮ੍ਰਿਤਸਰ ਜੀ ਦੇ ਇਸ਼ਨਾਨ, ਚੌਕੀਆਂ, ਝੰਡੇ, ਬੁੰਗੇ, ਜੁਗੇ
ਜੁਗ ਅਟੱਲ, ਧਰਮ ਕਾ ਜੈਕਾਰ, ਬੋਲੇ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!!!

موہبত، الہی علم ہدیہ، سیک قوانین رعایت موہبত، بلند موہبت، سیک ہدیہ مہربانی با را ها سیک کر های گروہ که باشد! خدا یا بکنید اعطایا ها سیک بہ را نام ہدیہ بزرگترین و ایمان موہبت، راسخ ایمان خدای) گورو واه شود پیروز همیشه حقیقت که باشد باشند داشته وجود همیشه برای بنرها و عمارت بکنید بیان را (انگیز شگفت

ਸਿੱਖਾਂ ਦਾ ਮਨ ਨੀਵਾਂ, ਮਤ ਉੱਚੀ ਮਤ ਦਾ ਰਾਖਾ ਆਪ ਵਾਹਿਗੁਰੂ।

ہستی عقل محافظ تو! خدا یا بماند متعالی خردشان و متواضع ها سیک همه ذهن که باشد

ਹੇ ਨਿਮਾਣਿਆਂ ਦੇ ਮਾਣ, ਨਿਤਾਣਿਆਂ ਦੇ ਤਾਣ, ਨਿਓਟਿਆਂ ਦੀ ਓਟ, ਸੱਚੇ ਪਿਤਾ, ਵਾਹਿਗੁਰੂ!
ਆਪ ਦੇ ਹਜ਼ੂਰ.....ਦੀ ਅਰਦਾਸ ਹੈ ਜੀ।

ما ، هستید پناهان بی پناه ، هستید پناهان بی قدرت ، هستید حلیمان عزت شما ! گورو واه ، واقعی پدر ای (است شده انجام اینجا در که دعایی یا مناسبت جایگزین) ... کنیم می دعا شما حضور در خاضعنه.

ਅੱਖਰ ਵਾਧਾ ਘਾਟਾ ਭੁੱਲ ਚੁੱਕ ਮਾਫ਼ ਕਰਨੀ। ਸਰਬੱਤ ਦੇ ਕਾਰਜ ਰਾਸ਼ ਕਰਨੇ।

کنید برآورده را همه اهداف لطفاً بگذرید فوق دعای خواندن در ما های کوتاهی و خطاهای از

ਸੇਈ ਪਿਆਰੇ ਮੇਲ, ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਮਿਲਿਆਂ ਤੇਰਾ ਨ ਚਿੱਤਆਵੇ। ਨਾਨਕ ਨਾਮ ਚੜ੍ਹਦੀ ਕਲਾ, ਤੇਰੇ
ਭਾਣੇ ਸਰਬੱਤ ਦਾ ਭਲਾ।

کنیم تأمل آن در و آوریم یاد به را تو نام است ممکن که کن ملاقات واقعی فداییان آن با را ما مهربانی با شوند موفق شما میل مطابق همه و شود برافراشته شما نام که باشد ، واقعی نناناک گورو طریق از ! خدایا

ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਜੀ ਕਾ ਖਾਲਸਾ, ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਜੀ ਕੀ ਫਤਹਿ

خداست نصرت ها پیروزی همه خداست آن از خالصہ

سفر برای فلسفه

فلسفه سیک با منطق، جامعیت و رویکرد "بدون حاشیه" آن به جهان معنوی و مادی مشخص می شود. الهیات آن با سادگی مشخص شده است. در اخلاق سیک هیچ تعارضی بین وظیفه فرد نسبت به خود و وظیفه نسبت به جامعه (سنگات) وجود ندارد.

سیکیسم جوانترین دین جهانی است که حدود 500 سال پیش توسط گورو ناناك پایه گذاری شد. بر اعتقاد به وجود یکتا و خالق (واهگورو) هستی تاکید دارد. این یک راه مستقیم ساده به سعادت ابدی ارائه می دهد و پیامی از عشق و برادری جهانی را منتشر می کند. سیکیسم کاملاً یک ایمان توحیدی است و خدا را به عنوان تنها کسی می شناسد که تابع محدودیت های زمانی یا مکانی نیست.

سیکیسم معتقد است که تنها یک خدا وجود دارد که خالق، نگهدارنده، ویرانگر است و شکل انسانی به خود نمی گیرد. نظریه تجسم در آیین سیک جایی ندارد. هیچ ارزشی برای خدایان و الهه ها و دیگر خدایان قائل نیست.

در آیین سیک، اخلاق و مذهب با هم هستند. برای گام برداشتن در جهت رشد معنوی باید صفات اخلاقی را تلقین کرد و فضایل را در زندگی روزمره تمرین کرد. ویژگی هایی مانند صداقت، شفقت، سخاوت، صبر و فروتنی تنها با تلاش و پشتکار به وجود می آید. زندگی گوروهای بزرگ ما منبع الهام در این مسیر است.

دین سیک می آموزد که هدف زندگی انسان شکستن چرخه تولد و مرگ و ادغام با خدا است. این را می توان با پیروی از آموزه های گورو، مراقبه در نام مقدس (نعم) و انجام اعمال خدماتی خیریه و انجام داد.

نعم مرغ بر وقف روزانه به یاد خدا تأکید می کند. برای رسیدن به رستگاری باید پنج احساس، یعنی کام (میل)، کرود (خشم)، لواب (طبع)، مو (وابستگی دنیوی) و آهنگر (غورو) را کنترل کرد. اتحاد مراسم و اعمال معمول مانند روزه و زیارت، فال و ریاضت در مذهب سیک مردود است. هدف زندگی انسان ادغام با خدا است و این با پیروی از آموزه های گورو گرانت صاحب انجام می شود. سیکیسم بر باگتی مارگ یا مسیر فداکاری تاکید (مسیر عمل) را Gian Marg (مسیر دانش) و Karam Marg (مسیر ایمان) دارد. با این حال، اهمیت تشخیص می دهد. این بیشترین تاکید را بر نیاز به کسب فیض خداوند برای رسیدن به گزارد می گذارد.

سیکیسم یک دین مدرن، منطقی و عملی است. این معتقد است که زندگی عادی خانوادگی (گراهاست) مانع برای رستگاری نیست. تجرد یا چشم پوشی از دنیا برای رسیدن به رستگاری لازم نیست. می توان در میان بیماری ها و وسوسه های دنیوی جدا از هم زندگی کرد. یک فداکار باید در دنیا زندگی کند و در عین حال سر خود را بالاتر از تنش و آشفتگی معمول نگه دارد. او باید یک سرباز دانشمند و قدیس برای خدا باشد.

سیکیسم یک دین جهان وطنی و یک "دین سکولار" است و بنابراین تمام تمایزات مبتنی بر کاست، عقیده، نژاد یا جنسیت را رد می کند. بر این باور است که همه انسانها در نزد خداوند یکسان هستند. گوروها بر برابری زنان تاکید می کردن و کودکشی دختر و ساتی (بیوه سوزی) را رد می کردن. آنها همچنین به طور فعال ازدواج مجدد بیوه ها را

تبليغ کردن و سيستم پوردا (زنان محجه) را رد کردند. برای متمرکز ماندن ذهن بر او، باید در نام مقدس (نعم) تعمق کرد و کارهای خیر و نیکوکاری انجام داد. کسب روزی از طریق کار صادقانه (کرات کارنا) و نه با گدایی یا ناروایی، شرافتمند است. وند چاقنا، اشتراک گذاری با دیگران نیز یک مسئولیت اجتماعی است. انتظار می رود که فرد از طریق داسوند به نیازمندان کمک کند. سوا، خدمات اجتماعی نیز بخشی (درصد از درآمد خود 10%) جدایی ناپذیر از آین سیک است. آشیزخانه رایگان جامعه (لنگر) که در هر گوردوara یافت می شود و برای افراد از همه مذاهب باز است، یکی از بیان این خدمات اجتماعی است. مذهب سیک طرفدار خوش بینی و امید است. ایدئولوژی بدینی را نمی پذیرد.

گوروها معتقد بودند که این زندگی یک هدف و یک فرصتی برای خود و درک خدا فراهم می کند. علاوه بر این، انسان مسئول اعمال خود است. او نمی تواند از نتایج اقدامات خود مصونیت داشته باشد. بنابراین او باید در کاری که انجام می دهد بسیار هوشیار باشد.

كتاب مقدس سیک، گورو گرانت صاحب، گورو ابدی است. این تنها دینی است که به كتاب مقدس مقام پیشوای دینی داده است. در مذهب سیک جایی برای گوروی انسان زنده (دهداری) وجود ندارد.

زنان نقش

اصول آیین سیک بیان می کند که زنان دارای روحی مشابه مردان هستند و از حق برابر برای پرورش معنویت خود برخوردارند. آنها می توانند جماعت های مذهبی را رهبری کنند، در مسیر آخذ (تلات مداوم کتاب مقدس) شرکت کنند، کرمان (سرودهای جماعتی) را اجرا کنند، به عنوان گرانتیس (کشیشان) کار کنند. آنها می توانند در تمام فعالیت های مذهبی، داد. گورو فرهنگی، اجتماعی و سکولار شرکت کنند. سیکیسم اولین ادیان بزرگ جهانی بود که به زنان و مردان برابری می نانک، برابری مبتنی بر جنسیت را موعظه می کرد، و گورو هایی که جانشین او شدند، زنان را تشویق کردند تا در تمام فعالیت های عبادت و تمرین سیک ها مشارکت کامل داشته باشند.

گورو گرانت صاحب می گوید

**زنان و مردان، همه آفریده خدا هستند. همه اینها بازی خدا است. می گوید «
زنانک، همه خلقت نیکو و مقدس است - SGGS p.304**

تاریخ سیک نقش زنان را ثبت کرده است که آنها را در خدمت، فدکاری، فدکاری و شجاعت به مردان برابر نشان می دهد. نمونه های زیادی از کرامت اخلاقی، خدمت و ایثار زنان در سنت سیک نوشته شده است

یک سکه هستند. در نظام روابط مقابل و وابستگی مقابل که مرد از زن زاده می بر اساس آیین سیک، زن و مرد دو روی شود و زن از نطفه مرد متولد می شود. بر اساس آیین سیک، مرد نمی تواند بدون زن در زندگی خود احساس امنیت و کامل بگذراند و موفقیت مرد به عشق و حمایت زنی که زندگی خود را با او تقسیم می کند، مرتبط است و بالعکس. گورو ننانک گفت

«دده» و اینکه ما نباید «زن را ملعون و محکوم بدانیم، [در صورتی که] از زن [این] زنی است که مسابقه را ادامه می» صفحه 473 SGGS. «رہبران و پادشاهان متولد شوند

rstگاری:

نکته مهمی که باید مطرح کرد این است که آیا دین زنان را قادر به رستگاری، تحقق خدا در اینجا می داند یا بالاترین قلمرو «معنوی؟ گورو گرانت صاحب می گوید

خداآوند در همه موجودات فراگیر است، خداوند بر همه اشکال نر و ماده نفوذ می کند» (گورو گرانت صاحب، ص 605).

از بیانیه بالا از گورو گرانت صاحب، نور خدا به طور یکسان بر هر دو جنس است. بنابراین، زن و مرد هر دو می توانند یکسان دست یابند. در بسیاری از ادیان، زن مانعی برای معنویت مرد تلقی می باشد و گورو به رستگاری بگویدشود، اما در آیین سیک نه. گورو این را رد می کند. آليس بسارک در «اندیشه های کنونی درباره سیکیسم» می

«اولین گورو، زن را هم تراز مرد قرار داد... زن مانعی برای مرد نبود، بلکه شریکی در خدمت به خدا و جستجوی نجات بود»

ازدواج

یک خانه دار، به جای تجرد و انکار، زن و شوهر شریک مساوی بودند و گورو ننانک گر هاست را توصیه کرد - زندگی

وفاداری بر هر دو امر شده بود. در آیات شریفه، خوشبختی خانگی به عنوان یک آرمان گرامی مطرح شده است و ازدواج استعاره‌ای جاری برای ابراز عشق به خداوند است. بهای گورDas، شاعر آیین سیک اولیه و مفسر معتبر آموزه سیک، به زنان ادای احترام می‌کند. او می‌گوید:

زن در خانه والدینش محظوظ است و پدر و مادرش او را دوست دارند، در خانه همسرش، ستون خانواده است، ضامن سعادت آن است... اشتراک در خرد معنوی. و روشنگری و با صفات والایی که زنی نصف دیگر مرد است او را تا درگاه رهایی بدرقه می‌کند». (واران، ج.16)

وضعیت برابر

برای اطمینان از موقعیت برابر بین زن و مرد، گوروها هیچ تمایزی بین جنسیت‌ها در زمینه شروع، آموزش یا شرکت در فعالیت‌های سنگات (همراهی مقدس) و پانگات (با هم غذا خوردن) قائل نشند. به گفته ساروپ داس بهلا، مهیما پراکاش، گورو آمار داس از استفاده زنان از حجاب استقبال نمی‌کرد. او زنان را به سرپرستی برخی جوامع در شاگردان گماشت و بر خلاف عرف ساتی موعظه کرد. تاریخ سیک‌ها نام چندین زن مانند ماتا گوجری ماتا باگو، ماتا سونداری، رانی صاحب کائور، رانی سادا کائور و ماهارانی جیند کاور را که نقش‌های مهمی در وقایع زمان خود داشتند، ثبت کرده است.

تحصیلات

یک فرآیند توسعه شخصی است و به آموزش در آیین سیک بسیار مهم تلقی می‌شود. این کلید موقیت هر کسی است. این همین دلیل است که گورو سوم مدارس بسیاری را راه اندازی کرد. گورو گرانت صاحب می‌گوید "تمام دانش و تفکر الهی از طریق گورو به دست می‌آید" (گورو گرانت صاحب، ص 831).

آموزش برای همه ضروری است و همه باید تلاش کنند تا بهترین باشند. پنجاه و دو نفر از مبلغان سیک که توسط سومین گورو فرستاده شدند زن بودند. دکتر محیندر کائور گیل در کتاب «نقش و جایگاه زنان سیک» می‌نویسد

گورو آمار داس مقاعده شده بود که هیچ آموزه‌ای نمی‌تواند ریشه دوانده مگر اینکه توسط زنان قوم پذیرفته شود.

محرومیت در پوشان

جدای از الزام زنان به عدم استفاده از حجاب، آیین سیک بیانیه ساده و در عین حال بسیار مهمی را در مورد کل لباس، بیان می‌کند. این برای همه سیک‌ها صرف نظر از جنسیت صدق می‌کند. گورو گرانت صاحب می‌گوید

از پوشیدن لباس هایی که بدن در آن ناراحت است و ذهن پر از افکار صفحه 16. شیطانی است بپرهیزید

بنابراین، سیک‌ها متوجه خواهند شد که چه نوع لباس هایی ذهن را با افکار شیطانی پر می‌کند و باید از آنها دوری کنند. از زنان سیک انتظار می‌رود با کرپان (شمیزیر) و دیگران از خود دفاع کنند، این برای زنان منحصر به فرد است زیرا این اولین بار در تاریخ است که از زنان انتظار می‌رود از خود دفاع کنند و از آنها انتظار نمی‌رود که برای محافظت فیزیکی به مردان وابسته باشند.

SGGS نقل قول های:

در زمین و در آسمان، من ثانیه‌ای نمی‌بینم. در میان همه زنان و مردان، نور او "صفحه 223. Sggs". می‌درخشند.

از زن، مرد متولد می شود. در درون زن، مرد تصور می شود. به زنی که نامزد و ازدواج کرده است. زن دوست او می شود. از طریق زن، نسل های آینده می آیند. وقتی زنش می میرد، دنبال زن دیگری می گردد. به زن او مقید است. پس چرا بهش میگی بد؟ از او پادشاهان متولد می شوند. از زن، زن متولد می شود. بدون زن، اصلاً کسی وجود نخواهد داشت. گورو نناناک SGGS 473 صفحه

در مورد مهریه: «پروردگارا نامت را به عنوان هدیه عروسی و جهیزیه من قرار ده». شری 18 SGGS گورو رام داس جی، صفحه 78، خط

در مورد عمل پرده می فرماید: «بمان، بمان ای داماد، صورت را با حجاب نپوشان، آخرش نصف صد هم برایت نمی آورد، آن که پیش از تو بودی روی او را حجاب می کرد. رد پای او نرو، تنها محسن در حجاب این است که چند روزی مردم بگویند چه عروس بزرگواری آمده است، حجاب تو درست است که بگذری و برقصی و جلال بخوانی. الحمدلله - ص 484، SGGS

زنان و در واقع همه روح‌ها به شدت تشویق شدند تا زندگی معنوی داشته باشند: بیایید، خواهران عزیز و همراهان معنوی من؛ مرا در آغوش خود بغل کنید. بیایید به هم "بپیوندیم و داستان هایی از خداوند شوهر توانامان تعریف کنیم." - گورو نناناک ، صفحه 17,SGGS.

دوست، همه لباس های دیگر شادی را خراب می کند، پوشیدن اندام عذاب است و با "صفحه 16 SGGS - فکر ناپاک ذهن را پر می کند

عمامه اهمیت

1500 حدود است بوده و است سیک یک زندگی از ناپذیر جدایی بخشی توریان داده زینت را عمامه ها سیک، سیک آیین بنیانگذار، نناناک گورو زمان و میلاد از بعد اند.

های واژه، شودمی کوتاه «دستار» یا «پاگ» به اغلب که «پاگری» یا عمame لباسی به کلمات این همه. هستند چیز یک برای مختلف های گویش در مختلفی روسی. پوشند می خود سر پوشاندن برای زنان هم و مردان هم که دارد اشاره گاهی یا شده پیچیده سر دور که است بلند روسی پارچه تکه یک از مشکل فقط را عمame، هند در سنتی طور به. است درونی پانکا یا «کلاه» یک اوقات دارای که مردانی. پوشیدند می، بودند جامعه در بالایی موقعیت دارای که مردانی بپوشند عمame نداشتند اجازه بودند پایین طبقات یا پایین موقعیت.

پنج از یکی عنوان به را نشده کوتاه موهای داشتن نگه سینگ گوبیند گورو چه اگر 1469 سال در سیکی آغاز همان از اما، بود کرده اجباری اعتقادی اصل پنج یا کی جهان در دین تنها سیکیسم. است بوده مرتبط سیک آیین با که است زیادی مدت در که افرادی اکثربت. است الزامی بالغ مردان تمامی برای عمame پوشیدن. است نیز دستار آن به) سیک پاگدی. هستند سیک پوشند می عمame غربی کشورهای است عمame برای تری محترمانه کلمه پنجابی در که، گوبیند می

طور به. هستند مشهور خود متمایز و متعدد های عمame خاطر به ها سیک برای فقط زمانی که هاستمدت و است احترام دهنده نشان عمame، سنتی به مجاز مسلمانان تنها، هند بر مغول تسلط زمان در. است رفته می کار به اشراف شدند منع پاگری پوشیدن از شدت به مسلمانان غیر همه. بودند زدن عمame

های سیک تمام از، ها مغول توسط تجاوز این از سرپیچی در، سینگ گوبیند گورو شناختن رسمیت به عنوان به باید این. بگذارند سر بر عمame که خواست خود پوشیده، بود کرده ترسیم خلسه در پیروانش برای او که بالایی اخلاقی معیارهای متمایز جهان بقیه از» باشد مصمم و باشد متفاوت اش خالصه خواستمی او. شود دنبال بود شده تعیین سیک گوروهای توسط که را فردی به منحصر مسیر و «شود از همیشه، داشت نظر در گورو که همانطور، پوش عمame سیک یک، بنابراین. کند نه او "قدس سریازان" که خواست می او زیرا. است بوده متمایز جمعیت میان شوند پیدا نیز راحتی به بلکه، باشند تشخیص قابل راحتی به تنها

نوار یک تنها دیگر عمame، گذارد می سر بر عمame سیک زن یا مرد یک که هنگامی لباس چهار همچنین و، عمame. شود می یکی سیک سر با زیرا. است پارچه فوق دنیوی و معنوی اهمیت دارای، گذارند می سر بر ها سیک که دیگر ایمانی - است زیاد بسیار عمame پوشیدن با مرتبط نمادهای که حالی در. است ای العاده ها سیک که اصلی دلیل اما، تقوا و شجاعت، نفس عزت، فدایکاری، حاکمیت

بنیانگذار به آنها احترام و اطاعت، عشق دادن نشان گذارند می سر به عمامه سینگ گوبیند گورو خلسا. است عمامه

و ها سینگ عنوان به را خود ما که است اینگونه. ماست به ما گورو هدیه عمامه" کنیم می گذاری تاج نشینند می خود بالاتر آگاهی به تعهد تخت بر که کائورهایی لطف، سلطنت دهنده نشان فرافکنانه هویت این، یکسان طور به زنان و مردان برای بی تصویر در ما که است دیگران به ای نشانه این. است بودن فرد به منحصر و چیزی دهنده نشان عمامه. هستیم همه به خدمت وقف و کنیم می زندگی نهایت برجسته خود عمامه بستن با گیرید می تصمیم وقتی. نیست کامل تعهد جز میلیارد شش بین از که فردی. اید ایستاده مجرد یک عنوان به ترس بدون، شوید "است برجسته عمل یک این. است متمایز نفر

شماست سفر در کلیدی جوهر فروتنی

فروتنی یکی از جنبه های مهم آیین سیک است. بر این اساس سیک ها باید با خضوع در برابر خداوند تعظیم کنند. فروتنی یا نیمراتا در پنجابی کلماتی نزدیک به هم هستند. نیمراتا فضیلتی است که در گوربانی به شدت ترویج می شود. ترجمه این کلمه پنجابی «تواضع»، «خیرخواهی» یا «تواضع» است. کسی که ذهنش با این فکر که بهتر یا مهمتر از کسی «است منحرف نمی شود.

نیست بالا در صحیحی حمله - مشکل ناحیه

از ضروری بخشی و دهنده پرورش را آن باید ها انسان همه که است مهمی ویژگی این چهار. کند همراهی را ها سیک همیشه باید ویژگی این و است ها سیک ذهن مجموعه از عبارتند ها سیک زرادخانه در دیگر ویژگی (بیار) عشق و (دایا) سفقت، (سانتوخ) رضایت، (ساعت) حقیقت.

این پنج خصلت برای یک سیک ضروری است و وظیفه آنها مراقبه و قربانی خواندن این فضیلت ها و تبدیل آنها به شخصیت خود است.

گوید می ما به قربانی آنچه:

ثمره فروتنی، آرامش و لذت شهودی است. آنها با فروتنی به تعمق در خداوند، گنج "برتری ادامه می دهند. موجود خداشناس در فروتنی غوطه ور است. کسی که قلبش از رحمت با فروتنی پایدار برخوردار است. سیک ها فروتنی را به عنوان التماس "می دانند. کاسه در برابر خدا

سیک آیین گورو اولین ، نناناک گورو:

گوش دادن و باور با عشق و تواضع در ذهن خود را با نام پاک کنید، در حرم مقدس" صفحه 4 - SGGS ."

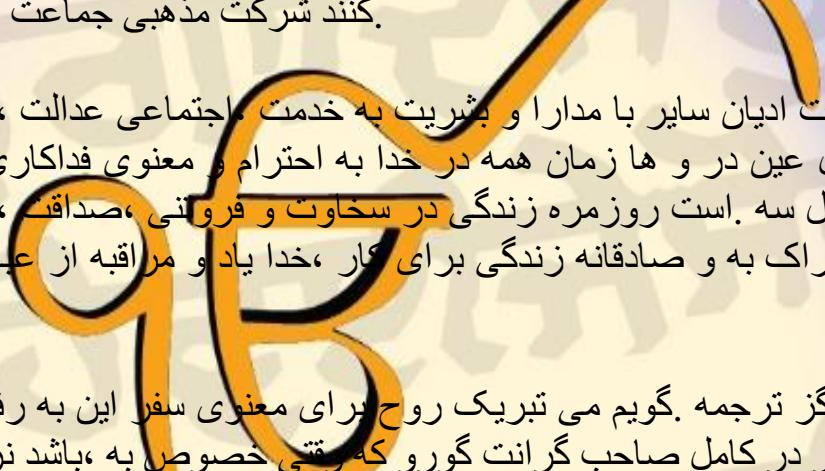
قناعت را گوشواره خود قرار دهید، فروتنی را در کاسه التماس خود قرار دهید، و "صفحه 6 - SGGS ." خاکستری را که به بدن خود می زنید مدیتیشن کنید.

در قلمرو فروتنی، کلمه زیبایی است. اشکال زیبایی بی نظیر در آنجا شکل می "صفحه 8 - SGGS ." گیرد.

صفحه SGGS - "حیا، فروتنی و درک شهودی مادرشوهر و پدرشوهر من هستند" 152.

معنویت سوی به سفر

سیک گوروهای از شاعرانه ترکیبی، است جاودانه زنده گورو یک صاحب گرانت گورو است بشریت همه به آنها طریق از خداوند جانب از ای هدیه تالیف مسلمان و هندو مقدسین نوع هر از ستم و ظلم بدون الهی عدل بر مبنی ای جامعه صاحب گرانت گورو در دیدگاه احترام آن به و کند می تصدیق را اسلام و هندوئیسم مقدس متون گرانت که حالی در است، صاحب گرانت گورو در نیست ادیان این از یک هیچ با اخلاقی آشتی معنای به، گذارد می مشابه روحی دارای زنان هستند احترام مورد بسیار مردان با برابر های نقش با زنان برای برابر شناس با خود معنویت پرورش برای برابر حق دارای بنابراین و هستند مردان و اجتماعی، فرهنگی، مذهبی های فعالیت تمام در توانند می زنان هستند رهایی به رسیدن کنند شرکت مذهبی جماعت رهبری جمله از سکولار.



است ادیان سایر با مدارا و بشریت به خدمت اجتماعی عدالت، برابری طرفدار سیکیسم حال عین در و ها زمان همه در خدا به احترام و معنوی فداکاری، سیک آیین اصلی پیام اصل سه است روزمره زندگی در سخاوت و فروتنی، صداقت، شفقت های آرمان تمرين اشتراک به و صادقانه زندگی برای عمار، خدا یاد و مراقبه از عبارتند سیک مذهب اصلی دیگران با گذاشتن.

هرگز ترجمه گوییم می تبریک روح برای معنوی سفر این به رفتن برای تلاش خاطر به شعر در کامل صاحب گرانت گورو که وقتی خصوص به، باشد نزدیک اصل به تواند نمی اساطیری های داستان، الهی پیام در. کند می دشوار بسیار را کار استعاره از استفاده و باشد لطفاً شودمی استفاده غیره و بر هما، لاکسمی، هارناکاش، پرالهد از اغلب مسلمان و هندو است این بر تمرکز. کنید درک را آنها اصلی پیام بلکه، نخوانید کلمه واقعی معنای به را آنها است انسان زندگی هدف او با اتحاد و است یکی خداوند که

شما زبان به را الهی پیام تا است شده انجام داوطلب چندین توسط ها سال طول در کار این دوست ما و بزنید ایمیل walnut@gmail.com به لطفاً، دارید سوالی اگر برساند شما به بپیوندیم شما به سفر این در داریم.